

۱۸- ایلات منطقه سردشت :

در منطقه سردشت مرز عراق ایلات با سککوله ، ملکاری ، باپیر آقائی ، پشتدریها زندگی میکنند و بطور کلی تخته قاپو شده اند و از طریق زراعت روزگار میگذرانند و گله داری متوسطی دارند . مذهب ایشان تسنن است و صنایع ایشان گلیم ، جاجیم و موج میباشد .

۱۹- ایل ارسباران :

طوایف ارسباران در منطقه آذربایجان شرقی سکنی دارند . بیلاق بخشی از ایشان کوههای اطراف سبلان و ارسباران و قشلاق ایشان جنوب دشت مغان و اطراف قره رود و کنار رود ارس است و عبارتند از چلبیانلو ، قره چورلو ، محمدخانلو ، ساجی . علملو ، حسنبیگلو (حسن بیگلو) ، حسن گلو . عده معدودی که دارای اغنام و احشام هستند در تابستان بکوههای اطراف (ارسباران و سبلان) و در زمستان به مغان و اطراف قره رود ، کنار رود ارس بیلاق و قشلاق مینمایند . طوایف ارسباران بزراعت گندم ، جو ، برنج و گله داری علاقمند و امرار معاش ایشان از این راه میباشد . و شیعه مذهب میباشد .

قشلاق طوایف دیگری از ایل ارسباران بشرح زیر در ساحل رودخانه ارس و - بیلاقشان در ارتفاعات اهر و مشکین شهر و اطراف آن می باشد :

خلیفه لو ، اودلو ، ساریجان بگلو ، بیگلو ، عیسی لو ، مستعلی بگلو ، علی بابالو ، زرگر ، آلارلو ، خامسلو ، خلیفه لو مردان ، یکه لو کله سر ، دل آغازدار ، سادات ذارتچی ، قوتلار قره چولو ، عربلو ، قوداز شاهین آجرلو ، بیگلو دورسونخواجه لو ، یورتچی رضا بیگلو ، حسین گلو .

۲۰- ایل شاهسون :

طوایف این ایل در منطقه آذربایجان شرقی استقرار دارند بیلاق آنها ارتفاعات اهر ، مشکین شهر و اطراف آن بوده و قشلاق ایشان در ساحل رودخانه ارس است . وضع کشاورزی و گله داری ایشان خوب میباشد . طوایف شاهسون عبارتند از : کلاش ، حسینخانلو . جلودارلو ، ساربانلاز ، قوجه بیگلو ، کیکلو ، تکلیه ، دمیرچلو ، مغانلو ، طالش میکائیلو ، کور عباسلو ، آجرلو ، بیکدیلو همونلو ، سیدلر ، قلیلو ، حاج خواجه لو ، پرایونلو ، جعفر لو ، بیک باطو ، مرادلو .



دختر کرد

آداب و رسوم ایلات و عشایر عمده (۱)

آذربایجان شرقی

ارسباران (اطراف سبلان ، اهرودشت مغان)

جشن‌ها و اعیاد : کلیه جشنهای مذهبی را محترم می‌شمارند و در میادین و محله‌ها مجلس رقص و شادمانی تشکیل می‌دهند ، در اعیاد فطر و قربان پس از برگزاری نماز عید بدید و بازدید می‌روند و کلیه اشخاصی که قربانی مینمایند در میدان عمومی با حضور کدخدا و سرشناس ایل با طایفه خود فریضه مذهبی انجام و گوشت قربانی به فقرا تقسیم میشود . در عید نوروز دیدار افراد ایل از بزرگ و سرشناس بیشتر توأم با هدایا میباشد .

خواستگاری و عروسی : عده‌ای از بزرگان وریش سفیدان خانواده داماد بخانه عروس می‌روند و خواستگاری میکنند پس از موافقت و صرف شیرینی مدعوین را برای روز عروسی دعوت مینمایند ، عروسی ۵ الی ۱۰ روز طول میکشد ، در جشن عروسی مهمانان سرشناس با ساز و دهل وارد مجلس میشوند . و اشخاص بنا بمیل خود مبلغی برای کومک بداماد می‌پردازند و اغلب خانواده‌های نزدیک عروس و داماد شتر ، گاو و گوسفند هدیه مینمایند .

نوزاد اول : به نوزاد پسر بیش از دختر اهمیت میدهند ، اگر نوزاد پسر باشد مجلس جشن و سرور بپا مینمایند و برای اطلاع همسایگان در پشت بام یا آلاچیق بته خاری میگذارند که علامت سرور و شادمانی است ولی برای نوزاد دختر هیچگونه علامت نشان داده نمیشود ، در مجلس جشن نوزاد پسر ، مدعوین با پوشیدن لباسهای سرخ و پولاک دوزی و سکه دوزی بمجلس می‌آیند .
اکثرا " ایلات ارسباران شیعی مذهب می باشند ،

شاهسون (اطراف اهر ، مشگین شهر و رودخانه ارس)

اعیاد رسمی : در عید نوروز و اعیاد مذهبی در هر نقطه که باشند شادمانی نموده و بدید و بازدید یکدیگر میروند ، متمکنین هر طایفه به مستمندان طایفه خود کومکهایی جنسی از قبیل آرد ، روغن ، گوشت ، و غیره مینمایند ، طرزخواستگاری و عروسی : در خواستگاری دو نفر ریش سفید از خانواده داماد بچادر عروس رفته و عهد و پیمان می بندند که خیلی بآن اهمیت میدهند ، پس از خوردن شیرینی هیچ رابطهای بین داماد و عروس در زمان نامزدی وجود ندارد ، بلافاصله پس از موافقت و عهد و پیمان در خواستگاری خانواده داماد بمحل عروس رفته (یک روسری کلاغی ، گردن بند ، آئینه ، پارچه و شیرینی) همراه میبرند . پس از چند روز مدعوین را برای عروسی دعوت مینمایند و مدعوین هدایایی از قبیل تفنگ شکاری ، آئینه و شیرینی و غیره همراه میآورند ، بمحض نزدیک شدن مدعوین خانواده داماد بادسته نوازندگان باستقبال میآیند ، همه مهمانان در شب عروسی در منزل داماد خواهند بود و مبلغی به آشپز و آبدار انعام میدهند ، این مراسم چند روز ادامه داشته و در آخرین روز مدعوین به محل یا چادر عروس رفته و عروس را همراه میآورند . در آخرین لحظه که عروس قصد خروج دارد یکی از بچه های خانواده عروس کمر بند زیبای طلائی به کمر عروس می بندد و عروس بطرف خانه داماد حرکت میکند . در جلو عروس آئینه و در عقب جهیزیه همراه است . همینکه عروس به داماد نزدیک شد ، داماد سیب سرخ یا دسته گلی بطرف عروس پرتاب میکند و کشتی گیران ، سوارکاران هریک بکار خود مشغول میشوند ، در این طایفه عمل طلاق بندرت انجام میشود .

آذربایجان غربی

خلیکانلو (ایل جلالی) (در مرزهای شوروی و ترکیه)

جشنها و اعیاد : بزرگترین و باشکوه ترین اعیاد ایل جلالی عید قربان "اضحی" است که فوق العاده باین عید اهمیت میدهند و بهترین لباس را میپوشند ، هر کس به فراخور حال خود گاو و گوسفند قربانی نموده به مستمندان میدهد و سه روز تعطیل عمومی دارند . پس از عید قربان ، در مقام اهمیت " عید فطر " است که ضمن دید و بازدید جشن برپا میکنند ، به عید نوروز چندان اهمیت نمی دهند ولی برای چهارشنبه سوری بیش از عید نوروز اهمیت قائلند ، در این شب بهترین غذا را طبخ و آتشبازی بر پا میشود و تا نیمه شب ادامه دارد .

چهارمین عیدی که در این ایل مرسوم است به عید " خذرنبی " (خضر) معروفست که در شب اول اسفند جشن میگیرند.

طرز خواستگاری و عروسی: از برای خواستگاری یکی از ریش سفیدان خانواده داماد بخانه دختر میرود و پس از رضایت کامل بستگان دختر، بستگان پسر با کله - قند بمنزل اورفته درمورد " شیربها " صحبت میکنند. شیربها نسبت بوضع خانواده دختر عبارت خواهد بود از ۵۰ تا ۲۰۰ گوسفند، چند رأس اسب و گاو و چند عدد لیره، چند دست خلعت و غیره. گوسفند هر چند زیاد باشد طلا و غیره هم بهمان نسبت زیادتر است. خانواده پسر در مورد شیربها نمیتواند عقب نشینی کند چون یک نوع توهین است و دیگر کسی باین خانواده دختر نمیدهد. البته در این قبیل مواقع ریش سفیدان دخالت مینمایند، پس از موافقت درباره شیربها خانواده پسر شیربهارا به خانه عروس برده و تحویل میدهند و روز عروسی تعیین میگردد. حضور مدعوین در جشن عروسی اجباری است و هدایایی از قبیل پول یا گوسفند یا هدایای دیگری بداماد میدهند، جشن عروسی سه روز طول میکشد، در خاتمه سه روز عروس را بطرف خانه داماد سواره حرکت میدهند. سوارکاران در جلو و سواری که زودتر بخانه داماد برسد از داماد هدیه میگیرد. بمحض نزدیک شدن عروس بخانه داماد، داماد بمنزل یکی از اقوام رفته و آن شخص یک دست لباس برای داماد تهیه میکند، زن این شخص " ینگه " عروس میشود، این شخص داماد را بخانه خودش برده و ینگه، عروس را به حجله میبرد. هر کس بخواهد عروس را ببیند باید هدیه ای بدهد. اگر اتفاقاً عروس دوشیزه نباشد!! روز بعد او را سوار الاغ نموده بخانه پدرش برمی گردانند.

طرز طلاق: افراد عشایر جلالی که سنی مذهبند برای طلاق، مرد درحضور سه نفر یا بیشتر سه سنگ برداشته با انداختن یک یا دو یا هر سه سنگ زن را یک یا دو یا سه بار طلاق میدهد. اصولاً " طلاق در این منطقه کم است.

مراسم تغسیل و تدفین: خانواده متوفی اگر هم فقیر باشد باید گاو و گوسفند کشته و گوشت آنرا خیرات کند. بستگان شخص متوفی برای تسلیت بمنزل شخصی میت خواهند آمد ولی حتماً باید از ۲۰ روز پس از فوت تجاوز ننماید. در فوت مرد، زنی که با او نزدیکتر است از قبیل عیال یا مادر یا خواهر مقداری از موی خود را چیده و با مرده دفن میکند و مقداری هم به لباس مرده دوخته و در مجلس عزاداری زنانه قرار میدهد که باعث تحریک مردم برای گریه کردن شود.

در صورتیکه مرده جوان باشد اسب او را زین و برگ نموده لباسهای او را روی اسب قرار میدهند و موقعی که اشخاص برای تسلیت میآیند اسب را یک نفر جلو آنها می برد که گریه و شیون آنان را تشدید نماید .

موقعی که زن فوت شده را برای شستشو میبرند بایستی دارای گردن بند - حتی از منجوق - باشد که مرده شوی آنها را برای خود بردارد .
میلان (مرز شوروی و ترکیه)

جشن ها و اعیاد : این ایل برای عید اضحی و عید فطر اهمیت خاصی قائلند ، عید نوروز جزو اعیاد معمولی است . مذهب ایلات میلان تسنن می باشد .
طرز خواستگاری و عروسی : اول در حضور عده ای خانواده عروس و داماد از دختر رضایت و اقرار میگیرند و سپس شیربها را تعیین و میدهند . پس از آن دعوت برای عقد نموده و در جریان عقد نزدیکان دختر و جوه یا اموالی از نزدیکان پسر میگیرند . هنگام عروسی این هدایا را همراه دختر میفرستند .
حیدرانلو (مرز ترکیه)

جشن ها و اعیاد : عید نوروز را مانند شهری ها برگزار می کنند ، مراسم روز ۱۳ عید مرسوم نیست .

در عید نوروز و قربان افرادی که متمول هستند و قادر میباشند هر یک یک قوچ قربانی و گوشت آنها را بین افرادی بضاعت تقسیم مینمایند و به دید و بازدید میروند .
طرز خواستگاری و عروسی : اگر پسر دختری را بخواهد یا لچک دختر را برداشته باشد دیگر کسی به خواستگاری این دختر نمی رود و پدر یا مادر یا ولی پسر مجبورند از این دختر خواستگاری نموده و هر قدر وجه نقد یا گوسفند و غیره بخواهند بدختر بدهند . در خواستگاری که توافق شد مجلس با اعلام " مبارک باد " خاتمه می یابد و سپس خانواده داماد برای خانواده عروس شیرینی و خلعت میبرند ، این موضوع با ساز و دهل و سرنا و تار و کمانچه انجام میشود ولی مدعوین دیگر هدایا نمیبرند . برای عروسی اشخاص را با فرستادن نامه یا کله قند یا قوچ دعوت مینمایند و مدت یک هفته تشریفات عروسی برپاست ، در ظرف این هفته اغلب مدعوین مهمان داماد خواهند بود و حتی وسیله حرکت مدعوین هم بعهده داماد است . خانواده داماد در جشن عروسی دستمالی در وسط پهن نموده و حاضرین بتناسب قدرت خود مبلغی بروی دستمال میگذارند .

نوزاد اول : بمحض اطلاع بستگان از تولد نوزاد هدایایی از قبیل قوچ ، گوسفند ، لباس یا شیرینی برای نوزاد میفرستند ، بین نوزاد پسر و دختر فرقی قائل نیستند .

ممکانلو (در مرز ترکیه - قطور)

جشنها و اعیاد : به عید فطر و قربان اهمیت خاصی میدهند . عید نوروز هم در این ایل بسیار اهمیت دارد .

طرز خواستگاری : ابتدا خانواده^۱ پسر بمنزل دختر رفته و پس از جلب موافقت دختر و رضایت والدینش مهریه و شیربهای دختر را تعیین و هر قدر مهریه^۲ دختر زیادتر باشد والدین دختر افتخار بیشتری دارند سپس شیرینی خوران نموده و بعد از چند روز عروسی شروع میشود ، در مراسم عروسی عموم زنان جوان بالباسهای فاخر و رنگارنگ حاضر شده و با صدای طبل و تنبور مجلس شادمانی و سرور همراه است . بعد از دو روز - عده ای سوار با اسبهای قوی خود و با چابکسواری و تاخت و تاز برای آوردن عروس بمنزل وی رفته و با شلیک چند تیر دختر را سوار نموده بطرف منزل داماد میآورند . در اولین وهله که دختر بمنزل داماد میرود با داماد بنای رقص را میگذارد و مدعوین پولهای زیادی بسر آنان میریزند و سایر زنان پولها را جمع میکنند .

طرز طلاق : اگر محضر رسمی وجود نداشته باشد عمل طلاق اغلب پیش ریش - سفیدان محل صورت میگیرد و این عمل با انداختن سه سنگ انجام و نفقه و اموال مربوط به زن را نیز تحویل وی میدهند .

شکاک (اطراف ارومیه و سلماس) شافعی سنی مذهب .

جشنها و اعیاد : عید نوروز در این ایل مرسوم نیست ، در عید فطر پس از انجام نماز و عادر مساجد بیک دیگر تبریک گفته و بدید و بازدید نزدیکان میروند و این مراسم تاده روز طول میکشد . عید قربان : قربانی کردن بین خانهای ایل مرسوم و گوشت حیوان قربانی به فقرا داده میشود خانواده های درجه ۲ و ۳ هر سه نفر یک گوسفند قربانی میکنند .

طرز خواستگاری و عروسی : خانواده^۱ پسر بخانه^۲ دختر رفته در صورت تمایل در مرتبه^۳ اول باید دختر و پسر یکدیگر را ببینند و در معنی بپسندند ، بعدا " خانواده پسر شیربها را تعیین میکند پس از دادن شیربها هدایایی از قبیل اسب ، ساعت و غیره به کسان نزدیک دختر از طرف کسان نزدیک پسر داده میشود . کسان پسر تحف و هدایایی برای عروس تهیه و اقوام خود را برای دیدن هدایا بمنزل خود دعوت میکنند ، مدعوین بفرخور حال خود برای عروس خلعت و هدایایی تهیه مینمایند و بخانه^۴ داماد میفرستد ، پس از بازدید هدایا در منزل داماد آنها بخانه^۵ عروس

فرستاده میشود و مدعوین ناهار و شام مهمان داماد میباشند. در ظرف مدت پذیرایی در خانه داماد به کسان نزدیک عروس از طرف خانواده داماد هدایایی داده میشود و روز عروسی که اغلب روز پنجشنبه است تعیین میشود. در این روز مدعوین در خانه داماد حاضر و پس از دو روز شادمانی با کاروان مجللی عقب عروس میروند، سواری و تیراندازی و رقص و آواز در راه همراه کاروان خواهد بود. بمحض نزدیک شدن کاروان خانواده عروس جلو آمده و عروس را سوار میکنند، از خانواده عروس فقط یک نفر بنام ینگه همراه عروس است.

همینکه عروس بخانه داماد رسید از پشت بام شیرینی، قند، سیب به سر عروس میریزند. عروس بخانه داماد وارد ولی نمی نشیند تا پدر داماد اجازه دهد آنهم با اهداء خلعت. مجلس جشن و شادمانی تا چند روز باقی است، پس از ده الی ۱۵ روز پدر و مادر عروس بخانه داماد آمده هدایایی همراه میآورند و در مراجعت از طرف خانواده داماد هدایایی متقابلاً "به آنان داده میشود.

طرز طلاق: هنگام طلاق دادن شوهر سه مرتبه با حضور سه نفر شاهد بزن خود میگوید ترا سه طلاقه کردم آزاد هستی و اگر زن طلاق بخواهد باید کلیه مهریه خود را ببخشد.

افراد شکاک کلاه خودشانرا از نوعی نمد تهیه میکنند که بشکل استوانه و بلند است که بر سر میگذارند و بدور آن شالی میپیچند و لباسهای ایشان اغلب پیراهن و شلوارهای سواری و عموماً "کمر بند و شال استعمال مینمایند. زبانشان لهجهای از پارسی قدیم است.

هرکی (مرز ترکیه و عراق)

اعیاد و جشنها: عید نوروز و ۱۳ نوروز بین ایل هرکی مرسوم نیست، برای عید فطر و قربان و عید مولود حضرت محمد (ص) اهمیت خاصی قائلند. در عید فطر مراسم نماز عید را انجام و ناهار را که باید حتماً "پلو باشد در منزل صرف می نمایند و چای باید در منزل مالک یا ملای ده خورده شود. در عید قربان حاجی ها حتماً "یک گوسفند قربانی میکنند در این عید برای افراد سرشناس ایل و مالکین هدایایی از قبیل کله قند، مرغ و غیره میبرند. افراد ایلات هرکی سنی مذهب می باشند.

طرز خواستگاری و عروسی: مردان عشایر آنهایی که بضاعت ندارند بمنظور فرار از شیربها باعث فرار دختر میشوند و این موضوع بحد وفور شایع است.

مردانیکه تمکن ندارند قبلا "بازن مورد نظر تماس گرفته بعد خواستگاری میکنند، شیربها در همین جلسه تعیین میشود و پس از چند روز شیربها که عبارتست از وجه نقد، گاو و گوسفند بمنزل عروس از طرف داماد فرستاده میشود. پس از تحویل شیربها روز عقد تعیین و اغلب در ایل (هرکی) عقدکنان و عروسی یک روز است. در روز عقد مدعوین از طرف خانواده داماد با ارسال کله قند دعوت میشوند. دعوت شدگان سواره بالباس و هدایایی وارد منزل داماد میشوند. سپس تعدادی از نزدیکان داماد عقب عروس رفته و عروس را در حالیکه پیشاپیش او سواران به تیراندازی و پرتاب نیزه مشغولند به خانه داماد میآورند.

طرز طلاق: در بین عشایر هرکی رسم نیست که زن را در محضر رسمی طلاق بدهند و طلاق هم کمتر اتفاق میافتد، در موقع طلاق زن را نزد ملای ده برده و در حضور ملا و چند شاهد سه سنگ برداشته و پس از ادای سوگند سنگها را بسوی زن پرتاب و اظهار میدارد از این تاریخ ترا طلاق میدهم و زن مطلقه میگردد.

زرزا (منطقه اشنویه)

اعیاد و جشنها: به عید نوروز و چهارشنبه سوری و روز ۱۳ علاقه زیادی دارند و از اعیاد مذهبی عید قربان و عید فطر و مولود حضرت پیغمبر را جشن میگیرند همچنین به عید نیمه شعبان اهمیت زیادی قائلند، اینان سنی مذهب میباشند. طرز خواستگاری و عروسی: طرز خواستگاری دو نوع است یکی اینکه بوسیله خواستگاری دختر را عقد و با مراسم محلی باعیش و شادی بخانه میآورند. دوم اینکه در صورت عدم رضای پدر و مادر اگر پسر دختری را بخواهد رضایت طرفین حاصل شود شبانه پسر و دختر را بخانه یکی از اقوام و یا معتمدین میبرند بعدا "با صلح و سازش و تراضی صیغه عقد جاری میشود سپس مراسم عقدکنان مفصلی دایر می شود. تحفه و هدایا مرسوم نمیشد.

قره پایاق (سلدوز)

روسای این قبیله شیعی اما افراد عادی ایل عموما "سنی شافعی هستند، اعیاد و جشنها: به عید نوروز خیلی اهمیت میدهند و ماه اسفند را ماه عید گویند، چهارشنبه اول اسفند را دروغگو، دوم را راستگو، سوم را سیاه و چهارم را "اجر" گویند. روز چهارشنبه اول، جوانان روی بام یا تپه رفته و آتش افروخته

نشانه‌روی و تیراندازی میکنند. در چهارشنبه سوم کسانیکه در عرض سال از خانواده یا بستگان آنها فوت نموده با طبق‌های میوه و شیرینی سر خاک رفته پس از فاتحه‌خوانی شیرینی و میوه را به مستمندان میدهند. در روز چهارشنبه سوری یعنی چهارشنبه آخر اهالی لباس نو میپوشند و بهله‌لله و شادی و آتش‌افروزی میپردازند و بدید و بازدید میروند، صبح‌روز چهارشنبه آخر، قبل از طلوع آفتاب زن و بچه کنار رودخانه رفته از آب چهارشنبه استفاده نموده و کوزه خود را پر نموده برای سال نو تیمنا نگه میدارند.

عید قربان: افراد گوسفند قربانی کرده و بین مستمندان تقسیم مینمایند. برای عید فطر هم اهمیت زیادی قائلند و بدید و بازدید میروند.

طرز خواستگاری و عقد و عروسی: پس از توافق کسان دختر و پسر در خانه دختر مراسم شیرینی خوران انجام و خواندن صیغه عقد در همین جلسه است و پس از چند روز دیگر عروسی بر پا میشود و برای آوردن عروس عده‌ای از سوارکاران با ساز و دهل عقب عروس میروند.

مامش (مرز عراق)

جشن‌ها و اعیاد: مراسم عید قربان و تولد حضرت رسول اکرم (ص) با تجلیل فراوان برگزار میگردد. در عید نوروز آتش فراوانی بر پا نموده بدید و بازدید میپردازند.

خواستگاری و عقد و عروسی: چند نفر از کسان پسر به خواستگاری دختر میروند، اگر طرفین دختر و پسر داشته باشند مبادله میگردد و در غیر این صورت شیربها تعیین میشود که البته در حال حاضر مقدار آن زیاد نیست، در جشن عروسی تمام زن و مرد طایفه جمع شده و جلو منزل داماد شادی می‌نمایند. از طرف خانواده‌های نزدیک داماد برای هزینه پذیرایی مدعوین کومک میشود ولی تحف و هدایا از طرف مردان داده نمیشود بلکه زنان طایفه روز بعد از زفاف که بدیدار عروس میروند هر یک بسته بوضع و شخصیت خود تحف و هدایا و سکه‌های طلا بعروس میدهند.

پیران (مرز عراق)

مراسم‌شان مانند ایل مامش است. سنی مذهبند.

منکور

مراسم آنان نیز مانند ایل مامش است. اینان نیز سنی مذهب می باشند.

دهبکری

اعیاد و جشنها: عید فطر و عید قربان را محترم می شمارند و در عید فطر دید و بازدید می نمایند. شب تولد حضرت محمد (ص) را در مساجد جمع و دسته جمعی دعا می نمایند. مراسم عید نوروز مرسوم نیست. بقیه امور مانند سایر ایلات مهاباد است.

گورک مهاباد (جنوب مهاباد سنی شافعی مذهبند)
مراسم آنها مانند طایفه مامش است.

عشایر منطقه کردستان و اطراف آن:

۱- طوایف کلاسی و عثمان بیگی، احمدی، لطف الله بیگی، بهرام بیگی، شهیدی کلا " در منطقه بانه سکونت دارند، تخته قاپو شده اند، از طریق زراعت گندم، جو و توتون و حبوبات امرار معاش میکنند و اغلب سنی شافعی مذهبند و از صنایع دستی آنان میتوان از گلیم، جاجیم، شال بافی یاد کرد.

۲- ایلات منطقه سقز

الف- طایفه گورک سقز

کلیه آنها تخته قاپو شده و خانواده هائیکه علوفه شان کم است احشام خود را با طراف بانه می برند. این طایفه با گورک سردشت و مهاباد رابطه داشته و امرار معاش ایشان از طریق کشاورزی مخصوصاً "محصول زراعت توتون است که خیلی مرغوب میباشد و بقیه محصولات زراعتی آنها گندم، جو، ذرت و برنج است. تمکن مالی این طایفه در درجه یک اهمیت است. روابط ایل گورک سقز با گورک مهاباد و سردشت حسنه است. مذهب اینان سنی (شافعی) بوده و در صنایع دستی به موج، گلیم، جاجیم و شالی بافی می پردازند.

ب- طوایف تیله‌کوه، فیض‌الله بیگی و جاف سقز

این طوایف بطور تخته قاپو زندگی مینمایند بیلاق و قشلاق ندارند، از طریق کشاورزی و گله‌داری امرار معاش مینمایند. حدود تمک مالی ایشان متوسط است، و محصولات زراعتی آنها گندم، جو، ذرت و توتون میباشد. شافعی مذهب بوده و شال، گلیم و جاجیم میبافند.

پ- طوایف کلالی، کلهر، اردلان، وکیلی قبا علو، سرشیو سقز، ده‌بکری سقز، خورخوره، گوره قلعه دیوانی نیز وضع مشابه طوایف مذکور در پاراگراف ۲ فوق را دارند.

۳- طوایف اطراف مریوان:

طوایف کهنه پوش، کانی سانی، در مریوان و اطراف آن ساکن بوده، عملاً "تخته قاپو شده" اند و به زراعت و گله‌داری می‌پردازند، گلیم، جاجیم و شال میبافند و مسلمان شافعی مذهب میباشند.

۴- طوایف اطراف اورامان

طوایف فتح‌علی بیگی، میران بیگی، بهرام بیگی، حسن سلطانی و مصطفی سلطانی:

دو طایفه فتح‌علی بیگی و میران بیگی تخته قاپو شده و از راه زراعت و فلاحت روزگار می‌گذرانند و شافعی مذهبند و وضعیت سایر طوایف اطراف اورامان به شرح زیر است. بهرام بیگی: این طایفه در منطقه اورمان سکونت داشته و تخته قاپو شده‌اند، محل سکونت آنان در دزلی و چم شامان است. این طایفه اصولاً "به بیلاق و قشلاق نمی‌روند و چنانچه احتیاج به قشلاق پیدا کنند احشام خود را برای تغلیف بخاک عراق می‌فرستند، از طریق کشاورزی و دامپروری امرار معاش مینمایند. تمکن مالی ایشان متوسط، و محصولات زراعتی شان گندم، جو، ذرت و توتون است. سنی مذهب (شافعی) میباشند. حسن سلطانی: این طایفه جزو عشایر منطقه اورامان تخت میباشند، زراعت بعلت سنگلاخی بودن منطقه خیلی کم و فقط مقداری ذرت می‌کارند و بیشتر از طریق خشکبار فروشی و نگاهداری احشام امرار معاش مینمایند، تمکن مالی طایفه متوسط است. این

طایفه نیز سنی شافعی میباشند .

مصطفی سلطانی :

این طایفه در جنوب اورامان در منطقه رزاب سکونت دارند عموماً "تخته قاپو گردیده و امرار معاش ایشان از زراعت گندم ، جو و مختصر توتون و گله داری است . حدود تمکن مالی آنها متوسط است . قشلاق این طایفه چمکوه است سنی شافعی مذهبند . گلیم ، جاجیم و شال نیز میبافند .

۵- طوایف اطراف دیواندره :

طوایف قمری ، جوجه‌رشی ، کاملی ، مرادکورانی ، مندومی در اطراف دیواندره سکونت دارند و تخته‌قاپو شده‌اند . این طوایف مسلمان شافعی مذهبند و حدود تمکن مالی آنها بد و محصولات زراعتی ایشان گندم و خیلی مختصر جو است .

۶- طوایف اطراف سنندج :

طوایف سادات نقشبندی ، زند ، کلانترزان در اطراف سنندج و کماسی در شرق مریوان سکنی دارند . عموماً "تخته قاپو شده‌اند و به زراعت و فلاحت مشغولند ، گله‌داری متوسطی دارند و مسلمان شافعی مذهبند .

۷- طوایف اطراف کامیاران :

طوایف کشکی و کمانگر در اطراف کامیاران سکنی دارند . اینان نیز شافعی مذهبند و عموماً "تخته قاپو شده‌اند و تمکن مالی آنان متوسط است .

مختصری از آداب و رسوم طوایف کردستان :

کتاب ایرانشهر نشریه شماره ۲۳ کمیسیون یونسکو در ایران از صفحه ۲۳۷ جلد اول اعیاد و جشنها : عموماً "اهالی کردستان باقتضای مذهب تسنن به عید فطر و قربان و تولد حضرت رسول اکرم (ص) اهمیت خاصی قائلند . در عید فطر و قربان اول صبح در مساجد جمع و پس از ادای نماز عید دست و روی همدیگر را میبوسند و از یکدیگر حلال بودی طلب مینمایند . اما عید نوروز با برافروختن آتش که از قدیم الایام معمول بوده ، برگذار میگردد .

خواستگاری و مراسم عقد و عروسی : طرفی که مایل است مثلاً " برای فرزند خود دختری از شخص دیگر بگیرد ، باید در مقابل دختری بعنوان زوجیت به پدر دختر خواستگاری شده یا برادر دختر بدهد و با این ترتیب دیگر شیربهای وجود ندارد

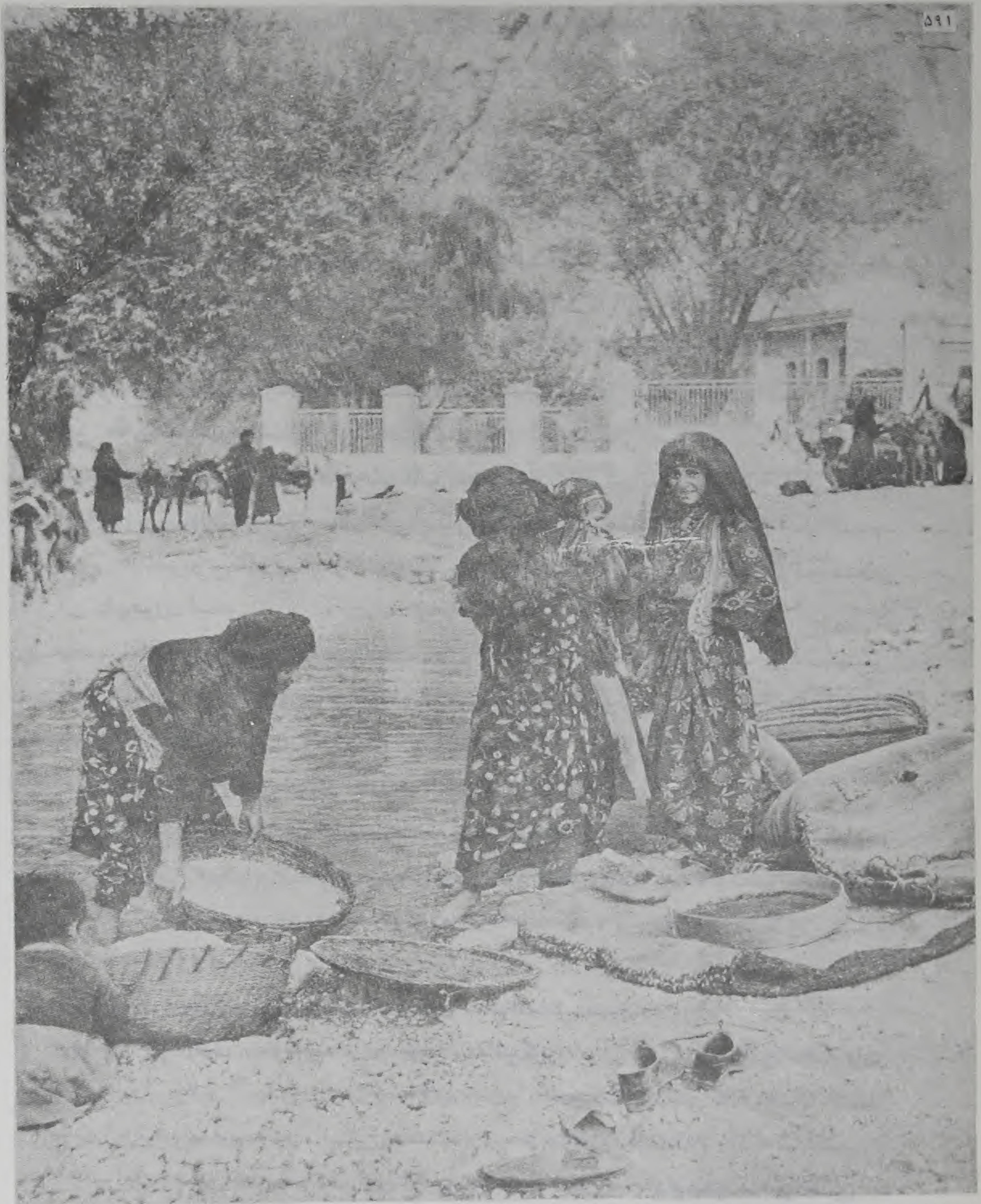
(بطور خلاصه باید دختر بدهد و دختر بگیرد) ولی در مقابل دختری که بدون دادن دختر دیگر از خود، خواستگاری میکنند "شیربها" بدختر و یا به پدر دختر میدهند، البته این غیر از مهریه^۶ دختر است، در هر صورت عده‌ای از ریش سفیدان محل را به منزل پدر دختر که باید خواستگاری شود میفرستد و چنانچه مورد قبول شد بلافاصله کار را انجام شده میدانند (خانواده‌های اغلب روحانیون و افراد سرشناس دختر را از انظار محفوظ و بدین مناسبت فقط به شنیدن اسم و شهرت و اخلاق عروس قانع و تقاضای خواستگاری مینمایند). پس از آن روز عقد را تعیین و طبق مقررات مذهبی مراسم عقد انجام و دختر بدون چون و چرا نظر ولی خود را قبول مینماید. عده‌ای از معتمدین در روز عقد بخانه^۷ عروس رفته، عروس را سوار کرده به خانه^۸ داماد حرکت میدهند و چنانچه در مقابل دختر، دختری دادند در یک روز معین این دو عروس را طوری حرکت میدهند که در وسط راه بتوانند تحویل و مبادله نمایند. بدنبال عروسان یک نفر زن و یک نفر مرد از خانواده و بستگان عروس حق دارند بمنزل داماد بروند و مرسوم است که کلیه^۹ بستگان داماد برای داماد و بستگان عروس برای عروسی تحف و هدایایی مثلاً "پول یا طلا یا پارچه‌های سنگین قیمت میآورند".

پس از نزدیک شدن موکب عروس به محل سکونت داماد با تیر اندازی و سواری ورقص محلی عروس را وارد میکنند، بتناسب سه الی هفت روز در منزل داماد ضیافت ادامه دارد که بمحض ورود عروس پایان میپذیرد. از طرف مدعوین مبالغی به آواز خوان و کسانیکه طبل و تنبک و غیره میزنند بعنوان پاداش داده میشود.

توضیحا^{۱۰} باید اشاره شود که ممکن است رسوم و آداب عنوان شده یادگرگونی های سالهای اخیر ترک شده و یا تحولی یافته باشد.

نوزاد اول: هنگام وضع حمل، اکثر زنان همسایه و آبادی جمع شده در صورتی که وضع حمل بتاخیر بیفتد نزدیک در اطاق یک نفر رو بقبله ایستاده و هفت مرتبه اذان میگویند و یا در لنگه کفش یکی از مقدسین آب ریخته بخورد زن میدهند، تا شب هفتم از نوزاد نگهبانی مینمایند که با اصطلاح خودش از شر جن و غول محفوظ بماند و شب هفتم با مجلس سرور و شادمانی نام گذاری مینمایند.

طلاق: در صورتیکه مردی بخواهد زنی را طلاق دهد باید تمام مهریه را تادیه کند ولی چنانچه زن بخواهد طلاق بگیرد و شوهر راضی نباشد مرد پولی به زن خود مینماید و طلاق او را میدهد و زن مجبور است هر وقت شوهر اختیار کند پول بسته شده را بشوهر قبلی خود پرداخت کند تا بتواند شوهر اختیار نماید والا حق شوهر کردن ندارد.



دختران کرد

عشایر باختران

۱- ایل جوانرود: طوایف این ایل عبارتند از:

الف - جوانرودی: این طایفه تخته قاپو شده و امرار معاش آنها از راه فروش محصولات زراعتی و اغنام و احشام است. بیلاق و قشلاق این طایفه جوانرود میباشد.

ب- عناقی: امرار معاش این طایفه از مختصر گندم، جو، ذرت و گله داری است. حدود تمکن مالی آنها متوسط میباشد و تخته قاپو شده اند. و بیلاق و قشلاق این طایفه نیز جوانرود میباشد.

پ- امامی: حدود تمکن مالی آنها خوب و از زراعت گندم، جو و محصولات جنگلی امرار معاش مینمایند و تخته قاپو شده اند. حدود تمکن مالی ایشان خوب است. بیلاق این طایفه شمشیر و قشلاق آن انجیرک بوده و سنی شافعی میباشد.

ت- رستم بیگی: این طایفه تخته قاپو شده اند و از طریق زراعت و گله داری و کسب امرار معاش مینمایند و حدود تمکن مالی ایشان خوب است، محصولات زراعتی آنها گندم، جو و مختصر برنج کاری و محصولات جنگلی میباشد. بیلاق این طایفه انجیرک و قشلاق آن تایچوری است.

ث- باباجانی: این طایفه تخته قاپو گردیده، محصولات زراعتی آنها گندم و جو و امرار معاش ایشان از طریق فروش محصولات زراعتی و گله داری است. مذهبشان اسلام (سنی) میباشد.

۲- ایل اورامان لهون: طوایف این ایل عبارتند از:

الف - طایفه اورامی: این ایل عموماً "تخته قاپو شده اند و از طریق فروش خشکبار و گله داری و زراعت امرار معاش مینمایند، حدود تمکن مالی آنها متوسط و محصولات زراعتی ایشان گندم، جو، ذرت، توتون و میوه جات گردو و به میباشد. بیلاق و قشلاق این طایفه پاهو میباشد.

۳- ایل سنقر کلیائی: طوایف این ایل سنقر کلیائی عبارتند از:

بیگوند، قلعه گری، صوفیوند، موسیوند، عالی گری. این ایل بطور کلی تخته قاپو شده و امرار معاش آنها از راه زراعت گندم، جو، حبوبات و سیفی کاری است. ایل مذکور مرکز سنقر میباشد. اینان بحشم داری علاقمند بوده و مسلمان شیعه میباشند.

۴- ایل احمدوند: طوایف این ایل عبارتند از: امیروند، دم صفوند، دوراجی،

دوست مهر، نبوئی، جانی خانی. عموماً "تخته قاپو گردیده بین باختران و هرسین سکونت دارند، این طایفه بزبان لکی (بین کردی و لری صحبت مینماید). بیلاق ایل

احمدوند میان دربند، کوه بلوچ و قشلاق ایشان امامزاده حسن و نفت شهر می باشد .
طوایف ایل احمدوند نیز شیعه محسوب میشوند .

۵- ایل ثلاث : طوایف این ایل عبارتند از :

الف - ولد بیگی : این طایفه تخته قاپو شده وضع معیشت آنها خوب نیست از زراعت و حشم داری بسختی اعاشه مینمایند . محصولات زراعتی ایشان جو ، گندم و برنج است .

بیلاق این طایفه دولت آباد و قشلاقشان باویسی است . طایفه واد بیگی سنی میباشد .

ب - قبادی : این طایفه تخته قاپو شده و خیلی مایل به فلاحت میباشند ، تمکن مالی آنها خوبست قسمت عمده گدران ایشان از زراعت و حشم داری است محصولات زراعتی آنها گندم ، جو ، برنج بوده ولی قسمت عمده فعالیتشان نگهداری احشام است . بیلاق طایفه قبادی پی نهر و قشلاقشان ازکله و مدهیشان تسن میباشد .

پ - باباخانی : این طایفه متمکن نیستند ، از زراعت و حشم داری امرار معاش مینمایند ، و محصولات زراعتی آنان جو ، گندم و برنج کاری است . بیلاق باباخانی میرآباد و قشلاقشان خان آشور است . اینان سنی مدهبند .

۶- گوران قلخانی . طوایف این ایل عبارتند از .

قلخانی اسپری ، اسپری قلخانی . قلخانی بهرامی ، قلخانی یاسمی ، سادات حیدری ، بطور کلی ایل گوران قلخانی تخته قاپو شده و در محل خود مالک و از طریق کشاورزی و نگاهداری اغنام و احشام امرار معاش مینمایند و حدود تمکن مالی آنها چندان خوب نیست ، محصولات زراعتی ایشان گندم ، جو ، ذرت ، توتون ، چغندر و سایر حبوبات بخشی از اهالی ایل ، سنی و بخشی علی اللهی میباشند . محل بیلاق آنان پالان ، دالاهو ، بیلدهو ، کهواره و قشلاقشان قلعه زنجیر ، میرحصار و جگیران میباشد . اهالی ایل فرش ، جاجیم و جوال نیز میافند .

۷- ایل سنجابی : طوایف این ایل عبارتند از .

چالابی ، صوفی ، علی ولی ، دستجه ، سیمنهوند ، جلیلونند ، عباسوند ، دولتوند ، خسروی ، دارخور ، کل کل ، سرخاوند ، سرخکی ، باعی ، الله یارخانی . طوایف ایل سنجابی عموماً "تخته قاپو شده و از راه زراعت و گله داری امرار معاش مینمایند ، بطور کلی در محل خود مالک هستند و خیلی مایلند به زراعت و فلاحت خود توسعه دهند . تمکن مالی آنها متوسط ، محصولات زراعتی ایشان گندم ، جو ، توتون ، چغندر و سایر حبوبات است . بیلاق ایل سنجابی دشت سنجابی ، جلیلونند ، هرزه ، سیمینوند و قشلاقشان منکاب کهنه ، نفت شهر میباشد . مذهب طوایف سنجابی عبارتند از :

تشیع، تسنن و علی‌اللهی. از صنایع دستی این طوایف میتوان بافتن فرش، جاجیم و سیاه چادر را نام برد.

۸- ایل کلهر: طوایف این ایل عبارتند از:

باوندپور و خالیدی. این ایل در منطقه "بیلاق عموما" تخته قاپو شده اند و از طریق گله‌داری و زراعت امرار معاش مینمایند، محصولات زراعتی آنها گندم، جو و برنج است. بیلاق ایل کلهر اسلام‌آباد غرب الی کواوزکدی، و قشلاقشان نعت شهر الی سومار، کهرک، قصر شیرین است. مذهب اکثریت ایل کلهر تشیع است و تعدادی علی‌اللهی در طایفه خالیدی وجود دارد. اهالی این ایل فرش، جاجیم، دستکش پشمی و جوراب نیز میافند.

۹- ایل هلیلان و زردلان: طوایف این ایل عبارتند از: هلیلان، -

زردلان، عثمانوند، جلالوند، بالاوند، کوسوند، داجیوند، این ایل عموما "تخته قاپو" شده و بزراعت و فلاحت مشغول میباشند و امرار معاش بعضی از طوایف مانند عثمانوند و جلالوند از فروش هیزم و دعال است. مذهب بیشتر ایل، تشیع و برخی علی‌اللهی هستند.

۱۰- ایل پشتکوه: طوایف این ایل عبارتند از:

دیناروند، پنج‌ستون، میشخاصی، ریزوند، سیمینوند، ملکشاهی، شوهان. طوایف دیناروند، ریزوند و سیمینوند تخته قاپو شده اند ولی طوایف پنج‌ستون، میشخاصی، ملکشاهی، شوهان اسکان نیافته‌اند. امرار معاش آنها از زراعت و گله‌داری است، محصولات زراعتی آنها گندم، جو و ذرت میباشد برخی از بیلاقات این طوایف عبارتند از بلوط‌سان، ششدار، ایلاچوار، مهران، کلازران، چشمه‌برین نوروزآباد و قشلاق آنان، پشتکوه، مرزسومار، بلاله، ابهر بدر، بدره، مهران، اربند و بیدانه میباشد. اکثریت شیعه میباشد.

آداب و رسوم عشایر باختران

• مراسم آیل، جوانرود، اورامان، لهن همانند عشایر کردستان میباشد. و طوایف سنقر، کلیائی و احمدوند آداب و رسوم ویژه‌ای ندارند.

رسوم طایفه ثلاث

اعیاد و جشنها: بعید نوروز چندان اهمیتی نداده و تشریفاتى ندارند ولی بعید قربان و مولود حضرت رسول اکرم (ص) و عید فطر ارزش زیادی قائلند و جشنهای مفصلی میگیرند.

خواستگاری و عقد: چند نفر از ریش سفیدان اقوام داماد به منزل پدر عروس - رفته و پس از قبول پیشنهادات "مبارکباد" میگویند و روز عقد تعیین میشود، عقد و عروسی تواما "انجام و بیست روز جشن میگیرند، و از طرف خانواده داماد قبل از انجام عروسی چند دست لباس یا دوربین یا تفنگ شکاری با اقوام نزدیک عروس هدیه میگردد. جهیزیه عروس وجه نقد و گاو و گوسفند است.

نوزاد اول: چه پسر باشد و چه دختر فرقی قائل نبوده و تشریفاتى ندارند، ختان بدون سرو صدا انجام و جشن مرسوم نیست.

طلاق: در میان ایل ثلاث طلاق بطور شفاهی است و وقتی مرد به زن گفت که (طلاق) افتاده، زن باید خانه شوهر را ترک کند. طرز برگشتن زن پس از طلاق باین نحو است که زن و شوهر نزد ملای محل رفته جریان را به وی میگویند نامبرده طبق دستور احکام تسنن آنان را وادار به سازش مینماید، ولی اگر مرد بزن خود کلمه "طلاق" را سه مرتبه در یک وهله بگوید آن زن به آن مرد حرام می شود مگر پس از گرفتن "محلل" که بدستور ملای محل زن میتواند دوباره به عقد شوهر درآید.

رسوم گوران قلخانی

اعیاد و جشنها: بزرگترین عید ایل گوران عید "خاوندکار" است. پیدایش این عید بدینقرار است: در نتیجه اختلافات خانوادگی سلطان اسحق که ۱۲ ساله بوده باتفاق بنی آئین، داود و پیرموسی با برادرش قادر شاه نزاع نموده و از برزنجه عراق محل سکونت خود بطرف اورامان لهن حرکت مینماید. برادرش با عده نسبتاً زیادی او را تعقیب و پس از سه روز زد و خورد سلطان فاتح شده در گردنه شوشمی استراحت مینماید. پیرزنی که ناظر زد و خورد سه روزه این چهار نفر بوده یک من

برنج و یک خروس جهت آنان می‌آورد، این سه روز زد و خورد را ایل گوران روزه گرفته و شب چهارم که عید "خاویکار" است هر خانواده موظف است که یک م برنج و یک خروس طبخ نموده خود و اطرافیان تناول نمایند.

عید قربان: بعید قربان معتقد بوده و به نسبت وضع مالی خود گوسفند، گاو و بز قربانی مینمایند، با این تفاوت که اهل تسنن گوشت قربانی را خام قسمت مینمایند ولی گورانها (اهل حق) قربانی را پخته و پس از اینکه یکنفر سید برای قربانی دعا میخواند آنرا بین حاضرین و دیگران قسمت مینمایند، دعای قربانی و هرگونه نذر دیگری هم حتماً "بایستی بوسیله سیدی به شرح زیر خوانده شود: "پیری داود (داود را دون قنر میدانند) شرط بنی آئین (بنی آئین را دون سلمان فارسی میدانند) قلم زرین پیر موسی (پیر موسی را دون ابوذر میدانند) اول یار آخر یار (منظور حضرت علی است) حکم عزیز شهریار - بقای جاویدان - سفره و سلطان - کرم خاندان شاه مرتضی علی".

عید نوروز: بعید نوروز علاقمند بوده و آنرا "عید جمشیدی" مینامند، در - شب عید سال نو آتش روشن نموده تا نیمه شب جشن میگیرند.

طرز خواستگاری و عقد و عروسی: وقتی جوانی دختر مورد نظر خود را انتخاب نمود مراتب را بکسانش میگوید و چند نفر زن و مرد از کسان داماد بخانه عروس رفته پس از مذاکره با پدر یا ولی دختر و توافقی که طرفین از لحاظ شیر - لباس و شیرینی و برنج و روغن و گوشت حاصل می‌کنند روز عقد کنان تعیین می - گردد. یک روز قبل از عقد کنان مقداری شیرینی بوسیله یک نفر سید و چند نفر از معتمدین به منزل عروس می‌فرستند، پس از صرف چای برای کلیه شیرینی سید دعا خوانده (سه بار) سپس آن را بوسیله یک نفر بین حضار تقسیم می‌نماید، مقسم شیرینی پس از تقسیم دست حضار را بوسیده، مبارک باد می‌گوید، روز بعد همان اشخاص بمنزل عروس رفته چنانچه در محل سکونت آنان دفتر ازدواج وجود داشته باشد سردفتر را به منزل عروس آورده و یا عروس و داماد را بمعیت چهار نفر شاهد به دفتر او میبرند و مراسم انجام میشود و در غیر این صورت بوسیله ملای محل مراسم انجام و اگر ملاهم در محل نباشد یک نفر سید جملات لازم را تکرار و مراسم عقد را انجام و پس از صرف شیرینی قرار روز عروسی را میگذارند. یک روز قبل از بردن عروس بخانه داماد دو نفر مرد و دو نفر زن از طرف داماد با مقداری برنج، روغن، گوشت، قند، چای و شیرینی، بخانه عروس میروند، این چهار نفر تا حرکت عروس آنجا هستند.

وظیفه^۶ دونفر مرد کمک به کسان عروس برای تهیه^۷ شام و پذیرایی از اشخاص است که بمعیت عروس میایند و پس از صرف شیرینی و چای و ناهار عروس را سوار مادیان نموده بطرف خانه^۸ داماد حرکت میکنند. در نزدیکی خانه^۹ داماد سوارها سوارکاری خوبی کرده و چنانچه مسلح باشند تیر اندازی مینمایند. داماد ۲۰۰ الی ۳۰۰ قدم عروس را استقبال نموده به خانه وارد میکنند و پس از صرف شام و شیرینی چنانچه راهشان دور باشد همانجا خوابیده و الا مراجعت مینمایند. فقط دوزن برای سه روز نزد عروس میمانند. صبح فردا داماد بخانه^{۱۰} عروس رفته و دست پدر و یا ولی عروس را میبوسد و آنان بنا بوضع مالی خود سلاحه، لباس، اسب، و قاطر و گوسفند بداماد میدهند. پس از یک هفته پدر عروس چند نفر عقب عروس فرستاده او را یک هفته مهمان مینماید.

طرز طلاق: اگر مرد بخواهد طلاق دهد باید مهریه^{۱۱} زن را پرداخت نماید و اگر زن بخواهد طلاق گیرد باید مرد را راضی کند.

رسوم ایل سنجابی

اعیاد و جشنها: جشن نوروز در ایل سنجابی همان حالت شهرستان را دارد و آمد و شد و بازدید معمول است در شب عید نوروز عموم خانه ها با خار و هیزم آتش روی بام روشن نموده و حلول سال جدید را اعلام میکنند. در عید قربان مراسم قربانی معمول و گوشت گوسفند قربانی را پخته تقسیم می کنند طبق مراسمی که در گوران (قلخانی ذکر گردید).

خواستگاری و مراسم عقد و عروسی: مانند مردم شهر نشین بوده و خواستگاری متداول است و طرز عقد ثبتی است. موضوع هدایای عروسی که سابقاً "مانند ایلات در سنجابی نیز متداول بود و آنرا "سورانه" مینامیده اند و در عروسیها هر کس بفرخور حال و شخصیت خود وجه نقدی میداد، مدتهاست متروک گردیده و تقریباً " برای داماد ننگ و عار است.

ارث: در مورد ارث هرگاه موضوع انحصار وراثت و تشریفات رسمی و قانونی در بین نباشد به دختر ارثی داده نمیشود و بردن ارث منحصر به پسر ها است منتها تا زمانی که دختر شوهر ننموده معاش او با برادران می باشد و دختران این موضوع را رعایت میکنند و تاکنون کمتر دیده شده دختری ادعای ارث مخصوصاً " غیر منقول نموده باشد.

رسوم ایل کلهر

در ایل کلهر، سال را ۳۶۰ روز بشمار میاورند و بنابر این ۵ روز از سال را که در واقع پنج روز از ۳۶۵ روز باشد، پنج روزی زائد میدانند، و آنرا "پنجه" می نامند. "پنجه" از ۱۴ فروردین شروع و در غروب ۱۸ فروردین تمام میشود. در این پنج روز تقریباً "بسیاری از کارها را کد گذاشته میشود. مهمانی نمی روند، مراسم عقد و عروسی به راه نمی اندازند، معامله نمی کنند، حتی میهمان را هم نمی پذیرند و اگر میهمانی بر آنان وارد شد با غذایی ساده از او پذیرائی میکنند. آنان بر این باور هستند که اگر در این پنج روز، فراورده های دامی ایشان خراب شد، تا پنج سال دیگر نیز اغلب خراب خواهد شد.

از دیگر روزهای ویژه ایل کلهر روزهای "عرفات" است که برابر است با روزهای ۲۶ تا ۲۸ اسفند ماه و اغلب به گورستان میروند که در اصطلاح آنان "قورستان" نامیده میشود. در گورستان زنهای سنگ گورها را می شویند و برای آمرزش اموات دعا میخوانند، زنان اغلب شب قبل از رفتن به گورستان شیر برنج و یا کته درست میکنند و قبل از مردان به گورستان رفته بعد از دعا و فاتحه خوانی برای اموات، شیر برنج و کته را به مردان سپرده و از آنان طلب دعا و فاتحه - خوانی می کنند. زنانی که اطفال آنان بخصوص اگر پسر باشد مرده باشد، با پختن تخم مرغ و رنگ کردن آنها در گورستان تخم مرغها را به بچه های کوچک میدهند که به "سرخاکانه" موسوم است. بعد از انجام مراسم فاتحه خوانی عده ای نیز با تدارک خرما و روغن که قبلاً "تهیه کرده و سرخ نموده اند نان هایی را که به تعداد پخته اند به مراجعه کنندگان که از گورستان برگشته اند میدهند.

بدین ترتیب که خرما و سرخ کرده را لای نان گذاشته و به درخانه ها میفرستند، که به آن "تیله بش" میگویند، چون تعداد نذر کنندگان گاهی زیاد میشود، در این یکی دو سه روز گاهی یک خانواده بیش از بیست تا چهل "تیله بش" دریافت میکند.

بدین ترتیب ایل کلهر با چنین مراسمی است که به پیشواز سال نو میروند. چون از مراسم فاتحه خوانی و "عرفات" در ایل کلهر یاد کردیم بی مناسبت

است که برای حمل جنازه باید پسران و بزرگترهای فامیل صاحب عزا حضور داشته باشند. اگر آنان به دلیلی نبودند، رسم بر این است که در انتظار بمانند، بعد از حاضر شدن همه افراد فامیل جنازه را به سرچشمه‌ای می‌برند که در حقیقت نقش همان غسلخانه را دارد که به آن "شور مانگه" می‌گویند. بعد از شستن و کفن کردن و انجام فرائض دینی جنازه را بگورستان برده و دفن می‌کنند. شب اول که در اصطلاح به آن "شب شام" گفته می‌شود افرادی را که به تشییع جنازه میت رفته‌اند در خانه صاحب عزا به شام دعوت می‌کنند. در طول پنج‌روز تا هفت روز همچنان از نواحی مختلف افراد برای تسلیت به خانه صاحب عزا می‌روند و غالباً "هم به شام و ناهار دعوت می‌شوند. در این ایام در نزدیکی خانه متوفی چوب بلندی که با مخمل پوشانده شده در میدانی که در دید همگان باشد قرار می‌دهند و اگر متوفی صاحب اسبی نیز بوده باشد اسب او را هم با پارچه‌های تزئین کرده کنار "علم" نگاه می‌دارند غالباً افرادی که برای تسلیت نزد خانواده عزادار می‌روند همراه خود قند و شکرو برنج و روغن و گوسفند نیز می‌برند و در همین میدانگاه با خانواده صاحب عزا برخورد کرده و تسلیت می‌گویند. در بعضی اوقات خانواده صاحب عزا ظرفی را که در آن گل درست کرده‌اند وسط میدان می‌گذارند، و افرادی که بر آنان وارد می‌شوند گل بر سر - می‌مالند و وارد سیاه‌چادرهایی می‌شوند که قبلاً "برای نشستن آنان برپا شده است، در این میان در هر چادری یک نفر که دارای صدای خوبی است، اشعاری در باره متوفی و خصوصیات او می‌خواند و بعد هم اشعار مذهبی خوانده می‌شود، اینان اغلب به اسم "چمری‌گو" مشهور هستند که در اصطلاح "چمر" به معنی عزاست و "چمری‌گویان" مشهور هستند که کار خواندن نوحه و اشعار را بر عهده دارند.

مراسم سر خاک میت رفتن هم در ایل کلهر مربوط به ایام خاصی می‌شود شب جمعه اول، شب هفت، و چهل‌م و سر سال و در سایر شبهای جمعه تنها فامیل متوفی برای فاتحه خوانی به سر خاک او می‌روند.

مراسم عزاداری گاهی تا یکسال، یعنی سر سال ادامه پیدا می‌کند. بعد از پایان سال اقوام و نزدیکان لباسهای تازه‌ای که برای خانواده عزادار خریده‌اند نزد آنان برده و لباس ساده آنان را بیرون می‌آورند، ولی غالباً زنان متوفی بیش از یکسال لباس سیاه بر تن می‌کنند.

خواستگاری:

پسر دختر را انتخاب نموده و چند نفر زن و مرد از کسان وی بمنزل دختر می‌روند و پس از

مذاکره در صورت موافقت روز عقد را تعیین میکنند. مرد دو روز قبل از انجام عقد مخارج نامزدی، شال ترمه و انگشتر به منزل دختر میفرستد و عدهٔ زیادی بعداً با ساز و دهل به منزل عروس وارد و شام و ناهار مفصل صرف نموده انگشتر بدست و شال بسر عروس میبندند و مبارکباد میگویند. در روز عروسی تمام خانوادهٔ داماد جمع شده و در جشن شرکت مینمایند (کسی جز چند نفر از بزرگان خانوادهٔ پسر حق ندارند بمنزل دختر بروند). در این موقع یکی از کسان داماد شالی به کمر عروس بسته و چادر بسر او میکند و ویرا سوار اسب خوبی نموده با ساز و دهل بطرف خانهٔ داماد حرکت میدهند، داماد بمحض نزدیک شدن عروس کفی آب بروی سر عروس می‌ریزد، (البته در موقع سواری عروس بدون کفش میباشد) سپس او را وارد حجله میکنند. در حجله بچهٔ کوچکی را روی دوزانوی عروس میگذارند و این موقع هدیه‌یی بعروس داده میشود. مدعوین پس از صرف شام یا ناهار در سینی که جلو آنهاست وجه نقد برسم عروسانه میاندازند.

رسوم ایل پشتکوه

جشنها و اعیاد: عید نوروز با سواری و آتش افروزی بطور خیلی ساده و با صرف جای داغ و دوغ برگزار میگردد. به عید قربان نیز اهمیت میدهند. در اعیاد کدورت سالیانه بین افراد از میان میرود و همه دشمنان باهم آشتی میکنند.

خواستگاری: آنچه در بین اهالی عشایر پشتکوه مرسوم است گشودن زبـلـن اولیای دختر است که در امر خیر وارد گفتگو و خواستگاری میشوند، تحفه‌ها یا با حصول اطمینان از انجام وصلت داده میشود آنهم به نسبت قدر و مقام اولیای دختر و نسبت با اهمیت میزان ثروت پدر و مادر کسان داماد که هر یک بقدر وسع، یک مادیان یا یک قاطر و یا چیز دیگری هدیه میدهند، پس از اخذ و قبول هدیه از اولیای آن، دختر اگر بسن بلوغ رسیده باشد جشنی بنام "دست‌گیران" با فرستادن یک بره و تهیهٔ وسایل ناهار گرفته میشود. در آن جلسه آداب عقد و تعیین مخارج و مهریه عروس بعمل میاید. اگر دختر بسن رشد نرسیده باشد پس از اخذ قول وصلت، تا دختر بسن قانونی برسد داماد موظف است به اولیای دختر از حیث درو و خرمن-برداری و در مواقعی که میهمانی برای آنان میرسد خدمت و کمک نماید. پس از اینکه دختر بحدر رشد رسید مراسم نامزدی او را معمول میدارند و شب قبل از عروسی مادر و خواهر و بانوان خویشاوند داماد به منزل عروس رفته و دست و پای عروس را با حنا

خضاب کرده و با پوشانیدن لباس و زر و زیور او را آرایش داده و روز بعد جمعیتی از - سواره و پیاده، مرد و زن بدنبال عروس رفته و او را بمنزل داماد می آورند. اولیای دختر مطابق شئون خود جهیزیه به دختر میدهند و در روز عروسی ولیمه‌ای از طرف داماد به آشنایان و خویشاوندان داده میشود و هر یک مطابق همت خود وجوهی بنام کمک به مخارج عروسی در همان جلسه، مهمانی تقدیم میکنند.

طلاق: تا آنجائی که مقدور است بندرت عمل طلاق انجام میگیرد عقد و طلاق معمولاً در محضر رسمی انجام میگیرد و در غیر اینصورت با حضور کدخدا، کاغذی بنام بری‌نامه "به زن میدهند. مخارج "عده" سه ماه و ده روز را نقداً میپردازند تا دسترسی به مقامی که در بین مردم صالح برای این امر باشد پیدا شود و صیغه طلاق را اجرا کنند.

عشایر لرستان

ایل ایتوند: طوایف این ایل عبارتند از :

الف - طایفه کاکاوند: این طایفه تخته قاپو گردیده و علاقه مفروطی به کشاورزی دارند، محصولات زراعتی آنها غلات و حبوبات و در اغلب دهات پنبه کاری میباشند و به گله‌داری هم اشتغال دارند. بیلاقشان کاکاوند و قشلاقشان سرطرها میباشند، مذهبشان شیعه است.

ب - طایفه جاواری: این طایفه تخته قاپو و اسکان یافته بزراعت علاقمندند و کلیه رعایا دارای اغنام و احشام میباشند محصولات زراعتی آنها حبوبات، غله و ذرت است که از فرو ش آن امرار معاش مینمایند. مذهب طایفه جاواری شیعه است.

پ - طایفه میربک: امرار معاش این طایفه از فروش محصولات زراعتی و زراعت آنها دیم و زمینهای آنها قابل استفاده نیست و از فروش اغنام و احشام مختصر فوایدی دارند، میل مفروطی هم بحشم داری دارند. اینها شیعه بوده و گلباغی بیلاق و کوه‌دشت قشلاق آنانست.

ت - طایفه ایتوند: این طایفه به زراعت علاقه دارند و محصولاتشان حبوبات و غله میباشند، میل مفروطی هم بحشم داری دارند. ایتوندی ها شیعه میباشند بیلاقشان دلفان و قشلاقشان سرطرها است.

ث - طایفه نورعلی: این طایفه میل به زراعت داشته و محصولات زراعتی آنها حبوبات و غله است و بیشتر از گله داری و تربیت اغنام و احشام امرار معاش

مینمایند. این طایفه شیعه است، کنگاوری بیلاق و کوه دشت قشلاق آنانست.

ج - طایفه چگنی: این طایفه دارای مراتع خوب برای احشام بوده و به رعیتی و حشم داری علاقه دارند و امرار معاش آنها از زراعت و گله داری است این طایفه شیعه است و بیلاق و قشلاقشان نشکن است.

چ - طایفه گرگاه: طایفه مزبور میل به زراعت و فلاحت داشته و محصولات زراعتی ایشان گندم و جو میباشد، امرار معاش آنها از راه رعیتی و حشم داری است. گرگاهی ها شیعه میباشد بیلاقشان گرگاه و قشلاقشان میان کوه میباشد.

ح - طایفه الوار گرمسیری: به زراعت و گله داری علاقمند میباشد و معاش آنها نیز از این راه میباشد. مذهب اینان شیعه، بیلاق و قشلاقشان قیلاب میباشد.

خ - طایفه میربالاکریوه: این طایفه تخته قاپو گردیده از زراعت گندم و جو و ذرت و گله داری امرار معاش مینمایند. طایفه میربالاکریوه شیعه است و در تنگ زفی زندگی میکنند.

د - طایفه صیمره: این طایفه به زراعت علاقه زیادی داشته محصولات زراعتی آنها گندم، جو و ذرت میباشد و از فروش آنها و گله داری امرار معاش مینمایند. طایفه مذکور اسکان یافته اند. اینان دین شیعه دارند و در صیمره زندگی میکنند.

ذ - طایفه بیرانوند: این طایفه به زراعت گندم، جو و حشم داری علاقمند و امرار معاش آنان نیز از زراعت و حشم داری است و تخته قاپو هم شده اند. بیرانوندی ها شیعه اند، بیلاقشان هرو و قشلاقشان پشتکوه است.

ر - طایفه پایی: طایفه پایی تخته قاپو شده امرار معاش آنها از زراعت و گله داری است. طایفه پایی شیعه است، بیلاق آنان در سپید دشت و قشلاقشان در کشور میباشد.

ز - طایفه حسنوند: عشایر حسنوند حوزه لرستان فوق العاده باهوش و با استعداد بوده و علاقه مفراطی به زراعت دارند. محصولات زراعتی آنها گندم جو و ذرت و شلتوک است این طایفه زودتر از سایرین در محل سکونت خود شروع به ساختن خانه نموده اند، این طایفه شیعه بوده و بیلاقشان در الشتر و قشلاق ایشان در جایدر می باشد.

طایفه یوسفوند: عشایر یوسفوند همانند حسنوند می باشد.

بیلاق

طایفه یوسفوند الشتر و قشلاق ایشان طرهان است و شیعی مذهب میباشد.

س - طایفه کولیوند: این طایفه تخته قاپو گردیده و از زراعت گندم، جو،

- ذرت، شلتوک و حشم داری امرار معاش مینمایند. طایفه کولیونند شیعه می - باشند و بیلاق ایشان صیمره و الشتر و قشلاقشان صیمره است.
- ش - طایفه خاوه: این طایفه تخته قاپو گردیده، مرتبا "با اهالی نهانند داد - و ستد داشته جزئی گله دارند، محصولات زراعتی آنها گندم، جو و ذرت میباشد. اینان شیعه‌اند، خاوه بیلاق و صیمره قشلاقشان میباشد.
- ص - طایفه طرهان: این طایفه تخته قاپو شده و بزراعت و فلاحت و تربیت اغنام و احشام علاقمند میباشد و از این راه امرار معاش مینمایند. طرهانیها شیعه‌اند و بیلاق ایشان کونانی و قشلاق آنان صیمره است.
- ض - طایفه سگوند: این طایفه تخته قاپو شده و دارای اغنام و احشام میباشد، اکثر از فروش ذغال استفاده مینمایند و امرار معاش آنان بیشتر از راه محصولات زراعتی و حشم داری است. آبستان بیلاق آنان و شمال اندیمشک قشلاق ایشان قرار دارد، سگوندی‌ها نیز شیعه‌اند.
- ط - طایفه فولادوند: این طایفه تخته قاپو شده و به فلاحت و کشاورزی مشغول میباشد، حدود تمکن مالی ایشان خوب و امرار معاش آنان از محصولات زراعتی و گله‌داری است. طایفه فولادوند شیعه میباشد. بیلاق ایشان در پاسگان و قشلاقشان در گل بهارانه واقع شده است.
- ظ - طایفه زلفی: این طایفه از حشم و زراعت امرار معاش نموده و محصولات زراعتی آنان گندم، جو و برنج میباشد، بیلاق طایفه زلفی قلعه پاچه و قشلاق آنها اطراف دزفول واقع شده است اینان نیز شیعه‌اند.
- ع - طایفه بسحاق: این طایفه از زراعت و فلاحت و گله‌داری امرار معاش نموده، محصولات زراعتی آنان گندم و جو میباشد. بیلاقشان در چشمه گل بهار و قشلاقشان در شمال اندیمشک واقع شده و اهالی طایفه شیعه میباشد.
- غ - طایفه عیسوند: این طایفه تخته قاپو شده و از راه زراعت و گله‌داری امرار معاش مینمایند. قشلاقشان خاکوند و قشلاقشان پاسیگان واقع شده و مذهبشان شیعه است.
- ف - طایفه عبدالوند: این طایفه به گله‌داری علاقمند و از راه زراعت و فلاحت امرار معاش مینمایند، محصولات زراعتی آنها گندم، جو و برنج میباشد. بیلاق این طایفه عزیزآباد و قشلاقشان کنار رود مزار واقع شده است. عبدالوندیها نیز شیعه میباشد.

مختصری از آداب و رسوم طوایف لرستان

اعیاد و جشنها: جشن نوروز را با دید و بازدید دسته جمعی برگزار کرده و اهمیت زیادی میدهند ولی جشن ۱۳ نوروزی و دو عید فطر و قربان بطور عادی است.

خواستگاری و عقدکنان و عروسی: پس از جلب موافقت کسان دختر به منزلش رفته و بنا بوضع مادی خود هدایایی میبرند و دختر را خواستگاری میکنند، در بین ایلات منطقه لرستان معمول است بمحض تولد نوزاد دختر اشخاصیکه نوزاد پسر دارند بقول خودشان دختر را "نافر" پسرشان میکنند و همه ساله کم و بیش هدایایی به منزل دختر میفرستند تا به سن ۸ الی ۹ سال برسد. در این سن دختر را عقد میکنند و بخانه پسر میبرند و دختر با همین حال باقی میماند و عروسی دختر و پسر بطور عادی انجام میشود. گاهی اوقات ممکن است عروسی در سن بلوغ انجام شود و تا سن بلوغ دختر در منزل پدرش باقی میماند و به هنگام عروسی، با افشاندن دستمالهای الوان رقص میکنند.

در طوایف لری که در حوزه الیگودرز میباشند ضمن رقص دسته جمعی بازی معروف "چوب بازی" را شروع میکنند و مثل مشق شمشیر بازی با حمله و دفاع طرف را شکست میدهند. در موقع ورود عروس با سوار خوبی، کسان عروس سعی میکنند کلاه داماد را از سرش بردارند و سواران همراه داماد هم دفاع میکنند و اغلب بین آنها منجر به نزاع میشود. در موقع ورود عروس، داماد عروس را بغل گرفته به منزل میبرد و به هنگام ورود عروس به منزل در طوایف لر - داماد از بالای سر عروس میوه و شیرینی و قند پرتاب میکند و اطرافیانی که در عروسی شرکت دارند با ازدحام آنها را جمع آوری میکنند. گاهی اوقات هم داماد با چوبی که در دست دارد به سر عروس میزند که اغلب منجر به شکستن سر عروس میشود و در شب زفاف، اعلام دامادی بوسیله ساز و دهل با اطلاع کلیه مدعوین میرسد.

طلاق: در بین طوایف لرستان طلاق بدون هیچگونه تشریفات انجام میشود اگر مرد بخواهد طلاق دهد مهریه زن را میدهد و اگر زن بخواهد طلاق بگیرد مهریه خود را واگذار میکند، طلاق بیشتر از طرف زنها تقاضا میشود چون وجود زن کمک موثری برای مردها میباشد، مردها تمایل به طلاق ندارند.

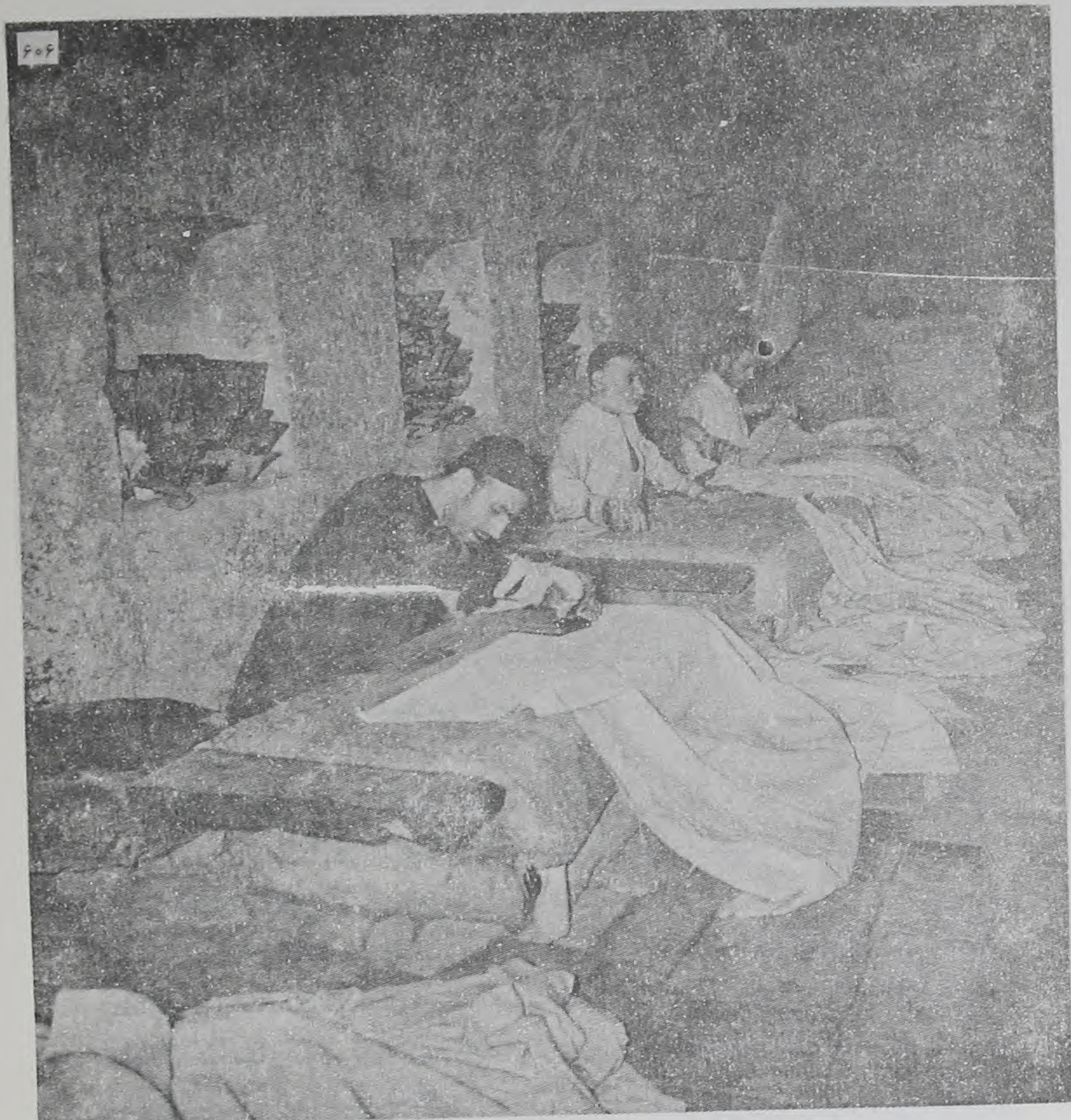
عشایر اصفهان

ایل بختیاری در منطقه اصفهان به دو بخش عمده: ۱- بختیاری هفت لنگ

۲- بختیاری چهار لنگ تقسیم شده است.

تجارت ایل بختیاری منحصر است بفروش اسب و قاطر مخصوصاً " گاو و گوسفند و روغن و پشم و قالی و زغال و چون منطقه آنها کوهستانی است نمیتوانند شتر نگاهدارند فقط در سه دهستان عده‌ای از شترداران که تعداد آنها در حدود ۱۲۰۰۰ نفر میشود، از آبان‌ماه هر سال تا اردیبهشت سال بعد برای حمل زغال بین اصفهان و سه دهستان رفت و آمد مینمایند و چون ایل هفت‌لنگ و چهارلنگ میبایستی از کوهستانهای فاقد راه عبور نمایند که اغلب پرتگاه میباشد افراد ایل نام این قبیل نقاط را که حیوانات دیگر نیز مانند اسب و قاطر بسختی میتوانند از آن عبور کنند (بخصوص در مسیر حرکت ایل چهارلنگ) آهستانه نام داده‌اند. از ایل بختیاری تعدادی تخته‌قاچو گردیده و برای اسکان سایرین و تامین بهداشت و فرهنگ و همچنین راهسازی در مناطق آنها اقداماتی بخصوص بعد از انقلاب اسلامی انجام میگیرد.

مذهب ایل بختیاری شیعه اثنی عشری است و با آنکه اعراب نتوانسته‌اند بداخل آنان نفوذ نمایند معلوم نیست در چه تاریخ و به چه نحوی بدین مبین اسلام مشرف شده‌اند و آنچه شنیده میشود مسلم است که بختیاریها از لحاظ تقلید تابع علمای شوشتر و دزفول میباشند که خود آن‌ها لی نیز تا قرن نهم پیرو مذهب معتزله بوده‌اند ولی در قرن نهم هجری امیر نجم‌الدین محمود عاملی که از سادات خوزستان بوده به شوشتر رفته و دختر عضدالدوله را که بزرگ سادات خوزستان بوده بزوجیت اختیار کرد و در مدت سکونت در شوشتر در رواج مذهب شیعه اقدامات مجدانه نمود و از آن تاریخ مذهب شیعه در بختیاری رونق گرفته و در زمان صفویه کاملاً "عمومیت یافته است. بختیاریها بمذهب علاقه خاصی داشته و بسادات احترام زیادی میگذارند و امامزاده و همچنین بقعه‌های زیادی از سادات در کوهستانهای بختیاری دیده میشود. تا چند سال قبل کلیه سادات از هرگونه مالیات و خراج و حتی از دستبرد و غارت محفوظ بوده‌اند، در حال حاضر نیز افراد ایل نذرو قربانیهای برای امامزاده‌ها و مقابر مینمایند.



منقوش ساختن پارچه‌های قلمکاری در روستاهای اصفهان

بختیاری هفت لنگ به شرح زیر است:

- الف - زراسوند: قشلاق این طایفه حدود مسجد سلیمان، گلگیر مرغاب، قلعه زراس، آبگاه شوشتر، حوالی نفت شهر و اندیکا و بیلاق آن چقاخور رودکان، کوه جاجیور، چقاخور سیف آباد، سلیکان، گوکر میباشد.
- ب - شاشالوک دیناران: قشلاق این طایفه مورد غفار، اطراف ایزه، حوالی پل شالو، سوسن، حوالی پشت بنان، میان جوی ایزه بوده و بیلاق آن علی آباد، دیناران عزیز آباد، دیناران میباشد.
- پ - مورموئی: بیلاق این طایفه کوه کر و قشلاق آن نزدیک دهدز است.
- ث - سادات سالوئی: بیلاق این طایفه کوه سفید و قشلاق آن شاهزاده شالور میباشد.

بقیه طوایف بختیاری هفت لنگ و بیلاق و قشلاق آنان به شرح زیر است:

نام طوایف	بیلاق	قشلاق
آل داودی	کوه سفید	قلندران
قلعه کردی	کوه سفید	ده کیان
اودک خواجه محمد	کوه کر	لولک
زندى	کوه کر	دره عرب دهدز
خدا بخشی	کوه سفید	سونک
کل بابکی	کوه سفید	چهل بتان
شیخ چهل تنانی	کوه سفید	چهل بتان
چهار پنجه	کوی چهار پنجه	چهل بتان
مد موئیل	بندگان	اندیکا
قاسمعلی	ابرکان سفیدوند	ایل مره کاسان
عرب دولی	بیرکان	کج آسان
اسبی وند	میزدج	لالی
بابادی	کوه رنگ تنگ گزی	فراج هلواتی

طوایف چهارلنگ عبارتند از:

کوروئی، چهارلنگ، هلیل، کشول، بارونی، کاملی محمد صالح، بن جل دارین که بیلاق اینان کوه کهو و پول فریدن و قشلاقشان کنک و سردشت میباشد.

رسوم ایلات و عشایر اصفهان

بختیاری هفت لنگ

اعیاد و جشنها: کلیه اعیاد مورد توجه ایلات بختیاری است و از همه مهمتر عید نوروز بوده و مراسم سیزده نوروز و جشن عید قربان و عید فطر نیز برگزار میگردد. باین ترتیب که چندی قبل از این اعیاد، مردان و زنان ایل به نزدیکترین محلی که دسترس بخريد پارچه و کفش داشته باشند مراجعه و اشخاصی که تمکن مالی کمتری دارند به دکانین مراجعه و بابتعویض اجناس خود از قبیل برنج و روغن و غیره آنها را مبادله مینمایند. ضمناً در اعیاد، محل چادرهای خود را تغییر داده و در محل سبز و خرم که دارای آب کافی باشد مستقر میشوند. شب عید در چادرهای خود میمانند ولی روز اول عید با لباسهای مخصوص خود کلاههای لری را کج بسر گذاشته بدید و بازدید میپردازند. به عید نوروز بیشتر از شهریه اهمیت میدهند، خصومتها و کدورتهای حاصله را شخصاً یا با وساطت اشخاص موثر و سرشناس در روزهای اعیاد از بین میبرند و آشتی میکنند.

خواستگاری و عقد و عروسی: خواستگاری در بختیاری بدو منظور صورت میگیرد. در وهله اول بدون در نظر گرفتن تمایلات پسر و دختر بمنظور حفظ سیاست محلی و نامین نفوذ در طایفه و گاهی اوقات بمحض اینکه از شخص مورد نظری دختری بدینا آمد برای پسری از خود "نام گذاری" میکنند (با اصطلاح خودشان کاغذ میگیرند که این کاغذ بمنزله قرارداد یا "ناف بران" میباشد). دوم ازدواج معمولی است که اغلب پسران و دختران یکدیگر را دیده و آشنا شده (چون در ایلات ایران زنان از قدیم بهمان لباس دورههای باستانی تاریخی ملبس میباشند. باین واسطه آشنایی بسهولت انجام میگیرد) سپس پدر داماد بمنزل ولی دختر رفته و پیشنهاد ازدواج مینماید و معمولاً "عدهای از ریش سفیدان دو طرف و کلانتران مربوطه حضور داشته "خرج بران" مینمایند. نکته قابل توجه اینجاست که در این ازدواج مخارج هنگفتی از قبیل دادن اسب، تفنگ، پول و سایر اقلام مربوط به

کشاورزانی از قبایل بختیاری

۶۰۹



شیربها بداماد تحمیل میشود . مراسم عقد باین ترتیب اجرا میشود که با حضور ملای محل و ریش سفیدان طایفه ، مراسم عقد بعمل میآید ضمناً " نوازندگان از یک ماه قبل از عروسی (پیش از خرج براق " ناف بران " و تصمیم عروسی) در خانه داماد حاضر گردیده و شروع جشن را اعلام میدارند و برای شرکت در جشن عروسی از اغلب مردان طایفه حتی طوایف همجوار نیز دعوت بعمل میآید . باین ترتیب که دعوت نامه هایی از طرف داماد بنام اشخاص مورد نظر نوشته شده و بوسیله یکی از بستگان که بخواهد از این راه نفعی باو برساند نزد مدعوین میفرستد ، پیک مخصوص بمنزل آنان مراجعه و اغلب ناهار و شام را در این قبیل منازل صرف و با گرفتن انعام قابل توجهی به منزل دیگران رفته و تقدیم نامه را همه جا تکرار مینماید . مدعوین یکی دو روز قبل از عروسی هدایایی از قبیل اسب ، گوسفند ، روغن و حتی قند و چای و برنج بمنزل داماد فرستاده و بعد خود آنان نیز حضور بهم میرسانند .

در شب عروسی کسان و آشنایان داماد بمنزل عروس رفته و معمولاً " پس از صرف ناهار بر خلاف شهریه ها که شب عروس را بخانه داماد میبرند در روز آنرا انجام و منظره جالبی بوجود میآورند . سواران ایل بالباسهای نو و کلاههایی که کج گذارده شده تفنگ بدست - در صورت داشتن تفنگ - سوار بر اسب در جلگه ای که محل عبور آنهاست تاخت و تاز نموده و با اجرای تیراندازی و قیقاج زنی شادمانی و سپس عمل آتشبازی را انجام میدهند . عروس را زینت کرده سوار مادیان ، باتفاق چند نفر از بستگان نزدیک عروس و نوازندگان ایل که معمولاً " در این مواقع آنان نیز سوار میباشند با ساز کوچکی که به زیبایی و ابهت این جشن میافزاید وارد مینمایند . در مسیر عروس طوایف از زن و مرد ، بزرگ و کوچک و پیرو جوان جمع شده با " کیل زدن " و دستمال افشاندن دسته جمعی مراسم عروسی را تبریک میگویند . این جریان تا منزل داماد ادامه دارد و بمحض نزدیک شدن بمنزل داماد مدعوینیکه در معیت او نبوده اند از عروس استقبال نموده و منظره ای دلفریب و در عین حال با نشاط بوجود میآورند که کمتر در سایر نقاط دیده میشود ، سپس داماد جلو آمده و عروس را پیاده مینماید ، عروس معمولاً " در این موقع استنکاف می نماید ولی با دریافت وجه - نقد یا ملک مزروعی که بوی تقدیم می شود راضی به پیاده شدن می شود .

در منزل داماد مدعوین با بهترین ملبوس الوان خود و با در دست افشاندن دستمال برقص دسته‌جمعی می‌پردازند. در این رقص‌سازهای کوچکی که شبیه به "قره‌نی" است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سپس جوانان و پسران به ترکه بازی (که نوعی حمله و دفاع می‌باشد) پرداخته باین ترتیب که یک نفر چوب کلفتی در دست گرفته و حاضر برای دفاع میشود و یک نفر دیگر با در دست داشتن ترکهٔ نسبتاً محکم بطول یک متری سانیتر برای حمله حاضر میگردد و هر دو نفر به آهنگ مخصوص (یک نوع رقص با پا و آهنگ موزون) در حالیکه از ساز و سرنا هم استفاده میشود شروع ببازی مینمایند، هر نفری که بتواند با مهارت و چابکی ترکهٔ حریف را رد کند ممتاز و هر نفری که بتواند با مهارت و چابکی و فریب دادن طرف ترکه را بیای حریف خود بزند مورد تحسین و هلهلهٔ حضار قرار می‌گیرد. زدن ترکه از ران بی‌الا ممنوع است.

در سر غذا بطور عموم برنج مفصلی طبخ و اکثراً "بره‌های فربه را که بدو قسمت نموده‌اند پخته و روی سینی‌های بزرگ که مملو از برنج و روغن مطبوع است حاضر و تناول مینمایند.

طلاق: بندرت انجام میشود، چیزی که در بختیاری مهم است اشخاص بیش از یک زن نمی‌گیرند و فقط در صورتیکه زن پیر و یا بیمار باشد دو زن گرفته میشود. در بختیاری زن نقش مهمی را بازی میکند و کارهایی که بیشتر مردها نمیتوانند انجام دهند زن‌ها انجام میدهند چون برای زن‌ها احترام خاصی قائلند و در هر صورت طلاق طبق شرع مقدس اسلام انجام میشود.

مراسم فوت و مجلس ترحیم: سواران و کدخدایان و کلانتران که در زدو خورد شهید میشوند مراسم خاصی دارند: در سر قبر آنان مجسمهٔ شیری از سنگ تراشیده و نصب میکنند (این رسم در غالب ایلات جنوب ایران معمول است).

بمحض فوت و یا کشته شدن یکی از افراد ایل، بدواً "بطور دسته‌جمعی شروع به خواندن آهنگ مخصوص عزانموده و چنانچه متوفی (کشته شده باشد) لباسهای خون آلود او را در وسط قرار داده و با ترنم آهنگ شنوندگانرا تحت تاثیر و تاثر و گریه و زاری قرار میدهند. در همان حین نوازندگان عشایری بوسیلهٔ نواختن آهنگهای ماتم مراسم فوت را اعلام و در نتیجه کلیهٔ افراد ایل و حتی طوایف همجوار دسته بدسته از زن و مرد، پیرو جوان با لباسهای سر تا پا سیاه سواره و پیاده به منزل متوفی حرکت

نموده و کثرت این جماعت بطوری است که کلیه مسیر حرکت آنان دریای مواجی بنظر میرسد، شرکت کنندگان گوسفند و یا چیزهای دیگری همراه خود بمنزل متوفی میبرند ولی اغلب پس از عزاداری که مدت آن از ۴۰ روز تا یکسال ادامه خواهد داشت عزادار بکلی از هستی ساقط میشود اگر متوفی مرد باشد اسبش را با پارچه‌های ابریشمی مشکی زینت و اسلحه و را نیز به آن آویزان مینمایند. باصطلاح خودشان روز چهل را سر تراشان مینامند. در آن روز بستگان متوفی در مجلس حاضر شده و پس از مراسم ختم سرو ریش و سبیل خود را اصلاح مینمایند.

عشایر فارس

۱- ایل قشقائی

طوایف این ایل عبارتند از:

الف- دره شوری: تعدادی از طایفه ایل بزرگ دره شوری تخته قاپو گردیده و بقیه هم در حال اسکان میباشند، امرار معاش ایل مذکور از گله داری و زراعت گندم و جو میباشد. ممکن مالی آنان خوب است مذهبشان تشیع و صنایع دستی ایشان بافتن قالی، قالیچه و گلیم میباشد. بیلاق ایل شوری اطراف سمیرم، در دشت، خسرو شیرین، سولیمان، سمیرم علیا، قور تپه سی، سیاه و کلک سمیرم، کرم آباد و قشلاقشان دو گنبدان، گچساران، حسین آباد، سرمشهد، جره، خشت، باشت و بابوئی، ممسنی، گوراسپید، هفت دشت- مهور، کوهمره توران، کوه براق، بشارگان، کوه سرخ، اطراف کازرون، هفت دشت، پیر سرخ باشت، کوه سیاه، قره دشت براق میباشد.

ب- طایفه کشکولی بزرگ: این طایفه نیز از زراعت و گله داری معاش مینماید، بخش مهم این طایفه تخته قاپو شده اند مذهبشان تشیع و صنایع دستی آنان بافتن گلیم، جاجیم و قالی است.

مناطق بیلاقی این طایفه عبارتند از: کوه آبنو، خرک، چهل چشمه، دشت ارژن، کردوا مهور، ایزد خواست، زنگنه، چنار لاهیجان، سر چهار دانگه، بن رود، کهر، کوه میشان، اردکان. و مناطق قشلاقی آن بدین شرح است: مهور میلانی، چنار لاهیجان، اطراف کازرون، و شنگ مهور، زنگنه، بن رود، مهور شکستان، بابا کلان.

پ- طایفه کشکولی کوچک: این طایفه تا کنون تخته قاپو نگردیده، ممکن مالی آنها خوب و از گله داری و زراعت امرار معاش مینمایند، محصولات زراعتی ایشان گندم و جو است. بیلاق طایفه کاکان و قشلاق آن در هنگام واقع شده است. مذهبشان شیعه است و



کوچ قشایی‌ها از قشلاق به بیلاق

بافتن قالی، گلیم، جاجیم و کبه‌نیز از صنایع دستی این طایفه بشمار میرود.
 ت - طایفه قراچه: تمکن مالی آنها خوب و از زراعت و گله‌داری امرار معاش
 مینمایند محل بیلاق آن در پادنا و قشلاق عشیره در شاهپور کارون و اطراف آن
 میباشد. از نظر صنایع دستی و مذهب همانند طایفه کشکولی است.

ث - طایفه صفی‌خانی اهالی این طایفه صاحب مکنت چندانی نیستند و امرار معاش
 آنان از گله‌داری و زراعت است. از نظر مذهب و صنایع دستی همانند طایفه کشکولی
 است و منطقه بیلاق طایفه، رودخانه سفید، سپاخ، دارخون، کامفروز، حدود سده و قشلاق
 ایشان در منطقه حدود فراشبند، حدود پوشکان، خابیک فراشبند میباشد.

ج - طایفه رحیمی: اکثرا "تخته‌قاپونشده" و از گله‌داری و زراعت امرار معاش مینمایند
 از نظر مذهب و صنایع دستی مشابه ایل کشکولی بوده و بیلاق آن در منطقه رودخانه
 رحیمی، ایزدخواست، حنا و قشلاق آن در پوشکان و کوه سیاه دشتی است.

چ - طایفه فارس‌میدان: اکثرا "تخته‌قاپونشده"، امرار معاش ایشان نیز از زراعت و
 گله‌داری بوده تمکن مالی ایشان خوب و محصولات زراعتی آنان گندم، جو و حبوبات
 میباشد. این طایفه نیز شیعه‌اند و قالی و گلیم و جاجیم و کبه می‌بافند. منطقه بیلاق
 طایفه در پادنا و قشلاق ایشان در جره و قامور است.

ح - طایفه عمله: تعدادی از این طایفه تخته‌قاپونشده ولی اکثرا "اسکان نیافته‌اند،
 تمکن مالی ایشان خوب نیست و از زراعت و گله‌داری امرار معاش مینمایند. مناطق بیلاقی
 این طایفه عبارتند از: سمیرم، فیروزآباد، دژگرد، خسرو شیرین، سپاخ، رامجرد، بیضا،
 شهرضا، آس پاس. و مناطق قشلاق آن نیز به شرح زیر است: خنج، جم‌دشتی، افروز،
 قیر، فراشبند، دشتی، کارزین، صیمکان.

خ - طایفه شش‌بلوکی: اکثریت این طایفه تخته‌قاپونشده و دارای تمکن
 مالی خوبی می‌باشند.

مناطق قشلاقی این طایفه عبارتند از:

پوشکان دشتی، کوه سیاه دشتی، دشتی فراشبند، هنگام
 هنگام

و مناطق بیلاقی آن عبارتند از:

سرحد چهاردانگه، سرچهاردانگه، اطراف حنا، ایزدخواست آباد.

۲- ایل بویر احمد علیا

طوایف بویر احمد عبارتند از:

الف - طایفه نگین تاجی: بخشی از طایفه مذکور تخته قاپو گردیده و بقیه اسکان نیافته‌اند، تمکن مالی آنها خوب و از زراعت و فلاحت و گله‌داری امرار معاش مینمایند. این طایفه نیز شیعه و صنایع دستی آن بافتن قالی، گلیم و جاجیم است. بیلاق طایفه نگین تاجی در مناطق خاکدان فلات، تل خسرو، بند سر دره خسروی و آب نهر خسروی و قشلاق آن در درولای باشت، لیشت، دشتگرواقع شده است.

ب - طایفه سادات: بخشی از طایفه سادات تخته قاپو گردیده و بقیه تاکنون اسکان نیافته‌اند، تمکن مالی آنها خوب و از زراعت و گله‌داری امرار معاش مینمایند، محصولات زراعتی آنها گندم، برنج، جو و ذرت میباشد. از نظر مذهبی و صنایع دستی مشابه نگین تاجی میباشد. بیلاق طایفه سادات در اطراف یاسوج، برآفتاب، موردراز تل خسروی و قشلاق آنان در نزدیک رستم ممسنی، کوه پهن باشت قرار دارد.

پ - طایفه اردشیری: از طایفه مذکور اکثراً "تخته قاپو شده اند" و از محصولات زراعتی و گله‌داری امرار معاش مینمایند. از نظر مذهبی و صنایع دستی مشابه طایفه سادات میباشد. بیلاق طایفه اردشیری در آبادی ولی تل خسروی، فیروز-آباد تل خسروی و قشلاق آن در منطقه ممسنی واقع است.

ت - طایفه آقائی: بخشی از این طایفه تخته قاپو شده و تمکن مالی آنها خوب - و از زراعت و گله‌داری امرار معاش مینماید. محصولات زراعتی آنان برنج، گندم، جو و ذرت میباشد و از نظر مذهبی و صنایع دستی شبیه طایفه سادات میباشد. بیلاق طایفه آقایی در منطقه بیلاق تنگ سرخ، تل خسروی، یکدان تل خسروی و قشلاق آن در حوالی بهبهان و رستم ممسنی قرار دارد.

ث - طایفه قائدگیوی: این طایفه تاکنون اسکان نیافته‌اند، تمکن مالی آنها خوب و از گله‌داری و زراعت امرار معاش مینمایند، محصولات زراعتی آنها گندم، برنج، جو و ذرت میباشد. بیلاق این طایفه در مناطق دشت روم، تل خسروی و سفیدار تل خسروی و قشلاق آنان در تنگ نامرادی ممسنی و ده نو ممسنی قرار دارد. اهالی این ایل شیعه میباشند.

ج - طایفه جلیل و بابکان: این طایفه اسکان یافته‌اند، از زراعت و گله‌داری امرار معاش مینمایند، وضع زندگی ایشان خوبست. بیلاق آن در منطقه جلیل و قشلاق طایفه



چهره زنی از روستای سرتلی در حوالی شیراز

در گنجه، بویراحمد علیا واقع شده است مذهب اهالی شیعه میباشد.

چ - طایفه عمله یاب: از طایفه مذکور تعدادی تخته قاپوشده و بقیه تاکنون اسکان نیافته اند. از زراعت و گله داری امرار معاش مینمایند. بیلاق طایفه در تل خسروی و قشلاق آن در رستم ممسنی واقع است. طایفه عمله یاب شیعه هستند.

ح - طایفه ساکنین دهات: عموماً "تخته قاپوشده اند و از زراعت و فلاحه امرار معاش مینمایند. مذهب طایفه شیعه و بیلاق آن در محمود آباد تل خسروی، بادوان، باررنگ واقع و مذهب ایشان شیعه میباشد.

۳- ایل عرب

الف - طایفه غنی: از این طایفه بخشی اسکان یافته اند. از زراعت و فلاحه و گله داری امرار معاش مینمایند و تمکن مالی آنها خوبست. بیلاق طایفه در بوانات و قشلاق آن در خرک، ایرود و شور داراب میباشد.

ب - طایفه فارسی: از طایفه مذکور بخشی اسکان یافته اند و بقیه تاکنون تخته - قاپو نشده، از زراعت و گله داری و فلاحه امرار معاش مینمایند، تمکن مالی آنان خوب نیست. بیلاق آن در ده بید و قشلاق طایفه در فسا میباشد.

پ - طایفه مزیدی: از طایفه مزبور بخشی اسکان یافته و بقیه تاکنون تخته قاپو نشده اند، از زراعت و گله داری و فلاحه امرار معاش مینمایند. تمکن مالی آنها خوب است. بیلاق آن در بوانات و قشلاق طایفه در حاجی آباد، داراب واقع است.

ت - طایفه کوچی: از طایفه مذکور بخشی اسکان یافته و از زراعت و گله داری - امرار معاش مینمایند. تمکن مالی آنها خوبست. بیلاق طایفه در کوهستان اقلید و قشلاق آن در جویم دیناروند میباشد.

ث - طایفه شیری: از طایفه مذکور تعدادی تخته قاپو شده و بقیه اسکان نیافته اند، از زراعت و فلاحه و گله داری امرار معاش مینمایند. تمکن مالی آنها خوب است. بیلاق طایفه شیری در قنقری بوانات و قشلاق آن در مریجان و ایزد خواست میباشد.

ج - طایفه عبدایوسفی: از طایفه مذکور بخش عمده ای اسکان یافته و بقیه تخته - قاپو نشده اند، از زراعت و گله داری امرار معاش مینمایند. تمکن مالی آنها خوبست. بیلاقشان در اطراف ده بید و قشلاقشان نزدیک قطب آباد جهرم میباشد.

چ - طایفه رحیمی چنانی: از طایفه مذکور بخش کوچکی اسکان یافته و بقیه تخته - قاپو نشده اند، از زراعت و گله داری امرار معاش مینمایند، تمکن مالی آنها خوبست.

از طوائف خوزستان (خرمشهر)



محل بیلاق ایشان مرودشت و قشلاق آنان در هکام جهرم میباشد.

ح - طایفه جابری: از طایفه مذکور بخشی اسکان یافته اند و از زراعت و گله داری امرار معاش مینمایند، تمکن مالی آنها خوبست، بیلاق آنان در پیرسران و قشلاق ایشان در اطراف داراب است.

خ - طایفه عمله شیبانی: از طایفه مذکور بخشی اسکان یافته اند و بقیه تخته قاپو نشده اند، از زراعت و فلاحت امرار معاش مینمایند، تمکن مالی ایشان خوبست. بیلاق آنان در توابع ارسنجان و قشلاق در جویم دیناروند دارند.

د - طایفه نقد علی: از طایفه مذکور بخشی اسکان یافته اند و بقیه تخته قاپو نشده اند، از زراعت و فلاحت و گله داری امرار معاش مینمایند، تمکن مالی آنها خوب است. در اطراف دهبید بیلاق و بین فسا و جهرم قشلاق دارند.

ذ - طایفه لبو محمدی: از طایفه مذکور بخشی اسکان یافته و بقیه تخته قاپو نشده اند، تمکن مالی آنها خوبست. ارسنجان دهبید محل بیلاق ایشان و اطراف داراب قشلاق آنان است.

ر - طایفه پیرسلامی: از طایفه مذکور بخشی اسکان یافته اند، از زراعت و فلاحت و گله داری امرار معاش مینمایند، تمکن مالی آنها خوبست. در اطراف دهبید محل بیلاق و در مناطق خرک، آبرود و شور داراب قشلاق دارند.

ز - طایفه درازی: از طایفه مزبور بخشی اسکان یافته اند، از زراعت و فلاحت و گله داری امرار معاش مینمایند. تمکن مالی آنها خوب است. محل بیلاق این طایفه در اطراف مرودشت و قشلاق ایشان در هکان جهرم است.

ژ - طایفه بنی عبداللهی: از طایفه مزبور بخشی اسکان یافته اند، از زراعت و گله داری امرار معاش مینمایند. در اطراف مرودشت بیلاق و در بنارویه قشلاق دارند.

۴ - ایل باصری

الف - طایفه عبدلی: این طایفه تخته قاپو نشده است. امرار معاش آنها از زراعت و گله داری است، محصولات زراعتی ایشان گندم، جو و ذرت میباشد. تمکن مالی آنها خوبست. بیلاق شان در اقلید و قشلاق شان در هرم و کاویان میباشد.

ب - طایفه علی قلی: این طایفه تخته قاپو نشده اند، امرار معاش آنها از زراعت، و فلاحت و گله داری است. تمکن مالی ایشان خوبست. احمدآباد محل بیلاق آنان و لاغران قشلاق ایشان میباشد.

پ- طایفه لبوموسی: این طایفه تخته قاپو نشده‌اند، امرا ر معاش ایشان از زراعت و گله‌داری است، تمکن مالی آنان خوبست. در خنخشت بیلاق و در احمدآباد قشلاق دارند.

ت- طایفه علی قنبری: این طایفه تخته قاپو نشده‌اند، از زراعت و گله‌داری امرار معاش مینمایند. بیلاق و قشلاق ایشان مثل طایفه لبوموسی است.

ث- طایفه ظهرابی: این طایفه تخته قاپو نشده‌اند، امرا معاش آنان از فلاح و زراعت است. بیلاق ایشان در رضاآباد و قشلاق آنان در هرم و کاویان است.

ج- طایفه جکمه‌ای: این طایفه تخته قاپو نشده‌اند و از زراعت و گله‌داری امرار معاش مینمایند، تمکن مالی آنها خوبست. محل بیلاق این طایفه احمدآباد و قشلاق آن هرم و کاویان است.

چ- طایفه جوچین: این طایفه تخته قاپو نشده‌اند، از زراعت و گله‌داری امرار معاش مینمایند و تمکن مالی آنها خوبست. احمدآباد بیلاق و دشت گور قشلاق ایشان میباشد.

ح- طایفه علی شاه‌قلی: این طایفه تخته قاپو نشده‌اند، از زراعت و گله‌داری امرار معاش می‌نمایند و تمکن مالی آنها خوبست. احمدآباد بیلاق و دشت گور قشلاق ایشان میباشد.

خ- طایفه حنانی: این طایفه تخته قاپو نشده‌اند، از زراعت و گله‌داری امرار معاش مینمایند و تمکن مالی آنها خوبست. احمدآباد بیلاق و دشت گور قشلاق آنان میباشد.

د- طایفه نفر: این طایفه تخته قاپو نشده‌اند و تمکن مالی ایشان خوبست. محصولات زراعتی آنها گندم و جو و امرار معاش آنها از گله‌داری و زراعت است سیر بانو محل بیلاق و نعل، سیاه جهرم منطقه قشلاق ایشان میباشد.

۵- ایل ممسنی

تقریباً "طوایف ایل ممسنی" جملگی تخته قاپو شده‌اند و از طریق زراعت و گله‌داری امرار معاش میکنند. تمکن مالی آنان خوب و مذهبشان شیعه است و قالی و جاجیم می‌بافند و عبارتند از: طوایف رستم، بکش، جاوید، فهلیان و دشمن‌زیاری

۶- ایل کردشولی

از این ایل تاکنون بخش عمده‌ای اسکان یافته و بقیه تخته قاپو نشده‌اند، محصولات

زراعتی ایشان گندم و جو، تمکن مالی آنها خوب و امرار معاش ایل از طریق زراعت و گله‌داری است بیلاق ایشان کوه‌همره سرخی و قلعه نو چهارم میباشد. این طایفه شیعه مذهبند.

رسوم عشایر فارس

الف - ایل قشقائی

اعیاد و جشنها: ایل قشقائی به سه عید اهمیت میدهند: نوروز، فطر، قربان. یک روز پیش از عید نوروز بعضی ها سر قبر اموات خود میروند و فاتحه میخوانند سپس از غنی و فقیر و بزرگ و کوچک باید بحمام بروند، زن‌ها و اطفال حتما "بایستی بسرو دست حنا بمالند و لباس نو بپوشند، شام شب عید باید پلو باشد و عموما "مقید به ذبح گوسفند یا بره و یا اقلا" مرغ میباشند. روز عید نوروز همه بایستی شیرینی بخورند و معتقدند که با این عمل در تمام سال شیرین کام خواهند شد، در این روز هر کس به دیدن بزرگان قوم و آشنایان میرود.

مراسم عید فطر: در این روز کلیه افرادی که بحد بلوغ رسیده باشند اعم از اینکه روزه گرفته باشند یا نگرفته باشند فطریه خود را نقد یا جنس به مستضعفان تیره خود می‌پردازند.

مراسم عید قربان: در این عید هر خانواده اهم از متمکن یا غیر متمکن دو یا یک گوسفند و یا اقلا "یک بزغاله قربانی می‌کند. اغلب سعی میکنند این قربانی در مجاور بقاع متبرکه (امام زاده‌ها) انجام گیرد. گوسفندی که باید قربانی شود ابتدا سم‌هایش را تمیز میکنند و پیشانی و بعضی نقاط بدن را با حنا رنگ می‌زنند. بسایر اعیاد دیگر توجهی ندارند.

خواستگاری: همینکه پسر و دختری خواهان ازدواج با هم بودند بایستی قبلا "تحقیق شود که آیا از خانواده دختر پسری خواهان دختر مزبور هست یا نه؟ اگر از خانواده دختر کسی خواهان نبود آنگاه بوسیله زنان خانواده رضایت مادر دختر را جلب و پس از آن با فرستادن ریش سفیدان خانواده پسر مراسم خواستگاری انجام و بعد از آن موضوع "باشلق" به میان می‌آید. باشلق عبارت از مبلغی پول نقد و تعدادی شتر و مادیان و مقداری پارچه است که میزان آن بر حسب تمکن مالی پسر و شخصیت خانواده دختر تغییر پذیر است و ضمنا "از طرف خانواده پسر برای تقلیل آن بوسیله ریش سفیدان چانه می‌زنند.



یک دختر قشقائی

مراسم عقد و عروسی: غالباً "تشریفات عقد و عروسی تواما" انجام میگیرد، البته پس از اینکه مراسم خواستگاری انجام شد بلافاصله در خانه داماد شروع به تهیه جشن عروسی میشود و معمولاً "مدت جشن از سه الی هفت شبانه روز طول میکشد و آخرین روز جشن که معمولاً "بایستی یکی از روزهای سعید و میمون باشد عده‌ای از بستگان و اولیای داماد و ریش سفیدان سوار اسب شده به طرف خانه پدر دختر میروند و مقداری خوار و بار، سوخت، شیرینی، قند و چای و گوشت گوسفند بخانه پدر دختر میفرستند. مراسم عقد مانند معمول در شهر انجام و صیغه نکاح خوانده میشود و بعداً "با اجازه والدین عروس را سوار بر اسبی که زین و برگ آن زینت داده شده است مینمایند و یک پسر بچه ۷ الی ۸ ساله هم پشت سر عروس سوار همان اسب میشود و مرد محترمی دهانه اسب را میکشد و با شادی و هلله و اسب دوانی مردان و زنان قبیله داماد، بطرف خانه داماد میروند و در بین راه نیز عده‌یی از خانواده داماد سواره و پیاده با استقبال عروس آمده و با شلیک تیر تفنگ به ملتزمین عروس ملحق شده و عموماً "در حال اسب دوانی سوار کاری بخانه داماد میروند. جمعیت همینکه به نزدیکی چادر قبیله داماد رسید شخص داماد با استقبال عروس آمده نارنجی بطرف سینه عروس پرتاب و فرار میکند، بلافاصله سواران قبیله عروس داماد را تعقیب و اگر او را دستگیر کردند او را با چوب میزنند، در این گیسو دار عروس را وارد حجله‌گاهی که با کمال دقت تزئین شده مینمایند، در همین موقع است که از طرف داماد و بستگان هدیه‌ای از قبیله اسب یا تعدادی گوسفند و یا قباله قطعه مزرعه‌ای یا ملک شش دانگ بعروس داده میشود.

نوزاد اول: اگر نوزاد اول پسر نباشد علاوه بر اینکه جشن و سروری برپا نمیشود مادر طفل هم غالباً "مورد غمخواری کسان خود واقع میگردد ولی اگر نوزاد پسر باشد شخصی که دفعه اول با قوام یا مادر یا پدر خبر میدهد مزدگانی قابلی دریافت میدارد. پدر طفل نیز با ساز و دهل دارا شدن پسر را اعلام و مزدگانی خوبی بخبر دهنده میپردازد.

کشکولی بزرگ

جزو ایل قشقایی و مراسمشان مانند سایر عشایر میباشد.

ایل کردشولی

جشنها و اعیاد: عید نوروز بیشتر از سایر اعیاد مورد توجه ایل کردشولی است



چهره مردی در روستای آسپاس از شهرستان آباده



کوچ قشقائی در روستای آسپاس از شهرستان آباده

و بدید و بازدید هم میروند .

خواستگاری و عقد و عروسی و همچنین مراسم نوزاد اول و ختنه سوران و طلاق و وفات مانند سایر ایلات فارس میباشد .

پ - بوییر احمد علیا

اعیاد و جشنها : لرها در میان اعیاد بعید نوروز و فطر اهمیت خاصی میدهند و بدید و بازدید میروند .

خواستگاری و عقد و عروسی : اصولاً "خواستگاری و ازدواج در این ایل بیشتر بمنظور نفوذ محلی و بدست آوردن قوم و طایفه و ملک و مال انجام میگرفته است و روی همین اصل بود که مثلاً " دختر دو یا سه ساله را بعقد پسر ۱۵ تا ۱۲ ساله در می آوردند . امروزه برای خواستگاری رسم خاصی وجود ندارد و با مذاکراتی که بین ولی پسر و ولی دختر میشود موضوع نامزدی و خواستگاری عملی میگردد . مراسم عقد خیلی ساده انجام و بوسیله ملای محل صیغه عقد جاری میشود و بلافاصله پدر دختر قطعه ای ملک یا مزرعه یا تعدادی گاو و گوسفند بعنوان باشلق در یافت میدارد . برای انجام عروسی عده ای از کسان داماد سواره بخانه عروس رفته شادی کنان و دست زنان عروس را سوار و بخانه داماد میآورند ، جهیزیه عروس که عبارت از تعدادی دواب و اسباب خانه است در معیت عروس بخانه داماد آورده میشود .

طلاق : طلاق در این ایل بندرت است و اگر احیاناً لازم شود شوهر به ملای محل مراجعه و طلاق نامه او را مینویسد و به نزد زن میفرستد .

فوت : در ایل بوییر احمد علیا بمحض اینکه کسی فوت نمود صاحب عزا مجبور است کلیه ارشیه ای که از متوفی باقیمانده بصرف تهیه غذای مدعوین برساند و دیگر مراسم چهل و هفته و سال صورت نمیگیرد . عزاداران در صورتی که مرد باشند شال کمر خود را دور گردن می بندند و اگر زن باشند مقنعه یا "چهارقد" سیاه بسر می کنند

پ - ایل عرب (خمسه)

اعیاد و جشنها : به عید نوروز و تولد حضرت رسول اکرم (ص) اهمیت خاصی میدهند ، عید فطر و قربان هم مورد توجه میباشد .

خواستگاری و عقد و عروسی : چیزی که در این مورد بیشتر مورد اهمیت است ۵ الی ۱۵ نفر ریش سفید نزد پدر دختر رفته و پس از مذاکرات و جلب رضایت وی دست



چهره زن روستائی " روستای سیحه دزفول "

پدر دختر را بوسیده و بعداً "لباس و شیرینی بخانه" دختر میفرستند. در موقع عقد - کنان ابتدا از محترمین و سرشناسان ایل دعوت میشود که ناهار را در منزل پدر دختر صرف نمایند ولی غذا را از منزل داماد به منزل عروس میفرستند. در این جلسه از دختر رضایت میگیرند و ورقه استشهادی تهیه میکنند که همه حضار آنرا مهر میکنند و همانرا بمحضر رسمی ارسال می دارند تا قبالة تهیه شود. برای انجام عروسی ابتدا یک کله قند از طرف داماد برای هر یک از خانواده های طوایف فرستاده میشود و مدعوین بفراخور حال خود هیزم و گوسفند بخانه داماد میفرستند.

مدت جشن عروسی بستگی به وضع مادی داماد دارد ولی از سه روز کمتر و از یک هفته بیشتر نیست و در این مدت با نواختن ساز و دهل و رقصهای چوبی به عروسی جلوه خاصی میدهند. آخرین روز جشن، داماد لباس نو میپوشد و در آن روز هر یک از مدعوین مبلغی بنام شاباش (شاد باش) بداماد تقدیم میکنند و در آخرین شب، عروس را بوسیله بستگان داماد، بچادر داماد میبرند.

طلاق: طلاق بندرت اتفاق میافتد و اگر کسی بخواهد طلاق بگیرد باید تمام مهریه را بدهد یا ببخشد.

ایل باصری (خمسه). مراسم ایل باصری همانند ایل عرب می باشد.

ایل ممسنی

اعیاد و جشنها: مراسم عید نوروز مانند مراسم مردم شهر نشین میباشد. تمام خانواده ها در عید قربان گوسفند قربانی میکنند و آنانی که فقیر هستند با ذبح یک مرغ مراسم را انجام میدهند.

خواستگاری و عقد و عروسی: همین که پدری تصمیم گرفت که دختر فلان شخص را برای پسر خود بگیرد ابتدا یکنفر از ریش سفیدان خانواده را محرمانه نزد پدر دختر فرستاده و تمایل او را استفسار میکند، چنانچه جواب مثبت شنید بلافاصله عده ای از زنان و مردان خانواده پسر با مقداری قند، چای، روغن، برنج و یک گوسفند و مبلغی پول یا سکه طلا و چند دست لباس دوخته برای دختر بخانه عروس آینده رفته ابتدا لوازمی که با خود برده اند به خانواده دختر تحویل و سپس یک دست لباس دوخته را بتن دختر میپوشانند و به این ترتیب مراسم خواستگاری و نامزدی انجام میگیرد و معمولاً "عموم کسانی که برای انجام این امر بخانه دختر



دو تصویر از کوچ‌نشینان جنوب ایران

رفته‌اند ناهار را در منزل وی صرف میکنند معمولا "فاصله" بین خواستگاری و عروسی مدت زیادی طول میکشد و این مدت بعضی اوقات حتی به دهسال هم میرسد. هر وقت خانواده پسر آماده عقد و عروسی شدند با فرستادن عده‌ای زن و مرد از خانواده دختر برای شروع عروسی کسب اجازه میکنند و ضمنا "در همین جلسه در باره" "باشلق" نیز مذاکره میشود. بالاخره میزان آن تعیین و سپس با شلق به پدر دختر تحویل میشود، بقیه مراسم عقدکنان و عروسی مانند ایل قشقایی است. طلاق: طلاق بندرت انجام و معمول نیست و اگر کسی مجبور باشد که زن خود را طلاق دهد مهریه او را میپردازد و طلاق نامه را که ملای محل نوشته برای زن میفرستد.

مراسم عزاداری در ایل ممسنی (۱)

با شروع ماه محرم و ماه صفر، مردم مسلمان ایل نیز مراسم عزاداری برپا میکنند. روز اول ماه محرم مردم آبادیه‌های اطراف در هر طایفه در میدانچه یا مسجد یا امامزاده محل جمع میشوند و گروه‌های عزادار در شب اول ماه محرم به عزاداری پرداخته و مراسم را آغاز میکنند. نوحه خوان میخواند و مردم همگی پاسخ میدهند.

ماه محرم آمده

شادی رفته غم آمده

ماه عزا شد

ماتم به پا شد

این مراسم تا شب عاشورای حسینی ادامه می‌یابد. در این شب مردم در میدانچه یا فضای وسیعی شروع به عزاداری مینمایند و عموما "شام را"، افراد محلی که نذر کرده‌اند تدارک میبینند. نوحه‌هایی که در این شب خوانده میشود بیشتر به زبان محلی است.

(از زمانی که افراد با سواد در ایل پیدا شده‌اند، نوحه‌های ماه محرم به تبعیت از نوحه‌های رایج در سایر نقاط خوانده میشود.)

از جمله ویژگی‌های مراسم عزاداری در ایل ممسنی انجام مراسم همراه با تعزیه - خوانی است. تعزیه در ایل هرگز در مکان خاصی برپا نمیشود، بلکه دسته‌های سینه زنی که از روستایی به روستایی میروند، در میانه راه مراسم تعزیه

همگام با مراسم عزاداری بصورت متحرک انجام میدهند. تعزیه در ایل سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد. نزدیکی با شهرها، مراسم تعزیه را همانند آنچه در شهرها انجام میگردد در ایل نیز رایج کرده‌است.

تعزیه در ایل ابتدا بوسیله تعزیه‌خوانهایی که از شهرهای، کازرون، شیراز، و یا اصفهان به ایل ممسنی می‌آمدند انجام میگرفت ولی بعدها با باسواد شدن اهالی، جوانها خود در ماه محرم تعزیه را برپا ساختند و در طی سالیان دراز اجرای مراسم تعزیه هر چه کاملتر و پربارتر در ایل انجام می‌گیرد، وسایل تعزیه بوسیله گروهی از جوانها تدارک دیده شده و طی سالها از آن استفاده به عمل آمده‌است. گروههای تعزیه در ایل ممسنی بیشتر در طایفه "جاوید" متمرکز بوده و این طایفه سابقه طولانی‌تری در امر برپایی تعزیه داشته‌است.

در شب هشتم ماه محرم در ایل تعزیه مسلم خوانده میشود، این تعزیه همراه باروضه - خوانی است.

شب تاسوعای حسینی تعزیه علی اکبر (ع) است، مردم در میدانچه یا مسجد محل گرد می‌آیند بعد از مراسم روضه خوانی در اواخر مجلس تعزیه علی اکبر (ع) را برپا میدارند غالباً "بعد از مراسم روضه خوانی و تعزیه شام را که حلیم یا آش است صرف میکنند.

در شب عاشورای حسینی معمولاً "مراسم تا سحر انجام میگردد، بعد از خوردن سحری نزدیکی‌های صبح تعزیه حضرت عباس (ع) برپا میشود که شور و حال زیادی دارد.

در روز عاشورای حسینی با تدارک "عماری" کجاوه و آمادگی سایر افراد تعزیه همراه دسته‌های سینه زنی از یک روستا راه افتاده و به سایر آبادیها میروند و در راه همراه این دسته‌جات، سوار بر اسب، مراسم تعزیه را انجام میدهند و مردم با دیدن این مراسم به سوگواری میپردازند.

سوگند خوردن در ایل ممسنی حرمت بسیار دارد و کمتر سوگندی روی ریا و فریب بر زبان اهل ایل رانده میشود.

اگر به کسی تهمت دزدی زده شود، رسم بر این است که برادر و یا فرزند و یا نزدیکترین فرد خانواده شخصی که به او تهمت زده شده قرآن مجید را بر سر - گذاشته و به قرآن مجید قسم می‌خورد. یا اگر مالی از کسی به سرقت رفت او قرآنی را در جیب میگذارد و نزد افراد مشکوک می‌رود، به این شخص در ایل "مدعی"

می‌گویند او نزد هر کدام رفت، آن شخص از او می‌پرسد که دنبال چه می‌گردی، او می‌گوید دنبال اموال گم شده‌ام می‌گردم و بعد قرآن را از جیب بیرون می‌آورد، آن شخص با دیدن قرآن یا قسم می‌خورد که نذر دیده و یا اقرار به دزدی میکند.

از مهمترین سوگندهای ایل سوگند به کره حضرت عباس (ع) است، بدین ترتیب که ابتدا چند سنگ‌روی هم چیده به نام کره حضرت عباس (ع) و دو نفر که می‌خواهند باهم پیمان و عهدی ببندند به "کره" حضرت عباس (ع) سوگند می‌خورند و بعد سنگ‌ها را به هم ریخته و سوگند را حفظ می‌کنند. گاهی کره حضرت عباس (ع) نگهبان مال یا دارائی اشخاص نیز میشود، مثلاً "باغبانی در چهار گوشه باغ خود چهار کره برپا میکند، او مطمئن است که کسی به باغ او دستبرد نمیزند، یا سرخرمن با برپایی کره حضرت عباس (ع) اطمینان دارند که خرمن مورد دستبرد و دزدی قرار نمی‌گیرد، گاهی شخصی مایل نیست که کسی از میان زمین زراعی‌اش عبور کند، او با برپا کردن یک کره در میان زمین زراعتی راه عبور و مرور از میان زمین را سد میکند و اطمینان دارد که کسی از این راه عبور نخواهد کرد.

از دیگر سوگندهای ایل "دیانت" کشیدن است. بدین ترتیب که شخصی از کسی پولی طلبکار است، بدهکار منکر میشود، شخص هم سند یا مدرکی در دست ندارد، بهمین دلیل متوسل به "دیانت" میشود، دیانت کشیدن به این شکل است که مدعی یکی از انگشتهایش را، "غالبا" انگشت شصت را، به طرف بدهکار دراز نموده و می‌گوید انگشت مرا بکش اگر بدهی نداری. اگر بدهکار انگشت او را کشید و گفت بدهی ندارم شخص طلبکار از سر طلب خود می‌گذرد و بالعکس اگر نکشید با پا در میانی دیگران ناگزیر به اقرار می‌گردد.

از دیگر مراسم مذهبی برپا ساختن نذر یا سفره حضرت عباس (ع) است گاهی نیز برای حضرت امام حسین (ع) شخصی گله‌دار مثلاً "از گله بز نری را نذر میکند و یا کشاورزی از محصول خود یک یا چند من گندم نذر می‌کند، و حتی گاهی زنان خانه‌دار ایل یکی از جوجه‌ها یا مرغ‌هایشان را نذر میکنند. سفره‌های نذری بیشتر در شبهای ۱۹ و ۲۱ ماه مبارک رمضان و از اول تا دهم محرم، ۱۳ محرم، شب اربعین و ۲۸ ماه صفر برپا میشود. برای ادای نذر اگر کسی گوسفندی کشته باشد، آن را به چند قسمت تقسیم کرده که هر قسمت آن بنام "خیر" به اقوام و بستگان

نزدیک میدهند و گاهی نذرها به صورت قند و چای و سهم شدن در مراسم روضه خوانی ادا میشود.

از دیگر مراسم ایل ممسنی مراسم عید قربان است. برای انجام مراسم عید- قربان هر کس که گوسفندی بخواهد قربانی کند از صبح زود آن را به نزدیک خانه یا چادرش میبندد تا آفتاب سر بزند، گوسفندی که قرار است قربانی شود نباید کمتر از شش ماه داشته باشد و نباید از زمان تولد تا زمان قربانی شدن، هیچگونه زخمی برداشته باشد، اگر کسی قدرت مالی نداشته باشد که بتنهایی گوسفندی را قربانی کند، با شراکت عده‌ای دیگر گوسفندی را قربانی میکند برای انجام مراسم قربانی ابتدا چاله‌ای کنده و گوسفند را در آن قرار میدهند یک نفر بالای سر گوسفند ایستاده و دعای عید قربان را میخواند، بعد سر گوسفند را بریده و به گونه‌ای که خون در چاله جمع شود، بعد گوسفند را بیرون آورده پوست آن را کنده و گوشت آنرا بین همسایه‌ها و اقوام تقسیم میکنند و روی چاله‌ها نیز می‌پوشانند استخوان گوسفند یا بز قربانی شده را هرگز دور نمی‌اندازند و اغلب در خانه‌هایشان چال میکنند.

عشایر کرمان

۱- منطقه سیرجان

طوایف منطقه سیرجان عبارتند از:

بچاقی، قرائی، قرائی ترک، لری سهرابی، لری میرزا حسینی، شول، شول خراسانی، رائینی، افشار عمویی، افشار، خالو، لری اقطاع، جبالبارزی- اقطاع، قتلو، لک.

بطور کلی قسمتی از طوایف فوق تخته قاپوشده و اسکان یافته‌اند و عده‌ای به صورت چادر نشین میباشند، اما رمعاش آنان از گله‌داری و زراعت گندم، جو، عدس، ارزن و... میگذرد. مذهب جملگی شیعه میباشد و از صنایع دستی قالیبافی در میان این طوایف رایج میباشد. بیلاق و قشلاق طوایف منطقه سیرجان به شرح صفحه بعدی است.

نام طوایف سیر جان	بیلاق	قشلاق
بچاقی	بلورد چهارگنبد	عین البقرو کویر اطراف
قرائی	خانه سرخ	چاه چفوک
قرائی ترک	کوهستان شمالی چهار گنبد	اطراف عین البقر
لری سهرابی	کوه پنج پاریز	کاریز
لری میرزا حسینی	پاریز	خبرآباد
شول	اردستان	اطراف حاجی آباد
شول خراسانی	پاریز و اطراف آن	بز کوه
رائینی	چهار گنبد	کوه شاه احمدی
افشار عمومی	گیگان	ارزوئییه
افشار	گوغر	دولت آباد
خالو	براقطاع	کلاشکرد
لری اقطاع	اطراف شاه کوه	حدود اسفند قه
جبالبارزی اقطاع	رهوئییه	کلاشکرد
قتلو	برزخ	چاه افغان
لک	برنجان	دولت آباد



چوپان بلوچی

۲ - منطقه رودبار

طوایف این منطقه عبارتند از :

مهنی ، ساردوئیه ، جبالبارز رودبار ، مهنی ، منوجانی ، لرودبار ، ناروئی رودبار ، کندر ، کیهان ، بچگان ، نودژ ، قباحی ، سالار ، رئیسی ، هوت ، شموئی ، تاجیک ، سابکی .

از طوایف فوق منوجانی ، لرودبار ، ناروئی رودبار تخته قاپو نشده - اند و بقیه طوایف قسمتی عالی قاپو شده و قسمتی چادر نشین میباشند .

مذهب این طوایف عموماً "شیعه است و قالیبافی نیز در میان ایشان رایج می باشد .

۳ - منطقه عباسی

طوایف منطقه عباسی عبارتند از :

درآگاهی ، صولتی ، فارعانی ، نوشیروانی ، طاهرزائی ، کهورستانی .

این طوایف عموماً "تخته قاپو گردیده و از راه زراعت و گله داری امرار معاش میکنند ، تمکن مالی آنها متوسط است . مذهب این طوایف نیز شیعه میباشد .

رسوم عشایر کرمان

منطقه سیرجان

اعیاد و جشنها : در روزهای عید هر کس اعم از زن و مرد به تناسب شئون خانواده و استعداد ممکنه لباس نو میپوشد و طبقه بانوان خو درا به زیور آلات زینت میدهند و بهترین و لذیذترین غذا را در آن روز صرف مینمایند مخصوصاً در روز عید اضحی با عقیده مذهبی گوسفند یکساله را به عنوان قربانی ذبح مینمایند ، اولاد و سایر نزدیکان جهت مراسم تبریک و تهنیت به منزل های یکدیگر رفته دید و باز دید مینمایند . در روز عید فطر پس از ادای زکوة فطر ، کلیه روزه داران در ساعت ۸ صبح در مسجد یا اگر نباشد در خانه کدخدا و ریش سفید محل اجتماع و بنحو جماعت در سه صف اقتدا بیک نفر امام که در زمره علماء و فضلاء بشمار میرود نماز عید را ادا مینماید . پس از خاتمه نماز ضمن دعا به قبول عبادت یکدیگر بدرگاه خدای متعال که با کلمه "انشاء الله قبول باشد" اظهار میشود ، باهم مصافحه مینمایند .

خواستگاری و ازدواج. پدر پسر، یک نفر از محترمین ایل را نزد پدر دختر فرستاده وقتی از طرف ولی دختر با خواستگاری موافقت گردید یک دست لباس با یک انگشتر جهت دختر بعنوان نشانه فرستاده میشود. جلسه عقد کنان در منزل پدر دختر تشکیل و پس از تعیین و تشخیص میزان صداق که عبارت از طلا، نقره، ملک، شتر و غیره که در عقد نامه ذکر میشود صیغه جاری و از آن روز عروس از لحاظ شعون اسلامی تا مادامی که مراسم زفاف بعمل نیامده خود را از داماد پنهان و کناره میگیرد یعنی اگر داماد در جلسه‌ای که عروس نشسته بناگاه وارد شود عروس از آن جلسه بلند شده و بر داماد پشت میکند زیرا اگر عروس در این حال با داماد تماس بگیرد مورد سرزنش واقع خواهد شد. داماد پس از وقوع عقد جهت تهیه مقدمات عروسی تدارک لازم را می‌نماید و جشن عروسی بر پا میشود. آخرین روز عروسی کلیه عشایر را دعوت نموده مسابقه شتر دوانی و تیر اندازی بعمل می‌آورند و شاخ بلندی از چوب بنام " طراده " در زمین نصب و سر آن شاخه اشرفی طلا و پول نقره و غیره آویزان میکنند مدعوین یکی بعد از دیگری، تیر اندازی و هر کسی برنده شد اشرفی ها به او تعلق میگیرد.

مدعوین سر و ریش داماد را به وسیله سلمانی اصلاح نموده و زنان طایفه هم به سرو صورت وی نقل نثار کرده شادی میکنند. داماد را سوار شتر کرده و با هلهله و شادی به حمام برده و پس از استحمام کاروان به راه افتاده داماد را اطراف خانه عروس میبرند، در این موقع عمل " سرابی " یعنی بخشیدن اغنام و احشام و ملک از طرف پدر عروس به داماد صورت میگیرد، پس از صرف شام جشن تا نیمه شب ادامه داشته و داماد و عروس به حله میروند.

طلاق بندرت اتفاق میافتد و طبق مقررات مذهبی انجام میشود.

آشنایی با ایل بُچاقچی و آبادی گُهرُد بعنوان نمونه‌ای از ایلات کرمان

مطلب زیر از فصلنامه کوچ ویژه بهار سال ۱۳۶۲ استخراج شده است. **گُهرُد** آبادی کوچکی است. در کوهپایه‌های نیمه جنگلی بین سیرجان و بافت، در کنار جنگل کم درخت بادام وحشی قرار دارد. این آبادی در سمت مشرق ده بلورد (مرکز دهستان) واقع شده و جزو بخش حومه سیرجان است. در گُهرُد بیست و دو خانوار زندگی میکنند و در حدود صد نفرند. کار عمده شان دامپروری است. مختصر زراعتی هم دارند که در گذران زندگیشان نقش مهمی ندارند. مسکن



فرشپافی در روستاهای کرمان

تابستانیشان سیاه چادرهایی است که بر گرد آنها حصیری میکشند و خانه زمستانی آنها کلبه‌هایی از سنگ و گل است که اتاق چوبی مینامند.

گهردی‌ها همه از ایل بچقاقچی boçagçı هستند. ایل بچقاقچی از ایلات معروف کرمان است که در کوهستان چارگنبد و دهات بلورد واقع می‌باشد. اصل این ایل ترک است و افراد آن به لهجه ترکی نیز صحبت می‌کنند و ظاهراً "از آذربایجان به این نواحی کوچانده شده‌اند".

بنابره گفته پیر مردان و مطلعان ده بلورد، این ایل در زمان نادرشاه از قره-داغ آذربایجان به سیرجان کوچانده شده است. از حدود سی سال پیش طوایف چادرنشین بچقاقچی به تدریج در ده بلورد که اقامتگاه خان‌ها و سران ایل بود و در دهات و آبادی‌های دور و بر و نزدیک آن ساکن شدند. اما هنوز هم قسمت عمده‌ای از این ایل زندگی چادر نشینی دارند و به صورت کوچنده یا نیمه کوچنده در کوهستانهای میان کرمان، بافت و سیرجان زندگی می‌کنند. برای اغلب کوچندگان، این نواحی سردسیر (بیلاق) و به اصطلاح محلی سرحدشان است و زمستانها به مناطق گرمسیر (قشلاق) نزدیک جیرفت و بند رعباس کوچ می‌کنند.

— ایشوم eyşum

درهر ایل مجموعه چند چادر که در کنار هم بر پا میشود. کوچکترین واحد اقتصادی — اجتماعی آن ایل است. این واحدها در هر ایل نام خاصی دارند. در ایل بچقاقچی و در برخی دیگر از ایلات کرمان، این واحدها، ایشوم نامیده میشوند. معمولاً "کلیه دام‌های هر ایشوم در یک‌گله جمع میشوند و همه امور تولیدی و اجتماعی ایشوم در قالب تعاون جریان می‌یابد. گرچه امروزه نظام منسجم سلسله مراتب ایلی در ایل بچقاقچی از هم پاشیده است، اما هنوز هم در هر ایشوم یک نفر سرایشوم به امور عمومی رسیدگی میکند.

گهردد در واقع یک ایشوم یکجا نشین شده از ایل بچقاقچی است. گهردی‌ها تا چند سال پیش کوچ‌رو بودند. قشلاقشان همین گهردد و بیلاقشان سرحد کلوآوند kelow avand بود، که در آنجا هم زراعت مختصری داشتند و هنوز هم دارند. کلوآوند در حدود یک فرسنگ با گهردد فاصله دارد.

یکجانشینی برای مردم گهردد به معنی ترک گله‌داری و بیلاق و قشلاق بردن رمه نبود. چون هنوز هم در این آبادی چرخ زندگی بر پایه دامداری می‌گردد و



عبور از رودخانه در زابل

دامپروری بر ییلاق و قشلاق استوار است. هنوز هم تابستان‌ها گوسفندان‌شان را به کلوآوند می‌برند و چند نفری از خانوارهای آبادی، تابستان را همراه رمه در ییلاق می‌گذرانند. این عده در عین حال به امور زراعت آنجا هم می‌پردازند. محصول را جمع می‌کنند، بذرنو را در زمین می‌پاشند و به گهرد برمی‌گردند. به غیر از دامپروری و زراعت، در طی سال کارهای دیگری هم انجام می‌گیرد که بطور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند.

۱- چیدن و جمع‌آوری گیاهان و سبزی‌های خوراکی و معطر کوهستانی در فصل بهار. جمع‌آوری محصول بادام وحشی در نیمه دوم تابستان و غیره.

۲- پشم ریزی و صنایع دستی بومی، مانند بافتن لته‌های سیاه چادر، گلیم، قالیچه‌های کوچک و غیره که بر روی دارهای خوابیده بر روی زمین بافته می‌شوند.

دامپروری که عمده‌ترین ممر معاش گهردی‌ها است، طی سال این کارها را لازم دارد. چراندن گله، نگهداری دام‌هایی که تابستان آن‌ها را به ییلاق نمی‌فرستند نگهداری بره و بزغاله‌ها، رسیدگی به دام‌های دیگر مانند گاو، الاغ و غیره، شیر دوشی و تهیه فرآورده‌های شیری، پشم چینی، فروش محصولات دامی، جمع‌آوری و فروش کود.

در گهرد همه امور و از جمله امور مربوط به گله و دامپروری بر محور تعاون و نیز تقسیم کار به نسبت توانایی افراد می‌گردد. هر کدام از خانواده‌های گهرد حداقل در حدود پانزده بیست تا بز و گوسفند دارند. دو سه خانوار هم به نسبت بقیه دامدار عمده‌تر هستند و دام بیشتری دارند. همه بز و گوسفندان ده در یک گله جمع می‌شود که بیش از پانصد رأس است و نیمی از آن بز است. برای این گله یک چوپان می‌گیرند.

باروری و زایش دام‌ها

چوپان در آغاز تابستان (نود بهار) قوچ‌ها و بزهای نر را از گله جدا می‌کند و در پایان تیرماه (۱۲۰ بهار) دوباره آن‌ها را وارد رمه می‌کند. به این ترتیب زمان باروری و در نتیجه زایش دام‌ها با توجه به شرایط اقلیمی و شیوه دامپروری تنظیم و هماهنگ می‌شود. یعنی دام‌ها در موقعی از سال می‌زایند که سرمای هوا شکسته و رو به گرمی می‌رود و از این نظر بره و بزغاله‌های تازه بدنیا آمده کمتر در خطر قرار می‌گیرند. همچنین همه دام‌ها در فاصله زمانی کوتاهی در حدود نیمه زمستان (بهمن‌ماه) تا

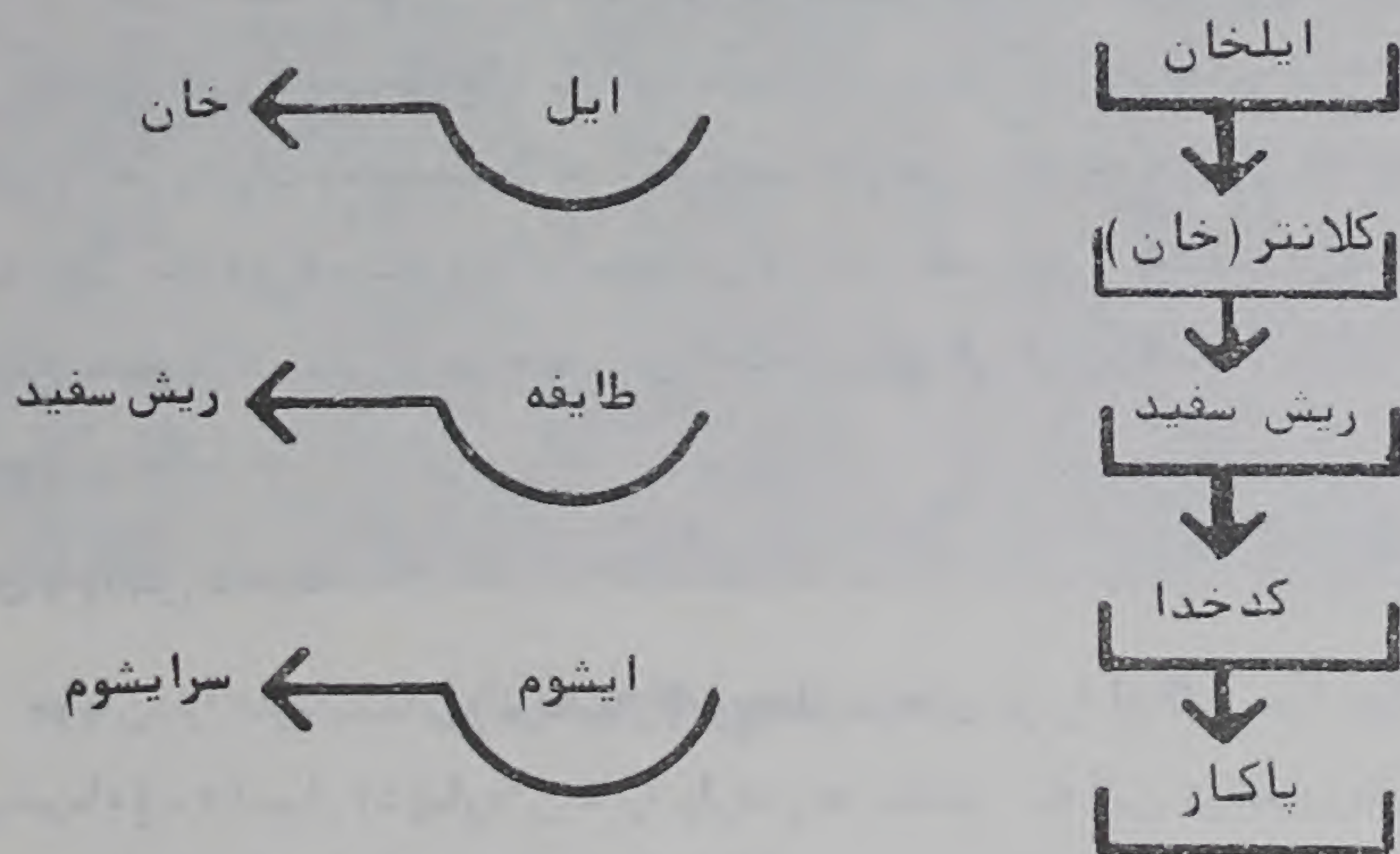
نیمه اسفند میزایند و در نتیجه مراقبت‌هایی که برای نوزادان لازم است یکجا و برای همه آنها انجام میگیرد. هماهنگ بودن زمان زایش بخصوص از نظر تنظیم ویکنواخت کردن زمان ماست بندی برای تولید یکجای کره و روغن و نیز تنظیم برنامه کوچ دامها اهمیت بسیاری دارد. جدا کردن نرها از گله در فاصله ۹۰ تا ۱۲۰ بهار که زمان تولید پنیر و به اصطلاح محلی شیر پنیری است این خاصیت را هم دارد که از آبستن شدن گوسفندان و بزها در این فاصله زمانی و در نتیجه قطع شدن شیر آنها جلوگیری میکند. در غیر این صورت میزان تولید پنیر که یکی از محصولات عمده دامی در این منطقه است پائین میآید.

بره و بزغاله‌های کوچک را در جایی به نام okeorm نگهداری میکنند. برای ساختن آن، زمین را مقداری گود میکنند، دورش را دیوارگلی کوتاهی در حدود نیم متر میکشند و رویش را با تیرهای چوبی و شاخ و برگ‌های خشک و بته‌های بیابانی میپوشانند.

ایشوم های همسایه گهرد

در اطراف بلورد علاوه بر بچاقچی‌ها، ایشوم‌هایی از طوایف دیگر و از جمله رایینی‌ها زندگی میکنند که اغلب خصوصیات فرهنگی مشابهی دارند. این طوایف همه

نظام ایل بچاقچی در گذشته



مسلمان و شیعه و فارسی‌زبانند. بچاقچی‌ها هم که در اصل ترک‌زبان بوده‌اند، در نتیجه زندگی در محیط ایلات فارسی‌زبان، امروزه بیشتر به فارسی سخن میگویند. علاوه بر مذهب و زبان، از جنبه‌های دیگر نیز فرهنگ این طوایف همگون و از بسیاری جهات یکسان است.

میان ایشوم‌های طوایف مختلف در این منطقه روابط بسیار صمیمانه‌ای وجود دارد چنانکه در دوسه ایشوم دوروبر گهر دکه از طایفه رایینی هستند، حتی در نتیجه ازدواج روابط خویشاوندی وجود دارد. یکی از ایشوم‌های همسایه گهر د ایشوم قاسمی نژاد از طایفه رایینی است که در حدود پنج شش خانوار و بیش از بیست نفرند. این ایشوم بیلاقش‌ن نزدیک گهر د است و برای قشلاق به مناطق گرمسیر جنوبی میروند و برای حمل و نقل بیشتر از شتر استفاده میکنند. بطور کلی ایشوم‌هایی که کوچ عمودی دارند، یعنی در فاصله دامنه‌های کوهپایه‌ها تا کوهپایه‌های نسبتاً مرتفع‌تر کوه‌های داخل منطقه کوچ میکنند، بیشتر از حیواناتی نظیر الاغ، گاو و اسب برای حمل و نقل استفاده میکنند. گهردی‌ها هم وقتی، کوچ رو بودند وسیله حمل و نقلشان الاغ و گاو نبود، اما طایفه‌هایی که کوچ افقی میروند یعنی در فاصله دامنه‌های کوهپایه‌ها تا مناطق گرمسیر جنوبی مانند بندر عباس و جیرفت بیلاق قشلاق میکنند، وسیله حمل و نقلشان شتر است که برای راه‌های طولانی گرمسیری راهوارتر و مناسبتر است.

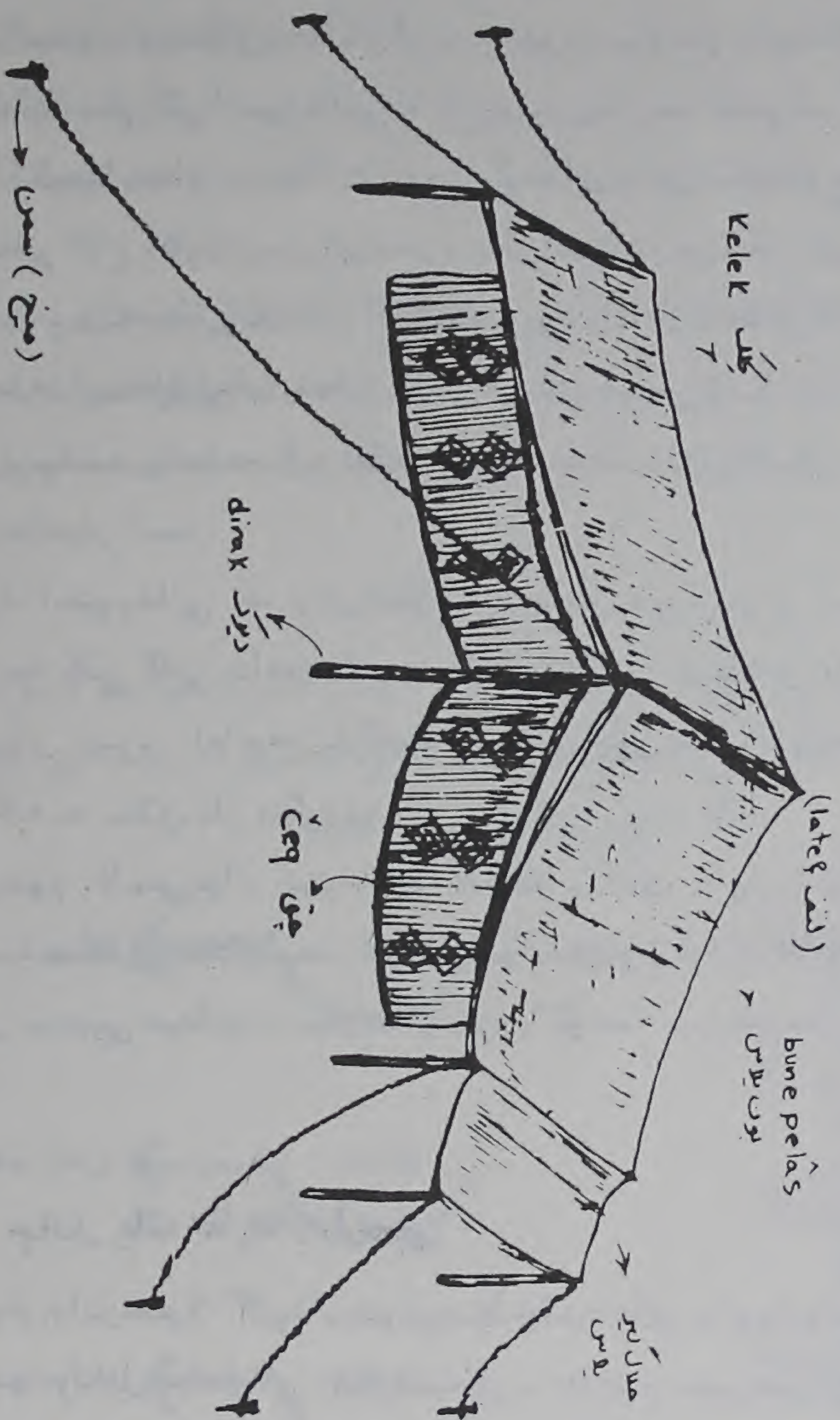
امروزه ایشوم‌هایی که برای قشلاق به مناطق دور دست‌تر جنوبی میروند، در صورتیکه بنیه مالی کافی داشته باشند، بار و بنه‌شان را با ماشین وانت حمل میکنند و گله را چوپان میبرد. اما موقع بازگشت به بیلاق چون فصل شیردهی دام‌ها است، همه همراه گله به بیلاق باز میگردند.

در ایشوم قاسمی نژاد شترداری اهمیت زیادی دارد. شتر ضمن اینکه وسیله حمل بار و بنه به بیلاق و قشلاق است، هر ساله میزاید و فروش گره‌شترها برای صاحب آن منبع درآمد قابل توجهی میباشد. بندرت از شتر و یا گوشت شتر هم ممکن است، استفاده کنند.

پلاس یا چادر يك طایفه رایینی

کف پوش چادر معمولاً "گلیم است و در وسط چادر اجاقی برای نان‌پزی و غذا پختن درست میکنند و سایل داخل آن عبارتست از: جاجیم، خورجین قالی، خورجین مودی (عربی)، تاچه (برای شتر) تربه دستان (توبره دستی = توبره کوچک)، دوکارت - دون (جای دوکارد) (تصویر در صفحه بعدی)

پلاس یا چادر یک طایفه رایینی

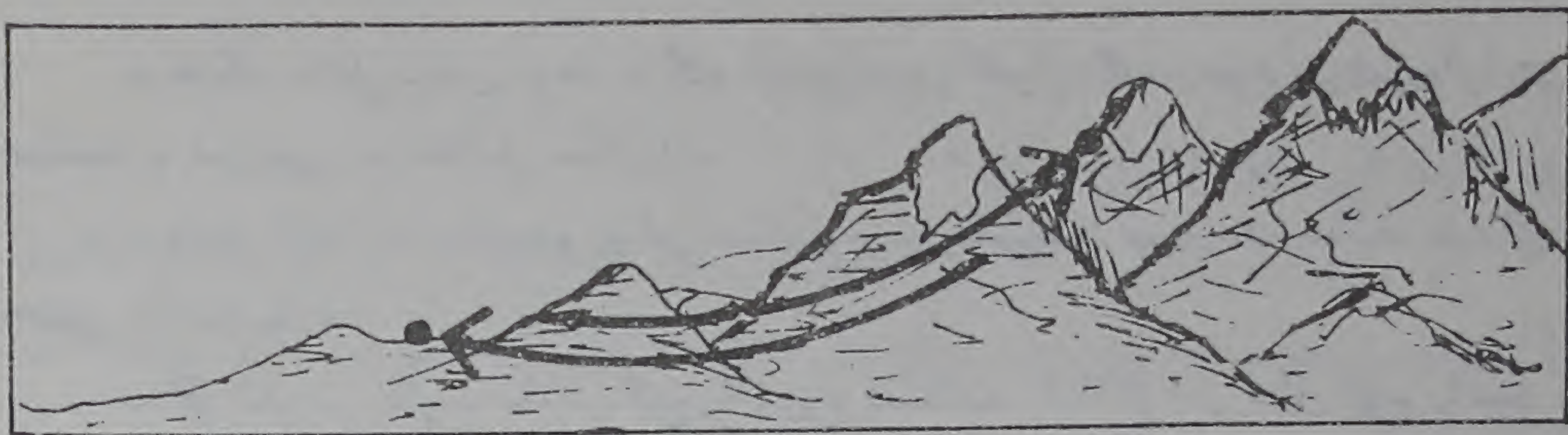




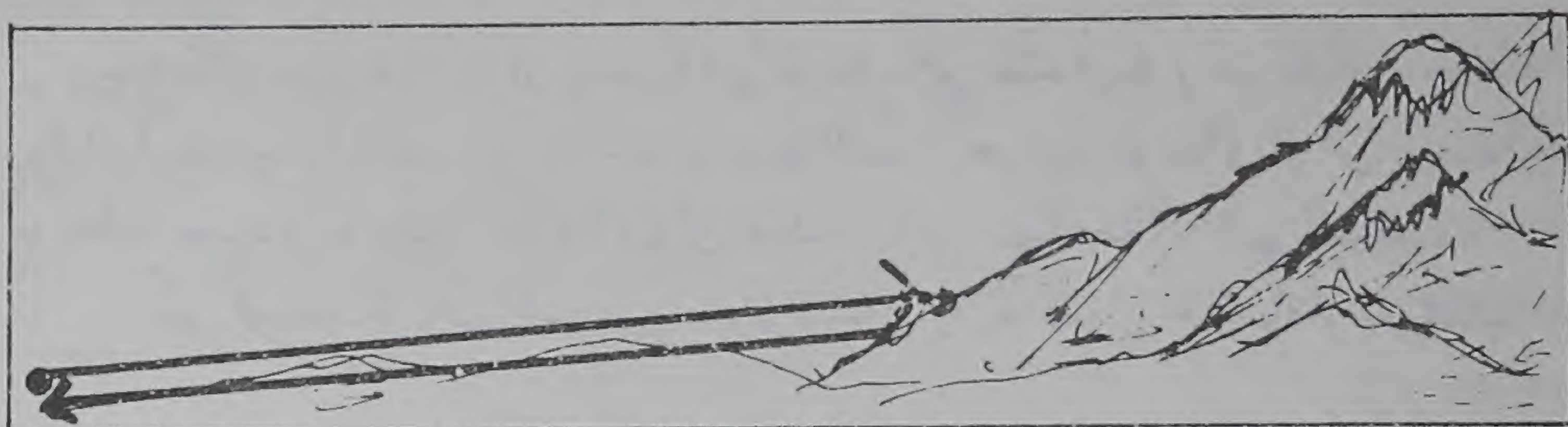
کاروان شتر در صحرای طبس



خرماچینی در طبس



کوچ عمودی در فاصله دامنه‌ها تا کوهپایه‌های مرتفع‌تر صورت می‌گیرد. در این نوع کوچ راه‌های کوهستانی ایجاب می‌کند که از حیواناتی نظیر اسب، گاو و الاغ برای حمل و نقل استفاده شود.



کوچ افقی در فاصله کوهپایه‌ها تا دشت‌های گرمسیری صورت می‌گیرد. چون مسیر این نوع کوچ طولانی است و از مناطق گرم می‌گذرد، برای حمل و نقل بیشتر از شتر استفاده می‌کنند.

پاره‌ای از باورها و مراسم در عشایر اطراف بلورد،

— گوسفند و بز و شیر آن‌ها را مال خواجه خضر میدانند. روز چهارم بهار به خال کوه پاریز می‌روند و با شیر آن روز گله، آتش شیر درست می‌کنند و به نذر خواجه خضر به مردم می‌دهند.

— در پایان چله بزرگ که مصادف با زاد و ولد گوسفندان است، رسمی به نام سده سوزی چوپانی دارند.

— اگر باران نبارد، عروسی بنام گشنیز و یا شاپارون درست می‌کنند و آن را در کوچه‌ها یا در میان چادرها می‌گردانند.

— اولین روزی که گوسفند را به کوه می‌برند، آن را از زیر قرآن و از میان دو کپه آتش و اسفند دود می‌گذرانند و دختر نابالغی به دنبال گله آب می‌پاشد.

— هنگام قاطی کردن نرها با گله، اولین نری را که وارد گله میشود، تزئین و آرایش میکنند و شیرینی به دهانش میگذرانند.

— وقتی کره آب میکنند و روغن میگیرند و نیز وقتی نان می‌پزند، نباید مردان حضور داشته باشند.

— اگر قمر در عقرب باشد، کوچ را شروع نمیکنند، اما اگر در حال کوچ باشند، در آن اشکالی نمی‌بینند.

— هنگام برداشتن خرمن سنگی در میان وزیر کپه گندم میگذرانند که آن را سنگ خواجه خضر مینامند. به تدریج که گندم را پیمانه میکنند و برمیدارند اگر سنگ پیدا شود باز آن را به عقب میزنند تا آخرین پیمانه را بردارند. این سنگ را موجب برکت خرمن میدانند.

— هنگام درو مقداری از زمین را درونکرده باقی میگذارند و در پایان درو همه دروگران آن قسمت را با هم درو میکنند و می‌پراکنند. هرکس خوشه‌ای از آن برمیدارد و به خانه میبرد و به دیوار خانه آویزان میکند. این خوشه‌ها را الهی مینامند.

— خون گوسفند قربانی را به زمین نمیریزند و آن را به دیوار آفتاب‌دار میپاشند.

پراکندگی عشایر ایران (۱)

در صفحات پیشین کتاب با استفاده از کتاب ایران‌شهر و سایر منابع و مآخذ با ایلات و عشایر ایران و محل پیلای و قشلاق ایشان و مختصری آداب و رسومشان آشنا شدیم.

در سطور آینده با استفاده از تقسیم‌بندی کلی‌تری که در کتاب ایلات و عشایر شده و آنها را به ۵ گروه عمده تقسیم نموده است چگونگی پراکندگی ایلات ایران را از نظر می‌گذرانیم:

هنوز فهرست جامع و دقیقی از توزیع جغرافیایی عشایر ایران در دست نیست و اساساً "بعید می‌نماید که در وضع کنونی دانش ما درباره ایلات ایران، تنظیم چنین فهرستی عملی باشد. خصوصاً" که مؤلفان گوناگون در تحدید حدود ایلات، از تعریف یکسانی پیروی نکرده‌اند. از جمله، یکی طایفه‌ای از ایلی را، ایل مستقلی پنداشته و دیگری آنرا تیره‌ای از طایفه‌ای، نتیجه آنکه فهرست‌های موجود با هم مطابقت ندارد، مضافاً که ایلات خود دستخوش تحول دایمی هستند و نام، تقسیمات محل استقرار، چگونگی معیشت و حتی زبان آنها دگرگون می‌شود. با اینحال به مدد منابع عمده موجود می‌توان اطلاعاتی در زمینه توزیع گروه‌های عمده ایلی ایران فراهم کرد.

در طبقه‌بندی عشایر بر حسب اقوام. تا آنجا که توانسته‌ایم بیشتر وضع کنونی را ملاک قرار داده‌ایم تا اصل و منشأ تاریخی را. زیرا بسیاری ایلاتی که امروزه کرد یا ترک به شمار می‌روند، حال آنکه اصلاً "لر یا لک بوده‌اند و بر عکس. به عنوان مثال طایفه "ترکاشوند همدان، ظاهراً "در اصل لر بوده، اما پس از مهاجرت به محل کنونی و همجواری با طوایف کرد چون جُمر، اعضای آن بتدریج به زبان کردی سخن گفته‌اند، لذا در اینجا جزو عشایر کرد طبقه‌بندی می‌شوند. گوران‌های باختران (کرمانشاهان) که به دلایل قومی و زبانشناختی از کردان نیستند امروزه از آنها به شمار می‌آیند.

استخراج از: مجموعه آگاه، ایلات و عشایر، انتشار سال ۱۳۶۲ از صفحه ۱۸ الی

۱- لرو لک

ایلات لرو عمدتاً "در کوهستانهای جنوب غربی ایران سکونت دارند، هر چند برخی از طوایف کوچک آنها را در خراسان و کرمان به ویژه در سیرجان و رودبار نیز می‌یابیم.

دربارهٔ ایل لرو زبان ممسنی (مام حسنی یا محمد حسینی؟) اطلاعات موجود بسیار اندک است. همینقدر می‌دانیم که در آغاز قرن ۱۸ اتحادیهٔ ممسنی، شولستان را تسخیر کرده و بدین ترتیب سرزمین لرو دیگری بین کهگیلویه و شیراز به نام ممسنی به وجود آمده است. امروزه در این منطقه که در شمال کازرون و مغرب اردکان در حوالی نورآباد قرار دارد، چهار طایفهٔ مهم ممسنی به نام‌های تکش، جاوید (یا جاوی)، دشمن‌زیاری^(۱) و رستم سکونت دارند که تقریباً "همگی تخته قاپوشده‌اند.

در شمال و مغرب ممسنی، سرزمین عشایر لری که بر رویهم ایلات کهگیلویه و بویراحمدی نامیده می‌شوند، قرار دارد. این سرزمین که در گذشته جزو استان فارس بود اینک استان جداگانه‌ای شده است. سه گروه عشایری مهم در این منطقه سکونت داشتند: جاک، باوی، آقاجری. جاک اصلاً "به دو نیمهٔ چهار بنیچه (شامل بویراحمدی، چرامی، دشمن‌زیاری و نوئی) و لیراوی (شامل لیراوی کوه و لیراوی دشت) تقسیم می‌شد. ایلات بهمئی، طیبی، شیرعلی و یوسفی جزو لیراوی کوه بودند. اصل ایل باوی (بابوئی) را بعضی‌ها از اعراب باوی اهواز گفته‌اند، اما امروزه افراد آن همگی به لهجهٔ لری سخن می‌گویند. ایل آقاجری، چنانکه از نام تیره‌های آن - افشار، بیگدلی، جامهٔ بزرگی، جغتایی و غیره پیداست، از اتحاد طوایف ترک و تاجیک ولر تشکیل شده بود و قطعاً بخشی از آن بازماندهٔ شاهسونهایی بود که در زمان صفویه حکومت کهگیلویه را داشتند. امروزه تقسیمات مهم لری که بجای مانده عبارتست از: بویراحمد (علیا، سفلی و گرمسیر)، چرام، بابوئی، دشمن‌زیاری، طیبی و بهمئی.

سرزمین ایل بختیاری یا لرو بزرگ، که از مهمترین ایلات کوچرو ایران کنونی است، در شمال و باختر سرزمین ایلات کهگیلویه، یعنی در زاگرس مرکزی، قرار دارد. ایل بختیاری به دو نیمه یا بلوک هفت‌لنگ و چهار لنگ تقسیم می‌شود. ظاهراً "تسمیهٔ ایندوبلوک براساس مقررات مالیاتی دوران صفویه است، زیرا در این دوران

۱ - گویا با دشمن‌زیاری کهگیلویه و بویراحمدی مرتبطند.

لنگ، نصف جفت، از اصطلاحات مالیاتی بود. نخستین ایلخانی بختیاری در ۱۲۸۴ هـ. از سوی محمد شاه قاجار منصوب می‌شود. این منصب همراه با منصب ایل-بیگی، که در مراتب ایلی پس از ایلخانی قرار داشت، بعدها منسوخ شد. هفت لنگ که همه ساله بین نواحی شرقی خوزستان یعنی، اندیکا و مسجد سلیمان و شوشتر و ایزده، و شهرکرد و بروجن در چهار محال بختیاری در گشت و گذار است، به چهار باب دورکی، بابادی، بختیاروند (یا بهداروند) و دیناراتی تقسیم می‌شود. طایفه جانکی (جوانکی) که منسوب به هفت لنگ است در ناحیه‌ای به همین نام در خوزستان اسکان یافته است. چهار لنگ نیز که عمدتاً "بین دزفول و ایزده در خوزستان از سویی و داران در اصفهان و الیگودرز و بروجرد در لرستان از سوی دیگر بیلاق قشلاق می‌کند، به ابواب ممی‌وند، محمد صالح (مم صالح)، موگویی و کیان ارثی تقسیم می‌شود. گاهی عشایر زَلَقی نیز جزو چهار لنگ به حساب می‌آیند. بسیاری از تیره‌های طوایف چهار لنگ تخته‌قاو شده‌اند.

محل استقرار عشایر لر کوچک، لرستان و بخشی از ایلام (پشتکوه) است. این منطقه بین باختران (کرمانشاهان سابق) در شمال غربی و مغرب، مرز عراق در مغرب، و رودخانه دز در جنوب و مشرق قرار دارد. بسیاری از ایلات لر، امروزه اسکان یافته‌اند، اما هنوز برخی از آنها که کوچرو هستند، سالی دوبار سراسر منطقه را، از زمین‌های پست شمال و باختر اندیمشک تا کوه‌های بلند باختر و شمال لرستان، در جستجوی علف برای احشام خود، طی می‌کنند. اجرای سیاست اسکان اجباری عشایر در سالهای ۲۵ - ۱۳۱۳ شمسی یکپارچگی ایلات را تا حدی از میان برده است به نحوی که امروزه بخش‌های گوناگون یک ایل در نواحی متفاوت یافت می‌شود.

سرزمین بالاگریوه که عمدتاً "همان بخش ملاوی در جنوب غربی شهرستان خرم-آباد است، میان کوه هشتاد پهلوی در شمال، راه خرم‌آباد دزفول در مغرب، رودخانه دز در مشرق و جنوب، قرار دارد. از لحاظ طبقه‌بندی ایلات شاید مناسب باشد که بخش ویسیان (ناحیه کرگاه) در شمال ملاوی و بخش الوار گرمسیری در جنوب آن نیز جزو بالاگریوه به حساب آید. در این سرزمین است که بخش مهمی از باقیمانده ایل دیرکوند که اصلاً "به چهار طایفه میر، بهاروند، قلاوند، و زینی‌وند تقسیم می‌شد، سکونت دارند. بخش‌های گوناگون طایفه میر را می‌توان در صیمره، کرگاه بالاگریوه (ملاوی) و الوار گرمسیری، غالباً "به صورت اسکان شده، یافت. بخشی از

طایفه بهاروند که گویا اصلاً " به دوتیره " مراد علیوند و کرد علیوند تقسیم می شده ، بین ناحیه الوار گرمسیری و خرم آباد درگشت و گذار است . برخی از تیره های اصلی و فرعی آن چون کرد علیوند ، رشنو ، شالوند و نجف و ندادکنون وضع مستقلى یافته در حوالی آب چول هول سکونت گزیده اند . طایفه زینی وند در صمیره در نزدیکی دُره شهر تخته قاپوشده است . دو طایفه ایل جودکی ، یعنی آقا رضایی و آقامیرزایی ، در حوالی آب چول هول و کرگاه و بخشی از طایفه میر و طایفه قلاوند در دشت لاله سکونت دارند . این دشت در گذشته جزو سرزمین ایل پایی (خادم) بود و هم اینک نیز طایفه محمد جعفری آن ، در همین دشت تخته قاپو شده است . بخش مناصری ایل پایی شامل طوایف خوانین مرادی ، مدهونی ، مالری ، کشوری ، لیریایی و غیره در بخش پایی در مشرق شهرستان خرم آباد مستقر هستند .

ناحیه ای که در منطقه پشتکوه ، تقریباً " بین کوه سفید در جنوب و قله های کوه گری در شمال واقع است ، سلسله نام دارد . این ناحیه دشت حاصلخیز الشترا در برمی گیرد . طوایف و تیره های سلسله شامل حسنوند ، یوسفوند ، کولیوند ، گرمعلی ، فلات الدینی و چند تیره کوچک دیگر ، تقریباً " همگی اسکان یافته اند . زبان ایلات سلسله لکی است .

ناحیه هرو دو بخش چغلوندی و زاغه در شرق شهرستان خرم آباد را در بر می گیرد . ایل باجولوند که از طوایف سگونند ، دالوند و قائد رحمت تشکیل می شود در بخش زاغه و ایل مهم بیرانوند در بخش چغلوندی سکنی گزیده اند . این دو ایل گویا در گذشته دور ، از فارس به لرستان مهاجرت کرده اند .

طرهان در مغرب لرستان بین رودخانه های صیمره و کشکان قرار دارد و بخش کوه دشت شهرستان خرم آباد را در بر می گیرد . ایلات لر طرهان سوری و امزایی است و طوایف علیوند ، خوشناموند ، گرمه ای و شیراوند نیز در همین ناحیه سکونت دارند . از طوایف لک طرهان می توان از گراوند ، آدینهوند ، کونانی ، آزادبخت و اولاد قباد یاد کرد .

دلفان (به کسریاضم د) بخش شمالی لرستان است . نام آن را معمولاً " به ابودلف عرب که در قرن سوم هجری به شمال لرستان دست انداخته بود ، منتسب دانسته اند ، معروف است که یکی از اسرای قبیله دلف که پس از بازگشت به نام دلفی شناخته می شود ، چهار پسر به نامهای ایتی ، مومی ، بیژن (بیرن) و کاکا داشته که هر یک طایفه ای به ترتیب به نام ایتی وند ، مومی وند ، بیژنوند (بیرنوند)

و کاکاوند ایجاد می‌کنند بعدها طایفه‌ای می‌وند به دو طایفه‌ای می‌وند و اولاد قباد و طایفه‌ای مومی‌وند به دو طایفه‌ای نورعلی و میر بک تقسیم می‌شوند. طایفه‌ای چاواری (چاوداری) رانیز باید به این طوایف افزود. این طوایف در بخش دلفان معمولاً " در دهستانی همنام خود، زندگی می‌کنند. زبان ایلات دلفانی نیز لکی است.

بخش چگنی محل سکونت طوایف طولابی، چگنی، سادات حیات الغیبی و غیره می‌باشد. ایلات بالاوند، زردلانی و طرهانی در هلیلان در خاک ایلام در نزدیکی طرهان سکونت دارند.

برای آگاهی از مآخذ مطلب مراجعه فرمائید به کتاب ایلات و عشایر صفحه ۲۳ از مجموعه کتاب آگاه.

۲- کرد

بیشتر ایلات کرد ایران از حدود یک قرن پیش به این سو، بی آنکه فرهنگی قومی و حتی لزوماً وابستگی‌های عشیره‌ای خود را از دست دهند، تخته قاپو شده‌اند. مناطق کردنشین ایران کنونی عمدتاً "باختران" (کرمانشاهان)، کردستان، آذربایجان غربی، ایلام (پشتکوه) و شمال خراسان است. در کرمان، فارس، ورامین، تهران، رودبار گیلان و حتی بلوچستان و نقاط دیگر نیز گروه‌های کرد دیده می‌شوند که البته از لحاظ عددی زیاد نیستند.

باختران از مناطق مهم کردنشین ایران می‌باشد. گفته می‌شود در اوایل قرن (شمسی) حاضر هنگامی که اتحادیه‌ای جاف هنوز یگانگی خود را از دست نداده بود، حدود ۴۰ هزار خانوار را در بر می‌گرفت. از این ایل امروزه طوایف پراکنده‌ای به جا مانده که بسیاری در باختران زندگی می‌کنند، از آن جمله ایل جوانرودی است که عمدتاً شامل طایفه‌ای رستم بیگی است و در دهستان جوانرود سکونت دارند. ایل ثلاث شامل طوایف قبادی، ولد بیگی و باباجانی نیز از همین اتحادیه به جای مانده‌اند. بسیاری از افراد قبادی در دهستان از گله ساکن شده‌اند، ولد بیگی در روانسر، جنوب غربی جوانرود و جنوب باینگان ساکن است و قشلاق آن در سر قلعه قرار دارد. بیشتر مردم ایل باباجانی نیز در دهستانی به همین نام ساکن شده‌اند و به کشاورزی و دامداری می‌پردازند. ایلات اورامان که به مناسبت محل سکونت به اورامان تخت (در کردستان) و اورامان لهرونی (در نوسود و پاوه باختران) تقسیم می‌شوند، جزو جاف محسوب می‌شدند. گروه‌های بسیار کوچک ایناخی (ایناخ) و امامی نیز از بازماندگان اتحادیه‌ای جاف هستند.

ایل سنجابی از ایلات مهم باختران ظاهرًا " یک قرن ونیم پیش از بهم پیوستن تیره‌هایی که از فارس، عراق و لرستان مهاجرت کرده بودند، تشکیل شده است، بیشتر افراد این ایل که زمانی بین ماهیدشت در غرب باختران (کرمانشاهان) و زهاب در مرز ایران و عراق بیلاق و قشلاق می‌کردند، اینک در ماهیدشت و دهستان سنجابی اسلام آباد (شاه‌آباد غرب پیشین) اسکان یافته‌اند، و یا در مسافت‌های کوتاه کوچ می‌کنند. با اینحال عده‌ای از افراد ایل، کوچ تا زهاب را ادامه می‌دهند و یا در آن حوالی به کشت و زرع و دامداری می‌پردازند. تیره‌های مهم سنجابی دالیان، چلابی (چالاوی) و خُرده دَسْتِجِه ذکر شده‌اند. لهجه برخی از تیره‌ها و طوایف ایل با لهجه اصلی سنجابی تفاوت دارد از آن جمله تیره‌های پیرعلی و بولی.

ایل گوران که در اصل طایفه قلخانی را نیز در بر می‌گرفت در حوالی گهواره در دهستان گوران سکونت دارد و از ایلات بسیار قدیمی منطقه می‌باشد. این ایل امروزه به طوایف بیونیز که بین شمال‌کُرد و زهاب بیلاق قشلاق می‌کنند، چوپانکاره که بیشترشان در اطراف قلعه قاضی ساکن شده‌اند، حیدری که بین سیاوانه در شمال کُرد و تنگ زهاب کوچ می‌کنند و تنگچی که در شمال دهستان گوران تخته قاپو شده‌اند، تقسیم می‌شود. افراد این ایل عموماً " از اهل حق می‌باشند، و گویا در اصل کُرد نیستند. قلخانی امروزه به صورت ایل مستقل در آمده و در دهستانی به همین نام در شمال بخش کُرد سکونت دارد.

کلهر از ایلات بزرگ باختران (کرمانشاهان) است. قسمت اعظم ایل یا در این استان ساکن شده و یا در درون آن بیلاق و قشلاق می‌کند. تنها بخش کوچکی به منطقه مهران و دهلران در ایلام کوچ می‌کند. تقسیمات ایل را تحت این عنوان‌ها ذکر می‌کنند: تیره چنار و کنار، طایفه‌های منطقه حسن‌آباد (در ۴۰ کیلومتری جنوب غربی شهر باختران)، تیره ماهیدشت، طایفه‌های خارجی که کلهر خالص نیستند و احتمالاً " از پشتکوه (ایلام) و خوزستان آمده‌اند و دیگر طایفه‌ها.

مجموعه ایل‌های کُرد از چند ایل کوچک که بیشتر جدا شده از ایلات دیگر هستند تشکیل شده است: باباجانی و جاف‌گندم‌بان که از ثلاث آمده‌اند، سیمانی گاسور و جوزگه که اصلاً " از گوران (اهل حق) هستند، گلاه پهن که منسوب به کلهر می‌باشند و خبیبه‌وند که از پشتکوه مهاجرت کرده‌اند.

حضور ایلات کُرد و لر دیگر چون جلیوند (در دینور)، جمیر (جُمور)، ترکاشوند و زوله (که سه ایل اخیر میان همدان و باختران از سویی و نواحی مهران

و دهلران در ایلام از سوی دیگر و حتی گاهی تا خوزستان نیز کوچ می‌کنند (هم در باختران گزارش شده است).

ایلام یا پشتکوه نیز از مناطق تمرکز ایلات کرد، لک و نیز لر می‌باشد. این طوایف چنان در هم آمیخته‌اند که تشخیص آنها آسان نیست. ایلات کرد این استان در آبدانان، زرین‌آباد، و قسمت‌هایی از دهلران و موسیان و مهران سکونت دارند و عبارتند از جاپروند، ممسی‌وند، کل‌کوه، قاعدخُرده، دیناروند و دستعلیوند و ایلات مهم کردلر شامل اُرکوازی، ملکشاهی، گچی، شوهان، خزل، بیجنوند، هندُمینی، علیشیروان، میشخاص، و غیره. علاوه بر این‌ها، ایلات دیگری مانند زُنگنه، زوله، کلهر، و جمیر و بیرانوند از همدان، باختران و لرستان به این استان کوچ می‌کنند. درباره ایلات استان کردستان اطلاعات زیادی در دست نیست. بیشتر این ایلات اسکان یافته‌اند و اگر هم کوچ کنند، مسافت‌های کوتاهی را می‌پیمایند.

در اطراف سنندج و مریوان ایلات و طوایف گوناگونی گزارش شده‌اند از جمله کوماسی که در دهستان به همین نام در شرق مریوان سکونت دارند، محل استقرار ایل کلانترزان (کلانترزان) بین کوماسی و سنندج می‌باشد، و دو طایفه کشکی و کمانگرد کامیاران در جنوب سنندج به سر می‌برند. طوایف کهنه‌پوش و کانی‌سانانی نیز در مریوان تخته قاپو شده‌اند. طایفه سلطانی از طوایف اورامان در اورامان تخت واقع در جنوب مریوان استقرار دارند.

در اطراف دیواندره در شمال شهرستان سنندج، یعنی در دهستانهای قراتوره و اوباتو و سارال، ایل گلباغی سکونت دارد که به طایفه‌هایی چند چون قمری، کاملی جوجه‌رشی (چوخه‌رشی)، مُرادگورانی، قَلْقَالی (قالقالی) و غیره تقسیم شده‌است. ایل مندمی (هندُمی؟) (۱) نیز در حسین‌آباد در شمال سنندج و جنوب و مشرق سرزمین گلباغی مستقر است و دارای طوایف محمد مرادی، قاری مرادی و آخه‌سوری (و نیز علی مرادی و لولمزی) است.

ایلات و طوایف سقز نیز بسیار متنوع می‌باشند، از آن جمله: گورک سقز که با گورک سردشت و مهاباد (آذربایجان غربی) مربوط هستند. فیض‌الله‌بیگی، تیله-کوه (تیلکو)، گلالی، کلهر، آردلان، وکیلی قباغلو، ده‌بُکری سقز، سُر شیوسقز، خورخوره و گوره قلعه دیوانی. جاف سقز نیز با طوایف خود، میکائیلی و شاطری و

۱ - در اسناد متاخر گاهی هندی نوشته‌اند.

تیرخالی واسماعیل غدیری و غیره در دهستانهای سرشیو سقز، خور خوره و تیلکو مستقر می باشد و از بخش مرادی (در برابر جوانرودی) ایل جاف محسوب می شود . طوایف احمدی لطف الله بیگی، شهیدی و بهرام بیگی از ایلات اطراف بانه ذکر شده اند .

دامنه عشایر کرد تا آذربایجان غربی امتداد می یابد . ایل بلباس شامل طوایف مُنْگُور، پیران و مامش در حوالی شهرستان پیرانشهر و بخشی از شهرستان مهاباد پراکنده است . این عشایر عملاً " اسکان یافته اند و تعلیف گوسفندان خود را در مراتع مجاور محل سکونت غالباً " به صورت عمودی و گاهی در دشت به صورت افقی انجام می دهند .

ایلات مُکری و ده بُکری در شهرستان مهاباد (ساوج بلاغ پیشین) در محال شهرویران، آختاچی، بهی و گورک مکر هستند . در شهرستان سردشت ایلات گورک در دهستانهای شمالی و تیره های ملکاری، آلان، بریاجی و غیره از ایل سوسنی در غرب و جنوب آن سکونت گزیده اند . ایل هرکی در دهستانهای ترگور، دشت و مُرگور بیلاق و قشلاق می کنند . ایل معروف شکاک در غرب دریایچه ارومیه در مرز ایران و ترکیه در برادوست و صومای مستقر می باشد : زُرزا و قره پایاق در حوالی اشنویه و سادات در حوالی دشت و مُنْگُور ذکر شده اند . ایل میلان که گاهی به عنوان یکی از دو تیره ایل جلالی (تیره دیگر به قزلباش معروف است) ذکر می شود اگر هم اصلاً " کرد بوده باشد ، ظاهراً " امروزه بیشتر ترک زبان است این ایل در اطراف ماکو استقرار یافته است .

در زمان صفویه برخی از عشایر کرد به شمال خراسان کوچانده شده اند و امروزه طوایف گوناگون آنها از سرخس در انتهای شرقی خراسان تا پاسگاه مرزی چات در گرگان مستقر می باشند . از بازماندگان این عشایر دوایل مهم یکی زُغَرانلو است که از طوایف متعدد چون کیکانلو، بیچرانلو، سیفکانلو، عمارلو و غیره تشکیل شده و دیگر ایل شادلو که عشایر دیوانلو، بارزانلو و قراچورلو (یا قره چولو) منسوب به آنست . عده زیادی از ایل عمارلو به جنوب شرقی رودبار استان گیلان کوچانده شده اند .

۳- ترک

عشایر ترک زبان در سراسر ایران پراکنده اند . استقرار ایلات ترک در مناطق گوناگون ایران از زمان استیلای ترکان بر ایران آغاز گردیده و در دوران سلجوقیان ،

مغولان، تیموریان و صفویه شدت یافته است. سلاطین این سلسله‌ها ایلات را برای حفظ سرحدات یا به منظور درهم شکستن وحدت ایل، و یا برای تنبیه یا تشویق به اقصی نقاط ایران کوچانده‌اند. نمونه بارز این امر، ایل افشار است که قطعات گوناگون آن در خراسان، آذربایجان غربی، خوزستان، فارس و کرمان یافت می‌شود.

ایل مهم ترک‌زبان استان فارس قشقایی است. این ایل در زمان قاجاریه زیر نظر ایلخانی و نایب و ضابط او ایل بیگی اداره می‌شد و ظاهراً "هنوز به صورت طایفه" سازمان نیافته بود. امروزه ایل از اتحاد حدود ۲۰۰ تیره از ترک و لر و کرد و عرب که با اینحال همگی به ترکی لهجه غزی سخن می‌گویند، تشکیل شده است. پیشتر شمار طایفه‌ها زیاد بود، اما اینک شش طایفه مهم به نامهای دَره شوری، کَشکولی بزرگ، کَشکولی کوچک، فارسیمدان، عمله و شش بلوکی بیشتر طوایف دیگر را در خود جمع کرده‌اند. منطقه قشلاقی این ایل از لار شروع شده و در امتداد محور جنوبی استان تا حوالی گچساران در نزدیکی بهبهان ادامه می‌یابد. در بهار و تابستان طوایف گوناگون ایل پس از طی مسافتی حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر به سردسیر خود می‌رسند. سردسیر قشقایی جز در مورد گروه کوچکی که در مشرق دشت ارژن (سرحد کوچک) بیلاق می‌کنند، سرحد بزرگ واقع در مغرب اقلید و آباده تا حوالی شهرضا و کوه دناست.

سه طایفه از ایل خَمسه به نامهای اینانلو، بهارلو، و نَفر ترک زبانند. این طوایف از یک قرن پیش به این طرف در نواحی شرقی استان به کلی اسکان یافته یا در ایلات دیگر مستحیل شده‌اند.

عشایر ایلِسُون (شاهِسُون) شامل گیکلو، عیسی‌لو، قوجابیگلو، حاجی خوجالو (یا حاجی خواجه) مغانلو و غیره از ایلات مهم ترک‌زبان هستند. در زمان صفویه از قزلباش بودند. سرزمین این ایل امروزه در شمال آذربایجان شرقی از اردبیل تا مرز ایران و اتحاد جماهیر شوروی است. ایلِسونه‌های اطراف اردبیل، هم اکنون کاملاً "تخته قاپو" شده‌اند. اما بخشی از طوایف اطراف مشکین‌شهر هنوز بین دامنه‌های کوه سبلان و دشت مغان کوچ می‌کنند. برخی از تیره‌های ایلِسُون به نام بغدادی و اینالو در حوالی ساوه، قم و قزوین استقرار یافته‌اند. ایل اینالوی خَمسه فارس را نیز اصلاً از عشایر ایلِسُون دانسته‌اند.

از دیگر عشایر ترک‌زبان آذربایجان ایلات ارسباران است که قشلاق آنها در سواحل رودخانه ارس در منطقه خداآفرین و بیلاق آنها در کوههای ارسباران و ارتفاعات اهر و مشکین‌شهر می‌باشد. ایلات مرنده در حوالی جاده مرنده - بازرگان

قشلاق کرده و در بهار و تابستان به حول و حوش مشکین شهر کوچ می کنند .

ترکمن های ایران تقریباً "همگی در شهرستانهای گرگان و گنبد کاووس و بجنورد تا قوچان مستقر می باشند . دو طایفهٔ بزرگ یموت و گوکلان از دیرباز به ایران آمده اند . یموت ها اصلاً "به دو شعبهٔ آق آتابای شامل آق و آتابای و شریف - و جعفربای شامل یار علی و نور علی تقسیم می شدند . امروزه جعفربای ، آقابای و آق آتابای به طوایف مستقلی مبدل گردیده اند . جعفربای ها در بخش گمیشان در کرانه های دریای خزر زندگی می کنند ، آتابای ها در آق قلعه (پهلوی دژ سابق) و آق آتابای ها در حوالی گنبد کاووس . گوکلان ها نیز که اصلاً " به دو شعبهٔ بزرگ تای و دو دورغه تقسیم می شدند ، اینک تا حدی نظام پیشین را از دست داده اند سرزمین گوکلان در شمال گنبد در بخشی به همین نام تا بجنورد ادامه دارد . بیشتر ترکمن های تکه در ترکمنستان شوروی به سر می برند اما عده ای از آنها نیز در ایران در جرگلان بجنورد سکونت دارند . قَرَس که اصلاً " از گوکلان بود حالا مستقل شده در گلی داغی مستقر می باشد .

ترکمن های نخورلی نیز در دهستانی به همین نام در جرگلان زندگی می کنند در خراسان علاوه بر ترکمنها ، عشایر ترک دیگری نیز به چشم می خورد . با این تفاوت که این عشایر به قدری با مردم بومی خراسان درهم آمیخته اند که در این روزگار تشخیص آنان از دیگران دشوار است . مضافاً " که برخی از آنان زبان ترکی را رها کرده و به فارسی سخن می گویند . از میان عشایری که اصلاً " ترک بوده اند می توان به تیموری ها در اطراف تربت جام ، بُربری ها در بالاجام ، فریمان ، ایلِسُون (شاهِسُون) در بغغو در ناحیهٔ مزدوران و قرائی در حوالی رُشت خوار اشاره کرد .

شاخه ای از ایلی قرائی را که به قرائی سیرجان معروفند ، در استان کرمان می یابیم . افراد این ایل تابستانها را در کوه های شمال شرقی سیرجان در حوالی تنگو پائین و خانه سرخ به سر می برند و زمستانها را در جنوب شهر سیرجان تا علی آباد و نازی آباد در امتداد جادهٔ سیرجان - بندرعباس . مهمترین ایلات ترک زبان استان کرمان بوچاقچی و افشار است . بوچاقچی ها هنوز کوچرواند و تابستان را در چهارگنبد سیرجان و زمستان را در عین البقر و چاه قلعه در سرحد کرمان و فارس به سر می برند .

بخشی از ایلات افشار که به نام افشار تفرقه (۱) معروفند - و شاید پس از

۱ - در میان قشقائی ها تفرقه (به کسی میگویند که از تیرهٔ اصلی خویش جدا شده

و با دیگر تیره ها به سر می برد)

انقراض سلسله افشار از خراسان آمده باشند - در شهرستان بافت سکونت دارند . افراد ایل زمستانهادر دشت آرزویه در باختر و جنوب اسفندقه (از شهرستان جیرفت) به سر می برند و تابستانهابه حوالی شهر بافت و فتح آباد و گوغر و حشون تا نزدیکی های ییلاق بوچاقچی کوچ می کنند . در بوچاقچی و افشار زبان ترکی آکنده از کلمه های فارسی به عنوان زبان داخلی به کار می رود ، اما همه افراد ایل فارسی را با لهجه محلی به خوبی می دانند .

۴ - عرب

ایلات عرب از دیرباز و بویژه پس از حمله اعراب تا دوران قاجاریه به ایران مهاجرت کرده حتی تا خراسان پیش رفته اند . بیشتر مهاجران اولیه با گذشت زمان در جمعیت های محلی مستحیل شده ، امروزه تمیز آنان از همسایگان شان دشوار است . عشایر عرب خراسان ، از جمله بهلولی درخواف ، بخوزی در باخزر (تایباد) ، خزائی در گوشه خزائی خاوری در قره زر و نادی در بیرجند و سربیشه ، ابوبخش در مشرق سیده سکونت دارند .

اعراب جنوب بیرجند در محلی به نام عربخانه از نهبندان به سر می برند . قبایل عرب خوزستان هویت خود را بیشتر حفظ کرده اند . این قبایل در منطقه ای میان اروندرود و خلیج فارس در جنوب تا شوش در شمال خوزستان پراکنده اند . سرزمین آنها در مغرب سرزمین بختیاری است و برخی از آنها همراه بختیاری کوچ می کنند . قبیله های مهم این استان یکی قبیله بنی کعب است که طوایف و عشیره های گوناگون آن - مُحِیْسِن ، اَدْرِیْس ، نَصَار ، آل بُغِیْش - عَسَاکِرِه و غیره - از جزیره مینو (جزیره الخضر پیشین) و خرمشهر (محمره سابق) و شادگان (فلاحیه سابق) در دوسوی رودخانه کارون تا علی ابن الحسین و ادریسیه و فراتر از آن تا حوالی اهواز پراکنده اند . قبیله حنَافِرِه نیز در شادگان سکونت دارد .

سرزمین قبیله باوی ، که بدان بیشتر هم اشاره کردیم ، از سماغیلیه تا اهواز و ویس و زرکان و موران در بخش باوی شهرستان اهواز گسترده است .

محل استقرار عشیره های قبیله آل کثیر - سَعْد ، عَنَافِچِه ، ضیاغمه و غیره در شهرستان اهواز در نواحی غربی و جنوبی رود دز قول تا کنار نهر هاشم و نیز بین رود دز قول و رود شوشتر می باشد و اعراب مُنْتَفِج (بنی مالک) میان سُبْعِه و ام التمسیر در ساحل غربی کارون ساکن هستند و به کشاورزی می پردازند . چنانچه در شهرستان

دزفول و گندزلو در شرق شوشتر سکنی گزیده‌اند .
 قبیلهٔ معروف بنی طُرف در دشت آزادگان (دشت میشان) در حوالی هوزگان
 (هُوِیْزَه) استقرار دارند . طوایف این ایل عبارتند از سُواری ، مَرزَعَا ، شُرْفَه ،
 بنی صالح ، مروان ، قاطع و سیدنعمت .

در شمال سرزمین طایفهٔ عناقچه از آل کثیر ، میان رود دز و رود کرخه (میان
 آب) نیز چند قبیلهٔ عرب سکونت دارند که از میان آنها کعب (احتمالاً) از بنی
 کعب جنوب خوزستان) ، عَبْدُالْخانی مَرزَعَه ، آل بوراویه و سادات معروفترند . این
 قبیله‌ها از اوایل قاجاریه به بعد به تدریج به ایران مهاجرت کرده‌اند . در بخشی از
 موسیان در جنوب ایلام نیز عشایر عرب سکونت دارند .

بیرون از خوزستان از عشایر مهم عرب ایران ، یکی از ایلات وابسته به اتحادیهٔ
 خمسهٔ فارس است که به نام ایل عرب معروف می‌باشد . این ایل به دو بخش شیبانی
 و جَبَّارَه و تیره‌های متعدد تقسیم می‌شود و همه ساله از لارستان در جنوب فارس تا
 اقلید در شمال آن در ناحیه‌ای که در شرق سرزمین ایل فارس زبان باصری (یکی
 دیگر از ایلات اتحادیهٔ خمسه) قرار دارد ، کوچ می‌کند .

۵ - بلوچ و براهوئی

هر چند بیشتر طوایف بلوچ و براهوئی را در جنوب شرقی ایران در استان
 سیستان و بلوچستان می‌یابیم ، اما هستند اقوام بلوچی که در هرمزگان ، کرمان (به
 ویژه در بخش کهنوج از شهرستان جیرفت) ، خراسان و ترکمن صحرا مسکن گزیده‌اند .
 بیشتر طوایف سارانی ، رَخْشانی ، بارانی ، جهان‌دیده و ملک‌زهی که پیشتر در بخش
 میان‌کنگی شهرستان زابل سکونت داشتند ، اکنون به ترکمن صحرا مهاجرت کرده‌اند .
 بلوچهای خراسان غالباً " تخته‌قاپو شده ، با مردم محلی درهم آمیخته‌اند . با
 اینحال رد پای اینان را امروزه در شمال شرقی استان در سرخس تا جنوب آن در بیرجند
 و طبس (در نواحی اخیر تیره‌های نوقانی ، ده مُرده و بَراهوئی) ، گاهی همراه با
 اقوام دیگر چون تیموری‌ها ، مشاهده می‌کنیم . برخی از طوایف سیستان چون ناروئی
 و براهوئی ، همه ساله تا کوه‌های نِه‌بندان و بیرجند در خراسان کوچ می‌کنند .

در دوران قاجار یه‌سرداران ناروئی عملاً " بر بسیاری از نواحی بلوچستان
 حکومت می‌کردند . پس از تسلط دولت مرکزی بر این نواحی ، حکومت خود را به
 حوالی نیک‌شهر ، بَنَت و فَنُوج در جنوب غربی استان انتقال دادند . خانوادهٔ

روئسای ایل نخست شیرخانزاده، سپس شیرخانزهی و سرانجام شیرانی نامیده شدند، که هنوز با همین نام در نواحی مذکور سکونت دارند. بخش دیگری از ناروئی‌ها در سیستان و نیز در شمال غربی زاهدان مسکن گزیده‌اند و سردار نشین‌آنان بخش نصرت‌آباد همین شهرستان است.

قلمرو طایفه ریگی که از بزرگترین ایلات بلوچ می‌باشد، سرزمین وسیعی است که از زاهدان و میرجاوه تا خاش و سپس ایران‌شهر گسترده است. این طایفه به چندین تیره، از جمله بولاک زهی، شه‌گرم زهی و عیسی زهی تقسیم می‌شود. از دیگر طوایف زاهدان - خاش ایل اسمعیل زهی (شه‌بخش) است که از اتحاد طوایف اسمعیل زهی و حسن زهی به وجود آمده، اعضای این ایل در محدوده کوچکی در نصرت‌آباد دامداری می‌کنند.

ظاهراً دو طایفه یاراحمد زهی (شه‌نوازی) و گمشاد زهی از عشایری دامن‌ی بوده‌اند که اینک حالت کم‌وبیش مستقلی یافته‌اند. افراد یاراحمد زهی که درخاش در حوالی گزو به سر می‌برند، همه ساله از غرب پشتکوه به تفتان و سپس به سوی نخلستان‌های ماسکل برای "خرماخوری" کوچ می‌کنند. طایفه گمشاد زهی که در حوالی گشت و جالق و دامنه‌های کوه سفید مستقر است به تیره‌هایی چند مانند دادخدا زهی، مراد زهی، محمد زهی و غیره تقسیم می‌شود. ایلات ریگی، اسمعیل زهی، یاراحمد-زهی و گمشاد زهی چهار ایل مهم منطقه شمالی بلوچستان (سرحد) به شمار می‌روند. طایفه بزرگ دهانی در شهرستان سراوان سکونت دارد و مرکز آن مولتان است. این طایفه نیز برای "خرماخوری" کوچ می‌کنند.

بارکزه‌ی (که باران زهی نیز نامیده می‌شود) در ایران‌شهر و بلیدهای در راسک ایران‌شهر و دشتیاری و قصر قند چاه بهار استقرار یافته‌اند. طایفه اخیر بر بخشی از رئیس‌ی هاورندها سیادت دارند. در همین سرزمین، علاوه بر طوایفی که گذشت، در زادگان (از سال ۱۳۵۷ شمسی به بعد "غلامان" درزاده و چاکری خوانده شدند) که بازماندگان نظام برده‌داری هستند و نیز زین‌الدینی‌ها که وابسته به سرداران مبارکی هستند، زندگی می‌کنند. طوایف کم‌وبیش مستقل ایل سردار زهی - جدگال و جت‌ها، لتیک‌ها، کوسه‌ها، میرها، سیتارها، صابروها و لگورها - در سراسر دشتیاری تا ساحل دریا پراکنده‌اند. هوت‌ها در حوالی کنارک مسکن گزیده‌اند.

طایفه رئیس‌ی از طوایف مهمی است که در شرق نیک‌شهر و در قصر قند، سرباز و چانف و پیپ سکونت دارد. این طایفه در گذشته با طایفه مبارکی که در چانف مستقر می‌باشد، پیوند استواری داشت که امروزه از میان رفته است. طایفه لاشار

در دهستانی به همین نام در بمپور رحل اقامت افکنده است. مغرب شهرستان بمپور تا هامون جازموریان قلمرو طایفه باپری است.

در سیستان، در شهرستان زابل نیز طوایف بلوچ و براهویی سکونت اختیار کرده‌اند که از آن میان می‌توان به براهویی‌ها، نارویی‌ها، بارانی‌ها، میرها، و سارانی‌ها و نیز کردها اشاره کرد. درباره براهویی‌ها تقریباً "همه متفق القول هستند که اینها بلوچ نیستند. به روایتی براهویی‌ها از تیره‌های ممسنی فارس می‌باشند گروهی دیگر، آنان را همان قوم کوچ یا کرد می‌دانند، که جغرافی‌نویسان قرن‌های اولیه اسلامی، همراه با بلوچ، یاد کرده‌اند. بهر حال، این گروه‌ها امروزه به قدری درهم آمیخته‌اند که تشخیص آنها از یکدیگر دشوار است دامداران براهویی همه‌ساله تا قاینات در خراسان کوچ می‌کنند. تیره‌های آنان زیادند، از آنجمله زیرکاری، نخعی، مالکی، چندان و غیره.

به احتمال قریب به یقین بلوچها پس از نفوذ سلجوقیان، از کرمان به بلوچستان رانده شده‌اند اما در استان کرمان هنوز به اقوام بلوچ بر می‌خوریم: سرابندی‌ها در بم و بخشی از هوت در کهن علی در جنوب شرقی کهنوج در نزدیکی هامون جازموریان، از آن‌شمارند. طایفه طاهرزهی در هرمزگان در سرزمینی که بین بندر جاسک تا نزدیکی میناب و کوه‌های بشاگرد گسترده است، مستقر می‌باشد. بخشی از طایفه انوشیروانی نیز که اصلاً "در سراوان سکونت دارد، در جاسک تا سیریک در شهرستان میناب، و مید از بندر گواتر تا غرب سیریک دیده می‌شود.

بخش چهارم :

جمعیت ایران و سرشماری آن

دو نظریه متضاد در باب قدرت جمعیتیابی ایران و عدد کل سکنه و مردم این کشور از خلال منابع مربوط بتاریخ و جغرافیای ایران در گذشته دورالی اواخر دوره قاجاریه وجود دارد که یکی دال بر پر جمعیتی ایران در قرون گذشته و دیگری درست نقطه مقابل آن و دالر بر ضعف عدد جمعیت و قلت سکنه در تمام ادوار است.

بسیاری از خارجیانی که بنحوی در مورد ایران مطلب نوشته اند همه جا جمعیت ایران را به تخمین ۶ الی ۱۰ میلیون نفر ذکر نموده، در حالیکه در بعضی سفرنامه‌ها و از جمله سفرنامه شاردن، عدد کل جمعیت ایران را باستناد بسیاری از جغرافیدانان زمان حدود ۴۰ میلیون نفر ثبت کرده‌اند. نویسندگان دسته اول در تفسیر و تعلیل این وضع ببعضی علل طبیعی مانند بایر بودن زمین و عدم حاصلخیزی خاک و همچنین پاره‌ای از علل سیاسی از جمله روشهای استبدادی حکومت‌ها و کشتارها و ظلم سلاطین که منتهی بفرار و گریز و مهاجرت مردم بخارج می‌شده است اشاره کرده‌اند و در آثار نویسندگان دسته دوم بعکس از این مقولات سخنی نیست و حتی به کمبودهای غذائی و بهداشتی و بیماریها و مرگ و میرهای ناشی از آن اعتنائی نشده است.

تضاد گزارش‌های ایندو گروه از نویسندگان قابل مطالعه است و علل آنرا باید در تاریخ نگارش این گزارشها و جزرو مدهای سیاسی و پس و پیش رویهای مرزهای ایران در طول تاریخ دانست.

نام ایران پیش از اینها و بویژه در تمام ادوار شکوفائی اقتصادی و سیاسی این کشور و بعهد جهانگشائی‌های تاریخی مردم و حکومت آن از جمله بعهد امپراطوریهای بزرگی مانند هخامنشیان و ساسانیان و صفویه بر سرزمینهای وسیعتری اطلاق می‌شده است. قفقازیه و ترکمنستان و افغانستان و قسمتی از بلوچستان آخرین پاره‌هایی از ایران بزرگانده که تا همین اواخر متعلق بایران و جزء سرزمین ایران بود و بی کفایتی‌های دوره قاجاریه این پاره‌ها را از میهن

اصلی جدا کرد. علاوه بر این ملاک بهتر و مهمتری بنام فرهنگ‌ایرانی وجود دارد که از ورای آن مرزهای واقعی کشور ایران را در گذشته تاریخی ایران می‌توان مشخص کرد. این پس و پیش‌رویه‌های مرزی بی‌تردید در تخمین جهانگردان و نویسندگان تأثیر داشته و بهمین دلیل عدد جمعیت ایران را در نوشته‌های آنان بدانگونه که اشاره شد بسیار مختلف و متغیر می‌یابیم.

علاوه بر عوامل مذکور موارد دیگر مانند جنگها، بیماریها، مرگ و میرهای زیاد و بالاخره مهاجرت‌های سیاسی را نیز باید افزود. با در نظر گرفتن این عوامل تضاد موجود در نوشته‌های مؤلفان مختلف را قابل قبول می‌سازد و راه مطالعه جمعیت را آسان‌تر می‌کند.

علاوه بر این تضاد نوعی مبالغات جمعیتی در پشت سر نام بعضی شهرهای ایران در گذشته وجود دارد مثلاً "می‌نویسند که نیشابور قبل از حمله مغول بیش از یک میلیون و نیم جمعیت داشت و برای مداین پایتخت ساسانیان نیز رقمی در همین حدود ذکر می‌کنند. اذهان معمولی بی‌تأمل و باقیاسی ساده جمعیت دو پایتخت قدیمی را ملاکی برای تخمین جمعیت کل ایران دانسته و با توجه به آثار با عظمت باستانی ارقامی بزرگ برای جمعیت کل کشور تصور و تجسم می‌نمایند.

البته بسیاری از این تخمین‌ها مبتنی است بر توصیفات که یاقوت حموی و مقدسی و خردادبه و ابن حوقل و مستوفی (حمدالله) از این شهرها و سعت ابنیه و محلات آنها کرده‌اند مثلاً "مقدسی گوید. "نیشابور چهل و دو محله دارد که هر یک بقدر نصف شیراز است" در باره نهرها و مساجد و قنوات نیز توصیف‌هایی در دست است که اگر هم مبالغه نباشد بی‌تردید در تفسیر آنها نویسندگان بعدی تا حدی غلو نموده‌اند.

یک نکته مسلم است و آن اینکه این قبیل شهرهای بزرگ و یا پایتخت‌ها بصورت یکجا و یکپارچه ساخته نمی‌شده و رشد شهر اساساً در سطح بوده و نه در ارتفاع و از همه مهمتر مجموعه شهر عبارت بوده است از شهرک‌هایی چند در کنار هم نهاده بطوریکه مدائن را متشکل از هفت شهر نامبرده‌اند. و هر شهرک در حقیقت واحدی مستقل از هر لحاظ بوده و میتواند است آب و غذای خود را فراهم کند.

نخستین بار در حدود سال ۱۲۹۷ بود که قانون ثبت احوال در شناسنامه رواج یافت و تازه اینکار همزمان هم و باهم در سراسر ایران رواج نیافت و تا

سال ۱۳۱۳ رقم کل جمعیت ایران اعلام نگردید و در این سال جمعیت ایران را برابر ۱۵ میلیون تخمین زده و تعیین کردند که بی تردید مورد شک علمی آمارشناسان^{*} است.

در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در شهرهای عمده ایران از جمله تهران، کاشان، شیراز، اصفهان، مشهد - تبریز و دیگر شهرهای درجه ۱ و ۲ سرشماری رسمی صورت گرفت که با وقوع حوادث شهریور ۲۵ منتهی بنوع دیگری از سرشماری بمنظور جیره بندی بعض مواد غذایی مانند قند و شکر انجام شد و فکر انجام یک سرشماری کامل در ایران بعد از جنگ که دوره برنامه ریزیهای عمده اقتصادی و اجتماعی درجهان و ایرانست نضج گرفت. نیاز بآمارهای جمعیتی بالاخره موجب انجام یک سرشماری آزمایشی در سال ۱۳۳۳ وسیله اداره آمار عمومی که دو سال پیش از آن بوجود آمده بود شد و این سرشماری نخست در کاشان و خرمشهر و آبادان و یکسال بعد در ارومیه و سبزوار و زابل و دشت میشان صورت گرفت.

سه دوره است که سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران همانند اغلب کشورهای جهان هر ده سال یکبار انجام می شود. نخستین سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ و دومین آن در آبان ماه ۱۳۴۵ انجام شد. سومین سرشماری عمومی نفوس و مسکن از هشتم تا بیست و هشتم آبان ۱۳۵۵ در سرتاسر کشور انجام گرفت.

برنامه ریزی و تهیه مقدمات این سرشماری که شامل بررسی تجربیات سرشماریهای گذشته و تعیین نیازهای اساسی دستگاههای مسئول کشور و سپس تهیه طرح مقدماتی سرشماری می شد، از ابتدای سال ۱۳۵۴ در مرکز آمار ایران آغاز شد. این طرح مقدماتی در آبان ماه ۱۳۵۴ در مناطق شهری و روستائی چهار شهرستان نمونه (لنگرود، میناب، ایذه و سمنان) و قسمتهائی از دو شهر بزرگ (تهران و اصفهان) برای آزمایش به مرحله اجراء گذاشته شد.

سرشماری آزمایشی آبان ۱۳۵۴ به اصلاح فرمها، سئوالات، پرسشنامه ها و دستورات فنی و اجرائی دستورالعملها کمک شایانی کرد. پس از تجدید نظر و اصلاح نهائی طرح اصلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن از ۸ تا ۲۸ آبان ۱۳۵۵ در شانزده هزار حوزه سکونت جمعیت ساکن کشور (شهری و روستائی) و ۶۵۵ حوزه ویژه جمعیت های غیر ساکن (جمعیت های متحرک و ایلات و عشایر) با کمک بالغ بر سی هزار نفر از مسئولان و ماموران سرشماری در سرتاسر

کشور اجراء گردید.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ۱۳۵۵ نیز مانند سرشماری قبلی کشور با کاربرد روش دوژور Dejure انجام گرفت. در این روش کلیه افراد در محل اقامت معمولی خود سرشماری میشوند.

نخستین مجموعه از نتایج این سرشماری با رعایت یک هدف کلی که نتایج عمومی سرشماری با سرعت در اختیار علاقمندان قرار گیرد، حاوی اطلاعات زودرس با کاربرد روش نمونه گیری پنج درصد، بغیریت استخراج و طی ۲۵ جلد (شامل ۲۳ جلد نشریات استانی و ۲ جلد برای تهران و کل کشور) در پایان سال ۱۳۵۶ تا اوایل سال ۱۳۵۷ چاپ و منتشر گردید.

برای طبقه بندی اطلاعات و استخراج و انتشار نتایج کامل سرشماری، بعلاوۀ حجم فراوان اطلاعاتی که در سرشماری مورد پرسش قرار گرفته بود و همچنین بمنظور جلوگیری از تمرکز و تورم کار در مرکز، مقداری از امور محاسبات مقدماتی و کار کدگذاری و بازبینی اطلاعات در مناطق آماری واقع در مراکز استانها انجام گرفت.

از تابستان ۱۳۵۶ کمبود برق و قطع و وصل ناگهانی جریان آن و سپس آغاز ناآرامیهای کشور و اعتصابات سراسری برای پیروزی انقلاب اسلامی ایران کار استخراج و انتشار نتایج این سرشماری را مدتی بحال تعلیق درآورد و همراه با ناآرامیهای کشور در سال ۱۳۵۷ که به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید کار انتشار نتایج سرشماری مدتی بکلی متوقف شد. به این جهت انتشار کامل نتایج سرشماری بیش از حد معمول به طول انجامید. برنامه کار استخراج و انتشار نتایج کامل سرشماری شامل اطلاعات و آمار هر شهرستان بطور مستقل پس از طی مراحل کدگذاری و منگنه زنی و محاسبات و جدول گیری کامپیوتری و چاپ و انتشار به صورت استاندارد، مرحله به مرحله انجام و منتشر شد. باین ترتیب کار انتشار نشریات (مربوط به شهرستانها) برای ۱۶۲ شهرستان کشور، براساس تقسیمات سیاسی کشور در زمان سرشماری، در ۱۶۲ جلد انجام شد و سپس نشریات مربوط به استانها که اطلاعات و آمار سرشماری را در مقیاس استانی برای ۲۳ استان کشور در ۲۳ جلد ارائه میدهد انتشار یافت. باین ترتیب بیش از ۲۰۰ جلد نشریات سرشماری برای استفاده همگان انتشار یافته است.

اصطلاحات بکاررفته در کتابهای منتشره دارای تعاریف بشرح زیرمی باشد:

شهر: در سرشماری آبان ۱۳۵۵، کلیه مراکز شهرستانها (بدون در نظر گرفتن تعداد جمعیت آنها) و نقاطی که جمعیت آنها در موقع سرشماری پنج هزار نفر و بیشتر بوده شهر به حساب آمده است. نقاط دارای کمتر از پنج هزار نفر (به غیر از مراکز شهرستانها) نقاط روستائی شناخته شده است. سن: منظور از سن، تعداد سالهای تمامی است که از عمر فرد گذشته باشد. به عنوان مثال سن کسی که در خرداد ۱۳۵۳ متولد شده است یعنی در موقع سرشماری دوسال و پنج ماه از عمر او میگذرد دوساله است.

جمعیت کل: منظور از جمعیت کل، تعداد افراد همه خانوارهای معمولی ساکن، متحرک، عشایری و دسته جمعی، چه ایرانی و چه خارجی است که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در ایران بوده است.

اعضای هیئت های سیاسی و سفارتخانه های خارجی در ایران و افراد خانواده های آنها و همچنین مسافران خارجی هتلها، مسافرخانه ها و... که از اقامت آنان در ایران شش ماه نمی گذرد جزو جمعیت به حساب نیامده است. اما ایرانیان عضو هیئت های سیاسی و سفارتخانه های دولت ایران و افراد خانواده های آنان در خارج از کشور جزو جمعیت کل به حساب آمده است.

خانوار معمولی: خانوار معمولی از چند نفر تشکیل می شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می کنند و با یکدیگر هم خرج می باشند و معمولاً با هم غذا می خورند. بنابراین لازم نیست که اعضای یک خانوار با یکدیگر رابطه خویشاوندی داشته باشند. خانوار ممکن است یکنفری هم باشد.

خانوار معمولی ساکن: آن خانوارهای معمولی که اغلب در اقامتگاه ثابتی سکونت دارند خانوار معمولی ساکن نامیده شده اند.

خانوار متحرک: آن خانوارهای معمولی که در آبان ماه سال ۱۳۵۵ اقامتگاه معمولی ثابتی نداشته اند و یا در حال کوچ بوده و به ایل و قبیله های هم بستگی نداشته اند خانوار متحرک نامیده شده اند.

خانوار عشایری: آن خانوارهای متحرکی که به ایل و قبیله های بستگی داشته اند خانوار عشایری به حساب آمده اند. در این سرشماری خانه وار عشایری فقط به آن عده گفته می شود که در آبان ماه سال ۱۳۵۵ در حال کوچ بوده و یا در زمان کوچ زیر چادر اتراق کرده باشند. آن عده از عشایر که اسکان یافته اند و یا در زمان سرشماری - در واحدهای مسکونی ثابتی زندگی می کرده اند

جزو خانوارهای معمولی ساکن سرشماری شده‌اند.

خانوار دستجمعی: افرادی که به علت داشتن خصوصیات مشترک یا هدف مشترک (مانند انجام خدمت وظیفه، تحصیل، بیماری، و...) با هم در یک موسسه (سربازخانه، خوابگاه دانشجویی، آسایشگاه و...) زندگی می‌کرده‌اند به عنوان خانوار دستجمعی سرشماری شده‌اند.

وضع زناشوئی: وضع زناشویی هر یک از افراد جمعیت ده ساله و بیشتر در یکی از چهار گروه زیر طبقه‌بندی گردیده است:

دارای همسر: زنان یا مردانی که هنگام سرشماری همسر داشته‌اند.

بی همسر بر اثر فوت همسر در زن یا مردانی که همسرشان پیش از سرشماری وفات یافته، و تا زمان سرشماری دوباره ازدواج نکرده‌اند.

بی همسر بر اثر طلاق: زنان یا مردانی که از همسر خود بر اثر طلاق جدا شده و تا زمان سرشماری دوباره ازدواج نکرده‌اند.

زنان یا مردانی که در هنگام سرشماری جدا از همسر خود زندگی می‌کرده‌اند یا قصد طلاق داشته‌اند ولی هنوز حکم طلاق ایشان صادر نشده دارای همسر به شمار آمده‌اند.

در مورد کسانی که بیش از یکبار ازدواج کرده‌اند، آخرین وضع زناشوئی در نظر گرفته شده است.

هرگز ازدواج نکرده: کلیه افراد جمعیت ده ساله و بیشتر که تا زمان سرشماری هرگز ازدواج نکرده‌اند، زنان یا مردانی که در زمان سرشماری قصد ازدواج داشته‌اند ولی هنوز عقد ازدواج ایشان منعقد نگردیده است در این گروه بشمار آمده‌اند.

سواد: در سرشماری آبان ۱۳۵۵ از وضع سواد هر یک از افراد جمعیت پنج ساله و بیشتر پرسش به عمل آمده با این حال در هنگام استخراج، با توجه به تعداد ناچیز باسوادان در گروه پنج ساله‌ها، تنها اطلاعات مربوط به وضع سواد جمعیت شش ساله و بیشتر استخراج شده است.

این افراد از نظر وضع سواد در یکی از سه گروه زیر طبقه‌بندی گردیده‌اند:

فقط بخوانند و بنویسند: کسانی که می‌توانند، به فارسی یا به هر زبان دیگر، لااقل متن ساده‌ای را بخوانند و بنویسند، خواه مدرک رسمی داشته باشند یا نه، همه محصلان از سال اول ابتدائی به بالا و از جمله نوآموزان سال اول ابتدایی و سواد آموزان کلاسهای اکابر و پیکار با بیسوادی فقط می‌توانند بخوانند و بنویسند.

نمی‌توانند بخوانند و بنویسند: کسانی که نمی‌توانند به هیچ زبانی بخوانند و بنویسند.

تحصیل: منظور از تحصیل، اشتغال به تحصیل طبق برنامه‌های رسمی آموزشی ایران یا طبق برنامه‌های رسمی آموزشی کشورهای خارجی است. بنابر این آموزش در دوره‌های آموزشی غیر رسمی (مانند آموزش زبان در آموزشگاه‌های خصوصی یا نزد معلم خصوصی) تحصیل به حساب نیامده است.

آخرین مدرک تحصیلی و پایه تحصیلی: در سرشماری آبان ۱۳۵۵ کلیه افراد جمعیت با سواد شش ساله و بیشتر بر حسب آخرین مدرک تحصیلی و پایه تحصیلی گروه‌بندی شده‌اند.

برای جمعیت با سواد غیر محصل، آخرین مدرک تحصیلی، بالاترین پایه‌ای است که تا زمان سرشماری به پایان رسانده‌اند و یا تا آخرین مدرک تحصیلی است که در نظام قدیم یا نظام جدید آموزشی دریافت کرده‌اند.

کسانی که می‌توانستند بخوانند و بنویسند اما کارنامه یا مدرک تحصیلی رسمی نداشتند به عنوان دارندگان تحصیلات غیر رسمی گروه‌بندی شده‌اند.

منظور از پایه تحصیلی جمعیت با سواد محصل، کلاس پایه‌ای است که در زمان سرشماری در آن پایه مشغول تحصیل بوده‌اند.

تحصیلات عالی: مقصود از تحصیلات عالی، هر نوع تحصیل رسمی است که پس از اخذ گواهینامه متوسطه انجام شده باشد.

رشته‌های تحصیلی: گروه‌بندی رشته‌های تحصیلی با استفاده از گروه‌بندی بین‌المللی رشته‌های تحصیلی صورت گرفته است.

وضع فعالیت اقتصادی جمعیت ده ساله و بیشتر: در سرشماری آبان ۱۳۵۵ وضع فعالیت اقتصادی کلیه اعضای ده ساله و بیشتر خانوارها در هفت شبانه روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری تعیین شده است.

در این سرشماری کار یا فعالیت اقتصادی عبارت است از فعالیت فکری یا بدنی که قانوناً مجاز بوده و به منظور کسب یا ایجاد درآمد صورت بگیرد. پس فعالیت‌هایی مانند ورزش (مگر به صورت حرفه‌ای) خانه‌داری، تحصیل و غیره که به منظور کسب یا ایجاد درآمد صورت نمی‌گیرد و یا فعالیت‌هایی که انجام آنها منع قانونی دارد فعالیت اقتصادی به حساب نیامده است. جمعیت ده ساله و بیشتر بر حسب آنکه از نظر اقتصادی فعالیت داشته است یا نه، در دو گروه فعال از نظر اقتصادی و غیر فعال از نظر اقتصادی گروه‌بندی شده

است .

فعال از نظر اقتصادی : کلیهٔ اعضای دهساله و بیشتر خانوارها که در هفت شبانه روز پیش از مراجعهٔ مأمور سرشماری شاغل، بیکار فصلی و یا بیکار در جستجوی کار بوده‌اند فعال از نظر اقتصادی به شمارآمده‌اند . محصلان خانه‌داران و دارندگان درآمد بدون کار چنانچه شاغل، بیکار فصلی و یا در جستجوی کار نیز بوده‌اند فعال از نظر اقتصادی محسوب شده‌اند .

شاغل : کلیهٔ افراد جمعیت دهساله و بیشتر که در هفت روز پیش از مراجعهٔ مأمور سرشماری به کار اشتغال داشته‌اند و همچنین کلیهٔ کسانی که اصولاً شاغل بوده ولی در هفت شبانه روز پیش از مراجعهٔ مأمور سرشماری به علتی (مرخصی، استراحت و غیره) کار نکرده بودند و پس از رفع این علت، به کار خود ادامه می‌دادند، و یا کسانی که به علت تعطیل موقت محل کار یا بروز حوادث طبیعی زودگذر کار نکرده بودند و پس از رفع محذور دوباره مشغول کار می‌شدند، شاغل شمرده شده‌اند .

در این سرشماری، از کلیهٔ افراد جمعیت دهساله و بیشتراعم از فعال و غیر فعال پرسش شده‌است در هفت شبانه روز بیش از مراجعهٔ مأمور سرشماری چند ساعت کار کرده‌اند و کلیهٔ کسانی که در پاسخ به این پرسش اعلام داشته‌اند که در این مدت،، هشت ساعت یا بیشتر کار کرده‌اند شاغل محسوب شده‌اند .

کسانی که در هنگام سرشماری مشغول انجام خدمت نظام وظیفه بوده‌اند شاغل به شمار آمده‌اند .

بیکار فصلی : کسانی که در هفت شبانه روز پیش از مراجعهٔ مأمور سرشماری، به اقتضای فصل و یا ماهیت فصلی کار خودبیکار بوده‌اند، به شرط آنکه در ایام بیکاری مزد و حقوق (نقدی یا جنسی) دریافت نمی‌کرده‌اند و در جستجوی کار دیگری هم نبوده‌اند، بیکار فصلی شناخته شده‌اند .

جویندگان کار قبلاً "شاغل : کسانی که قبلاً" شاغل بوده ولی در هفت شبانه روز پیش از مراجعهٔ مأمور سرشماری بیکار و در جستجوی کار بوده‌اند . جویندگان کار قبلاً "غیر شاغل : کسانی که قبلاً" شاغل نبوده و در هفت شبانه روز پیش از مراجعهٔ مأمور سرشماری در جستجوی کار بوده‌اند .

غیر فعال از نظر اقتصادی : کلیهٔ اعضای ده ساله و بیشتر خانوارها که در هفت شبانه روز از مراجعهٔ مأمور سرشماری شاغل، بیکار فصلی یا در جستجوی

کار نبوده‌اند به عنوان جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی قلمداد گردیده‌اند و در یکی از گروه‌های چهارگانه زیر گروه‌بندی شده‌اند:

خانه‌دار: زنانی که در هفت شبانه روز پیش از مراجعه مامور سرشماری به خانه‌داری مشغول بوده‌اند.

محصل: کسانی که در هفت شبانه روز پیش از مراجعه مامور سرشماری، به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

دارنده درآمد بدون کار: کسانی که در هفت شبانه روز پیش از مراجعه مامور سرشماری از محل درآمدهای مستمری که داشته‌اند زندگی می‌کرده‌اند - مانند بازنشستگان (که فقط از حقوق بازنشستگی) و یا کسانی که از کمک بلاعوض اقوام و آشنایان خود امرار معاش می‌کرده‌اند و یا افرادی که فقط با درآمدهایی از نوع سود سهام، بهره سپرده و درآمد املاک زندگی می‌کرده‌اند.

سایر: کسانی که از نظریه وضع فعالیت در هفت شبانه روز پیش از مراجعه مامور سرشماری در هیچ یک از گروه‌های بالا قابل گروه‌بندی نبوده‌اند.

گروه‌بندی جمعیت فعال: جمعیت فعال نه تنها از نظر سن و جنس و میزان تحصیلات بلکه از نظر فعالیت اقتصادی، نوع شغل و وضع شغلی نیز گروه‌بندی شده است.

گروه‌بندی فعالیت اقتصادی و نوع شغل با استفاده از " گروه‌بندی بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی سازمان ملل متحد ۱۹۶۸ " و " گروه‌بندی بین‌المللی مشاغل سازمان بین‌المللی کار ۱۹۶۸ صورت گرفته است. وضع شغلی جمعیت شاغل با توجه به تعاریف زیر در پنج دسته گروه‌بندی شده است:

کارفرما: کسی که در بخش خصوصی فعالیت می‌کند و صاحب تمام یا قسمتی از کارگاه می‌باشد و برای انجام فعالیت، حداقل یک نفر مزد و حقوق‌بگیر در استخدام دارد.

کسی که در انجام فعالیت خود فقط از کارکنان خانوادگی بدون مزد استفاده می‌کند کارفرما شناخته نمی‌شود.

کارکن مستقل: کسی که در بخش خصوصی فعالیت می‌کند و صاحب تمام یا قسمتی از کارگاه می‌باشد و این فعالیت را بدون داشتن کارکنان مزد و حقوق‌بگیر انجام می‌دهد.

کسی که در انجام فعالیت خود فقط از کارکنان خانوادگی بدون مزد

استفاده می‌کند کارکن مستقل شناخته می‌شود.

مزد و حقوق بگیر بخش عمومی: کسی که در یکی از سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت (بخش عمومی) کار می‌کند و مزد یا حقوق می‌گیرد. مؤسساتی که بیش از نصف سهام آنها متعلق به دولت است مؤسسات وابسته به دولت شناخته می‌شوند. (بازنشستگان و مستمری بگیران، مزد و حقوق بگیر بخش عمومی محسوب نشده‌اند).

مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی: کسی که بخش خصوصی کار می‌کند و مزد یا حقوق دریافت می‌نماید.

کارکن خانوادگی بدون مزد: کسی که در مغازه، کارخانه، مزرعه و دیگر مؤسسات متعلق به افراد خانواده خودکار می‌کند و در مقابل کار خود، مزد یا حقوقی دریافت نمی‌کند.

واحد مسکونی: در سرشماری آبان ۱۳۵۵، منظور از واحد مسکونی عبارت است از محل جدا یا مستقلی که برای سکونت یک خانوار ساخته شده است (خانه معمولی، آپارتمان، چادر، گیر، آلونک و غیره) و یا برای سکونت ساخته نشده (کارگاه و غیره) ولی در زمان سرشماری، خانواری آن را برای سکونت اشغال کرده است. بنا براین دراین سرشماری چادر نیز به عنوان واحد مسکونی منظور شده است.

گاهی ممکن است عملاً "یک واحد مسکونی توسط چند خانوار اشغال شده باشد، دراین سرشماری واحد مسکونی خانوارهای دستجمعی پرسیده نمی‌شود. انواع واحدهای مسکونی عبارتند از:

واحد مسکونی معمولی: تمام یا قسمتی از یک ساختمان که برای سکونت یک خانوار ساخته شده و دارای در ورودی مستقل به معبر عمومی یا راهرو و راه‌پله مشترک باشد.

ساختمان واحد مسکونی معمولی از مصالح ساختمانی سخت (سیمان، آجر، خشت، سنگ و غیره) ساخته شده، دیوار و سقف دارد.

کارگاه: محلی که در اصل به عنوان محل کسب و کار ساخته شده است ولی در هنگام سرشماری محل اقامت معمولی خانواری بوده است.

کپر: واحد مسکونی که از حصیر تنها و گاهی همراه خشت ساخته می‌شود و به نامهای دیگری نیز مانند لوک، کرگین و غیره مشهور است.

آلونک: واحد مسکونی که از مصالح کهنه (آجر، خشت، حلبی، نایلون،

برزنت و غیره) در شهرها و یا اطراف شهرها سرهم شده‌اند.

زاغه: واحد مسکونی که در آن مصالح ساختمانی زیادی به کار رفته و در دیواره گودها یا تپه‌ها کنده شده است.

چادر: واحد مسکونی از پارچه پشمی، نخی، مویی یا نایلون، برزنت و غیره به کمک تیرک‌های چوبی و یا فلزات و طناب برپا می‌شود.

اتاق: در سرشماری آبان ۱۳۵۵، منظور از اتاق در واحدهای مسکونی معمولی، فضای محصور و سقف‌داری است که لااقل چهار متر مربع مساحت و دو متر ارتفاع داشته باشد مانند اتاق خواب، اتاق پذیرایی، اتاق ناهارخوری، آشپزخانه (به شرط آنکه حداقل چهار متر مربع مساحت و دو متر ارتفاع داشته باشد)، اتاق نشیمن و غیره. فضاهایی مانند حمام، آب‌انبار، مستراح، دستشویی، طویله، انبار و غیره اتاق به حساب نیامده‌است. به صورت استثنائی، چادر، کپر، زاغه و مشابه حتی اگر چهار متر مربع مساحت نداشته‌اند اتاق محسوب شده‌اند.

در این سرشماری، تعداد اتاقهایی که در اختیار همه خانوارهای معمولی، اعم از ساکن، متحرک و عشایری بوده‌است (و به عبارت دیگر خانوارها حق استفاده از آنها را داشته‌اند) تعیین گردیده‌است. علاوه بر این تعداد کل اتاق‌های موجود در هر واحد مسکونی خانوارهای معمولی ساکن، پرسش و تعیین شده‌است.

نوع مصالح عمده ساختمانی: منظور نوع مصالح عمده‌ای است که در ساختن دیوارها، سقف و پی ساختمان واحد مسکونی به کار رفته است. مصالحی که در روکار ساختمان به کار رفته جزو مصالح عمده به شمار نیامده است.

نحوه آبرسانی واحد مسکونی: در سرشماری آبان‌ماه ۱۳۵۵، نحوه آبرسانی و چگونگی تامین آب مصرفی خانوار یا خانوارهای واحد مسکونی تعیین گردیده است. منظور از آب مصرفی - آبی است که خانوارها از آن برای آشامیدن، پخت و پز و شستشو استفاده می‌کنند.

برای اطلاعات بیشتر درباره مطالب بخش‌های ۳ و ۴ مراجعه فرمایید به جداول و آمارهای استخراجی از نشریات مرکز آمار ایران که در صفحات بعدی ارائه شده‌است.

بررسی نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن

آبانماه ۱۳۵۵ ایران (کل کشور)

همانطور که در صفحه‌های گذشته گفتیم مساحت ایران کمی بیش از ۱,۶۴۸,۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد که در آبان ماه ۱۳۵۵ از نظر تقسیمات کشوری دارای ۲۳ استان، ۱۶۳ شهرستان، ۴۴۹ بخش و ۱۰,۵۷۲ دهستان بوده است لازم بذکر است که تقسیم‌بندی سال ۱۳۶۲ وزارت کشور بر ۲۴ استان، ۱۹۴ فرمانداری ۴۹۸ بخشداری و ۴۵۷ شهرداری ملحوظ داشته است.

۱- ویژگیهای جمعیت ایران

خانوار و جمعیت

براساس نتایج سرشماری آبانماه ۱۳۵۵، در ایران ۶,۷۱۱,۶۲۸ خانوار وجود داشته است که از این تعداد، ۶,۷۰۹,۰۶۸ خانوار آن معمولی و ۲,۵۶۰ خانوار آن دستجمعی بوده‌اند. جمعیت کشور در آبانماه ۱۳۵۵، برابر ۳۳,۷۰۸,۷۴۴ نفر بوده که ۱۵,۸۵۴,۶۸۰ نفر آن در نقاط شهری^(۱) و ۱۷,۸۵۴,۰۶۴ نفر آن در نقاط روستائی زندگی میکرده‌اند. میانگین افراد در خانوارهای معمولی کشور ۵/۰ نفر بوده است. این میانگین در نقاط شهری و روستایی به ترتیب ۴/۸ و ۵/۲ نفر میباشد. تراکم جمعیت کشور در آبانماه سال ۱۳۵۵، برابر ۲۰/۴ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است.

در آبانماه ۱۳۴۵ که دومین سرشماری جمعیت بعمل آمده است، کشور ایران دارای ۵,۱۶۷,۱۹۲ خانوار بوده که از این تعداد، ۵,۱۶۵,۵۷۷ خانوار آن معمولی و ۱,۶۱۵ خانوار آن دستجمعی بوده است. توزیع خانوارها در نقاط شهری برحسب معمولی و دسته‌جمعی به ترتیب ۱,۹۶۰,۷۰۱ و ۱,۳۲۲ و در نقاط روستایی به ترتیب ۳,۲۰۴,۸۷۸ و ۲۹۳ خانوار بوده است.

۱ - تعداد شهرهای ایران طبق تعریف مرکز آمار ایران، در زمان سرشماری برابر

در همین سال جمعیت کشور بالغ بر ۲۵،۷۸۸،۷۲۲ نفر بوده که از این تعداد ۹،۷۹۴،۲۴۶ نفر در نقاط شهری و ۱۵،۹۹۴،۴۷۶ نفر در نقاط روستایی زندگی میکرده‌اند.

در سال ۱۳۳۵، که اولین سرشماری جمعیت انجام شده‌است، کشور ایران دارای جمعیتی بالغ بر ۱۸،۹۵۴،۷۰۴ نفر بوده که ۵،۹۵۳،۵۶۳ نفر آن در نقاط شهری و ۱۳،۰۰۱،۱۴۱ نفر آن در نقاط روستایی زندگی میکردند. جدول زیر توزیع جمعیت کشور را بر حسب نوع خانوار و جنس در سال ۱۳۵۵ نشان میدهد.

سال ۱۳۵۵				نوع خانوار
جمعیت			تعداد خانوار	
زن	مرد	مرد و زن		
۱۶،۳۵۲،۳۹۷	۱۷،۳۵۶،۳۲۷	۳۳،۷۰۸،۷۲۴	۶،۷۱۱،۶۲۸	جمع
۱۶،۳۲۰،۷۶۵	۱۷،۰۲۹،۷۲۳	۳۳،۳۵۰،۵۰۸	۶،۷۰۹،۰۶۸	خانوار معمولی ..
۱۶،۱۵۲،۹۲۱	۱۶،۸۴۹،۷۷۵	۳۳،۰۰۲،۶۹۶	۶،۶۴۳،۵۸۵	ساکن
۵،۱۱۶	۵،۵۲۰	۱۰،۶۳۶	۲،۱۱۱	متحرک
۱۶۲،۷۲۸	۱۷۴،۴۴۸	۳۳۷،۱۷۶	۶۳،۳۷۲	عشاری
۳۱،۶۳۲	۳۲۶،۶۰۲	۳۵۸،۲۳۶	۲،۵۶۰	خانوارهای دستجمعی ..

ساخت سنی و جنسی جمعیت

در آبانماه ۱۳۵۵، از ۳۳،۷۰۸،۷۴۴ نفر جمعیت کل کشور ۳۴۷،۳۵۶ نفر مرد و ۱۷،۳۵۶ نفر مرد وجود داشته است. بعبارت دیگر در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن ۱۰۶/۱ نفر مرد وجود داشته است. این نسبت در نقاط شهری ۱۰۹/۶ و در نقاط روستایی ۱۰۳/۱ بوده است.

در همین سال از جمعیت کل کشور، ۴۴/۵ درصد در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۵۲/۵ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال و ۳/۵ درصد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار داشته‌اند.

در آبانماه ۱۳۴۵ از ۲۵،۷۸۸،۷۲۲ نفر جمعیت کل کشور، ۱۳،۳۵۵،۸۰۱ - نفر مرد و ۱۲،۴۳۲،۹۲۱ نفر زن بوده‌اند. بدین ترتیب نسبت جنسی جمعیت کشور در سال یاد شده، ۱۰۷/۴ بوده است. این نسبت در نقاط شهری ۱۰۸/۵ و در نقاط روستایی ۱۰۶/۸ بوده است. همچنین در آبانماه ۱۳۴۵ از کل جمعیت کشور ۴۶/۱ درصد در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۵۰/۵ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴

سال و ۳/۹ درصد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر بوده‌اند .
 میانه سنی جمعیت کل کشور در آبانماه ۱۳۵۵ ، برابر ۱۷/۴ سال بوده‌است ،
 روستایی به ترتیب ۱۸/۷ و ۱۶/۵ بوده‌است .
 میانگین سنی جمعیت کشور در آبانماه سال ۱۳۵۵ برابر ۲۲/۴ می‌باشد .
 میانه و میانگین سنی جمعیت کشور در آبانماه ۱۳۴۵ به ترتیب ۱۶/۹ و ۲۲/۲
 سال بوده است . در همین سال میانه سنی برای مردان ۱۶/۸ و برای زنان ۱۷/۱ ،
 بوده است . این رقم در نقاط شهری و روستایی به ترتیب ۱۷/۸ و ۱۶/۳ بوده‌است .
 جدول زیر، توزیع جمعیت کشور را بر حسب گروههای عمده سنی در سال
 ۱۳۵۵ به تفکیک جنس نشان می‌دهد .

سال ۱۳۵۵					گروه سنی
نسبت جنسی	زن	مرد	مرد و زن		
			درصد	تعداد	
۱۰۶/۱	۱۶۰۳۵۲۰۳۹۷	۱۷۰۳۵۶۰۳۴۷	۱۰۰/۰	۳۳۰۷۰۸۰۷۲۴	جمع
۱۰۸/۷	۷۰۱۹۰۰۷۹۵	۷۰۸۱۸۰۵۶۸	۴۴/۵	۱۵۰۰۰۹۰۳۶۳	۱۴ ساله
۱۰۳/۶	۸۰۵۹۹۰۵۱۹	۸۰۹۱۳۰۳۹۲	۵۲/۰	۱۷۰۵۱۲۰۹۱۱	۱۵-۶۴ ساله
۱۱۱/۱	۵۰۶۲۰۰ ۸۳	۶۲۴۰۳۸۷	۳/۵	۱۰۱۸۶۰۴۷۰	۶۵ ساله و بیشتر ...

محل تولد و مهاجرت

از کل جمعیت کشور در آبانماه سال ۱۳۵۵ ، ۸۴/۵ درصد در شهرستانهای
 محل اقامت خود ، ۵/۴ درصد در شهرستانهای دیگر همان استان ، ۹/۶ درصد
 در استانهای دیگر کشور و ۵/۵ درصد در کشورهای دیگر متولد شده‌اند .
 بموجب همین سرشماری ، مقایسه محل اقامت افراد در آبانماه سال ۱۳۵۵
 با زمان سرشماری نشان می‌دهد که تعداد ۱،۷۰۵،۸۵۴ نفر یا به عبارت دیگر
 ۵/۱ درصد جمعیت کشور ، استان محل سکونت خود را تغییر داده‌اند .
 این نسبت در مناطق شهری و روستایی کشور به ترتیب ۸/۷ و ۱/۸ ،
 درصد می‌باشد .

زناشوئی

از ۲۳،۰۵۲،۴۹۹ نفر جمعیت ده ساله و بیشتر کشور در آبانماه ۱۳۵۵ ، تعداد ۱۳،۰۲۴،۷۹۴ نفر یا ۵۶/۶ درصد آنها دارای همسر بوده‌اند، این نسبت برای مردان و زنان به ترتیب ۵۴/۸ و ۵۸/۵ درصد می‌باشد نسبت همسر-داری در جمعیت ده ساله و بیشتر در مناطق شهری و روستایی کشور به ترتیب ۵۳/۲ و ۶۰/۰ درصد می‌باشد. این نسبت برای مردان و زنان شهری به ترتیب ۵۰/۶ و ۵۶/۱ و برای مردان و زنان روستایی به ترتیب ۵۹/۲ و ۶۰/۷ می‌باشد. نسبت همسر داری در مردان و زنان ده ساله و بیشتر در سال ۱۳۴۵ در کل کشور، به ترتیب ۵۶/۴ و ۶۱/۱ درصد بوده است. این نسبت در نقاط شهری به ترتیب ۵۲/۵ و ۵۶/۷ و در نقاط روستایی به ترتیب ۵۹/۴ و ۶۳/۹ بوده است.

۲- ویژه گیهای اجتماعی

دین

در آبانماه ۱۳۵۵، از کل جمعیت کشور ۹۹/۱ درصد مسلمان و ۰/۹ درصد پیروان ادیان دیگر بوده‌اند. درصد مسلمانان در مناطق شهری ۹۸/۲ و در مناطق روستایی ۹۹/۸ بوده است. تعداد ۳۱۱،۸۳۶ نفر پیروان ادیان دیگر را ۶۲،۲۵۸ نفر کلیمی، ۲۱،۴۰۵ نفر زرتشتی، ۱۶۸،۵۹۳ نفر مسیحی و ۵۹،۵۸۵ نفر پیروان سایر ادیان و اظهار نشده تشکیل می‌داده‌اند.

در آبانماه ۱۳۴۵ از کل جمعیت کشور ۹۸/۸ درصد مسلمان و ۱/۲ درصد پیروان ادیان دیگر بوده‌اند. درصد مسلمانان در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۹۷/۳ و ۹۹/۷ بوده است.

سواد

در آبانماه ۱۳۵۵، از ۲۶،۰۴۴،۶۱۵ نفر جمعیت ۷ ساله و بیشتر کشور، ۴۷/۱ درصد را افراد باسواد تشکیل میداده‌اند. این میزان برای مردان ۵۸/۶ و برای زنان ۳۵/۵ درصد بوده است. نسبت باسوادی در ناطق شهری ۶۵/۲ و در مناطق روستایی ۲۹/۷ درصد بوده است.

در همین سال در نقاط شهری ۷۴/۴ درصد مردان و ۵۵/۱ درصد زنان و در نقاط روستایی ۴۲/۹ درصد مردان و ۱۶/۵ درصد زنان از جمعیت ۷ ساله و بیشتر با سواد بوده‌اند.

در آبانماه ۱۳۴۵ از کل افراد ۷ ساله و بیشتر کشور ۲۸/۷ درصد باسواد بوده‌اند. این نسبت برای مردان ۳۹/۲ و برای زنان ۱۷/۴ بوده است. نسبت فوق برای مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۵۰/۴ و ۱۴/۶ بوده است. جدول زیر تعداد باسوادان در جمعیت ۷ ساله و بیشتر کل کشور بر حسب مناطق و جنس در سال ۱۳۵۵ را نشان می‌دهد.

مرد و زن		مناطق	
باسواد	جمع		
۱۲،۲۷۱،۲۲۵	۲۶،۰۴۴،۶۱۵	کل کشور
۸،۳۱۵،۴۶۵	۱۲،۷۴۵،۶۵۱	مناطق شهری
۳،۹۵۵،۷۶۰	۱۳،۲۹۸،۹۶۴	مناطق روستایی

زن		مرد	
باسواد	جمع	باسواد	جمع
۴،۴۳۰،۱۰۸	۱۲،۶۷۳،۳۰۸	۷،۸۴۱،۱۱۷	۱۳،۳۲۱،۳۰۷
۳،۳۳۶،۱۸۸	۶،۰۵۰،۵۹۸	۴،۹۷۹،۲۷۷	۶،۶۹۵،۰۵۳
۱،۰۹۳،۹۲۰	۶،۶۲۲،۷۱۰	۲،۸۶۱،۸۴۰	۶،۶۷۶،۲۵۴

آموزش

از جمعیت کل کشور در آبانماه ۱۳۵۵، ۷۵/۶ درصد جمعیت ۷ - ۱۱، ۶۳/۴ درصد جمعیت ۱۲ - ۱۴ ساله، ۳۶/۵ درصد جمعیت ۱۵ - ۱۹ ساله، ۱۰/۵ درصد جمعیت ۲۰ - ۲۴ ساله و ۱/۱ درصد جمعیت ۲۵ ساله و بیشتر

به تحصیل مشغول بوده‌اند. بدین ترتیب نسبت اشتغال به تحصیل در جمعیت زیر ۲۵ ساله کشور ۴۹/۸ درصد بوده است. این نسبت در مردان ۶۰/۳ و در زنان ۳۸/۹ بوده است. نسبت اشتغال به تحصیل جمعیت زیر ۲۵ سال در مناطق شهری ۶۳/۴ درصد و برای مردان و زنان به ترتیب ۶۹/۱ و ۵۷/۱ درصد بوده است. نسبت‌های فوق برای مناطق روستایی به ترتیب ۳۶/۳، ۵۰/۹ و ۲۲/۵ درصد بوده است.

۳- ویژگیهای اقتصادی

وضع فعالیت جمعیت فعال از نظر اقتصادی

در آبانماه ۱۳۵۵، از ۲۳،۰۵۲،۴۹۹ نفر جمعیت ده ساله و بیشتر کشور ۴۲/۶ درصد را جمعیت فعال از نظر اقتصادی تشکیل میداده است. این نسبت برای مردان ۷۰/۸ و برای زنان ۱۲/۹ بوده است. نسبت جمعیت فعال در مناطق شهری برای مردان ۶۳/۹ و برای زنان ۹/۵ و نسبت‌های فوق در مناطق روستایی ۷۷/۹ و ۱۶/۶ درصد بوده است.

گروههای عمده فعالیت

در آبانماه ۱۳۵۵، از ۸،۷۹۹،۴۲۵ نفر جمعیت شاغل کشور، ۴۳/۵ درصد در بخش کشاورزی (کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری)، ۳۴/۲ درصد در بخش صنعت (استخراج، معادن، صنعت، ساختمان، برق، گاز و آب) و ۳۰/۹ درصد در بخش خدمات (فروش، هتلداری، رستوران و کافه‌داری، حمل و نقل و انبارداری، ارتباطات و مخابرات، خدمات مالی و بیمه، ملکی و تجارتی، خدمات اجتماعی و شخصی) فعالیت داشته‌اند. از کل جمعیت شاغل کشور ۴،۱۱۲،۶۳۶ نفر در مناطق شهری و ۴،۶۸۶،۷۸۴ نفر در مناطق روستایی فعالیت داشته‌اند که نسبت‌های فعالیت آنها در مناطق شهری در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب ۵/۶، ۳۸/۵ و ۵۵/۲ و در مناطق روستایی به ترتیب ۵۸/۹، ۳۰/۹ و ۹/۶ درصد بوده است. نسبت فعالیت در مناطق شهری در بخشهای سه گانه فوق برای مردان به ترتیب ۶/۵، ۳۸/۶ و ۵۴/۳ و برای زنان ۲/۳، ۳۳/۳ و ۶۲/۴ درصد بوده است. در مناطق روستایی کشور نسبت فعالیت در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب ۶/۶، ۲۴/۲ و ۱۰/۷ برای مردان و ۲۸/۹، ۶۶/۳ و ۴/۵ درصد برای زنان بوده است.

جدول زیر جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر کل کشور بر حسب گروه‌های عمده فعالیت به تفکیک جنس در سال ۱۳۵۵ را نشان می‌دهد.

کل کشور				
گروه‌های عمده فعالیت	مرد		مرد زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمع ...	۸,۷۹۹,۴۲۰	۱۰۰/۰	۷,۵۸۷,۴۰۰	۱۰۰/۰
کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری ...	۲,۹۹۱,۸۶۹	۳۴/۰	۲,۷۶۳,۹۳۴	۳۴/۰
استخراج - معادن ...	۸۹,۸۸۸	۱/۰	۸۶,۶۰۴	۱/۰
صنعت ...	۱,۶۷۲,۰۵۹	۱۹/۰	۱,۰۳۲,۹۶۰	۱۹/۰
ساختمان ...	۱,۱۸۸,۷۲۰	۱۳/۵	۱,۱۸۰,۹۱۳	۱۳/۵
برق، گازو - آب ...	۶۱,۶۳۳	۰/۷	۵۹,۷۱۶	۰/۷
فروش، هتلداری، رستوران، و - کافه‌داری ...	۶۶۸,۴۹۴	۷/۶	۶۵۶,۱۷۷	۷/۶
حمل و نقل، انبارداری، ارتباطات و مخابرات	۴۳۱,۴۷۱	۴/۹	۴۲۲,۶۴۷	۴/۹
خدمات مالی و بیمه، ملکی و تجاری	۱۰۰,۴۷۳	۱/۱	۹۱,۰۳۸	۱/۱
خدمات اجتماعی و شخصی ...	۱,۵۲۰,۱۲۴	۱۷/۳	۱,۲۳۳,۵۴۸	۱۷/۳
فعالیت‌های - نامشخص ...	۷۴,۶۸۹	۰/۹	۵۹,۸۶۳	۰/۹

گروههای عمده شغلی

در آبانماه ۱۳۵۵ از تعداد ۸,۷۹۹,۴۲۰ نفر جمعیت شاغل کشور ۱۱/۸ درصد را کارکنان و مدیران مشاغل علمی، فنی، تخصصی، اداری، دفتری، و مشابه، ۱۱/۷ درصد را کارکنان مشاغل بازرگانی و خدماتی، ۳۳/۹ درصد را کارکنان مشاغل کشاورزی (کشاورزان، دامداران، جنگلداران، ماهیگیران، و شکارچیان) و ۳۷/۶ درصد را کارکنان مشاغل تولیدی و مشابه، و بقیه را که ۵ درصد می باشد کارکنان مشاغل گروه بندی نشده تشکیل میداده اند.

از کل جمعیت شاغل، ۴۶/۷ درصد در مناطق شهری و ۵۳/۳ درصد در مناطق روستائی بوده اند. این نسبت برای مردان ۸۶/۲ و برای زنان ۱۳/۸ درصد بوده است.

در مناطق شهری ۸۸/۸ درصد از جمعیت شاغل، مرد و ۱۱/۲ درصد زن بوده اند، این نسبت به مناطق روستائی به ترتیب ۸۴/۵ و ۱۶/۵ درصد بوده است.

جدول زیر جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر کل کشور بر حسب گروههای عمده شغلی به تفکیک را در سال ۱۳۵۵ نشان می دهد.

کل کشور				گروههای عمده شغلی
زن	مرد	مرد و زن		
		درصد	تعداد	
۱,۲۱۲,۰۲۰	۷,۵۸۷,۴۰۰	۱۰۰/۰	۸,۷۹۹,۴۲۰	جمع
۱۸۷,۸۵۶	۳۶۷,۸۸۹	۶/۳	۵۵۵,۷۴۵	کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی
۱,۳۴۸	۳۹,۲۰۹	۰/۵	۴۰,۵۵۷	مدیران و کارمندان عالیه اداری
۶۳,۳۴۰	۳۷۴,۳۴۲	۵/۰	۴۳۷,۶۸۲	کارکنان اداری، دفتری و مشابه
۷,۶۵۹	۵۸۸,۷۴۶	۶/۸	۵۹۶,۴۰۵	فروشندهگان و کارکنان بازرگانی
۶۷,۷۳۲	۳۶۴,۸۶۳	۴/۹	۴۳۲,۵۹۵	کارکنان امور خدماتی
۲۲۶,۶۳۷	۲,۷۵۶,۹۶۶	۳۳/۹	۲,۹۸۳,۶۰۳	کشاورزان، دامداران، جنگلداران و مشابه
۶۴۰,۵۶۰	۲,۶۶۸,۱۱۶	۳۷/۶	۳,۳۰۸,۶۷۶	کارکنان مشاغل تولیدی و مشابه
۱۶,۸۸۸	۴۲۷,۲۶۹	۵/۰	۴۴۴,۱۵۷	کارکنان گروه بندی نشده

وضع شغلی

از کل جمعیت شاغل کشور در آبانماه ۱۳۵۵، ۲/۱ درصد را کارفرمایان، ۳۱/۹ درصد را کارکنان مستقل، ۱۹/۵ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش عمومی، ۳۴/۹ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و ۱۱/۶ درصد را کارکنان خانوادگی بدون مزد تشکیل میداده‌اند و بقیه که ۵/۵ درصد بوده‌اند، از لحاظ وضع شغلی اظهار نشده گزارش شده‌اند.

از کل جمعیت شاغل مناطق شهری کشور در سال ۱۳۵۵، ۳/۴ درصد را کارفرمایان، ۲۲/۲ درصد را کارکنان مستقل، ۳۴/۲ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش عمومی، ۳۷/۶ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی، ۲/۱ درصد را کارکنان خانوادگی بدون مزد و بقیه که ۵/۵ درصد بوده‌اند با وضع شغلی نامشخص گزارش شده‌اند. در مناطق روستایی نسبت‌های فوق بترتیب ۵/۷، ۴۰/۴، ۵/۹، ۳۲/۶، ۲۰/۵ و ۵/۴ درصد بوده‌است.

از کل جمعیت شاغل مردان کشور، ۲/۳ درصد را کارفرمایان، ۳۵/۳ درصد را کارکنان مستقل، ۱۸/۸ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش عمومی، ۳۶/۲ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و ۶/۹ درصد را کارکنان خانوادگی بدون مزد تشکیل داده‌اند.

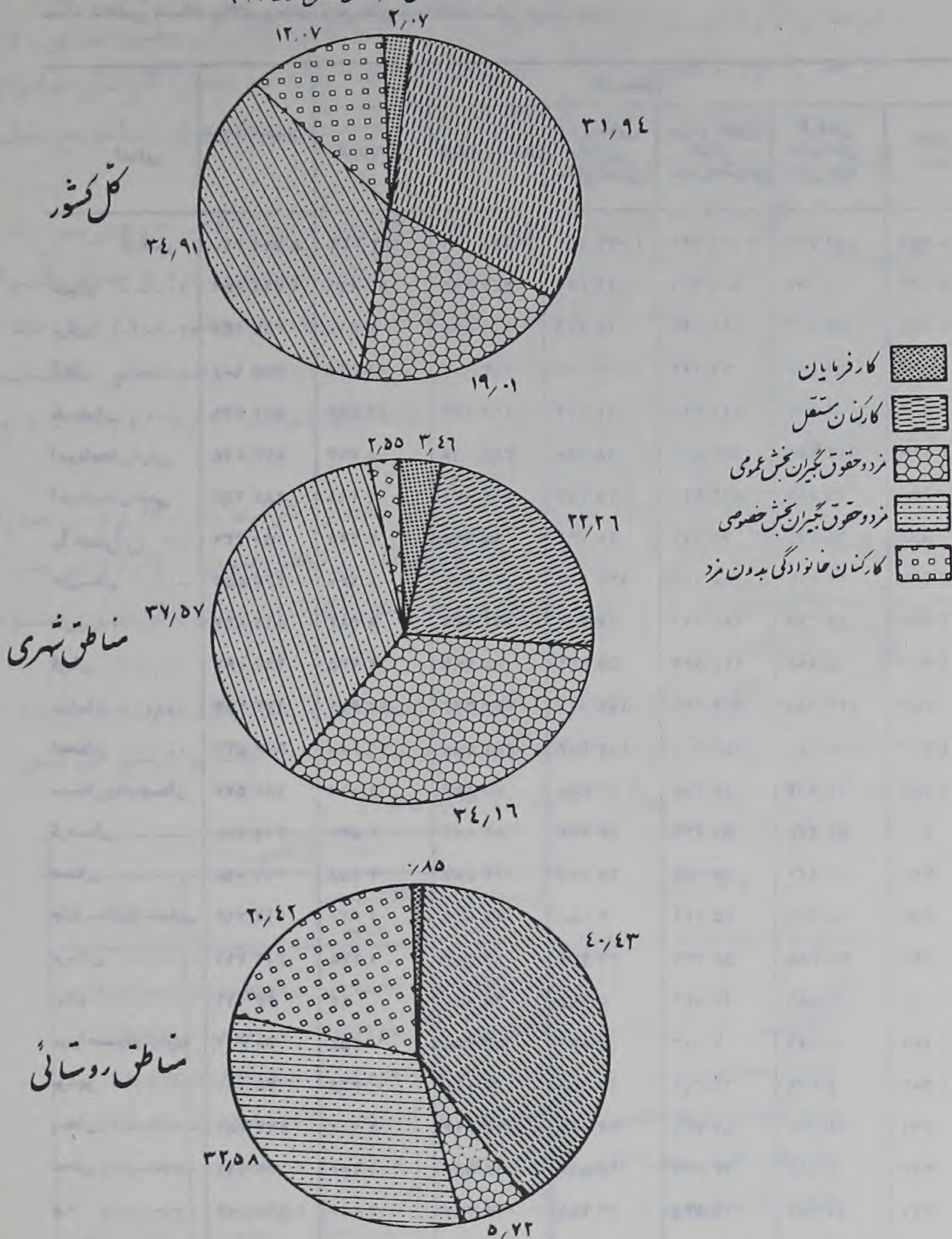
نسبت‌های فوق برای زنان شاغل کشور به ترتیب ۵/۴، ۱۵/۸، ۲۵/۳، ۲۶/۶، ۴۰/۹ و ۵/۹ درصد بوده‌است. جدول زیر جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر کل کشور بر حسب وضع شغلی به تفکیک جنس در سال ۱۳۵۵

کل کشور				وضع شغلی
زن	مرد	مرد وزن		
		درصد	تعداد	
۱۰۲۱۲۰۵۲۵	۷۰۵۸۷۰۴۵۵	۱۰۰/۵	۸۰۷۹۹۰۴۲۵	جمع
۵۰۳۵۸	۱۷۶۰۸۷۱	۲/۱	۱۸۲۰۲۲۹	کارفرمایان
۱۳۵۰۶۹۳	۲۰۶۷۹۰۵۱۸	۳۱/۹	۲۰۸۱۵۰۲۱۱	کارکنان مستقل
۲۴۵۰۹۱۸	۱۰۴۲۷۰۱۷۴	۱۹/۵	۱۰۶۷۳۰۵۹۲	مزد و حقوق بگیران بخش عمومی
۳۲۲۰۱۴۶	۲۰۷۴۹۰۷۸۱	۳۴/۹	۳۰۵۷۱۰۹۲۷	مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی
۴۶۵۰۷۲۳	۵۲۵۰۵۸۹	۱۱/۶	۱۰۰۲۱۰۳۱۲	کارکنان خانوادگی بدون مزد
۱۲۰۱۸۲	۲۸۰۴۶۷	۵/۵	۴۵۰۶۴۹	اظہار نشده

تعداد شاغلین ده ساله و بالاتر بر حسب وضع شغلی و به تفکیک استان در سال ۱۳۵۵

استان	جمع شاغلین	وضع شغلی					اظهار نشده
		کارفرمایان	کارکنان مستقل	مزد و حقوق بگیران بخش عمومی	مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی	کارکنان خانوادگی بدون مزد	
کل کشور	۸۷۹۹۴۲۰	۱۸۲۲۲۹	۲۸۱۰۲۱۱	۱۶۷۳۰۹۲	۳۰۷۱۹۲۷	۱۰۲۱۳۱۲	۴۰۶۴۹
تهران	۱۴۹۲۶۶۹	۷۲۴۲۸	۲۶۴۲۹۵	۵۴۲۶۰۳	۵۹۵۲۰۹	۹۲۰۸	۸۹۲۶
مرکزی	۲۹۳۱۴۰	۳۹۱۰	۱۲۲۸۹۶	۲۶۷۲۹	۱۰۴۵۲۹	۳۳۴۴۱	۱۶۳۵
گیلان	۳۱۵۱۰۱	۸۵۴۴	۱۱۳۱۰۲	۶۰۶۰۶	۷۷۱۷۴	۵۴۶۱۳	۱۰۶۲
مازندران	۵۳۲۴۷۹	۱۴۶۲۶	۱۴۱۱۵۱	۸۲۱۲۹	۲۱۱۳۹۷	۸۱۶۶۰	۱۵۱۶
آذربایجان شرقی	۸۳۶۶۷۵	۵۷۹۷	۳۲۳۰۱۸	۹۵۷۸۰	۲۶۴۵۴۱	۱۴۳۳۴۲	۴۱۹۷
آذربایجان غربی	۳۸۶۲۷۸	۹۲۹۱	۱۲۳۰۳۱	۴۹۷۱۷	۱۱۴۳۲۲	۸۹۲۸۷	۶۲۰
باختران ...	۲۵۰۴۳۹	۳۲۳۹	۹۵۹۳۵	۴۸۷۶۲	۷۶۱۷۲	۲۵۴۷۳	۸۵۸
حوزستان	۴۶۴۵۵۷	۸۹۶۰	۱۱۶۶۰۰	۱۴۷۸۵۹	۱۵۸۱۸۴	۲۹۷۲۷	۳۲۲۷
فارس	۵۱۲۸۴۷	۸۳۸۴	۱۸۲۷۷۹	۹۷۷۵۰	۱۸۱۷۹۱	۳۹۳۴۹	۲۷۹۴
کرمان	۲۹۸۰۶۷	۳۹۴۵	۸۵۷۶۹	۵۵۳۲۲	۱۲۵۵۲۳	۲۵۸۰۸	۱۷۰۰
خراسان	۹۷۴۳۵۷	۱۲۶۷۷	۳۴۱۳۹۳	۱۰۹۲۹۰	۳۶۲۲۳۶	۱۴۴۹۸۱	۳۷۸۰
اصفهان	۶۴۴۵۷۷	۱۱۶۰۰	۲۰۲۵۸۰	۱۱۷۴۵۳	۲۵۲۴۰۲	۵۸۱۴۰	۲۴۰۲
سیستان و بلوچستان	۱۶۶۵۷۳	۱۰۱۲	۷۷۵۱۳	۲۳۶۸۰	۴۸۳۸۶	۱۳۹۹۳	۱۹۸۹
کردستان	۲۱۲۹۶۸	۲۵۳۱	۷۲۰۰۴	۲۶۹۲۶	۵۴۷۴۹	۵۶۲۴۸	۵۱۰
همدان	۲۹۹۰۹۸	۳۴۵۸	۱۱۴۵۱۲	۲۷۸۳۹	۹۶۰۷۳	۵۶۴۳۶	۷۸۰
چهارمحال و بختیاری	۱۱۷۷۹۶	۲۶۳۰	۴۲۲۱۴	۹۰۵۰	۳۵۱۴۱	۲۸۳۸۸	۳۷۳
برستان	۲۱۳۷۹۹	۱۲۷۸	۹۷۷۵۳	۲۷۳۴۹	۵۶۳۳۷	۳۰۳۸۸	۶۹۴
ایلام	۶۳۱۱۱	۸۴	۲۹۸۸۰	۶۶۳۵	۱۳۸۳۳	۱۲۵۸۱	۹۸
بویرا احمد و کهگیلویه	۴۶۶۱۷	۲۵۵	۲۴۴۸۸	۵۶۶۲	۷۰۱۳	۹۰۷۹	۱۲۰
بوشهر	۷۵۱۵۰	۳۲۵	۲۳۱۱۰	۱۷۸۵۵	۲۹۳۱۸	۳۳۳۹	۱۲۰۳
زنجان	۲۹۴۷۸۲	۲۸۱۷	۱۲۷۰۹۷	۲۷۶۶۳	۸۷۷۶۲	۴۸۶۷۲	۷۷۱
سمنان	۷۴۱۲۳	۱۲۶۳	۱۸۵۵۰	۲۶۵۹۶	۲۳۲۷۷	۴۱۱۴	۳۲۳
یرد	۱۲۰۰۰۱	۲۰۱۶	۳۶۴۵۷	۱۴۴۸۹	۴۶۹۴۵	۱۹۷۶۴	۳۳۰
هرمزگان	۱۱۴۲۱۶	۱۱۵۹	۳۴۰۸۴	۲۵۳۴۸	۴۹۶۱۳	۳۲۸۱	۷۳۱

درصد توزیع شاغلین ده ساله و بالاتر بر حسب وضع شغلی (بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵)



۴- ویژه گیهای واحد مسکونی

نوع واحد مسکونی

در آبانماه ۱۳۵۵، از ۶،۷۰۹،۰۶۸ خانوار معمولی کشور، ۹۶/۸ درصد در واحدهای مسکونی معمولی سکونت داشته‌اند و ۳/۲ درصد بقیه، در کارگاه، چادر، کپر، آلونک، زاغه و مشابه زندگی میکرده‌اند، درصد خانوارهای معمولی ساکن در واحدهای مسکونی معمولی در نقاط شهری و روستایی کشور، به ترتیب ۹۹/۲ و ۹۴/۶ بوده است.

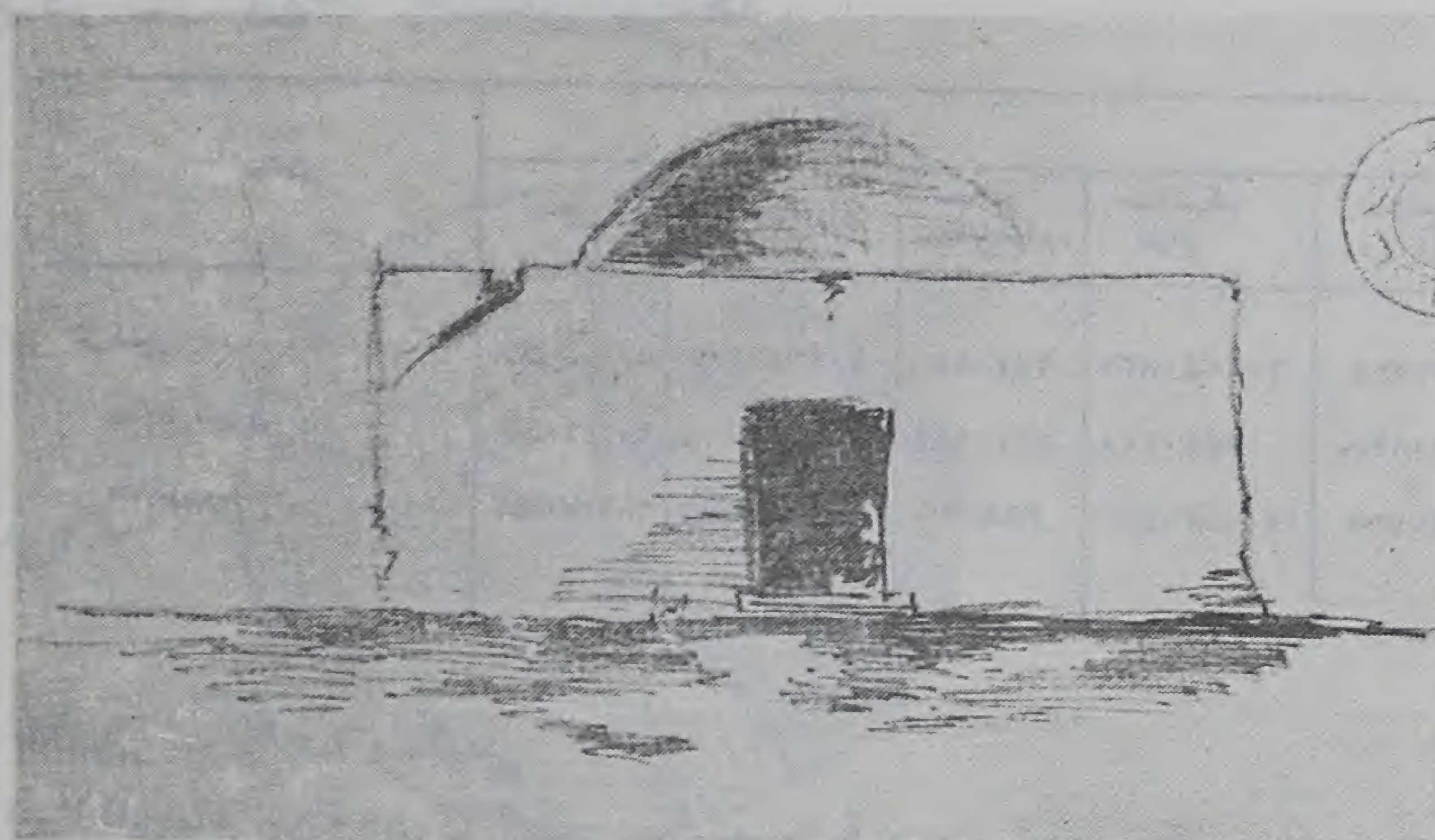
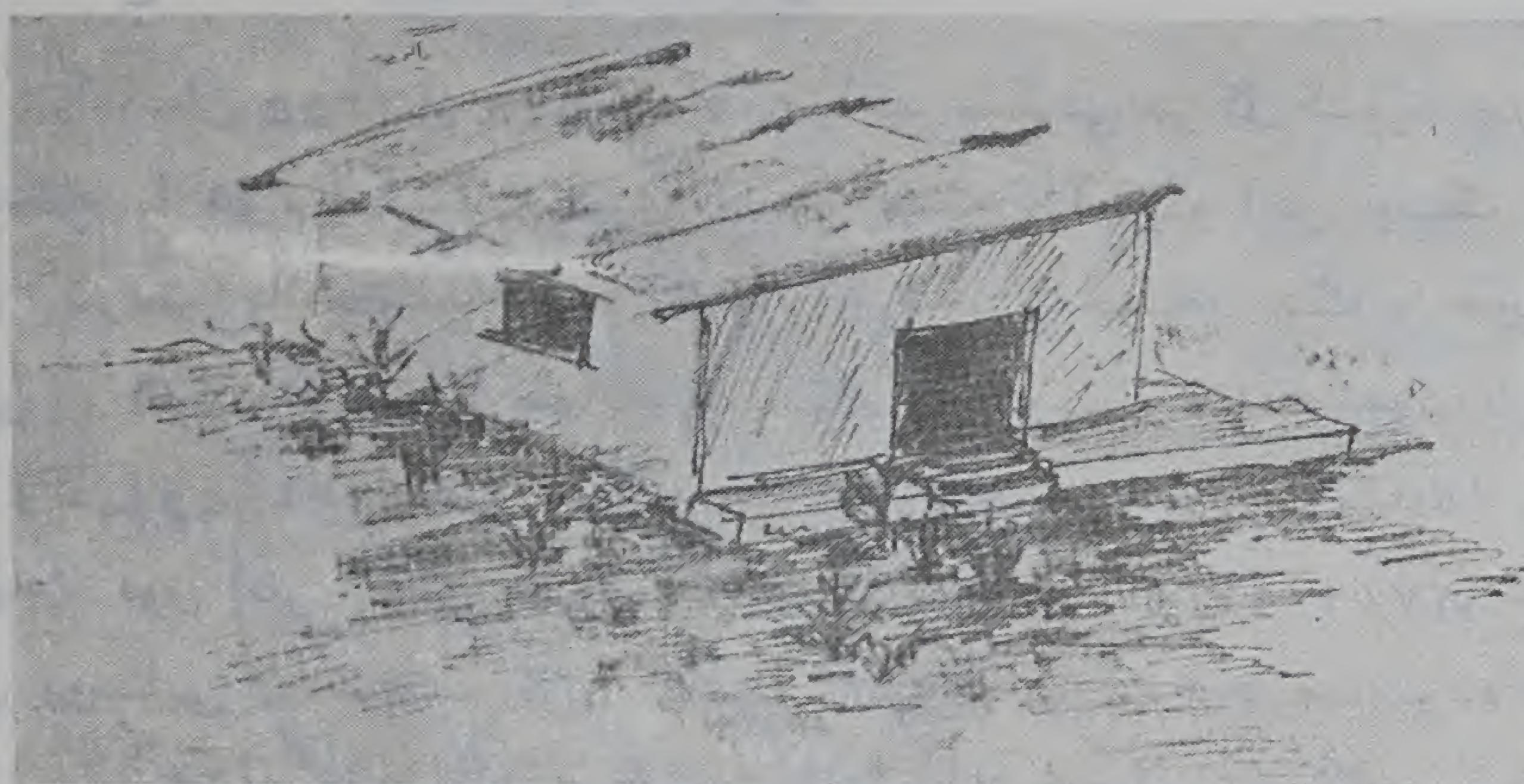
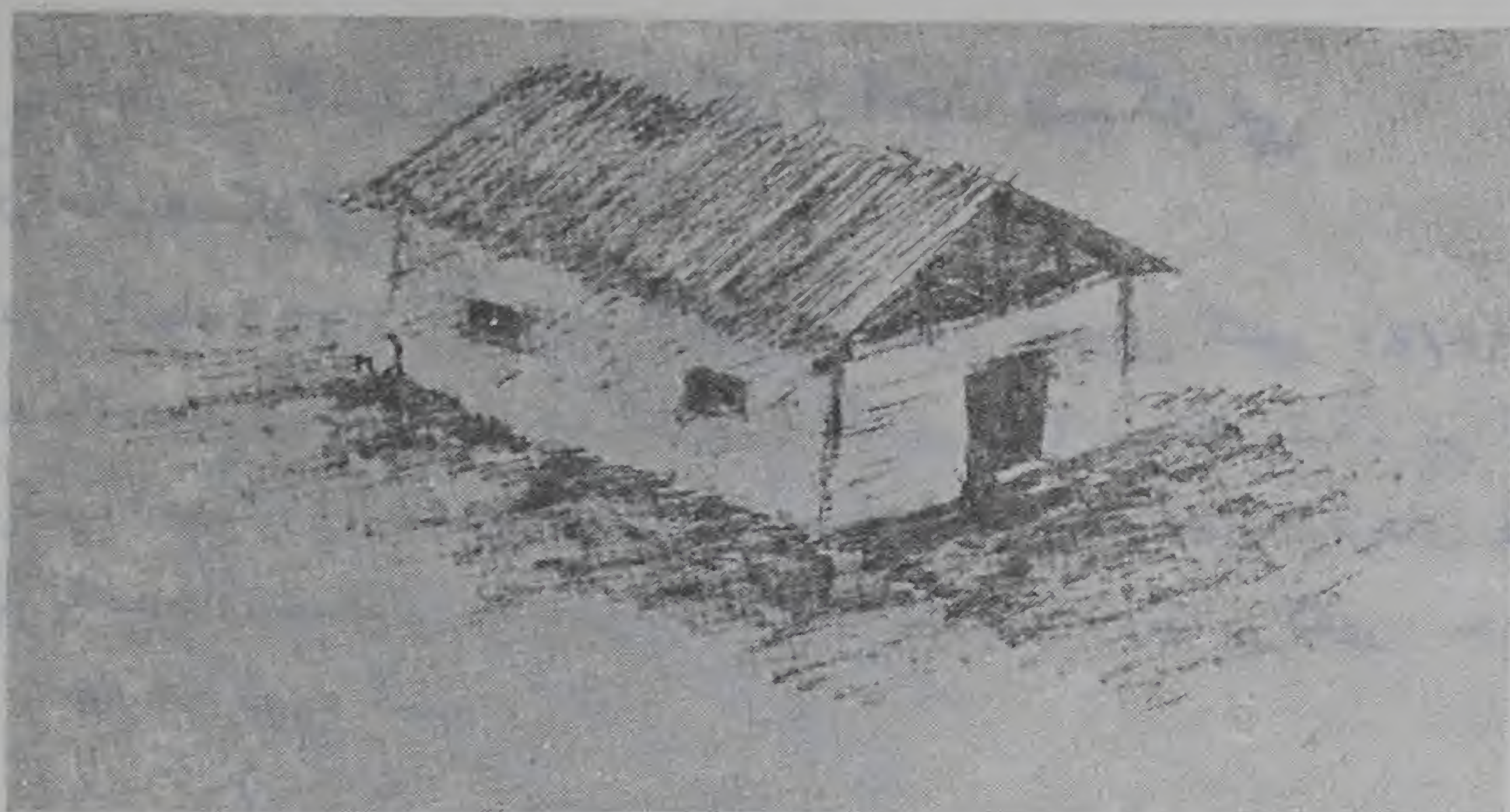
مصالح عمده بکار رفته در ساختمان

در آبانمان ۱۳۵۵ از ۵،۳۰۵،۵۳۸ واحد مسکونی در کل کشور، ۲۴/۵ درصد با مصالح با دوام (اسکلت فلزی، بتون مسلح، آجر و آهن و سنگ و آهن)، ۱۸/۴ درصد با مصالح نیمه بادوام (آجر و چوب، سنگ و چوب و بلوک سیمانی)، ۵۵/۱ درصد با مصالح کم دوام (چوب و خشت، چوب، خشت، خشت و گل) و ۲/۵ درصد با مصالح بی دوام (حصیر و چادر و مشابه) بوده‌اند، نسبتهای فوق در مناطق شهری به ترتیب ۵۰/۵، ۲۱/۵، ۲۷/۹ و ۵/۶ و در مناطق روستایی به ترتیب ۷۷/۳، ۱۵/۹، ۲/۸ و ۴/۵ درصد بوده است. جدول زیر تعداد واحدهای مسکونی خانوارهای معمولی کل کشور بر حسب نوع مصالح در سال ۱۳۵۵ را نشان می‌دهد.

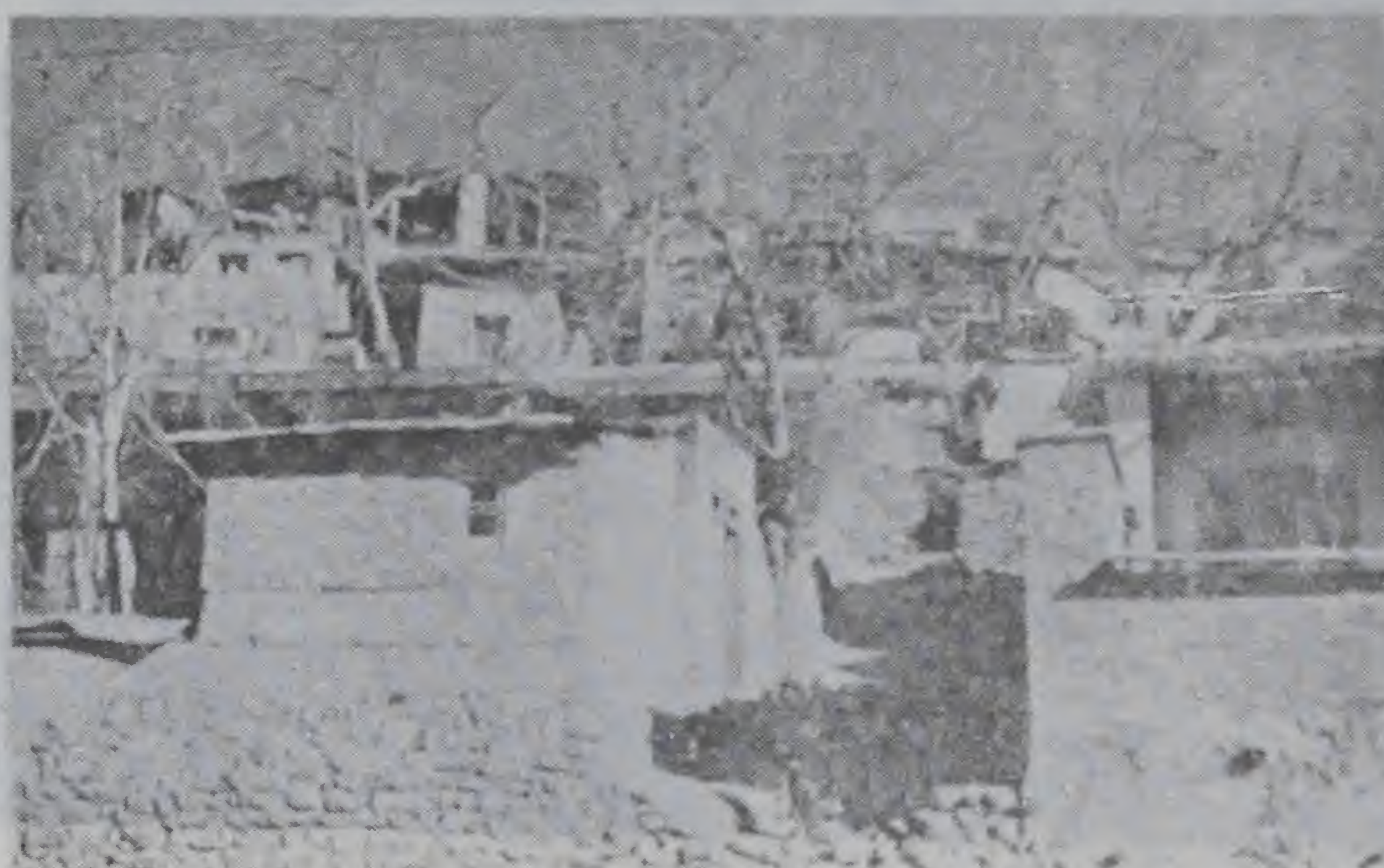
سال ۱۳۵۵					مناطق
جمع	مصالح بادوام	مصالح نیمه بادوام	مصالح کم دوام	مصالح بی دوام	
۵،۳۰۵،۵۳۸	۱،۲۷۰،۳۹۶	۹۷۷،۵۸۵	۲،۹۲۵،۸۳۲	۱۳۱،۷۲۵	کل کشور
۲،۳۷۷،۵۸۶	۱،۱۸۹،۰۰۵	۵۱۲،۲۵۵	۶۴۲،۳۲۸	۱۳،۹۹۸	مناطق شهری
۲،۹۲۷،۹۵۲	۸۱،۳۹۱	۲۶۵،۳۳۰	۲،۲۶۳،۵۰۴	۱۱۷،۷۲۷	مناطق روستایی

تراکم خانوار در واحد مسکونی

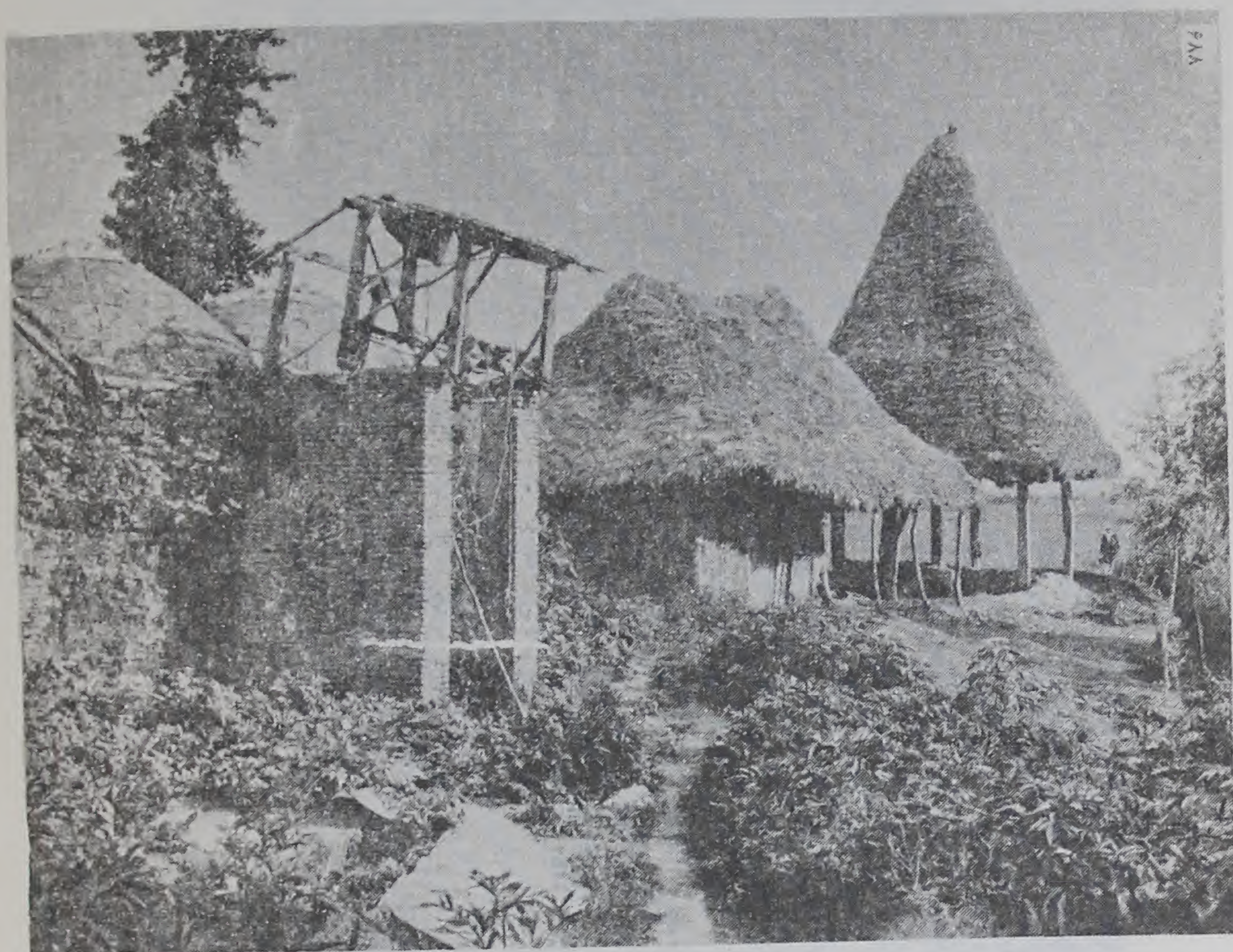
در آبان ماه ۱۳۵۵ در کل کشور، بطور متوسط در هر واحد مسکونی ۱/۳ خانوار سکونت داشته است. این رقم در نقاط شهری ۱/۴ و در نقاط روستایی ۱/۲ بوده است.



طرح‌هایی از مسکن روستایی بم



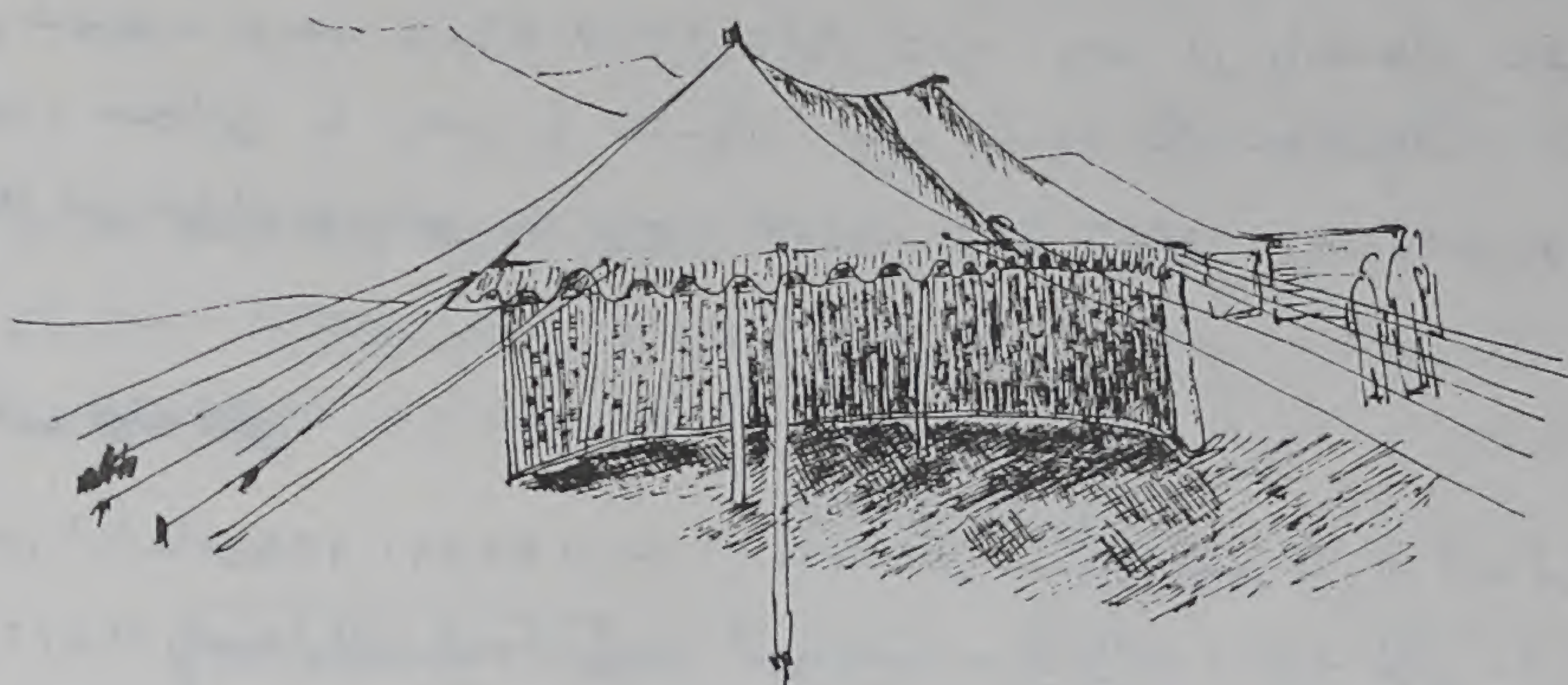
نمای برخی از روستاهای ایران



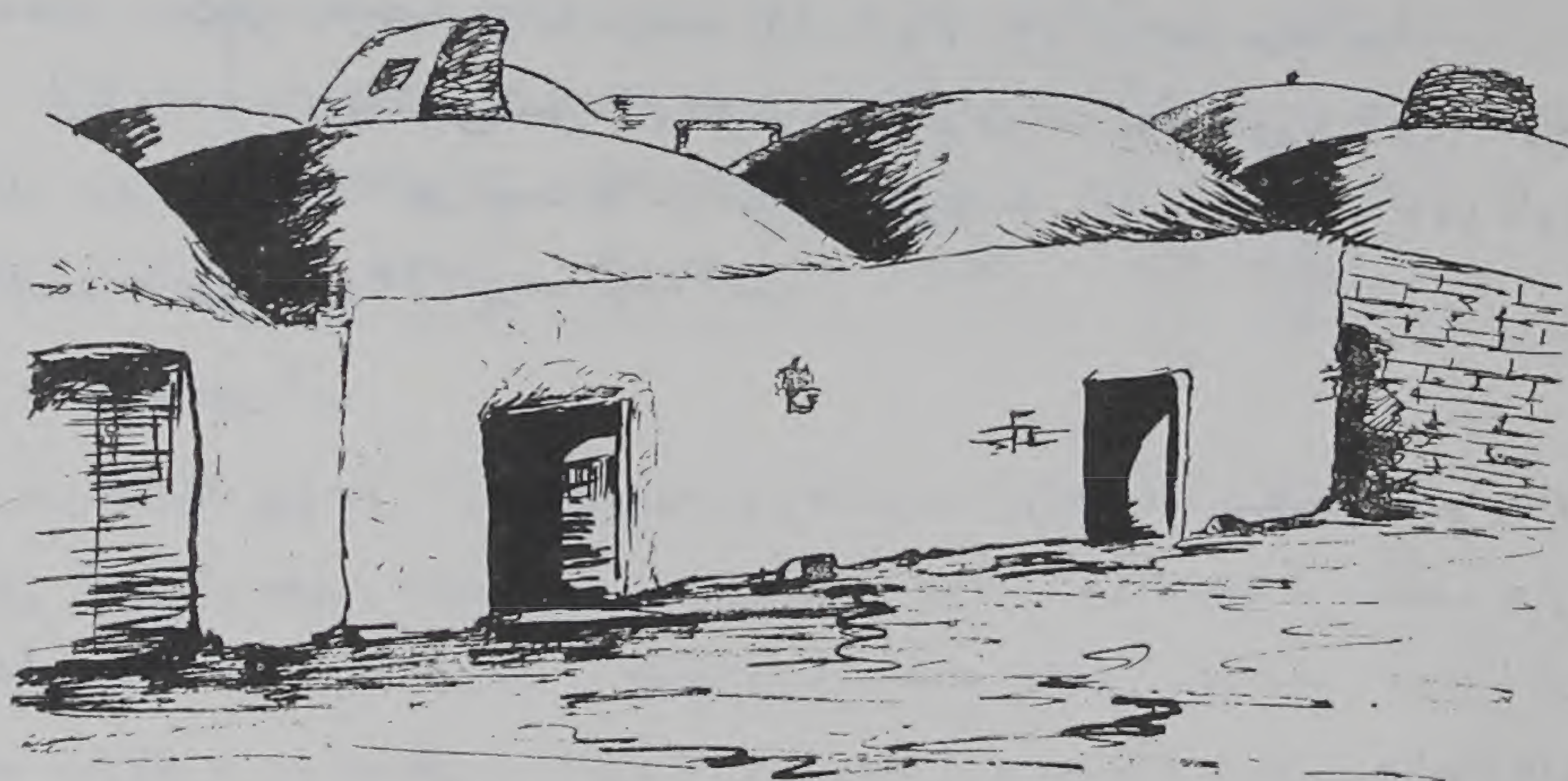
خانه‌های روستائی قدیمی گیلان



طرحی از مساکن روستائی منطقه دشت میشان. مصالح اصلی این خانه از نی مردابهای همان منطقه و چوب نخل و گل رس تشکیل شده و با همه ضعف تکنیک بسیار متناسب آن محیط می باشد.



نمونه ای از چادرهای خان های قشقائی



طرحی از مساکن روستائی با پشت بامهای گنبدی و رغلبیده نواحی پیرامون کویر ایران.

از کل واحدهای مسکونی کشور در این سال ۸۲/۷ درصد توسط ۱ خانوار، ۱۲/۲ درصد متوسط ۲ خانوار، ۳/۴ درصد توسط ۳ خانوار، ۱/۵ درصد توسط ۴ خانوار، ۵/۴ درصد توسط ۵ خانوار و ۵/۳ درصد توسط ۶ خانوار و بیشتر اشغال شده بود. نسبت‌های فوق در نقاط شهری به ترتیب ۷۵/۳، ۱۶/۸، ۵/۲، ۱/۶، ۵/۶ و ۵/۵ و در نقاط روستایی ۸۸/۸، ۸/۵، ۱/۹، ۵/۵، ۵/۱ و ۵/۲ درصد بوده است.

نحوه تصرف محل سکونت

در آبان‌ماه ۱۳۵۵، از ۶،۷۰۹،۰۶۸ خانوار معمولی کشور ۷۶/۱ درصد مالک محل سکونت خود، ۱۵/۵ درصد اجاره‌نشین، ۸/۴ درصد در محل‌های مجانی یا رهنی و ۵/۵ درصد بقیه ساکن مکان‌های اظهار نشده بوده‌اند، از خانوارهای معمولی شهری به ترتیب ۶۲/۵، ۲۷/۷، ۹/۳ و ۵/۵ درصد در واحدهای ملکی، اجاره‌ای، مجانی یا رهنی و مکان‌های اظهار نشده سکونت داشته‌اند. این نسبت‌ها در مناطق روستایی به ترتیب ۸۹/۵، ۲/۹، ۷/۵ و ۵/۶ درصد بوده است.

آب لوله کشی

در آبان‌ماه ۱۳۵۵، ۴۵/۹ درصد از واحدهای مسکونی کشور دارای آب لوله کشی و ۴۸/۲ درصد دارای برق بوده است. این نسبت برای واحدهای مسکونی دارای آب لوله‌کشی در مناطق شهری و روستایی، به ترتیب ۷۹/۱ و ۱۵/۵ درصد و برای واحدهای مسکونی دارای برق به ترتیب ۹۵/۲ و ۱۴/۲ درصد بوده است. از کل واحدهای مسکونی کشور ۱۴/۳ درصد دارای آب لوله‌کشی و ۲۵/۴ درصد دارای برق بوده‌اند. این نسبت‌ها در مناطق شهری به ترتیب ۴۱/۵ و ۶۸/۶ و در مناطق روستایی ۱/۵ و ۳/۷ درصد بوده است.

منابع تامین آب

در آبان‌ماه ۱۳۵۵، آب مورد مصرف ۴۹/۵ درصد از واحدهای مسکونی خانوارهای معمولی کشور از مخزن عمومی، ۱۸/۵ درصد از چاه، ۸/۶ درصد از قنات، ۷/۵ درصد از رودخانه و ۱۶/۹ درصد از چشمه و سایر منابع تامین شده است. در مناطق شهری ۸۶/۸ و در مناطق روستایی ۱۸/۳ درصد از واحدهای مسکونی خانوارهای معمولی کشور آب مورد مصرف خود را از مخزن عمومی تامین می‌کرده‌اند.

جدول زیر توزیع تعداد خانوارهای معمولی کل کشور بر حسب نوع واحد مسکونی به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۵۵ نشان می‌دهد

سال ۱۳۵۵					مناطق
دارای برق		استفاده از آب لوله کشی		واحدهای مسکونی	
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۴۸/۲	۲,۵۶۰,۱۹۶	۵۱/۹	۲,۷۵۲,۷۷۹	۵,۳۰۵,۵۳۸	کل کشور
۹۰/۲	۲,۱۴۴,۰۳۴	۸۹/۳	۲,۱۲۲,۲۵۷	۲,۳۷۷,۵۸۶	مناطق شهری
۱۴/۲	۴۱۶,۱۶۲	۲۱/۵	۶۳۰,۵۲۲	۲,۹۲۷,۹۵۲	مناطق روستایی

رادیو، تلویزیون و تلفن

در آبان‌ماه ۱۳۵۵، از ۶,۷۰۹,۰۶۸ خانوار معمولی کشور ۶۵/۱ درصد دارای رادیو، ۲۴/۳ درصد دارای تلویزیون و ۶/۷ درصد دارای تلفن بوده‌اند. نسبت‌های فوق در مناطق شهری به ترتیب ۷۵/۷، ۴۶/۹، و ۱۳/۶ درصد و در مناطق روستایی به ترتیب ۵/۵، ۲/۹، و ۰/۲ درصد بوده است.

جمع خانوارها	دارای رادیو		تلویزیون		دارای تلفن	
	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
.....	۶,۷۰۹,۰۶۸	۴,۳۶۵,۱۰۶	۱,۶۳۰,۶۸۵	۴۵۲,۱۴۴
.....	۳,۲۶۴,۱۹۳	۲,۴۷۰,۷۶۲	۱,۵۲۹,۸۶۷	۴۴۳,۸۱۰
.....	۳,۴۴۲,۸۷۵	۱,۸۹۴,۳۴۴	۱۰۰,۸۱۸	۸,۳۳۴

ردیف	نام استان	نام مرکز استان	جمعیت استان	مساحت استان	جمعیت شهری استان	جمعیت روستایی استان	تعداد فرمانداری	تعداد بخشداری	تعداد شهرداری
۱	تهران	تهران	۵۲۳۱۱۶۶	۱۹۱۱۸/۴	۴۸۸۱۴۸۵	۴۴۹۶۸۱	۶	۱۹	۱۸
۲	مرکزی	اراک	۱۲۳۰۳۹۳	۳۹۸۹۵/۰	۵۸۸۹۷۷	۶۴۱۴۱۶	۹	۱۷	۱۳
۳	خراسان	مشهد	۳۲۶۴۳۹۸	۳۱۳۳۳۷/۲	۱۲۴۵۲۵۸	۲۰۱۹۱۴۰	۱۷	۵۳	۴۴
۴	اصفهان	اصفهان	۱۹۶۴۹۶۵	۱۰۴۶۵۰/۰	۱۲۴۱۹۰۴	۷۲۳۰۶۱	۱۵	۲۷	۴۶
۵	آذربایجان شرقی	تبریز	۳۱۹۷۶۸۵	۶۷۱۰۲/۴	۱۱۸۸۲۹۲	۲۰۰۹۳۹۳	۱۱	۳۴	۴۰
۶	خوزستان	اهواز	۲۱۸۷۱۱۸	۶۴۷۰۲/۰	۱۲۷۵۱۰۹	۹۱۴۰۰۹	۱۳	۲۹	۲۲
۷	مازندران	ساری	۲۳۸۷۱۷۱	۴۷۲۷۵/۰	۷۷۶۸۱۹	۱۶۱۰۳۵۲	۱۵	۲۶	۴۶
۸	فارس	شیراز	۲۰۳۵۵۸۲	۱۳۳۲۹۸/۰	۸۷۲۷۶۸	۱۱۶۲۸۱۴	۱۴	۲۸	۲۸
۹	گیلان	رشت	۱۵۸۱۸۷۲	۱۴۷۰۹/۰	۴۶۱۳۵۵	۱۱۲۰۵۱۷	۱۱	۲۲	۳۰
۱۰	آذربایجان غربی	رضایه	۱۴۰۷۶۰۴	۳۸۸۵۰/۰	۴۴۶۷۱۴	۹۶۰۸۹۰	۹	۱۹	۲۰
۱۱	کرمان	کرمان	۱۰۷۸۸۷۵	۱۸۶۴۷۲/۰	۳۵۰۸۰۶	۷۲۸۰۶۹	۱۰	۲۲	۲۱
۱۲	باختران	باختران	۱۰۳۰۷۱۴	۲۳۶۶۶/۵	۴۴۱۸۸۵	۵۸۸۸۲۹	۸	۱۷	۱۴
۱۳	هرمزگان	بندرعباس	۴۶۲۴۴۰	۶۶۸۷۰/۴	۱۲۳۴۶۲	۳۲۸۹۷۸	۴	۱۶	۱۰
۱۴	سیستان و بلوچستان	زاهدان	۶۶۴۲۹۲	۱۸۱۵۷۸/۰	۱۶۲۸۵۴	۵۰۱۴۳۸	۶	۲۳	۱۱
۱۵	کردستان	سنندج	۷۸۲۴۴۰	۲۴۹۹۸/۰	۱۹۰۳۷۵	۵۹۲۰۶۵	۶	۱۶	۸
۱۶	همدان	همدان	۱۰۴۶۶۲۸	۱۹۷۸۴/۰	۳۲۵۱۷۶	۷۲۱۴۵۲	۴	۱۲	۱۱
۱۷	لرستان	خرم آباد	۹۳۳۹۳۹	۳۱۳۸۳/۲	۲۹۴۶۱۸	۶۳۹۳۲۱	۳	۱۷	۱۰
۱۸	زنجان	زنجان	۱۱۱۷۱۵۷	۲۶۲۹۸/۳	۳۱۷۲۸۹	۷۹۹۸۶۸	۵	۱۴	۱۰
۱۹	یزد	یزد	۳۶۹۱۲۲	۶۳۴۵۵/۰	۲۱۸۲۳۳	۱۵۰۸۸۹	۵	۱۱	۸

تعداد شهر داری	تعداد بخشداری	تعداد فرمانداری	جمعیت استانی	جمعیت شهری استان	مساحت استان	جمعیت استان	نام مرکز استان	نام استان	شماره ردیف
۱۱	۱۶	۷	۲۲۸۷۱۹	۱۱۹۱۴۴	۲۷۶۵۳/۰	۳۴۷۸۶۳	بوشهر	بوشهر	۲۰
۹	۸	۴	۲۵۹۰۸۵	۱۴۰۲۷۲	۴۰۲۴۹/۰	۳۹۹۳۵۷	شهرکرد	چهارمحال و بختیاری	۲۱
۱۳	۱۳	۵	۱۹۷۴۲۹	۴۸۵۹۵	۱۹۰۴۴/۰	۲۴۶۰۲۴	ایلام	ایلام	۲۲
۱۰	۱۰	۴	۱۷۵۶۷۹	۱۳۳۹۹۷	۹۰۰۳۹/۰	۲۹۲۶۷۶	سمنان	سمنان	۲۳
۴	۸	۳	۲۱۳۵۰۳	۳۰۸۶۷	۱۴۲۶۱/۰	۲۴۴۳۷۰	یاسوج	بویراحمد و کهگیلویه	۲۴

تغییرات استانیها

تغییرات شهرستانهای تابعه استانها که بعد از سرشماری سال ۱۳۵۵ بعمل

آمده بشرح زیرست:

لازم به یادآوری است که جدول استانی سال ۱۳۵۵ این بخش، با توجه به

آخرین تغییراتی که در سال ۱۳۵۹ در تقسیمات کشوری بعمل آمده، تهیه گردیده

است.

۱- استان تهران شامل شهرستانهای تهران - کرج - ورامین و دماوند

می باشد.

۲- شهرستانهای ورامین و دماوند از استان سمنان حذف و به استان تهران

اضافه شده است.

۳- شهرستان کاشان از استان مرکزی حذف و به استان اصفهان اضافه شده

است.

۴- شهرستان قزوین از استان مرکزی حذف و به استان زنجان اضافه شده

است.

۵- شهرستان کرج از استان مرکزی حذف و به استان تهران اضافه شده است.

جمع کل:

استان ۲۴

فرمانداری ۱۹۵

بخشداری ۴۹۸

شهرداری ۴۵۷

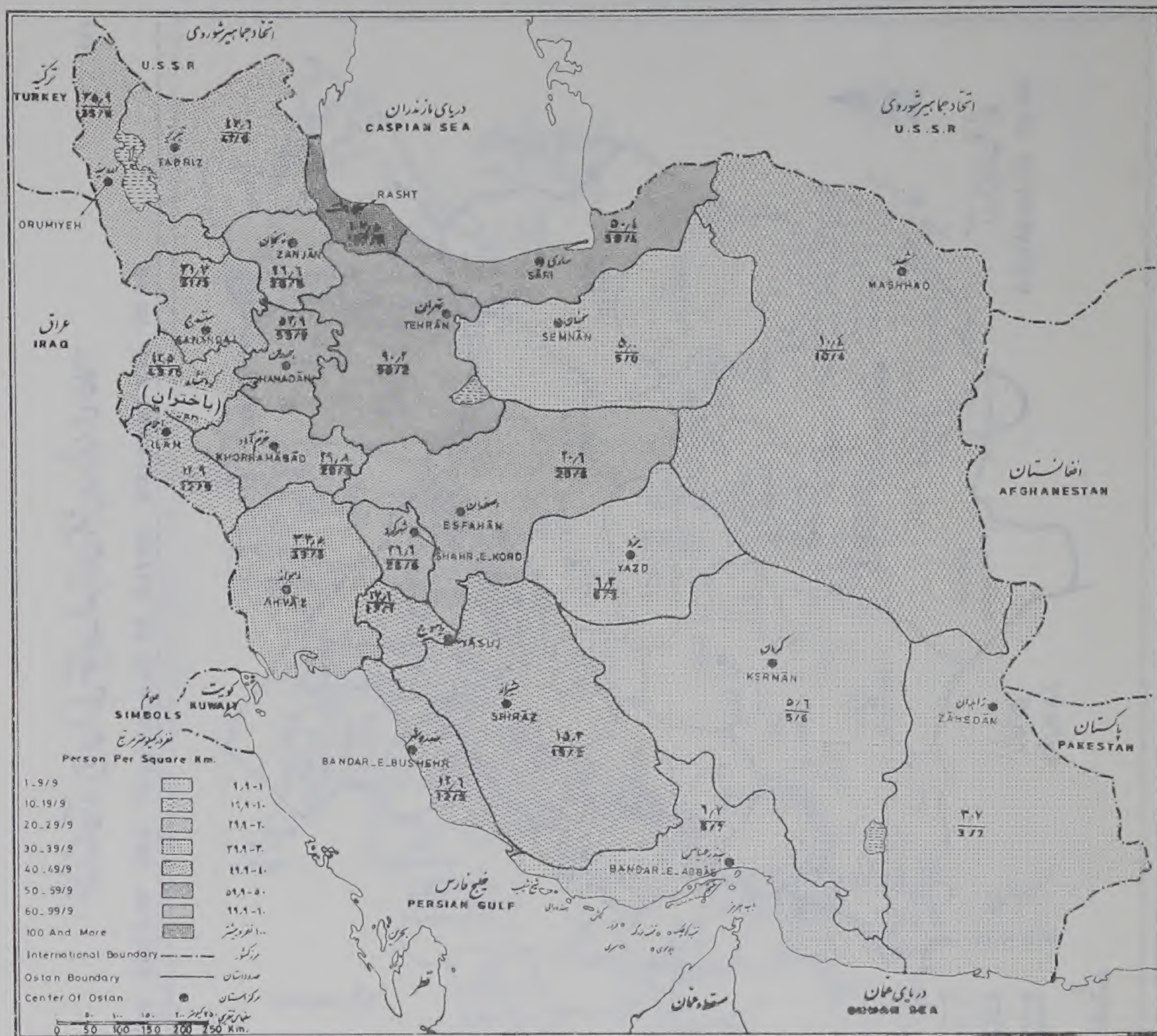
مدرک: نشریه تقسیمات کشور جمهوری

اسلامی ایران از انتشارات وزارت کشور

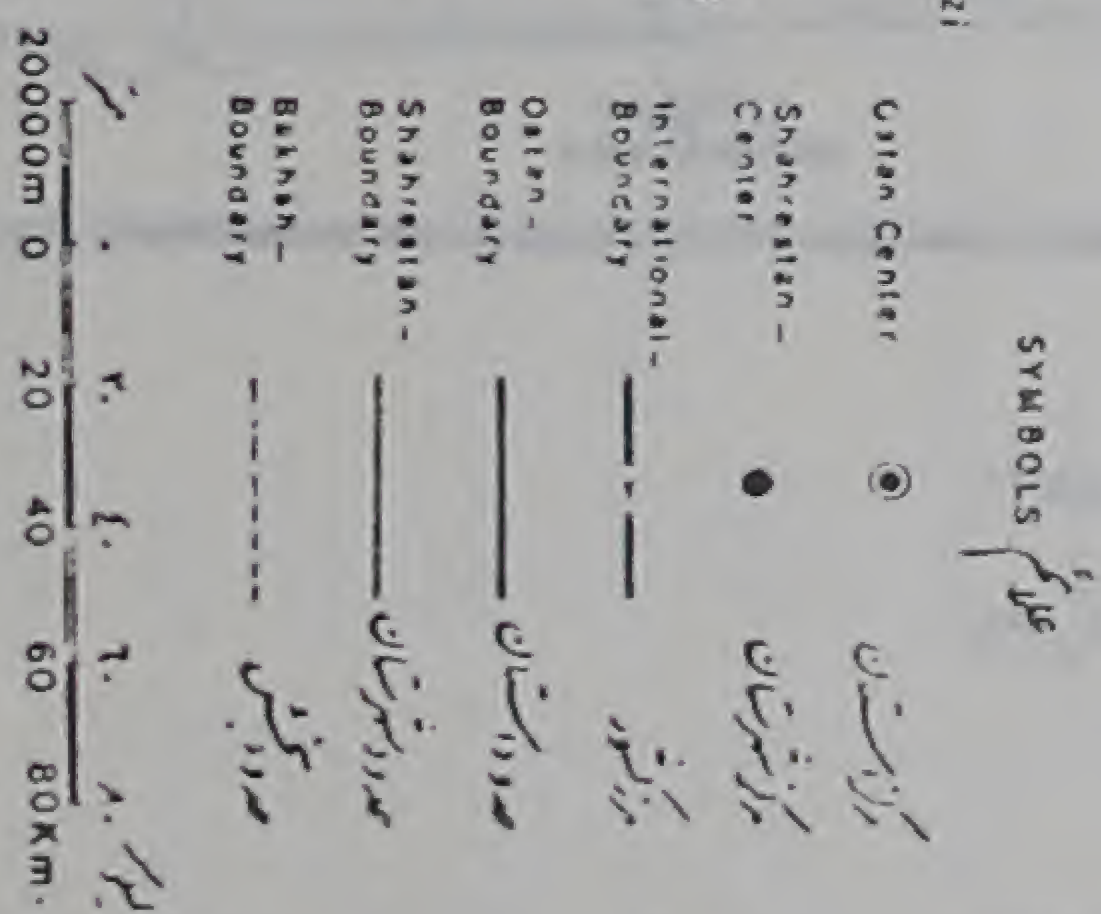
مدیریت تقسیمات کشوری



نقد تقيات کشوری بعلیک انسان و شهرستان در سال ۱۳۵۵



نقشه تراکم جمعیت کشور ایران به تفکیک استان در سال ۱۳۵۵



WEST ĀZARBĀYJĀN OSTAN BY SHAHRESTAN AND BAKHSH NOV. 1976



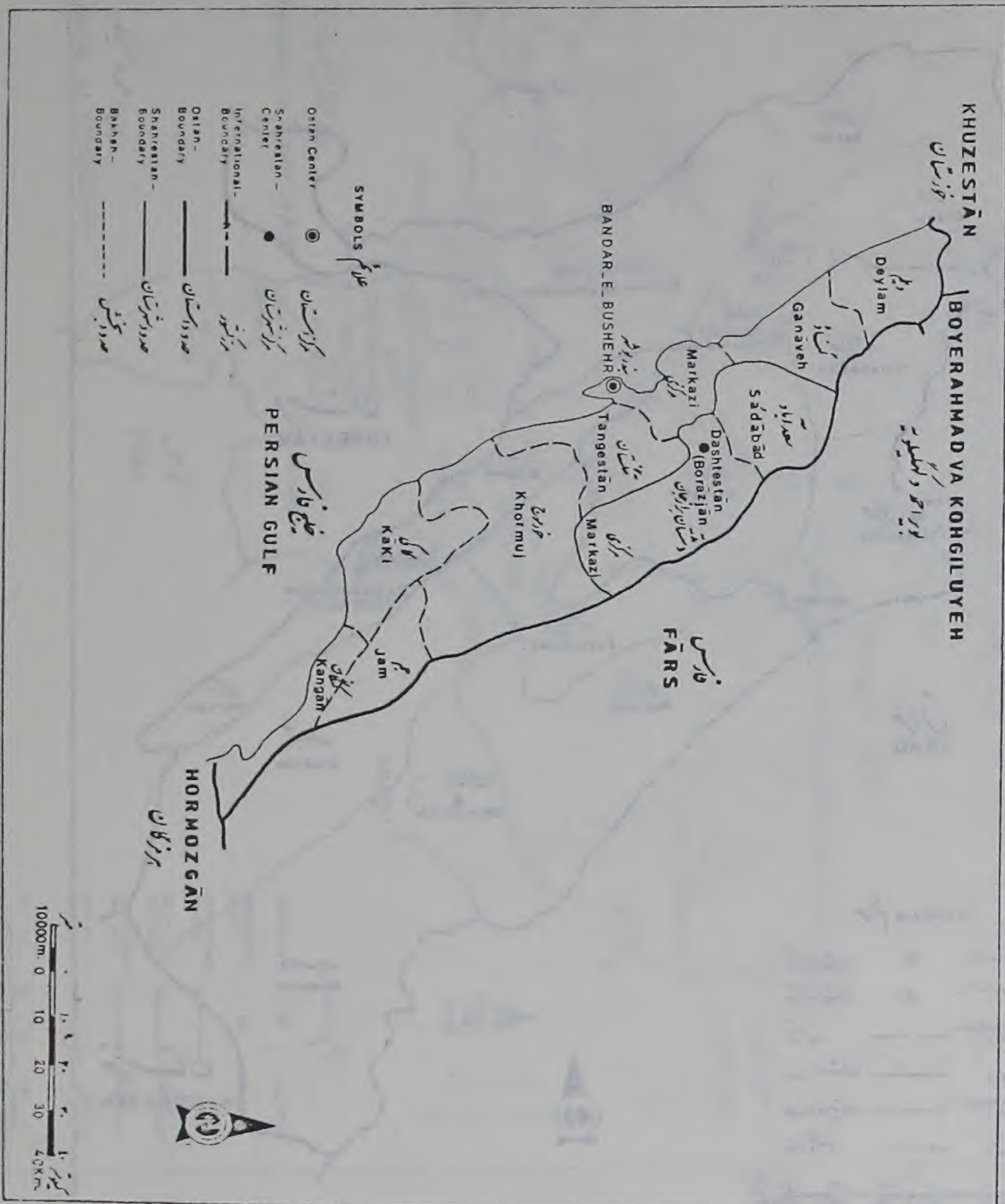
نقشه استان ایلام به تفکیک شهرستان و بخش در سرشماری ۱۳۵۵

ILĀM OŠTĀN BY SHAHRESTĀN AND BAKHSH NOV. 1976

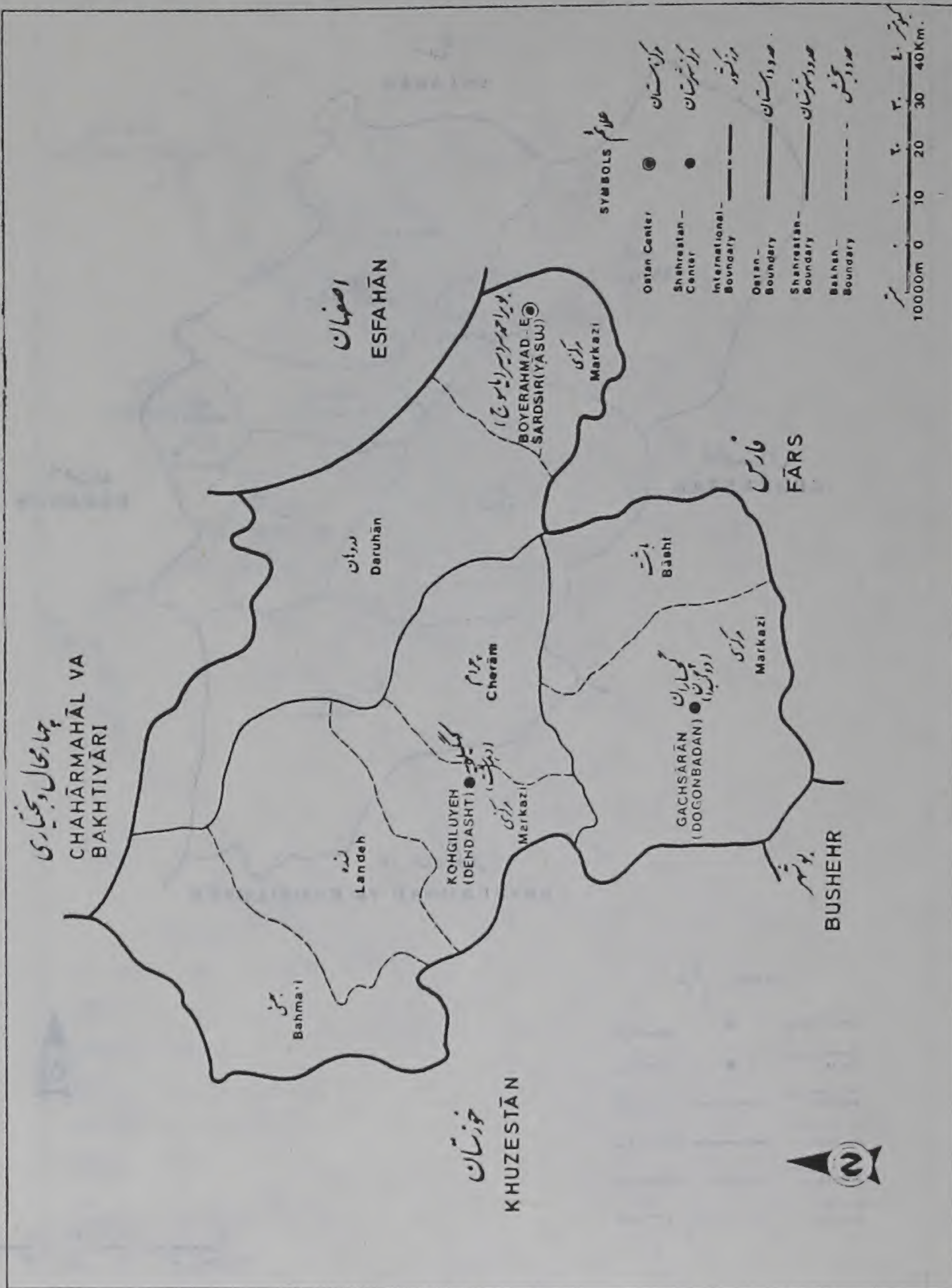


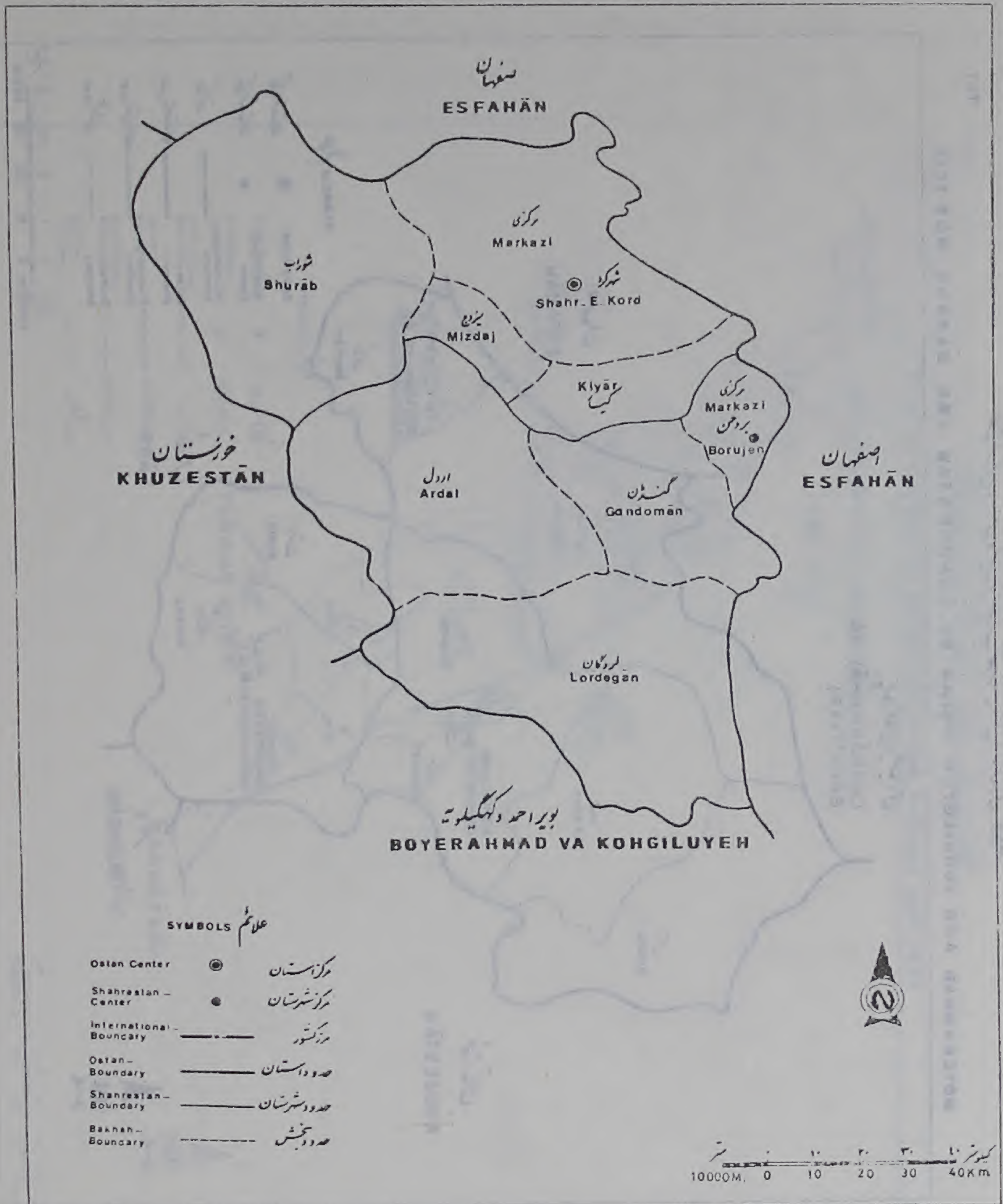
نقشه استان بوئسهر و تنگستان و بخش در شهرهای ۱۳۵۵

BUSHEHR OSTAN BY SHAHRESTAN AND BAKHSH NOV. 1976



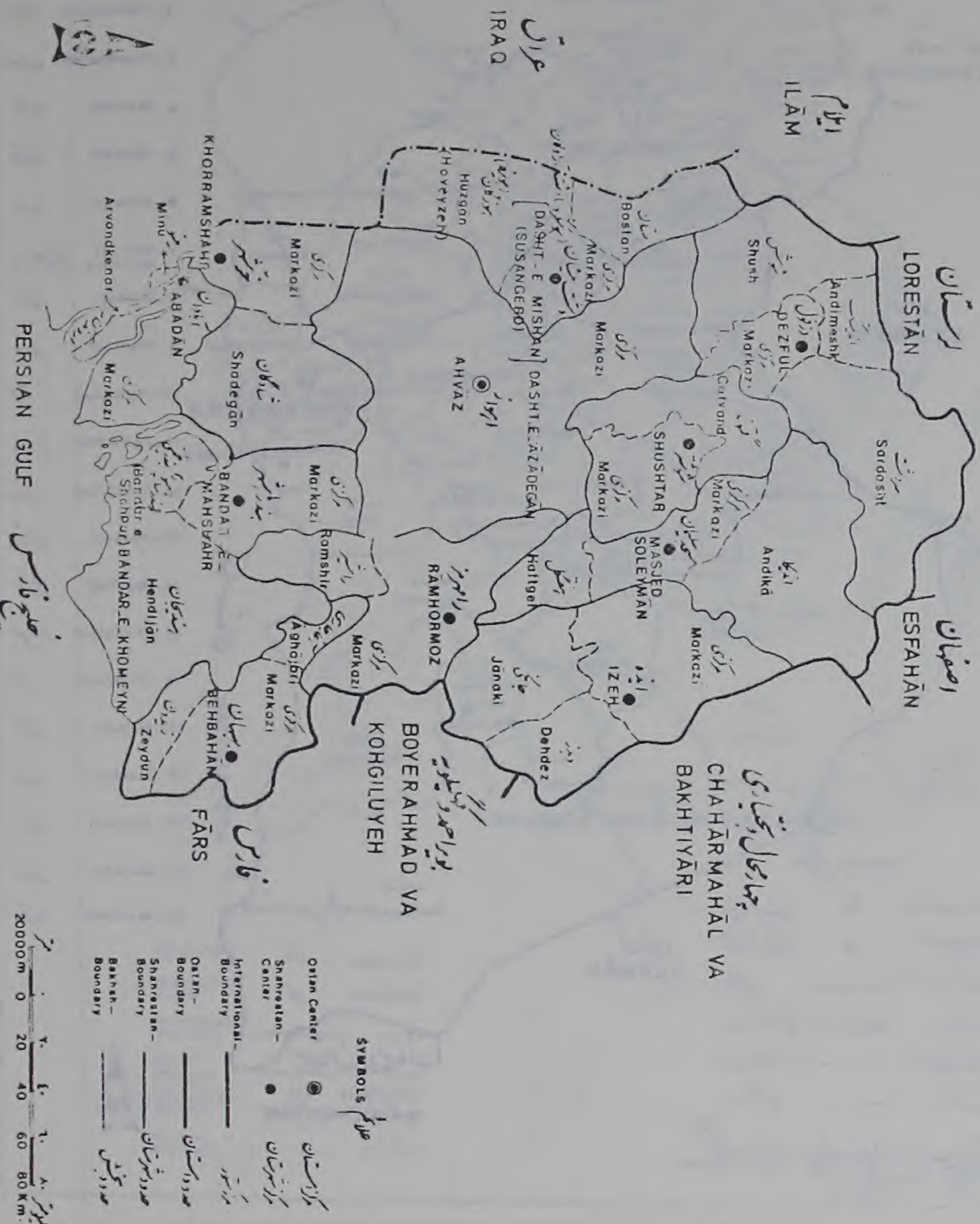
BOYERAHMAD AND KOHKILOYEH OStan BY SHAHRESTAN AND BAKHSH NOV. 1976

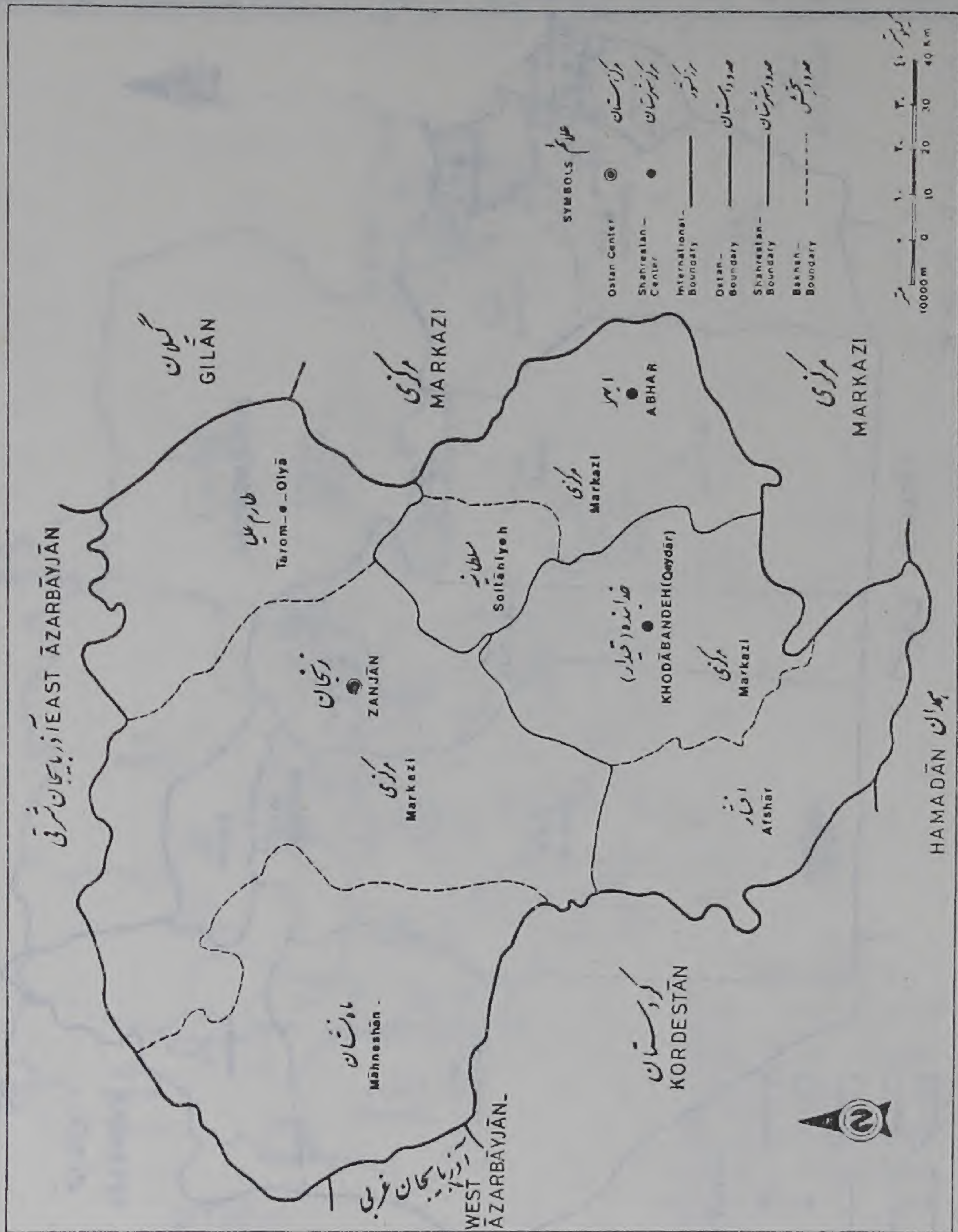




نقشه استان خوزستان به تفکیک شهرستانی و بخش در شهری ۱۳۵۵

KHUZESTĀN OŠTĀN BY SHAHRESTĀN AND BAKHSH NOV. 1976

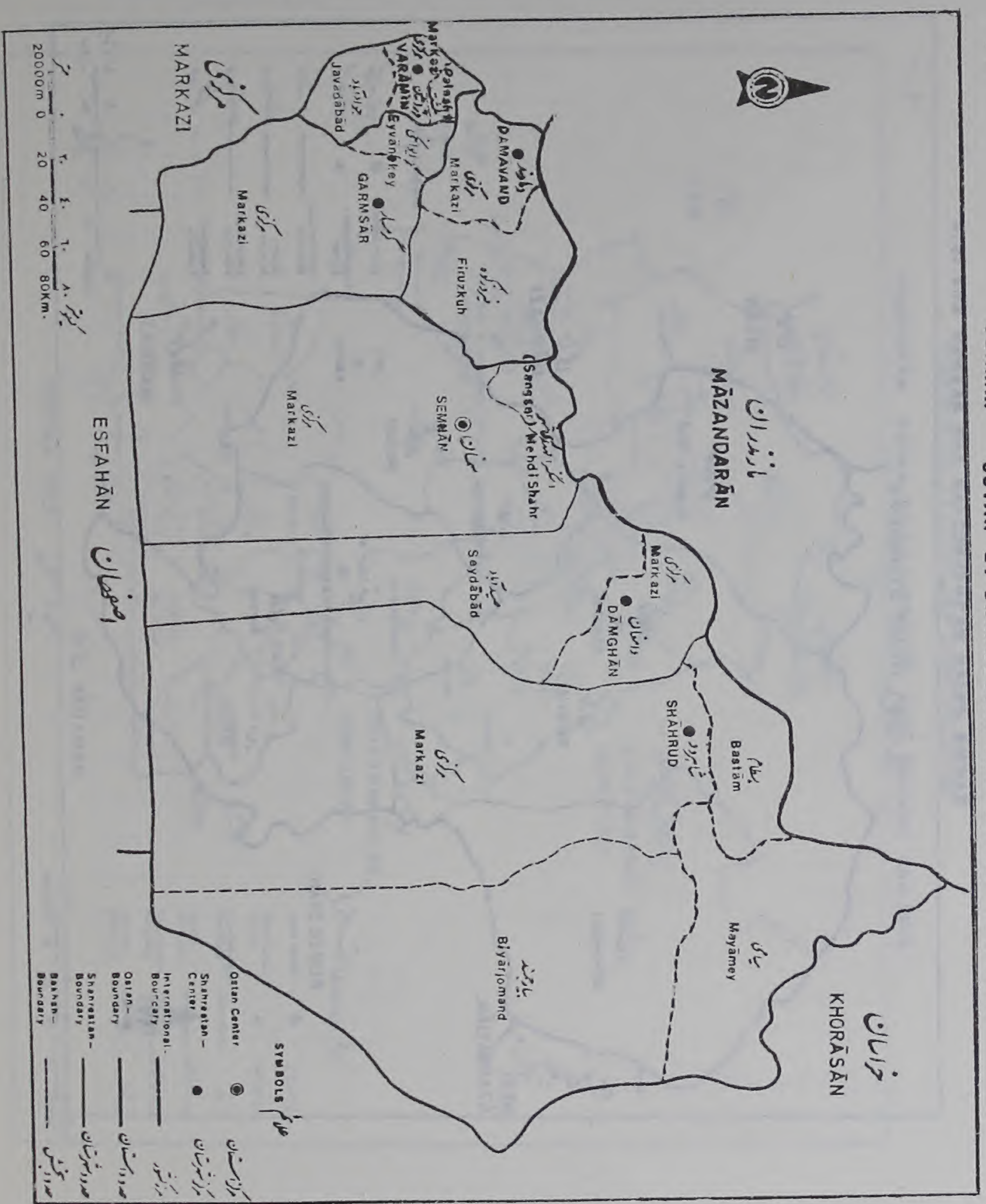




نقشه استان مازندران بخش در شمالی ۱۳۵۵

۷۰۶

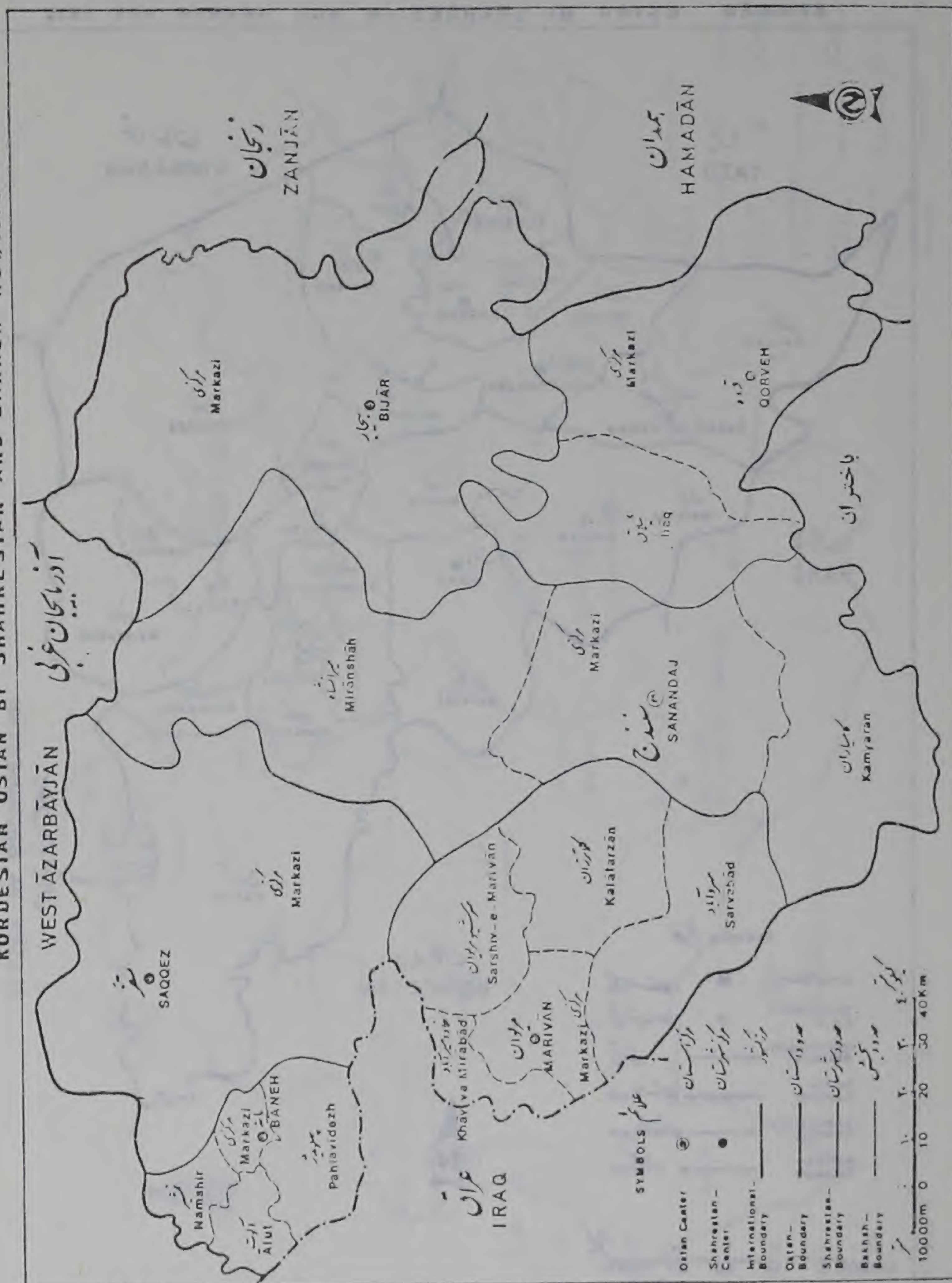
SEMĀN OŠTĀN BY SHAHRESTĀN AND BAKHSH NOV. 1976

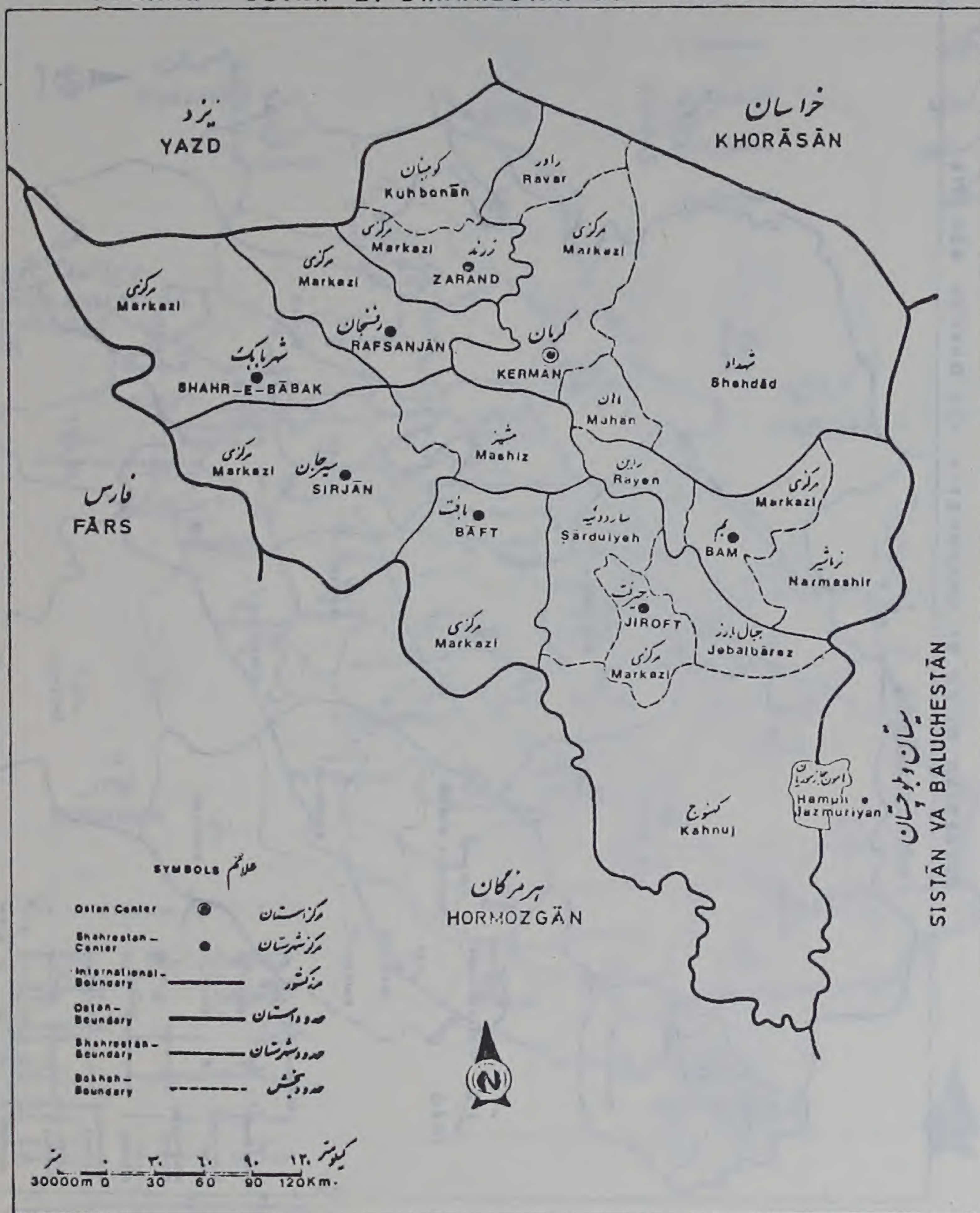


- SYMBOLS**
- Ostan Center
 - Shahrestan Center
 - International Boundary
 - Ostan Boundary
 - Shahrestan Boundary
 - Bakhsh Boundary







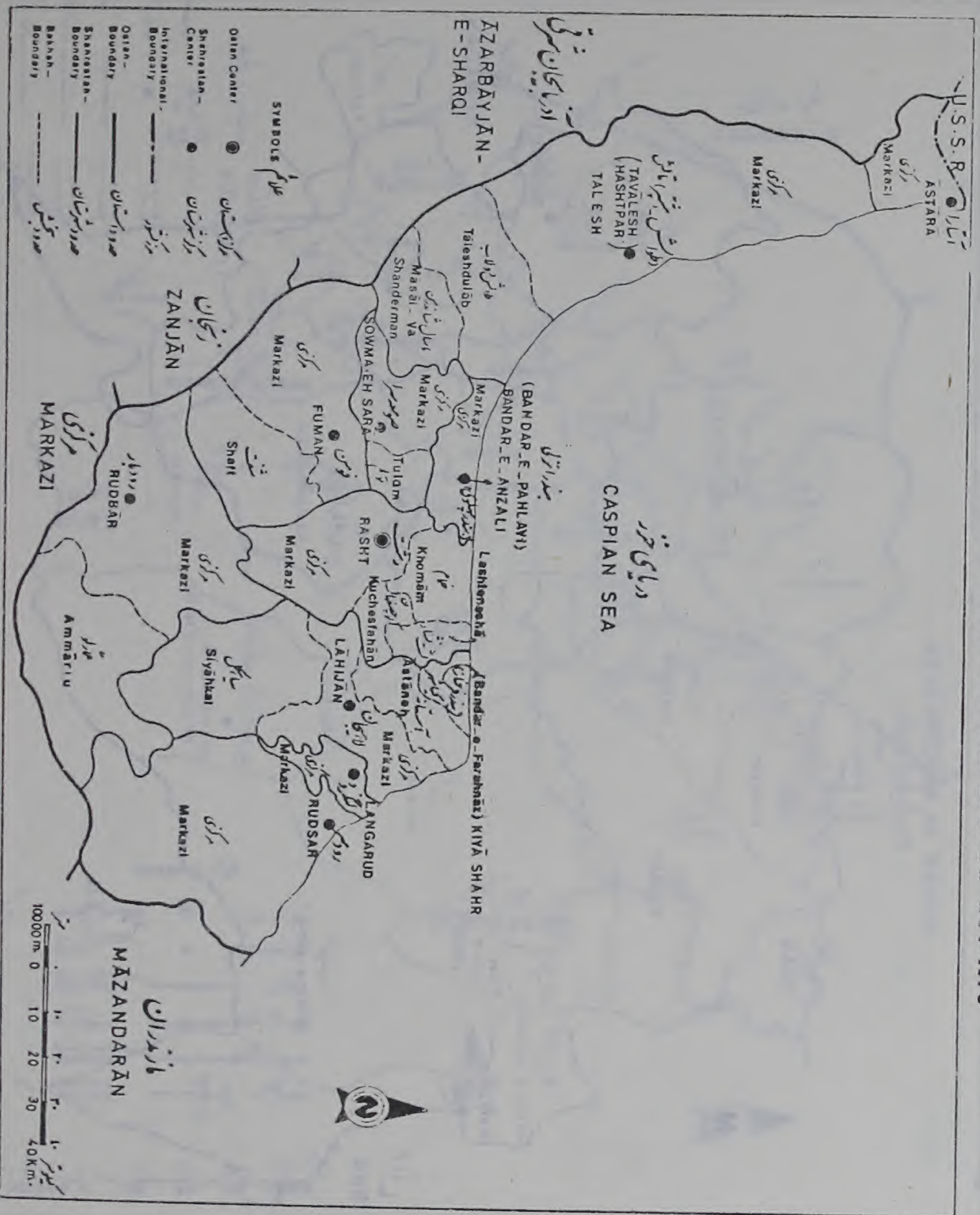


BĀKHTARĀN (KERMĀNSHAHĀN) OSTAN BY SHAHRESTĀN AND BAKHSĀN NOV. 1976



نقشه استان گیلان به تفکیک شهرستان و بخش در شهری ۱۳۵۵

GILAN OSTAN BY SHAHREHAN AND BAKHSH NOV. 1976



LORESTAN OStan BY SHAHRESTAN AND BAKHSH NOV. 1976

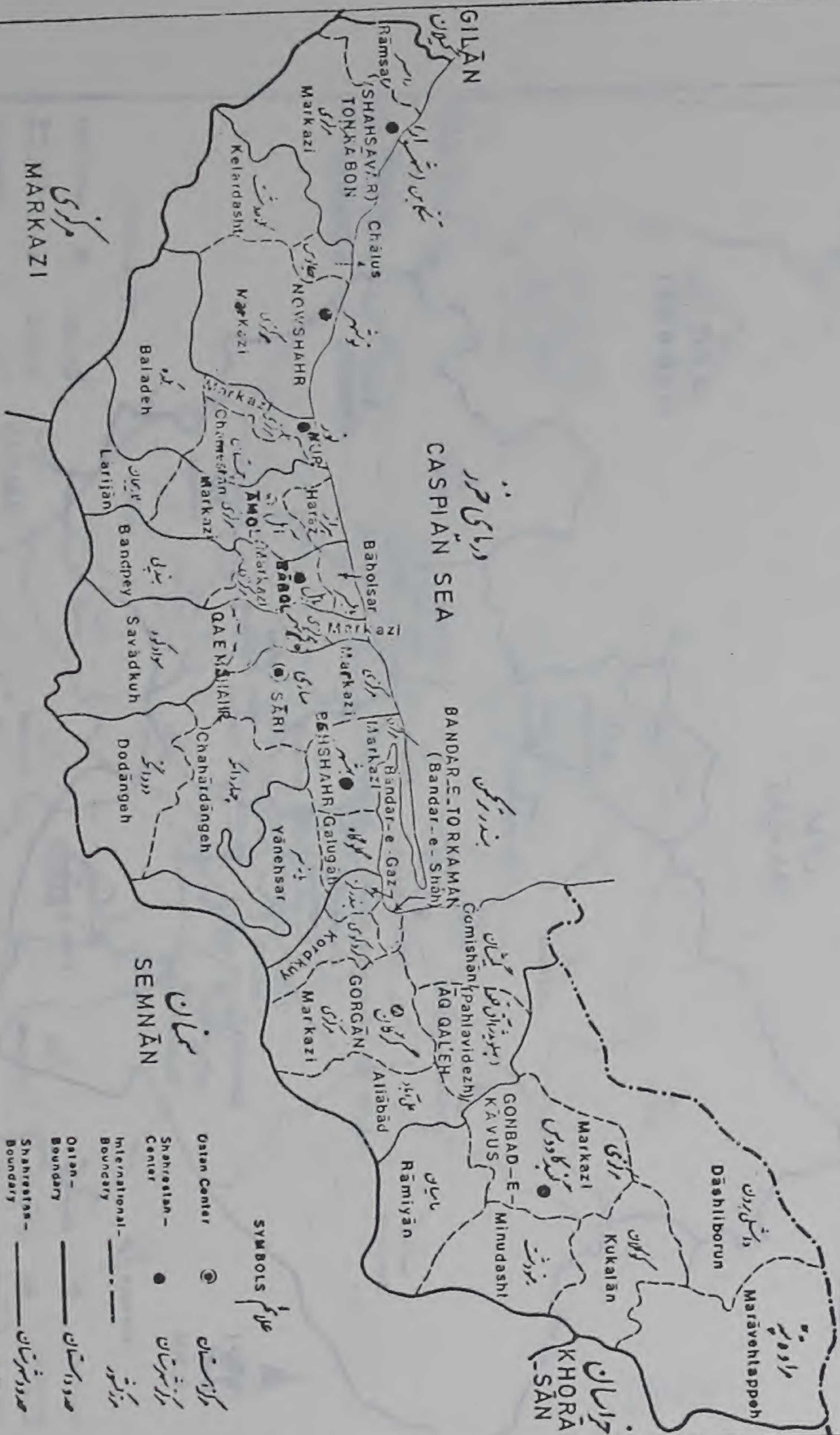


نقشه استان مازندران به تفکیک شهرستانی ۱۳۵۵

۷۱۴

MĀZANDARĀN OSTĀN BY SHAHRESTĀN AND BAKHSH NOV. 1976

اتحاد جماهیر شوروی
U.S.S.R.

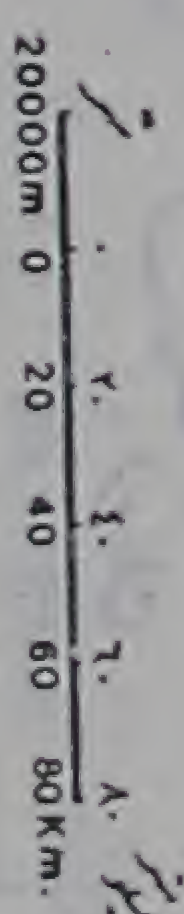


SYMBOLS
علامت

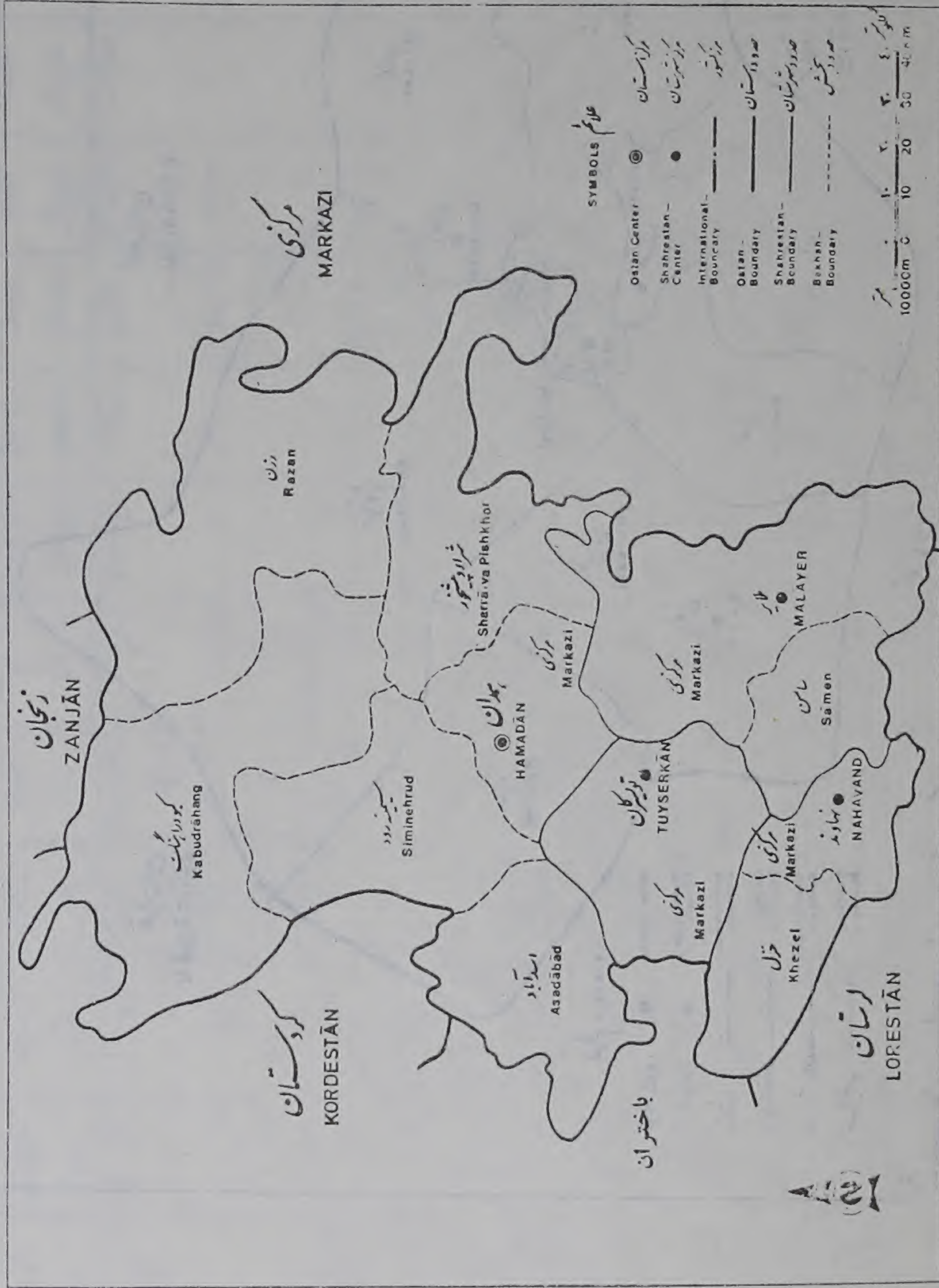
- استان مرکز
- مرکز شهرستان
- مرز بین استان
- مرز بین شهرستان
- مرز بین بخش

20000m 0 20 40 60 80km

The map shows the Persian Gulf region with administrative boundaries. Major cities and locations marked include Bushehr, Fārs, Kermān, Sīstān va Balūchestān, Shiraz, Isfahan, and Shiraz. The Persian Gulf is labeled 'Xelg-e Fārs'. A scale bar and a north arrow are also present.

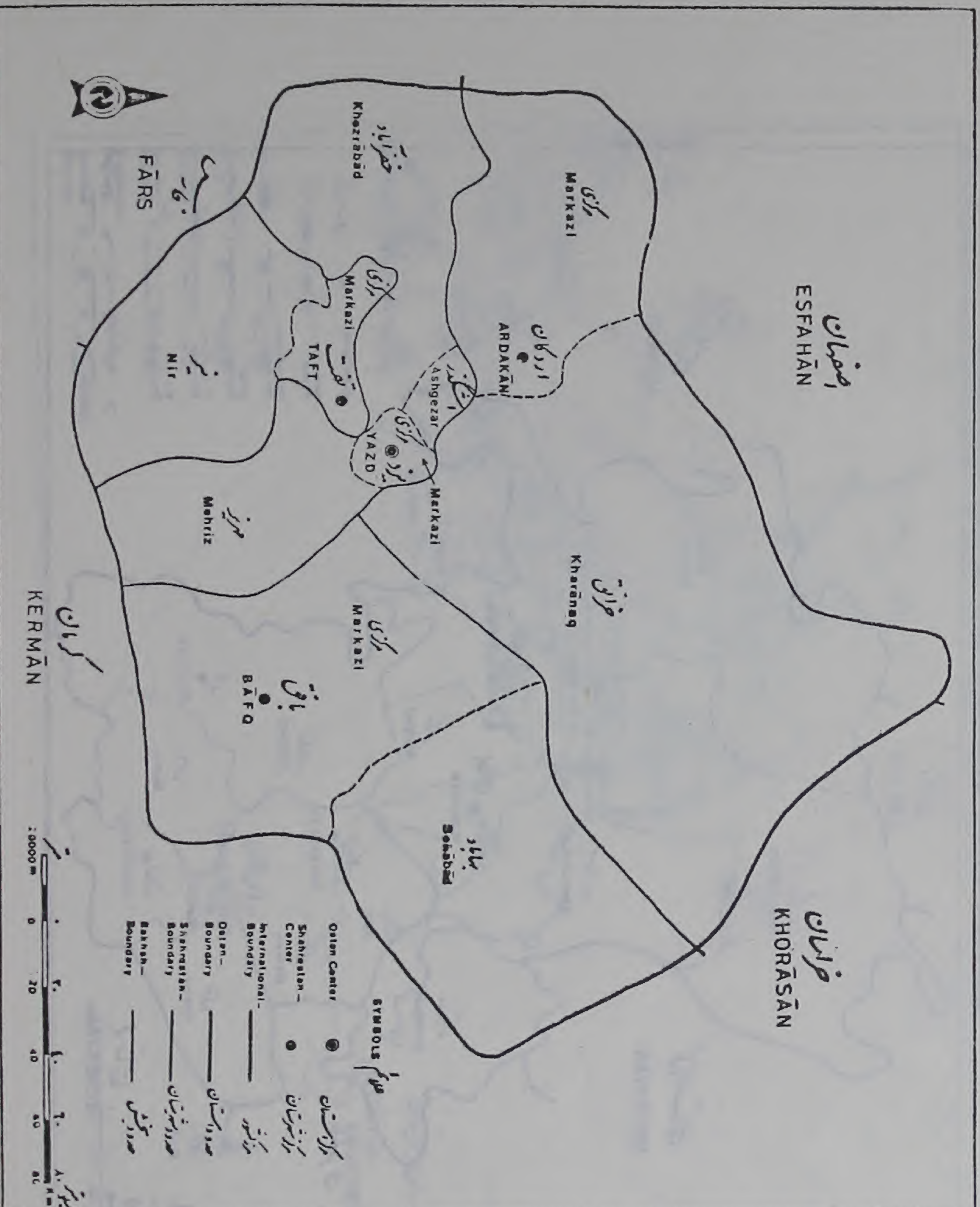


HAMADĀN ŪSTĀN BY SHAHRESTĀN AND BAKHSH NOV. 1976



نقشه استان یزد به تفکیک شهرستان و بخش در سرشماری آبانماه ۱۳۵۵

YAZD OSIAN BY SHAHRESTAN AND BAKHSH NOV. 1976



تقسیمات کشوری

استان تهران

نام نقاط شهری	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
تهران	تهران	۴۵۳۰۲۲۳	تهران	۲۸۳/۰	۴۶۷۹۴۱	مرکزی	۴۵۳۰۲۲۳	تهران	۷۵۲/۰	۲۷۳۵۶۲۵	۴۶۸۹۴۹۷	تهران	۱
—	کن	—	کن	۴۶۹/۰	۹۵۵۶	کن	—	—	—	—	—	شمیرانات	۲
—	تجریش	—	تجریش	۲۹۷/۰	—	مرکزی	—	تجریش	۱۶۴۵/۲	۲۰۰۷۶۷	—	—	—
—	گلندوک	۳۸۷	گلندوک	۹۷۵/۲	۱۸۴۹۰	لوا سانات	—	—	—	—	—	—	—
فشم، اوشان، میگون	فشم	۴۳۳۷	فشم	۳۷۳/۰	۱۲۱۴۹	رودبار قصران	—	—	۲۶۳۵/۶	۱۷۴۷۰۹	—	ری	۳
—	شهر ری	—	شهر ری	—	—	مرکزی	—	شهر ری	—	—	—	—	—
اسلام شهر	کهریزک	۱۰۰۱	کهریزک	—	—	ری	—	—	—	—	—	—	—
حسن آباد	حسن آباد	۱۹۹۶	حسن آباد	۱۷۱۰/۵	۷۶۷۶	فشاپویه	—	—	—	—	—	—	—
کرج، مهرشهر، رجائی شهر	کرج	۱۳۷۹۲۶	کرج	۱۳۹۶/۰	۲۵۳۹۴۳	مرکزی	۱۳۷۹۲۶	کرج	۵۷۶۰/۵	۲۳۱۸۶۸	۴۳۹۰۱۹	کرج	۴
هشنگرد نظرآباد	هشنگرد	۵۶۸۲	هشنگرد	۱۷۵۲/۰	۷۹۳۰۴	ساوجبلاغ	—	—	—	—	—	—	—
—	شهریار	۱۱۶۹۷	شهریار	۶۰۵/۰	۵۹۶۶۹	شهریار	—	—	—	—	—	—	—
—	رباط کریم	۴۷۶۳	رباط کریم	۲۷۴/۰	۱۹۵۱۶	رباط کریم	—	—	—	—	—	—	—
—	شهرک	۷۳۱	شهرک	۱۱۰۴/۰	۱۸۴۰۸	طالقان	—	—	—	—	—	—	—
—	اشتهارد	۵۰۷۲	اشتهارد	۶۳۶/۵	۳۱۰۰	اشتهارد	—	—	—	—	—	—	—
اشتهارد	ورامین	۲۵۷۹۲	ورامین	—	۸۷۸۴۹	مرکزی	۲۵۷۹۲	ورامین	۲۴۳۰/۶	۸۶۴۴۸	۱۴۰۴۴۳	ورامین	۵
ورامین، پیشوا، قرچک	جواد آباد	۲۲۷۴	جواد آباد	—	۱۷۹۵۴	جوادآباد	—	—	—	—	—	—	—
—	پلست	۲۱۷۹	پلست	—	۳۴۶۴۰	پلست	—	—	—	—	—	—	—
—	دماوند	۹۹۰۲	دماوند	۱۹۰۵/۸	۳۶۰۷۹	دماوند	۹۹۰۲	دماوند	۵۸۹۴/۵	۵۷۸۴۳	۶۲۲۰۷	دماوند	۶
دماوند رودهن کیلان	فیروزکوه	۵۷۰۴	فیروزکوه	۳۹۸۸/۷	۲۶۱۲۸	فیروزکوه	—	—	—	—	—	—	—

تقسیمات کشوری

استان مرکزی

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	اراک	۴۳۷۶۹۵	۳۵۰۰۵۵	۶۰۵۲/۱	اراک	۱۱۶۸۳۲	مرکزی	اراک	۲۹۲۴/۸	۱۹۴۳۰۴	اراک	۱۱۶۸۳۲	اراک
۲	قم	۳۱۰۴۳۳	۱۹۹۳۶۲	۱۰۷۴۳/۰	قم	۲۴۷۲۱۹	مرکزی	قم	۷۵۹۳/۷	۲۷۱۳۳۶	قم	۲۴۷۲۱۹	قم
۳	ساوه	۱۳۵۹۸۲	۱۲۷۲۵۵	۹۷۰۸/۰	ساوه	۲۵۷۵۱	مرکزی	ساوه	۲۴۳۲/۰	۵۱۲۷۱	ساوه	۲۵۷۵۱	ساوه
۴	محلان	۲۷۱۰۷	۲۴۶۳۳	۳۳۳۸/۷	محلان	۱۴۱۵۲	مرکزی	محلان	۲۲۳۸/۷	۲۷۱۰۷	محلان	۱۴۱۵۲	محلان نیمور
۵	تفرش	۶۰۴۹۷	۶۱۱۹۲	۲۹۱۱/۶	تفرش	۶۶۵۷	مرکزی	تفرش	۱۶۶۱/۶	۲۵۳۷۱	تفرش	۶۶۵۷	تفرش
۶	خمین	۷۶۷۹۴	۶۲۸۹۲	۲۰۲۲/۱	خمین	۱۶۰۲۸	مرکزی	فرهناز	۱۲۵۰/۰	۳۵۱۲۶	فرهین	۸۴۷	—
۷	آشتیان	۲۰۷۴۲	۱۰۲۷۳	۵۱۹/۱	آشتیان	۵۷۳۸	مرکزی	مرکزی	۲۰۲۲/۱	۷۶۷۹۴	خمین	۱۶۰۲۸	خمین
۸	سربند	۱۳۶۵۸۸	۱۲۴۴۶۴	۳۰۲۸/۰	شازند	۶۹۱۰	مرکزی	مرکزی	۲۰۲۸/۸	۱۳۶۵۸۸	شازند	۶۹۱۰	شازند — آستانه
۹	دلیجان	۲۴۵۶۴	۲۱۸۹۵	۱۶۷۰/۶	دلیجان	۹۴۹۹	مرکزی	مرکزی	۱۶۷۰/۶	۲۴۵۶۴	دلیجان	۹۴۹۹	دلیجان — نراق

تقسیمات کشوری

استان خراسان

۷۲۱

نام نقاط شهری	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
مشهد	مشهد	۶۶۷۷۷۰	مشهد	۲۰۴۹/۲	۸۰۶۱۹۶	مرکزی	۶۶۷۷۷۰	مشهد	۲۷۴۸۷/۳	۷۳۶۸۵۵	۱۰۹۷۱۴۲	مشهد	۱
طرقبه - شاندریز	طرقبه	۱۰۱۰۱	طرقبه	۱۶۲۲/۲	۵۵۰۳۳	طرقبه							
فریمان	فریمان	۱۲۳۸۵	فریمان	۲۳۴۸/۰	۴۰۸۲۰	فریمان							
سرخس	سرخس	۶۸۰۶	سرخس	۵۰۸۱/۱	۳۳۷۰۷	سرخس							
-	سنگ بست	۵۳۵	سنگ بست	۷۶۶۳/۰	۵۷۱۰۱	احمدآباد							
کلات	کیودگنید	۲۲۷۲	کیودگنید	۴۶۷۲/۳	۳۱۷۲۳	کلات							
چناران	رادگان	۲۱۱۰	رادگان	۴۰۵۱/۵	۶۹۲۳۲	چناران							
بیرجند	بیرجند	۴۶۹۴۳	بیرجند	۳۴۷۵/۰	۷۹۶۵۱	مرکزی	۴۶۹۴۳	بیرجند	۸۳۴۲۵/۰	۱۶۴۴۹	۱۹۶۶۱۵	بیرجند	۲
سربیشه	درمیان	۱۰۳۵	درمیان	۱۲۷۰۷/۰	۶۴۶۳۰	درمیان							
-	خوسف	۱۸۱۳	خوسف	۱۰۸۹۳/۰	۲۲۹۰۸	خوسف							
نهبندان	نهبندان	۲۷۱۷	نهبندان	۴۱۱۰۲/۰	۲۰۵۷۴	نهبندان							
سبزوار	سبزوار	۶۹۵۶۲	سبزوار	۲۹۴۷/۰	۱۲۶۲۰۰	مرکزی	۶۹۵۶۲	سبزوار	۱۹۶۵۱/۰	۲۰۱۱۰۰	۲۵۲۹۲۷	سبزوار	۳
-	جغتای	۲۳۲۶	جغتای	۴۱۰۲/۰	۶۰۰۰۸	جغتای							
-	داورزن	۱۲۴۸	داورزن	۲۶۹۰/۰	۲۶۱۱۱	داورزن							
-	ششتمد	۱۴۹۸	ششتمد	۹۹۱۳/۰	۴۰۶۰۸	ششتمد							
تربت حیدریه	تربت حیدریه	۴۳۲۵۹	تربت حیدریه	۳۶۲۲/۰	۱۱۴۵۴۷	مرکزی	۴۳۲۵۹	تربت حیدریه	۲۳۳۴۸/۲	۲۱۴۸۹۰	۲۵۶۳۱۲	تربت حیدریه	۴
عیض آباد	عیض آباد	۵۲۸۴	عیض آباد	۳۵۳۶/۰	۲۵۰۳۷	فیض آباد							
خواف (رود)	رود	۶۶۲۱	رود	۸۶۹۵/۶	۴۴۵۷۲	خواف							
-	بایک	۳۲۶۰	بایک	۵۴۰/۰	۱۳۳۶۶	بایک							

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۵	نیشابور	۲۶۴۷۰۷	۲۰۹۵۸۲	۹۳۰۸/۷	نیشابور	۵۹۵۶۲	مرکزی، زبرخان	۱۱۳۸۱۹	۱۵۵۶/۶	نیشابور	۵۹۵۶۲	نیشابور
۶	بجنورد	۲۳۵۷۶۰	۱۸۶۱۷۳	۱۷۲۴۵۵	بجنورد	۴۷۷۱۹	مرکزی	۱۲۰۴۸۸	۲۶۵۹/۳	بجنورد	۴۷۷۱۹۹	بجنورد - گرمه
۷	تربت جام	۱۰۴۳۱۴	۸۱۵۶۰	۸۳۶۲/۰	تربت جام	۲۱۴۴۴	مرکزی	۸۲۳۲۳	۴۷۸۹/۷	تربت جام	۲۱۴۴۴	تربت جام
۸	گناباد	۷۰۶۹۴	۵۹۷۹۱	۹۷۱۵/۰	گناباد	۱۰۶۱۰	مرکزی	۵۲۴۳۵	۵۵۵۶/۰	گناباد	۱۰۶۱۰	گناباد - خاک بیدخت
۹	گاشمر	۱۴۷۷۵۸	۱۰۶۸۸۸	۱۳۲۸۵/۰	گاشمر	۲۶۸۸۳	مرکزی	۵۷۵۲۰	۱۱۳۲/۵	گاشمر	۲۶۸۸۳	گاشمر
							خلیل آباد	۲۸۴۴۴	۱۰۸۴/۳	خلیل آباد	۳۷۱۹	خلیل آباد
							کوه سرخ	۲۱۹۵۱	۲۲۶۳/۸	ریش	۲۸۲۳	-
							بردا سکن	۳۹۸۴۳	۸۸۰۴/۴	بردا سکن	۵۰۵۸	بردا سکن

تقسیمات کشوری

استان خراسان

نام نقاط شهری	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
درگز	درگز	۳۱۶/۵	۱۷۲۹۹	مرکزی	۱۴۰۴۹	درگز	۳۹۲۴/۴	۴۶۶۴۹	۵۲۶۷۵	درگز	۱۰
لطف آباد	لطف آباد	۶۹۱/۴	۶۹۶۳	لطف آباد							
	چایشلو	۱۲۱۵/۲	۱۱۶۷۳	چایشلو							
نوخندان	نوخندان	۱۷۰۱/۳	۱۶۱۸۹	نوخندان							
قوجان - فاروج	قوجان	۴۸۶۶/۸	۱۷۱۲۱۹	مرکزی	۴۰۳۰۱	قوجان	۶۸۶۸/۴	۱۶۹۳۷۰	۱۹۷۹۷۵	قوجان	۱۱
باجگیران	باجگیران	۲۰۰۱/۶	۲۶۷۵۶	باجگیران							
فردوس - اسلامیه	فردوس	۳۷۴۷/۳	۱۹۳۸۴	مرکزی	۱۰۲۲۶	فردوس	۲۲۰۰۸/۸	۴۷۵۳۲	۵۷۱۸۳	فردوس	۱۲
بشرویه	بشرویه	۷۷۴۸/۵	۱۳۷۵۶	بشرویه							
سرایان	سرایان	۱۰۵۱۳/۰	۱۸۹۲۰	سرایان							
طیس	طیس	۴۵۲۴۴/۳	۲۸۳۵۰	مرکزی	۱۱۴۶۱	طیس	۵۵۴۶۰/۰	۳۳۰۰۳	۳۶۱۳۱	طیس	۱۳
-	عشق آباد	۱۰۲۱۵/۷	۷۷۸۱	دستگردان							
شیروان	شیروان	۲۲۷۹/۰	۶۳۲۸۱	مرکزی	۲۱۵۶۸	شیروان	۲۲۷۹/۰	۴۵۹۴۰	۶۳۲۸۱	شیروان	۱۴
اسفراین	میان آباد	۳۳۴۶/۰	۵۳۷۶۰	مرکزی	۱۱۳۶۱	میان آباد	۵۳۴۵/۰	۵۹۵۴۵	۷۳۷۹۶	اسفراین	۱۵
-	صفی آباد	۱۹۹۹/۰	۲۰۰۳۶	بام وصفی آباد							
تایباد	تایباد	۵۰۸۳/۹	۶۶۳۶۱	مرکزی	۱۱۹۹۶	تایباد	۵۰۸۳/۹	۴۸۹۲۲	۶۶۳۶۱	تایباد	۱۶
قاین	قاین	۱۵۲۴۸/۰	۷۷۴۰۱	مرکزی	۷۶۶۶	قاین	۱۵۲۴۸/۰	۷۰۵۷۸	۷۷۴۰۱	قائنات	۱۷

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت بخش	نام نقطه شهری
۱	اصفهان	۹۲۴۰۶۹	۶۰۹۴۲۸	۲۰۵۸۶/۷	اصفهان	۶۶۱۵۱۰	مرکزی	۷۴۸۹۳۶	۱۶۲۰/۷	اصفهان	۶۶۱۵۱۰	اصفهان، خوراسگان
							میمه	۱۶۶۶۴	۲۰۲۷/۳	میمه	۳۷۶۹	میمه، وزوان
							برخوار	۹۵۳۲۳	۳۶۰۰/۷	دولت آباد	۱۰۲۶۹	دولت آباد، خمینی آباد
۲	خمینی شهر	۱۳۰۵۶۸	۹۲۲۶۶	۱۹۳/۳	خمینی شهر	۶۵۴۹۵	مرکزی	۱۳۰۵۶۸	۱۹۳/۳	خمینی شهر	۶۵۴۹۵	خمینی شهر، درجه پناز
۳	شهرضا	۱۰۰۴۵۵	۹۴۱۳۱	۳۸۸۲/۵	شهرضا	۴۶۹۵۶	مرکزی	۵۹۷۲۵	۸۵۳/۷	شهرضا	۴۶۹۵۶	رهنان شهرضا
							سمیرم سفلی	۴۰۷۳۰	۲۰۲۸/۸	دهقان	۹۹۱۲	دهقان
۴	نجف آباد	۱۵۳۹۴۹	۱۰۲۹۸۸	۴۱۶۱/۷	نجف آباد	۷۵۲۷۶	مرکزی	۱۱۲۷۲۸	۴۴۱۱/۷	نجف آباد	۷۵۲۷۶	نجف آباد، دهق
							تیران	۴۱۲۲۱	۱۴۶۱	تیران	۷۶۶۱	علویچه
۵	کلیان	۵۴۵۷۷	۵۲۹۸۶	۱۴۹۸/۹	کلیان	۲۲۰۶۲	مرکزی	۵۴۵۷۷	۱۴۹۸/۹	کلیان	۲۲۰۶۲	کلیان، گوکد
۶	خوانسار	۳۱۳۹۴	۳۰۱۹۳	۹۲۲/۱	خوانسار	۱۲۱۴۶	مرکزی	۳/۳۹۴	۹۲۲/۱	خوانسار	۱۲۱۴۶	خوانسار
۷	فریدن	۱۰۲۸۵۸	۱۰۰۰۲۴	۳۲۱۶/۹	داران	۶۶۵۱	مرکزی	۶۶۰۳۳	۱۷۸۹۲	داران	۶۶۵۱	داران، بوئین میاندشت
۸	فریدون شهر	۴۱۵۹۶	۳۵۰۱۲	۳۱۳۸/۰	فریدون شهر	۶۱۱۶	چادگان	۳۶۸۲۵	۱۴۲۷/۷	چادگان	۳۸۹۲	چادگان
							مرکزی	۴۱۵۹۶	۳۱۳۸/۰	فریدون شهر	۶۱۱۶	فریدون شهر
۹	لنجان	۱۶۱۴۳۳		۱۴۹۲/۸	زرین شهر	۲۶۸۷۰	مرکزی	۱۰۶۲۰۴	۱۰۵۲/۲	زرین شهر	۲۶۸۷۰	زرین شهر
							مبارک	۵۵۲۲۹	۴۴۰/۶	مبارک	۲۶۳۵۳	بغیاداران مبارک

نام نقاط شهری	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
فلاورجان، قهدریجان، کلیشاد و سودجان	فلاورجان	۴۱۷/۰	۱۱۶۸۰۲	مرکزی	۱۶۲۲۰	فلاورجان	۴۱۷/۰		۱۱۶۸۰۲	فلاورجان	۱۰
کاشان	کاشان	۴۹۴۵/۳	۱۱۲۳۰۵	مرکزی	۸۴۸۶۳	کاشان	۹۶۴۷/۰	۱۵۴۱۵۱	۲۰۵۱۸۵	کاشان	۱۱
گل آراء	گل آراء	۱۸۸۲/۰	۴۷۴۳۷	آران							
قصر	قصر	۲۸۱۹/۷	۴۵۴۴۳	قصر							
نائین	نائین	۳۳۹۲/۰	۲۲۶۴۲	مرکزی	۱۰۲۶۱	نائین	۳۵۵۱۹/۰	۴۰۴۳۱	۴۰۵۷۶	نائین	۱۲
انارک	انارک	۹۸۳۶/۰	۳۷۳۱	انارک							
خور	خور	۱۲۲۹۱/۰	۱۴۲۰۳	خور و بیابانک							
اردستان، زواره	اردستان	۱۱۲۹۳/۰	۴۲۶۶۹	مرکزی	۷۸۹۱	اردستان	۱۱۲۹۳/۰	۴۴۰۰۹	۴۲۶۶۹	اردستان	۱۳
نطنز، بادرود	نطنز	۳۲۱۰/۴	۲۸۱۴۲	مرکزی	۴۴۴۳	نطنز	۳۲۱۰/۴	۲۸۸۳۶	۲۸۱۴۲	نطنز	۱۴
سمیرم	سمیرم	۵۲۸۹/۹	۴۱۹۷۳	مرکزی	۱۳۴۹۰	سمیرم	۵۲۸۹/۹	۳۱۶۱۱	۴۱۹۷۳	سمیرم	۱۵

تقسیمات کشوری

استان آذربایجان شرقی

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	تبریز	۱۰۶۳۹۱۲	۸۰۹۴۲۶	۱۱۸۰۱/۲	تبریز	۵۹۷۹۷۶	مرکزی	تبریز	۷۱۹/۶	۶۵۳۷۲۹	تبریز	۵۹۷۹۷۶	تبریز، سردرود، باسمنج
					اسکو		اسکو	اسکو	۲۱۹۲/۰	۶۷۲۲۶		۱۱۰۴۳	اسکو، خسروشهر ایلیچی
					شستتر		شستتر	شستتر	۲۸۷۷/۱	۸۷۲۰۴		۶۷۲۴	شستتر، صوفیان خانه، شرفخانه، توج
					آذرشهر		آذرشهر	آذرشهر	۹۴۵/۵	۷۱۳۵۷		۱۹۶۵۳	آذرشهر، گاوان محقان
					بستان آباد		بستان آباد	بستان آباد	۲۹۶۹/۰	۱۰۹۲۲۰		۵۰۳۴	بستان آباد
۲	مراغه	۳۰۹۳۲۱	۲۴۵۹۰۱	۵۳۸۸/۳	مراغه	۶۵۱۷۲	مرکزی	مراغه	۱۴۱۶/۳	۱۲۱۹۱۵	مراغه	۶۵۱۷۲	مراغه
							بناب	بناب	۸۱۳/۰	۶۶۶۶۰	بناب	۲۹۱۶۹	بناب
					عجب شهر		عجب شهر	عجب شیر	۱۸۴۶/۵	۴۵۲۷۰	عجب شیر	۱۶۰۲۵	عجب شیر
					ملکان		ملکان	ملکان	۱۳۱۲/۵	۷۵۴۷۶	ملکان	۱۱۱۹۷	ملکان
۳	اردبیل	۳۷۰۵۹۹	۲۹۶۳۷۶	۴۸۶۰/۶	اردبیل	۱۴۷۸۶۵	مرکزی	اردبیل	۲۴۹۳/۱	۲۶۵۵۳۱	اردبیل	۱۴۷۸۶۵	اردبیل، سرعین
							نمین	نمین	۹۰۰/۰	۵۰۷۴۳	نمین	۲۸۳۳	نمین
							نیر	نیر	۱۴۶۷/۵	۵۳۸۴۶	نیر	۳۳۵۶	نیر
۴	اهر	۲۹۶۹۹۷	۲۷۹۲۴۹	۱۳۱۹۶/۹	اهر	۳۲۰۹۸	مرکزی	اهر	۱۸۸۶/۰	۸۳۹۷۸	اهر	۳۲۰۹۸	اهر
							کلبر	کلبر	۲۸۱۱/۱	۵۸۸۸۴	کلبر	۳۳۷۰	کلبر
							ورزقان	ورزقان	۴۹۰۴/۳	۹۸۶۶۹	ورزقان	۲۰۸۴	—

تقسیمات کشوری

استان آذربایجان شرقی

نام نقاط شهری	جمعیت مرکز بخش	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
-	۱۷	خداآفرین	۹۲۶/۰	۱۸۴۵۵	خداآفرین							
-	۱۵۵۳	هوراند	۱۶۶۹/۵	۳۵۸۴۶	هوراند							
میانه	۳۶۱۶۴	میانه	۲۵۷۷/۳	۱۳۰۴۳۱	مرکزی	۳۶۱۴۶	میانه	۶۱۵۶/۴	۲۰۴۰۷۸	۲۳۳۲۱۶	میانه	۵
-	۴۸۹۳	ترکمان	۲۰۴۶/۵	۶۹۸۰۲	ترکمان							
-	۱۶۹۹	افکند	۱۵۳۲/۶	۳۲۹۸۳	کاغذکنار							
خلخال	۹۷۰۵	خلخال	۵۸۱/۳	۳۳۴۳۳	مرکزی	۹۷۰۵	خلخال	۳۹۷۸/۹	۱۰۴۱۳۹	۱۲۴۱۸۸	خلخال	۶
-	۴۸۱۳	کلور	۸۸۸/۰	۲۲۲۳۰	شاهرود							
کیوی	۳۲۳۲	کیوی	۱۴۵۴/۶	۴۸۷۱۷	سنجد							
-	۲۹۶۱	هشمین	۱۰۵۵/۰	۱۹۸۰۸	خورش رستم							
مشگین شهر	۱۴۵۶۸	مشگین شهر	۳۴۹۰/۰	۱۲۷۳۹۱	مرکزی	۱۴۵۶۸	مشگین شهر	۳۴۹۰/۰	۹۵۳۸۸	۱۲۷۳۹۱	مشگین شهر	۷
موند، زنوز	۳۶۱۰۸	موند	۳۸۱۴/۳	۱۵۸۴۸۷	مرکزی	۳۶۱۰۸	موند	۴۶۳۹/۸	۱۵۳۱۲۸	۱۸۹۹۱۹	موند	۸
جلفا-علمدار گرگر	۲۶۸۸	جلفا	۸۲۵/۵	۳۱۴۳۲	جلفا							
سراب	۱۸۳۶۱	سراب	۲۸۶۵/۷	۱۲۲۵۳۲	مرکزی	۱۸۳۶۱	سراب	۲۸۶۵/۷	۱۱۵۸۴۶	۱۲۲۵۳۲	سراب	۹
هشترود	۶۸۷۵	هشترود	۲۱۱۰/۴	۹۱۲۲۸	مرکزی	۶۸۷۵	هشترود	۶۲۴۰/۶	۱۶۴۴۸۶	۱۷۵۳۳۸	هشترود	۱۰
-	۱۷۶۲	قره آقاج	۴۱۳۰/۲	۸۴۱۱۰	چهاراویماق							
گرمی	۷۵۳۸	گرمی	۲۱۲۲/۵	۸۶۷۸۱	مرکزی	۷۵۳۸	گرمی	۵۴۸۴/۰	۱۲۲۱۷۹	۱۷۴۲۷۲	مغان	۱۱
پارساباد	۸۹۱۲	پارساباد	۱۶۴۰/۲	۴۶۳۵۵	پارساباد							
بيله سوار	۷۰۰۸	بيله سوار	۱۷۲۱/۳	۳۳۷۰۷	بيله سوار							

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	اهواز	۴۹۶۴۶۸	۳۲۲۲۴۷	۱۰۵۵۶/۰	اهواز	۳۳۴۳۹۹	اهواز	۳۳۴۳۹۹	۱۰۵۵۶/۰	اهواز	۳۳۴۳۹۹	اهواز
۰۲	آبادان	۳۷۶۹۱۱	۳۴۱۷۶۲	۲۷۹۶/۰	آبادان	۲۹۴۰۶۸	مرکزی	۳۱۵۹۸۳	۲۴۱۲/۰	آبادان	۲۹۴۰۶۸	آبادان
۳	خرمشهر	۱۷۶۶۶۹	۱۲۰۹۲۵	۱۳۵۵/۰	خرمشهر	۱۴۰۴۹۰	مرکزی	۱۶۵۵۴۸	۱۳۳۱/۰	خرمشهر	۱۴۰۴۹۰	خرمشهر
۴	دزفول	۲۴۱۶۳۱	۱۵۹۸۹۴	۷۸۸۴/۰	دزفول	۱۲۱۲۵۱	مرکزی	۱۱۱۲۱	۲۴/۰	دزفول	۱۲۱۲۵۱	دزفول
۵	مسجد سلیمان	۱۷۹۰۷۳	۱۳۳۲۱۳	۶۹۸۶/۰	مسجد سلیمان	۷۷۰۹۸	مرکزی	۹۰۳۹۹	۲۰۷۰/۰	مسجد سلیمان	۷۷۰۸۹	مسجد سلیمان
۶	بهبهان	۱۱۴۷۸۰	۹۱۰۲۳	۳۸۱۵/۰	بهبهان	۴۹۳۷۸	مرکزی	۷۰۴۴۲	۲۱۷۸/۰	بهبهان	۴۹۳۷۸	بهبهان
۷	بندرماهشهر	۸۰۹۷۳	۵۴۵۵۵	۷۲۹۶/۰	بندرماهشهر	۲۹۹۴۰	مرکزی	۴۱۷۷۵	۲۱۹۱/۰	بندرماهشهر	۲۹۹۴۰	ماهشهر
							زیتون	۹۸۴۳	۹۲۲/۰	سردشت	۱۲۵۱	-
							آغاجاری	۳۲۵۰۵	۷۰۶/۰	آغاجاری	۳۰۴۴۹	آغاجاری
							بندر امام خمینی	۱۴۴۳۱	۵۲۴/۰	بندر امام خمینی	۲۶۲۵	بندر امام خمینی
							هندیجان	۲۴۷۶۷	۴۵۷۱/۰	هندیجان	۵۸۹۵	هندیجان

تقسیمات کشوری

استان خوزستان

نام نقاط شهری	جمعیت مرکز	نام مرکز	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان	جمعیت شهرستان	نام شهرستان	سماوه ردیف
سوسنگرد	۶۵۵۲	سوسنگرد	۱۱۳۲/۰	۳۹۱۰۸	مرکزی	۱۴۴۲۰	سوسنگرد	۵۸۴۴/۰	۷۸۵۹۱	۱۰۵۵۱۹	دست‌آبادگان	۸
هویزه	۵۸۲۰	هویزه	۳۰۸۷/۰	۲۹۴۶۰	هوزگان	۲۶۱۷۳	شوشتر	۳۵۳۸/۰	۷۶۴۳۶	۹۳۸۹۳	شوشتر	۹
بستان	۶۸۲۵	بستان	۱۶۲۵/۰	۳۱۹۵۱	بستان							
شوشتر	۲۶۱۷۳	شوشتر	۱۵۶۴/۰	۴۹۳۲۷	مرکزی							
-	۷۰۰۵	گتوند	۱۹۷۴/	۴۲۳۸۰	گتوند	۱۰۲۵۷	ایذه	۶۲۰۱/۰	۹۲۲۰۴	۱۳۸۶۳۳	ایذه	۱۰
ایذه	۱۰۲۵۷	ایذه	۲۸۰۹/۰	۶۵۶۲۳	مرکزی							
-	۵۰۹	دهدز	۱۳۲۱/۰	۲۰۵۵۶	دهدز							
-	۱۹۰۵	باغ‌ملک	۲۰۷۱/۰	۴۹۲۲۱	جانگی	۱۱۱۳۸	رامهرمز	۴۳۱۳/۰	۵۴۱۹۳	۶۸۵۹۰	رامهرمز	۱۱
رامهرمز	۱۱۱۳۸	رامهرمز	۳۱۱۸/۰	۵۰۴۰۱	مرکزی							
رامشیر	۴۶۴۷	رامشیر	۱۱۹۵/۰	۱۶۲۷۰	رامشیر							
اندیمشک	۳۲۰۸۵	اندیمشک	۸۷۵/۰	۳۸۱۸۴	مرکزی	۳۲۰۸۵	اندیمشک	۸۷۵/۰	۱۸۴۴۹	۳۸۱۸۴	اندیمشک	۱۲
شادگان	۱۰۲۴۶	شادگان	۳۱۹۷/۰	۴۸۹۶۴	مرکزی	۱۰۲۴۶	شادگان	۳۱۹۷/۰	۳۴۵۸۷	۴۸۹۶۴	شادگان	۱۳

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	ساری	۲۵۱۷۰۰	۱۹۳۶۱۸	۳۹۱۴/۰	ساری	۷۰۷۵۳	مرکزی	۱۹۸۱۶۱	۱۵۲۱/۰	ساری	۷۰۷۵۳	ساری
۲	گرگان	۲۳۰۴۷۴	۱۵۸۵۷۱	۲۸۸۵/۰	گرگان	۸۸۰۲۳	چهار دانگه	۲۲۹۴۲	۱۵۷۰/۰	کیاسر	۲۹۲۲	-
۳	بابل	۳۴۸۶۱۸	۲۶۸۶۲۴	۱۹۸۷/۰	بابل	۶۸۰۵۹	مرکزی	۲۳۵۸۴۹	۵۵۸/۰	بابل	۶۸۰۵۹	بابل، امیرکلا
۴	گنبد کاووس	۳۶۷۶۷۴	۲۸۴۸۵۵	۱۵۶۵۳/۰	گنبد کاووس	۶۰۷۲۱	بندی	۴۰۴۲۸	۱۲۰۶/۰	فرنگلا	۶۰۲	بابلسر، فریدون کنار
							مرکزی	۱۴۶۲۳۵	۲۱۷۰/۰	گنبد کاووس	۶۰۷۲۱	گنبد کاووس
							مینودشت	۴۹۳۷۵	۱۲۵۲/۰	مینودشت	۵۸۱۸	مینودشت
							رامیان	۷۵۴۱۷	۲۰۶۶/۰	رامیان	۵۷۱۹	رامیان، آزادشهر
							مراوه تپه	۲۳۲۳۹	۳۴۹۵/۰	مراوه تپه	۱۴۲۱	-
							کوکلان	۴۸۳۳۲	۱۸۴۲/۰	ککله	۶۵۵۹	ککله
							داشلی برون	۱۲۹۴۲	۴۸۱۸/۰	اینچ برون	۸۸۵	-
۵	قائم شهر	۲۶۵۵۵۷	۲۰۳۶۵۸	۳۱۰۷/۰	قائم شهر	۶۳۳۷۷	مرکزی	۱۹۱۵۸۵	۶۶۶/۰	قائم شهر	۶۳۳۷۷	قائم شهر، کیلاکلا
۶	بهشهر	۱۳۹۹۸۶	۱۱۳۱۸۲	۲۸۵۸/۰	بهشهر	۲۲۱۶۶	مرکزی	۶۳۳۷۱	۵۸۳/۰	بهشهر	۲۲۱۶۶	بهشهر، رستم کلا
							گلگاه	۳۱۹۴۲	۵۸۹/۰	گلگاه	۱۰۰۱۵	گلگاه
							بانسر	۱۹۶۳۴	۱۵۷۶/۰	بانسر	۱۳۳	-
							نکاه	۲۳۰۰۳	۳۴۵/۰	نکاه	۱۰۸۰۴	نکاه

نام نقاط شهری	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
نوشهر، علمده	نوشهر	۱۸۶۴/۰	۷۶۴۵۲	مرکزی	۱۶۲۶۳	نوشهر	۳۶۹۵/۰	۱۱۰۴۸۳	۱۴۶۷۹۹	نوشهر	۷
چالوس	چالوس	۳۱۳/۰	۴۲۶۷۱	چالوس							
کلاردشت مرزن آباد	حسن کیف	۱۵۱۸/۰	۲۷۶۶۶	کلاردشت							
تنکابن، خرم آباد، ساقی کلا بهشتارود	تنکابن	۲۱۴۰/۰	۱۱۵۶۶۰	مرکزی	۱۹۹۸۱	تنکابن	۲۱۴۰/۰	۹۴۴۴۷	۱۱۵۶۶۰	تنکابن	۸
عباس آباد، کلارآباد											
آمل	آمل	۱۲۷۰/۰	۹۲۸۵۷	مرکزی	۶۸۹۶۳	آمل	۲۸۰۳/۰	۱۶۸۸۸	۲۳۲۴۷۵	آمل	۹
محمودآباد	محمودآباد	۳۵۶/۰	۱۲۹۰۳۱	هرمز							
رینه لاریجان	گزنگ	۱۱۷۷/۰	۱۰۵۸۶	لاریجان							
نور	نور	۳۶۴/۰	۲۰۰۲۴	مرکزی	۷۲۸۱	نور	۲۹۷۴/۰	۴۸۵۳۳	۶۰۲۶۴	نور	۱۰
-	چمستان	۶۸۰/۰	۲۵۲۳۶	چمستان							
-	بلده	۱۹۳۰/۰	۱۵۰۰۴	بلده							
رامسر، کتالم، وسادات محله	رامسر	۶۸۸/۰	۴۴۳۳۹	مرکزی	۱۹۲۹۳	رامسر	۶۸۸/۰	۳۴۴۳۳	۴۴۳۳۹	رامسر	۱۱
شیرگاه، پل سفید	پل سفید	۲۴۴۱/۰	۵۳۹۴۲	مرکزی	۳۸۴۳	پل سفید	۲۴۴۱/۰	۵۰۳۰۳	۵۳۹۴۲	سوادکوده	۱۲
آلاشت، زیرواب	بندر ترکمن	۱۵۳/۰	۲۵۸۶۰	مرکزی	۱۷۳۳۹	بندر ترکمن	۱۷۲۹/۰	۴۷۷۲۶	۶۲۳۷۵	بندر ترکمن	۱۳
بندر ترکمن	گمیشان	۱۵۷۶/۰	۳۶۵۱۵	گمیشان							
کردکوی	کردکوی	۵۸۸/۰	۴۵۸۲۲	مرکزی	۱۴۷۴۵	کردکوی	۸۵۵/۰	۶۷۴۲۰	۷۸۴۲۱	کردکوی	۱۴
بندرگز	بندرگز	۲۶۷/۰	۳۲۵۹۹	بندرگز							
علی آباد	علی آباد	۹۱۲/۰	۵۱۶۶۳	مرکزی	۱۷۹۱۸	علی آباد	۹۱۲/۰	۳۵۹۶۳	۵۱۶۶۳	علی آباد	۱۵

تقسیمات کشوری

استان فارس

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	شیراز	۶۴۰۴۹۵	۴۲۴۹۹۷	۱۰۳۸۱/۰	شیراز	۴۲۵۸۱۳	مرکزی	۵۳۵۵۹۷	۵۱۹۱/۰	شیراز	۴۲۵۸۱۳	شیراز
۲	مرودشت	۱۷۶۱۴۷	۱۲۲۴۵۶	۶۵۳۰/۰	مرودشت	۵۰۴۴۶	مرکزی	۱۲۶۳۸۵	۳۷۲۷/—	مرودشت	۵۰۴۴۶	مرودشت
۳	آبادیه	۱۲۰۴۵۰	۹۹۶۸۶	۱۹۵۱۴/۰	آبادیه	۲۳۳۸۹	مرکزی	۴۲۵۷۱	۴۹۹۳/۰	آبادیه	۲۳۳۸۹	آبادیه - صفاد
۴	کازرون	۱۴۵۶۷۸	۹۹۴۲۲	۴۱۱۸/۹	کازرون	۵۱۵۲۷	مرکزی	۹۶۳۲۶	۲۴۳۷/۵	کازرون	۵۱۵۲۷	کازرون
۵	جهرم	۱۰۹۷۸۲	۸۴۰۳۰	۵۴۹۷/۶	جهرم	۴۸۵۳۰	مرکزی	۵۷۹۵۰	۱۴۹۳/۲	جهرم	۴۸۵۳۰	جهرم
۶	لار	۱۸۳۹۲۱	۱۳۶۵۴۱	۱۳۶۶۶/۵	لار	۲۵۶۹۸	مرکزی	۶۳۴۲۲	۸۹۶۸/۵	لار	۲۵۶۹۸	لار - کراش
							اوز	۳۳۸۳۳	۵۰۹۰/۰	اوز	۱۰۳۵۳	اوز - خنج
								۹۱۵۰	۱۳۷۲/۳	قطب آباد	۳۳۸۶	—
								۱۰۳۲۶	۹۸۱/۸	کوشکسار	۵۷۸	—
								۲۷۸۲۲	۱۶۵۰/۳	بابانار	۸۵۸	—
								۱۷۶۳۳	۷۳۳/۷	نودان	۱۴۵۶	—
								۱۹۲۶۷	۹۴۷/۷	کنارتخته	۱۴۳۲	—
								۴۷۰۴۷	۸۷۶۹/۵	سوربان	۲۵۳۸	سوربان
								۲۴۴۷۲	۵۷۵۱/۵	ابركوه	۱۰۱۶۵	ابركوه
								۱۷۷۲۰	۹۴۲/۰	ارسنجان	۶۵۱۰	ارسنجان
								۲۱۴۲۹	۱۸۵۱/۰	سعادت شهر	۶۷۷۳	سعادت شهر
								۲۹۴۶۵	—	زرقان	۸۲۱۲	زرقان
								۲۹۲۱۷	—	خرامه	۷۰۸۲	خرامه
								۴۳۶۰۵	۲۸۱۲/۰	سروستان	۶۹۲۲	سروستان - کوار

تقسیمات کشوری

استان فارس

نام نقاط شهری	جمعیت مرکز بخش	نام بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
-	۴۷۳	لامرد	۱۴۰۴۳/۰	۵۸۹۰۹	لامرد	۱۴۱۶۴	فیروزآباد	۹۸۹۴/۵	۶۶۶۹۲	۱۲۱۵۴۸	فیروزآباد	۷
-	۱۹۴۵	جویم	۳۵۶۵/۰	۱۶۹۵۸	جویم							
فیروزآباد - میمند	۱۴۱۶۴	فیروزآباد	۲۳۶۶/۵	۴۷۳۲۵	مرکزی							
-	۶۷۵۲	فراسبند	۵۹۴۵/۵	۲۰۰۴۱	فراسبند							
قیروگازرون	۲۲۸۲	قیر	۱۵۸۲/۵	۲۱۱۴۹	قیروگازرون							
نیریز	۱۸۷۲۴	نیریز	۹۲۲/۵	۲۲۱۲۷	مرکزی	۱۸۷۲۴	نیریز	۹۲۴۸/۵۰	۴۰۵۵۱	۴۹۶۳۴	نیریز	۸
-	۲۶۷۱	مشکان	۵۱۶۸/۰	۱۳۱۹۰	پشتکوه							
-	۲۲۶۵	آباده طشک	۳۱۵۸/۰	۱۴۳۱۷	آباده طشک							
فسا	۳۱۴۸۹	فسا	۱۶۲۷/۴	۵۲۶۲۷	مرکزی	۳۱۴۸۹	فسا	۳۸۳۰/۴	۷۳۲۷۳	۹۹۸۲۳	فسا	۹
زاهدان	۶۳۶۱	زاهدان	۱۰۱۰/۰	۱۸۸۳۹	زاهدان							
-	۳۴۱۸	ششده	۷۷۴/۰	۱۸۳۲۹	ششده							
-	۲۹۹۵	نوبندگان	۴۱۹/۰	۱۰۰۲۸	نوبندگان							
داراب	۱۷۷۶۴	داراب	۱۱۸۴۲/۶	۱۰۶۲۸۹	مرکزی	۱۷۷۶۴	داراب	۱۱۸۴۲/۶	۷۷۲۳۵	۱۰۶۲۸۹	داراب	۱۰
نورآباد	۱۰۹۸۴	نورآباد	۴۴۷۰/۰	۱۰۹۲۴۵	مرکزی	۱۰۹۸۴	نورآباد	۸۰۳۲/۰	۸۹۹۲۵	۱۳۷۹۷۴	مصنی	۱۱
-	۸۴۷	بابامنیر	۳۵۶۲/۰	۱۳۷۶۴	ماهورمیلاتی							
استهبان	۱۹۴۶۱	استهبان	۱۰۴۰/۰	۲۳۳۴۵	مرکزی	۱۹۴۶۱	استهبان	۲۶۵۲/۰	۳۳۴۶۷	۳۶۶۲۳	استهبان	۱۲
-	۳۴۲۶	رونیز	۱۶۱۲/۰	۱۳۲۷۸	رونیز							
اردکان	۸۶۰۴	اردکان	۳۲۷۳/۵	۵۸۴۰۴	مرکزی	۸۶۰۴	اردکان	۳۲۷۳/۵	۵۴۰۱۱	۵۸۴۰۴	سپیدان	۱۳
اقلید	۲۰۷۴۵	اقلید	۶۸۲۴/۵	۴۸۸۱۴	مرکزی	۲۰۷۴۵	اقلید	۶۸۲۴/۵	۳۷۶۸۴	۴۸۸۱۴	اقلید	۱۴

تقسیمات کشوری

۷۳۴

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	رشت	۴۴۲۴۹۵	۳۶۰۲۵۰	رشت	۱۸۸۹۵۷	مرکزی	۲۹۶۳۵۸	۸۶۰/۳	رشت	۱۸۸۹۵۷	رشت، سنگر
۲	بندرانزلی	۷۶۹۸۰	۵۹۷۶۶	بندرانزلی	۵۵۴۸۱	خرام	۶۲۵۲۴	۲۷۷/۷	خرام	۴۰۱۴۰	خرام-خشک-بیجار
۲	لاهیجان	۱۹۱۷۰۶	۱۶۰۲۸۰	لاهیجان	۳۱۲۸۳	لشت نشاء	۳۳۱۳۵	۱۶۱/۷	لشت نشاء	۶۳۳۱	لشت نشاء
۴	رودسر	۱۶۲۱۷۴	۱۳۵۸۵۲	رودسر	۱۸۲۵۴	سیاهکل	۳۷۵۳۲	۸۹۱/۶	سیاهکل	۶۶۶۴	سیاهکل
۵	تالش	۱۵۷۵۱۸	۱۲۰۹۹۴	هشتپر	۱۰۴۴۴	املش	۳۱۷۷۳	۸۱۱/۳	املش	۶۶۰۰	املش
۶	فومن	۱۴۲۴۹۸	۱۲۳۲۵۸	فومن	۱۵۱۰۸	تالش دولا	۲۵۹۱۴	۸۰۲/۴	رضوان	۲۹۶۸	رضوان، پیرسر
۷	صومعه سرا	۱۰۷۰۱۸	۹۱۶۳۲	صومعه سرا	۱۰۹۸۳	ماسال شاندورمن	۳۱۰۸۴	۴۸۶/۴	بازار ماسال	۸۲۸۱	ماسال
						مرکزی	۹۵۴۵۶	۱۰۰۳/۵	فومن	۱۵۱۰۸	فومن، ماسوله
						نفت	۴۷۰۴۲	۵۷۹/۰	نفت	۲۷۲۱	نفت
						مرکزی	۷۹۱۸۷	۴۵۶/۵	صومعه سرا	۱۰۹۸۳	صومعه سرا
						تولم	۲۷۸۳۱	۱۶۱/۰	مرجقل	۴۸۹	-

تقسیمات کشوری

استان کیلان

نام نقاط	جمعیت مرکز	نام مرکز	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز	نام مرکز	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان	جمعیت شهرستان	نام شهرستان	شماره ردیف
آستانه	۱۶۶۸۹	آستانه	۲۶۳/۰	۶۹۹۰۲	مرکزی	۱۶۶۸۹	آستانه	۳۵۶/۴	۶۸۰۳۰	۸۳۵۹۵	آستانه	۸
بندریکيا شهر	۸۳۱۹	بندریکيا شهر	۹۳/۴	۱۳۶۸۳	بندریکيا شهر							
لنگرود، کومله	۲۹۲۱۲	لنگرود	۱۸۸/۴	۸۶۷۸۶	مرکزی	۲۹۲۱۲	لنگرود	۱۸۸/۴	۶۸۱۱۱	۸۶۷۸۶	لنگرود	۹
رودبار، منجیل	۱۳۲۲۶	رودبار	۱۴۸۱/۱	۵۸۰۹۲	مرکزی	۱۳۲۲۶	رودبار	۳۷۵۰/۵	۷۴۸۹۶	۹۵۰۲۳	رودبار	۱۰
-	۲۰۹۴	جیرنده	۱۴۶۹/۴	۳۸۵۱۳	عمارلو							
آستارا	۱۴۱۵۰	آستارا	۳۳۳/۶	۳۵۹۴۵	مرکزی	۱۴۱۵۰	آستارا	۳۳۳/۶	۲۸۰۹۰	۳۵۹۴۵	آستارا	۱۱

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت بخش	نام نقاط شهری	جمعیت مرکز بخش
۱	ارومیه	۳۷۰۹۸۷	۲۸۸۴۱۲	۵۶۱۲/۱	ارومیه	۱۶۴۴۱۹	مرکزی	۲۸۴۵۰۰	۲۰۴۵/۸	ارومیه	۱۶۴۴۱۹	ارومیه	۱۶۴۴۱۹
۲	مهاباد	۱۹۷۱۵۱	۱۵۱۴۰۷	۵۵۹۹/۵	مهاباد	۴۴۰۶۷	مرکزی	۱۳۸۱۷۸	۳۱۶۹۰	مهاباد	۴۴۰۶۷	مهاباد	۴۴۰۶۷
۳	خوی	۱۸۸۴۴۰	۱۵۰۱۹۸	۶۲۹۸/۸	خوی	۷۰۳۵۷	مرکزی	۱۶۱۱۷۶	۵۰۷۷/۰	خوی	۷۰۳۵۷	خوی - فیروززی	۷۰۳۵۷
۴	ماکو	۱۲۵۴۷۱	۱۰۰۰۸۵۴	۷۱۲۵/۱	ماکو	۱۱۹۶۶	مرکزی	۲۳۵۱۳	۲۰۰۶/۰	ماکو	۱۱۹۶۶	ماکو	۱۱۹۶۶
۵	میاندوآب	۲۳۱۰۳۷	۱۸۲۵۴۵	۵۰۱۰/۱	میاندوآب	۲۷۷۲۹	مرکزی	۹۶۸۴۰	۷۱۲/۶	میاندوآب	۲۷۷۲۹	میاندوآب	۲۷۷۲۹
۶	سلماس	۸۷۷۰۰	۷۰۸۲۴	۳۱۴۱/۹	سلماس	۲۷۶۳۸	مرکزی	۸۷۷۰۰	۳۱۴۱/۹	سلماس	۲۷۶۳۸	سلماس - تازه شهر	۲۷۶۳۸
۷	نقده	۹۳۷۴۷	۶۸۷۶۳	۲۰۰۰/۳	نقده	۲۳۸۲۶	مرکزی	۶۵۶۱۵	۹۱۴/۶	نقده	۲۳۸۲۶	نقده - محمد یار	۲۳۸۲۶
۸	سردشت	۵۴۳۳۸	۳۹۲۵۰	۱۶۶۰/۲	سردشت	۱۰۲۰۷	مرکزی	۵۴۳۳۸	۱۶۶۰/۲	سردشت	۱۰۲۰۷	سردشت	۱۰۲۰۷
۹	پیرانشهر	۵۹۷۳۳	۴۱۱۷۲	۲۴۰۲/۰	پیرانشهر	۱۰۵۷۲	مرکزی	۵۹۷۳۳	۲۴۰۲/۰	پیرانشهر	۱۰۵۷۲	پیرانشهر	۱۰۵۷۲

نام نقاط شهری	جمعیت مرکز بخش	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان	جمعیت شهرستان	نام شهرستان	شماره ردیف
کرمان - چترود	۱۴۰۷۶۱	کرمان	۸۶۶۹/۰	۱۹۳۵۹۸	مرکزی	۱۴۰۷۶۱	کرمان	۴۹۸۷۴/۰	۱۸۷۸۳۹	۲۵۹۳۸۴	کرمان	۱
ماهان - جویار	۸۷۷۳	ماهان	۲۱۴۴/۰	۲۰۶۱۴	ماهان							
شهداد	۳۴۲۲	شهداد	۲۵۷۳۰/۰	۱۱۰۵۰	شهداد							
گلباف	۱۲۱۲۵	گلباف	۵۸۴۴/۰	۱۶۱۱۷	گلباف							
راور	۹۲۶۲	راور	۷۴۸۷/۰	۱۵۵۴۳	راور							
جیرفت	۲۰۱۸۶	سبزواران	۳۰۰۳/۰	۷۰۰۶۲	مرکزی	۲۰۱۸۶	سبزواران	۴۹۷۱۸/۰	۱۴۶۶۶۰	۲۴۰۸۴۳	جیرفت	۲
-	۳۱	درمزار	۸۵۲۸/۰	۲۱۹۹۳	ساردوئیه							
-	۳۵۶۰	محمدآباد	۶۰۸۴۰	۲۴۰۲۱	جبالبارز							
رفسنجان - انار	۳۶۰۲۵	رفسنجان	۱۰۵۲۴/۰	۱۱۳۴۵۳	مرکزی	۳۶۰۲۵	رفسنجان	۱۰۵۲۴/۰	۸۳۱۷۲	۱۱۵۴۶۷	رفسنجان	۳
بم - بروت	۳۰۷۹۳	بم	۵۵۴۶/۰	۴۷۲۸۰	مرکزی	۳۰۷۹۳	بم	۱۹۴۸۰/۰	۸۸۵۰۰	۱۱۱۳۰۵	بم	۴
-	۴۳۶۲	راین	۲۹۲۷/۰	۱۸۰۷۴	راین							
-	۱۱۸۰	فهرج	۱۱۰۰۷/۰	۴۹۹۷۹	نرماشیر							
سیرجان	۳۹۴۶۴	سیرجان	۱۷۴۸۱/۰	۸۹۸۶۹	مرکزی	۳۹۴۶۴	سیرجان	۲۳۸۶۰/۰	۹۲۹۵۸	۱۳۲۲۹۵	سیرجان	۵
بردسیر	۸۱۶۴	بردسیر	۶۳۷۹/۰	۳۷۳۱۷	مرکزی	۸۱۶۴	بردسیر	۶۳۷۹/۰	۳۰۴۹۲	۳۷۳۱۷	مشیز	۶
بافت	۹۴۵۷	بافت	۱۰۹۵۴/۰	۶۵۶۱۳	مرکزی	۹۴۵۷	بافت	۱۲۰۳۱/۰	۶۲۲۶۱	۸۳۱۶۲	بافت	۷
رابر	۴۴۴۴	رابر	۱۰۷۷/۰	۱۷۵۴۹	رابر							
زرنند - کیان شهر	۲۰۷۲۰	زرنند	۵۸۴۴/۰	۸۲۱۰۵	مرکزی	۲۰۷۲۰	زرنند	۱۰۴۴۴/۰	۵۶۵۱۷	۹۴۶۴۹	زرنند	۸
کوهبنان	۳۷۲۶	کوهبنان	۴۶۰/۰	۱۲۵۳۶	کوهبنان							
شهربابک	۹۲۳۳	شهربابک	-	۴۱۷۷۰	مرکزی	۹۲۳۳	شهربابک	-	۴۷۷۷۵	۴۱۷۷۰	شهربابک	۹
کهنوج	۹۷۰	کهنوج	۴۰۶۶/۰	۲۷۴۹۳	مرکزی	۹۷۰	کهنوج	۳۲۱۰۳/۰	۶۸۳۰۷	۱۰۲۴۱۴	کهنوج	۱۰

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ۵۵	جمعیت شهرستان ۴۵	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
							رودبار	۲۴۴۴۶	۷۴۱۸/۰	بیشن آباد	۹۰۵	
							منوجان	۳۱۸۷۰	۴۷۸۹/۰	منوجان	—	
							قلعه گنج	۱۸۶۰۵	۱۲۸۳۷/۰	زر	۱۴۸۷	

تقسیمات کشوری

استان باختران

نام نقاط شهری	جمعیت مرکز	نام مرکز	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز	نام مرکز	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان	نام شهرستان	شماره ردیف
باختران	۲۹۰۶۰۰	باختران	۵۵۵۴/۵	۴۲۲۱۴۶	مرکزی	۲۹۰۶۰۰	باختران	۷۷۷۱/۰	۳۹۵۶۶۷	باختران	۱
صحنه	۱۱۱۳۳	صحنه	۱۶۵۶/۵	۷۳۶۵۶	صحنه						
هرسین	۱۸۰۰۲	هرسین	۵۶۰/۰	۳۳۳۷۸	هرسین						
قصر شیرین	۲۳۲۲۴	قصر شیرین	۵۹۳/۵	۳۹۸۱۲	مرکزی	۲۳۲۲۴	قصر شیرین	۱۸۸۳/۰	۳۲۵۳۶	قصر شیرین	۲
-	۷۹	سومار	۱۲۸۹/۵	۶۰۰۵	سومار						
پاوه	۵۷۴۰	پاوه	۲۹۸/۰	۱۴۵۱۶	مرکزی	۵۷۴۰	پاوه	۴۱۱۹/۲	۸۴۴۰۷	پاوه	۳
جوانرود	۲۷۶۸	جوانرود	۶۳۳/۰	۱۶۶۵۳	جوانرود						
-	۴۴۰	ازگله	۱۹۰۵/۲	۳۴۶۱۸	باباجانی						
-	۱۰۸۷	روانسر	۵۳۵/۰	۱۳۳۶۶	روانسر						
-	۱۰۷۸	باینگان	۵۸۶/۰	۹۷۵۸	باینگان						
نوسود - نودشه	۱۳۳۳	نوسود	۱۶۲/۰	۱۳۱۴۵	نوسود						
اسلامآباد	۳۰۸۱۸	اسلامآباد	۲۳۶۸/۵	۹۶۲۱۵	مرکزی	۳۰۸۱۸	اسلامآباد	۴۵۲۸/۵	۱۰۲۶۰۳	اسلامآباد	۴
کرد	۴۷۵۸	کرد	۲۱۶۰/۰	۳۷۵۲۶	کرد						
سنقر	۱۹۷۰۲	سنقر	۱۸۴۰/۸	۷۳۵۱۵	مرکزی	۱۹۷۰۲	سنقر	۱۸۴۰/۸	۶۵۴۳۲	سنقر	۵
کنگاور	۱۶۳۹۶	کنگاور	۴۸۹/۵	۳۹۴۳۶	مرکزی	۱۶۳۹۶	کنگاور	۴۸۹/۵	۲۹۷۹۵	کنگاور	۶
سرپل ذهاب	۱۸۵۲۲	سرپل ذهاب	۷۱۷/۵	۵۱۷۱۸	مرکزی	۱۸۵۲۲	سرپل ذهاب	۷۱۷/۵	۳۰۲۵۸	سرپل ذهاب	۷
گیلانغرب	۷۷۴۸	گیلانغرب	۲۳۱۷/۰	۳۹۲۸۵	مرکزی	۷۷۴۸	گیلانغرب	۲۳۱۷/۰	۲۵۶۱۱	گیلانغرب	۸

تقسیمات کشوری

استان هرمزگان

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت، مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	بندرعباس	۲۰۱۲۲۱	۱۳۲۵۹۱	۳۰۸۷۸/۷	بندرعباس	۸۷۹۸۱	مرکزی	۱۲۶۴۲۰	۳۵۱۵/۹	بندرعباس	۸۷۹۸۱	بندرعباس
۲	بندرلنگه	۸۸۶۳۵	۷۶۷۰۴	۲۱۰۵۵/۰	بندرلنگه	۸۷۹۷	جاسک	۱۳۴۹۰	۸۸۹۵/۰	جاسک	۳۷۵۸	جاسک
							سعادت آباد	۲۹۲۶۰	۱۱۲۴۴/۲	حاجی آباد	۳۲۶۸	حاجی آباد
۳	میناب	۱۲۸۵۹۵	۱۰۴۸۸۳	۱۳۰۲۰/۰	میناب	۹۹۶۹	بندر خمیر	۱۵۹۵۲	۲۳۳۸/۹	بندر خمیر	۲۴۸۰	بندر خمیر
							فین	۱۶۰۹۹	۴۸۸۴/۷	فین	۱۲۷۶	-
							مرکزی	۳۰۶۶۹	۴۷۳۶	بندرلنگه	۸۷۹۷	بندرلنگه، بندر کنگ بستک
							بستک	۳۵۵۳۴	۸۵۶۹/۰	بستک	۴۱۷۷	بستک
							گاوبندی	۱۴۷۴۸	۱۹۴۲/۰	گاوبندی	۱۶۱۵	گاوبندی
							شیبکوه	۷۶۸۴	۵۸۰۹/۰	بندر چارک	۶۹۴	-
							کیش	۵۵۹۲	۲۸۴/۲۵	کیش	۴۱۷۷	-
							مرکزی	۵۷۴۴۱	۲۲۸۲/۰	میناب	۹۹۶۹	میناب
							بیابان	۲۷۶۷۵	۸۰۹۲/۰	سیریک	۱۸۴	-
							رودان احمدی	۳۲۶۳۶	۲۶۴۶/۰	دهباز	۳۱۸۹	-
۴	قشم	۳۸۳۹۷	۳۰۲۴	۱۶۳۲/۵	قشم	۶۹۷۴	مرکزی	۲۳۷۶۰	۸۰۶/۴	قشم	۶۹۷۴	قشم
							شهاب	۱۴۶۳۷	۷۷۰/۱	سوزا	۲۷۵۱	-
							ابوموسی	-	۵۶/۰	ابوموسی	-	ابوموسی

نام نقاط شهری	جمعیت مرکز بخش	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان	نام شهرستان	سمازه ردیف
زاهدان	۹۳۷۴۰	زاهدان	۹۳۷/۰	۹۵۴۵۸	مرکزی	۹۳۷۴۰	زاهدان	۳۸۹۷۵/۰	۵۴۷۳۶	زاهدان	۱
-	۴۵۶	نصرت آباد	۳۱۲۹۲/۰	۱۳۲۱۸	نصرت آباد						
میرجاوه	۱۶۶۳	میرجاوه	۶۷۴۶/۰	۸۲۴۱	میرجاوه						
زابل	۲۹۴۰۴	زابل	۴۷/۰	۳۵۰۴۰	مرکزی	۲۹۴۰۴	زابل	۸۱۱۷/۰	۱۶۰۵۳۷	زابل	۲
-	۵۸۸	دوست محمد خان	۱۰۷۵/۰	۲۶۴۰۷	میان کنگی						
-	۱۲۹	حک	۸۱۸/۰	۳۳۸۵۳	نارویی و شهرکی						
-	۱۱۷۲	محمدآباد	۳۹۶۶/۰	۳۲۲۵۸	سیآب						
-	۲۲۹۲	سحار	۲۲۱۱/۰	۴۶۷۲۴	پشت آب						
ایران شهر	۱۱۳۸۶	ایران شهر	۳۶۸۳/۰	۲۷۰۹۲	مرکزی	۱۱۳۸۶	ایران شهر	۵۲۲۷۷/۰	۱۰۱۶۴۸	ایران شهر	۳
-	۱۸۰۷	بصور	۱۷۶۳۰/۰	۶۳۷۱۳	بصور						
-	۴۱۸	سربار	۵۶۲۷/۰	۲۸۳۶۵	سربار						
-	۱۵۸۶	راک	۲۹۲۴/۰	۷۹۵۶	راک و ویرور						
-	۱۰۸۲	برمان	۲۲۴۱۳/۰	۱۷۵۲۵	برمان						
حاجیهار، کنارک	۵۹۲۲	حاجیهار	۱۱۵۲۷/۰	۲۶۳۰۲	مرکزی	۵۹۲۲	حاجیهار	۲۹۶۵۵/۰	۵۶۷۹۵	حاجیهار	۴
سنگ-بیر	۳۱۷۹	سنگ-بیر	۵۴۳۷/۰	۱۰۸۷۸	سنگ-بیر						
نصرت	۲۲۶۱	نصرت	۴۱۴۳/۰	۱۲۴۲۳	نصرت						
بلان	۲۸۸	بلان	۸۵۴۸/۰	۳۲۶۸۹	دساری						
سراوان	۹۰۹۷	سراوان	۹۰۰۹/۰	۲۷۹۵۵	مرکزی	۹۰۹۷	سراوان	۲۸۴۰۸/۰	۵۶۷۹۳	سراوان	۵

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ۵۵	جمعیت شهرستان ۴۵	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۶	خاش	۴۴۵۰۰	۲۴۴۸۷	۲۴۱۴۶/۰	خاش	۸۲۳۶	مرکزی نوگآباد	۳۰۴۴۴ ۱۱۷۶۹	۱۷۲۱۳/۰ ۶۹۳۳/۰	خاش نوگآباد	۸۲۳۶ ۲۵۱	خاش -
							سب وسوران	۲۷۰۱۱	۱۲۲۰۶/۰	سب وسوران	۲۶۱۱	-
							زابلی	۷۶۱۴	۲۵۰۶/۰	زابلی	-	-
							حالق	۱۳۴۵۲	۴۶۸۷/۰	حالق	۵۳۶	-

نام نقاط شهری	جمعیت مرکز بخش	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان	جمعیت شهرستان	نام شهرستان	شماره ردیف
سنندج	۹۵۸۷۲	سنندج	۱۳۳۳/۰	۱۴۶۹۹۶	مرکزی	۹۵۸۷۲	سنندج	۴۸۵۲/۰	۲۰۰۴۶۰	۲۶۴۱۰۲	سنندج	۱
دیواندره	۳۳۴۲	دیواندره	۱۵۹۱/۰	۶۱۳۳۵	میرانشاه							
کامیاران	۵۹۴۱	کامیاران	۱۹۲۸/۰	۴۹۸۳۰	کامیاران							
مریوان	۱۳۶۱۰	مریوان	۵۷۲/۰	۲۳۵۶۶	مرکزی	۱۳۶۱۰	مریوان	۴۰۰۹/۰	۹۳۲۹۲	۱۲۰۴۵۱	مریوان	۲
-	۱۹۰	خاو	۳۱۶/۰	۸۷۰۶	خاو و میرآباد							
-	۳۷۰	تیزترین	۹۳۸/۰	۲۲۵۱۱	کلاترزان							
-	۱۸۴	چناره	۸۹۴/۰	۷۸۶۵	سریشو مریوان							
-	۹۰۸	سروآباد	۱۲۸۹/۰	۵۱۳۲۹	سروآباد							
سقز	۳۰۶۶۱	سقز	۴۹۹۱/۰	۱۱۲۵۲۳	مرکزی	۳۰۶۶۱	سقز	۴۹۹۱/۰	۹۱۹۴۶	۱۱۲۵۲۳	سقز	۳
بانه	۱۵۵۵۲	بانه	۱۰۲/۰	۲۰۷۲۹	مرکزی	۱۵۵۵۲	بانه	۷۹۴/۰	۳۶۶۹۷	۵۰۸۵۸	بانه	۴
-	۳۱	ننور	۲۰۸/۰	۱۵۸۳۱	ننور							
-	۹۰۲	آلوت	۲۶۱/۰	۷۸۵۹	آلوت							
-	۱۵۰	نمشیر	۲۲۳/۰	۶۴۳۹	نم شیر							
قروه	۱۱۵۱۵	قروه	۲۶۶۹/۰	۷۹۹۴۵	مرکزی	۱۱۵۱۵	قروه	۴۲۶۸/۰	۱۰۱۳۷۶	۱۲۲۹۹۶	قروه	۵
	۱۸۰۱	دهکلان	۱۵۹۹/۰	۴۳۰۷۸	ثیلاق							
بیجار	۱۷۲۲۴	بیجار	۶۰۸۴/۰	۱۱۱۵۱۰	مرکزی	۱۷۲۲۴	بیجار	۶۰۸۴/۰	۹۵۸۰۲	۱۱۱۵۱۰	بیجار	۶

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت - شهرستان ۵۵	جمعیت شهرستان ۴۵	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	همدان	۶۴۱۱۶۲	۵۵۱۷۰۵	۱۳۵۵۲/۰	همدان	۱۶۵۷۸۵	مرکزی	۲۳۲۶۷۶	۱۱۴۰/۰	همدان	۱۶۵۷۸۵	همدان، مریانج
							سیمینرود	۱۱۰۶۸۰	۱۹۶۴/۰	بهار	۱۴۴۸۹	بهار، لالحصین
							اسدآباد	۷۷۶۱۵	۱۴۰۱/۰	اسدآباد	۱۲۰۸۳	اسدآباد
							کیودآهنگ	۸۰۹۹۱	۳۴۴۳/۰	کیودآهنگ	۷۸۹۳	کیودآهنگ
							رزن	۸۳۸۳۲	۲۵۱۶/۰	رزن	۲۸۰۰	قروه در جزین
							شراء ویشخور	۲۴۱۳۳	۱۶۸۵/۰	قهاوند	۱۱۴۳	-
							فامنین	۳۰۲۳۵	۱۰۲۵/۰	فامنین	۵۲۶۱	-
۲	ملایر	۱۹۱۳۴۷	۱۵۸۰۱۳	۳۵۰۰/۰	ملایر	۴۷۱۱۷	مرکزی	۱۵۰۹۳۷	۲۵۶۳/۰	ملایر	۴۷۱۱۷	ملایر
							سامن	۴۰۴۰۹	۹۳۷/۰	سامن	۳۳۳۰	سامن
۳	نهایوند	۱۱۹۴۹۵	۹۸۴۱۲	۱۶۵۷/۰	نهایوند	۲۹۵۰۹	مرکزی	۸۶۸۵۳	۸۲۹/۰	نهایوند	۲۹۵۰۹	نهایوند
							خرل	۳۲۶۴۲	۸۲۸/۰	غیروآباد	۶۶۳	-
۴	تویسرکان	۹۴۶۲۴	۸۲۳۷۸	۱۴۶۳/۰	تویسرکان	۱۸۵۷۳	مرکزی	۹۴۶۲۴	۱۴۶۳/۰	تویسرکان	۱۸۵۷۳	تویسرکان سرکان

تقسیمات کشوری

استان لرستان

نام نقاط شهری	جمعیت مرکز بخش	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
خرم آباد	۱۰۴۹۱۲	خرم آباد	۷۲۳/۰	۱۲۳۶۷۳	مرکزی	۱۰۴۹۱۲	خرم آباد	۲۰۶۶۵/۵	۳۸۴۰۱۲	۵۲۳۲۷۵	خرم آباد	۱
کوهدشت	۱۳۲۴۱	کوهدشت	۴۴۷۷/۵	۹۳۱۱۷	کوهدشت							
الشر	۵۷۵۱	قلعه مظفری	۱۵۲۱/۰	۴۴۲۳۰	الشر							
نورآباد	۸۷۳۴	نورآباد	۲۸۷۸/۰	۷۶۳۵۴	دلفان							
-	۱۵۹۴	زاغه	۹۱۳/۰	۲۵۳۰۴	زاغه							
پلدختر	۱۳۹	ملاوی	۲۹۷۵/۰	۳۴۱۱۷	ملاوی							
-	۵۲۹	حسینیه علیا	۲۵۸۰/۰	۱۸۱۵۵	الوارگرمسیری							
-	۱۵۵۸	ماسور	۹۵۳/۰	۲۹۲۱۳	ویسیان							
-	۱۵۴۶	سفیددشت	۱۳۰۶/۰	۲۱۳۹۶	پاپی							
-	۵۱۵	سراب دوره	۱۵۰۸۰	۳۲۱۰۸	دوره چگینی							
-	۷۱۳	چفلوندی	۸۳۱/-	۱۳۴۵۹	چفلوندی							
بروجرد	۱۰۱۳۴۵	بروجرد	۹۱۸/۷	۱۴۵۳۰۰	مرکزی	۱۰۱۳۴۵	بروجرد	۲۶۴۱/۲	۱۷۷۰۰۱	۲۳۵۰۸۴	بروجرد	۲
اشترینان	۳۲۲۲	اشترینان	۶۹۸/۵	۳۳۷۱۱	اشترینان							
درود	۱۴۰۶۰	درود	۱۰۲۴/۰	۵۶۰۷۳	درود							
الیگودرز	۲۳۴۶۶	الیگودرز	۳۴۸۳/۵	۹۰۲۰۳	مرکزی	۲۳۴۶۶	الیگودرز	۸۰۷۶/۵	۱۳۸۵۹۸	۱۷۷۲۵۴	الیگودرز	۳
ازنا	۹۵۴۸	ازنا	۱۸۵۹/۵	۶۳۱۴۷	جایلق							
-	۲۴۴	شوله آباد	۲۷۳۳/۵	۲۱۹۳۶	زروماهو							

تقسیمات کشوری

۷۴۶

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	زنجان	۳۳۹۵۷۳	۲۶۲۰۲۴	۱۳۲۰۹/-	زنجان	۱۰۰۳۵۱	مرکزی	۲۳۱۹۲۹	۲۴۰۹/۰	زنجان	۱۰۰۳۵۱	زنجان
۲	قزوین	۴۲۴۲۱۰	۳۳۰۶۷۴	۱۴۵۵۰/۳	قزوین	۱۳۹۲۵۸	بوئین زهرا	۷۸۵۰۶	۲۴۹۱/۹	بوئین	۳۱۴۵	شهرک الوین شهرک الوین بوئین زهرا
							آوج	۵۵۶۵۲	۲۷۷۶/۱	آوج	۲۳۹۴	آوج
							آبیک	۳۸۹۰۹	۱۵۵۴/۹	آبیک	۲۵۶۸	آبیک
							رودبار الموت	۴۲۷۹۵	۱۷۳۹/۶	معلم کلاهی	۶۷۰	-
							طارم سفلی	۲۹۳۲۷	۱۳۲۸/۲	سیردان	۹۱۶	-
۳	تاکستان	۱۱۲۳۷۷	۹۸۵۳۳	۳۵۳۴/۳	تاکستان	۲۰۰۳۵	مرکزی	۱۱۲۳۷۷	۳۵۳۴/۳	تاکستان	۲۰۰۳۵	تاکستان
۴	ابهر	۱۱۷۴۷۸	۹۹۹۲۵	۳۲۷۶/۰	ابهر	۲۲۱۸۴	مرکزی	۹۲۲۲۱	۲۳۱۶/۰	ابهر	۲۲۱۸۴	ابهر - خرمدره
							سلطانیه	۲۵۲۵۷	۹۶۰/۰	سلطانیه	۳۹۲۹	سلطانیه
۵	خدابنده	۱۲۳۵۱۹	۹۹۳۹۶	۵۳۶۳/۰	قیدار	۲۲۹۳	مرکزی	۷۵۹۸۶	۲۷۷۵/۰	قیدار	۳۲۹۳	قیدار
							افشار	۴۷۵۳۳	۲۵۸۸/۰	گرماب	۱۵۶۵	-

تقسیمات کشوری

استان یزد

نام نقاط شهری	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
یزد	یزد	۴۸۵/۰	۱۵۶۰۵۰	مرکزی	۱۳۵۹۲۵	یزد	۱۰۲۴۰/۰	۱۶۶۲۶۲	۲۱۵۲۳۶	یزد	۱
-	خضرباد	۵۳۰۰/۰	۷۳۱۲	خضرباد							
اشکذر، زارچ	اشکذر	۵۲۰/۰	۱۹۱۵۳	اشکذر							
اردکان	اردکان	۵۲۳۲/۰	۶۲۸۵۶	مرکزی	۲۰۹۲۴	اردکان	۲۲۲۳۰/۰	۵۳۱۶۷	۶۵۳۳۳	اردکان	۲
-	خرانق	۱۶۵۹۷	۲۴۷۷	خرانق							
میبد	میبد	۳۹۱/۰	۳۱۱۶۷	میبد							
باقق	باقق	۹۸۹۶/۰	۱۸۱۱۴	مرکزی	۱۱۹۲۹	باقق	۱۷۵۴۴/۰	۱۵۱۲۷	۲۴۹۸۳	باقق	۳
-	بهباد	۷۶۴۸/۰	۶۸۶۹	بهباد							
تفت	تفت	۱۱۸۷/۰	۲۰۹۵۷	مرکزی	۶۸۶۴	تفت	۶۸۹۲/۰	۴۶۶۰۲	۵۱۲۹۷	تفت	۴
-	نیر	۵۷۰۵/۰	۳۰۳۴۰	نیر							
مهریز	مهریز	۱۰۴۱۹/۰	۳۷۳۹۵	مرکزی	۶۷۱۰	مهریز	۱۰۴۱۹/۰	۳۷۱۹۰	۳۷۳۹۵	مهریز	۵

تقسیمات کشوری

۷۴۸

ساره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	بوشهر	۸۰۳۱۹	۴۳۵۹۲	۹۸۴/۵	بوشهر	۵۸۹۵۶	مرکزی	۷۱۹۶۶	۹۳۸/۵	بوشهر	۵۸۹۵۶	بوشهر
۲	دشتستان	۹۶۸۳۸	۷۵۹۳۰	۶۱۵۰/۰	بrazجان	۳۱۶۱۱	خارک	۸۳۵۳	۴۶/۰	خارک	۸۳۵۳	خارک
۳	گناوه	۵۰۲۳۳	۳۸۱۸۶	۵۳۳۹/۰	گناوه	۱۵۲۹۴	مرکزی	۲۳۳۲۲	۱۶۴۸/۰	گناوه	۱۵۲۹۴	گناوه
۴	کنگان	۳۱۱۵۷	۲۵۱۱۹	۴۴۴۳/۵	کنگان	۴۴۶۱	ریگ	۱۱۰۲۸	۱۲۲۲/۰	ریگ	۲۰۴۵	بندرریگ
۵	دیر	۲۳۲۴۷	۱۸۵۰۰	۲۶۵۷/۰	دیر	۴۴۲۵	جم	۱۱۳۷۶	۳۱۱۹/۵	ولایت	۸۹۲	-
۶	دشتی	۲۸۲۷۶	۲۴۹۱۷	۶۰۶۵/۰	خورموج	۶۰۲۲	مرکزی	۱۸۰۰۶	۴۸۵۹/۰	بردخون	۱۵۹۱	-
۷	تنگستان	۳۱۳۳۱	۲۳۲۷۵	۲۰۰۴/۰	اهرم	۴۵۲۱	کاکي	۱۰۲۷۰	۱۲۰۶/۰	کاکي	۱۱۰۸	-
							مرکزی ساحلي	۱۹۳۳۹	۱۴۹۴/۰	اهرم	۴۵۲۱	اهرم
								۱۱۹۹۲	۵۱۰/۰	دلوار	۱۱۲۵	-

تقسیمات کشوری

استان چهارمحال بختیاری

۷۴۹

نام نقاط شهری	نام مرکز بخش	مساحت بخش	جمعیت بخش	نام بخش	جمعیت مرکز شهرستان	نام مرکز شهرستان	مساحت شهرستان	جمعیت شهرستان ۴۵	جمعیت شهرستان ۵۵	نام شهرستان	شماره ردیف
شهرکرد، فرخ شهر بن - هفشجان، سامان،	شهرکرد	۲۳۹۲/۷	۱۳۵۸۶۰	مرکزی	۴۰۳۵۹	شهرکرد	۶۹۸۵/۳	۱۳۲۶۸۹	۱۷۶۸۷۱	شهرکرد	۱
-	سلمزار	۸۰۸/۹	۲۹۶۵۳	کیار							
بروجن	بروجن	۴۵۶/۰	۳۴۷۶۵	مرکزی	۲۰۹۳۹	بروجن	۷۸۸۵/۰	۷۱۶۲۰	۹۳۹۸۵	بروجن	۲
-	اردل	۲۶۴۴/۰	۴۱۱۵۷	اردل							
-	گندمان	۱۳۰۳/۰	۲۲۷۸۶	گندمان							
فارسان، جونقان	فارسان	۴۷۳/۰	۴۰۵۰۴	مرکزی	۷۵۹۳	فارسان	۳۷۸۳/	۴۵۱۹۷	۵۵۷۳۲	فارسان	۳
-	شوراب	۳۳۱۰/۷	۱۵۲۲۸	شوراب							
لردگان	لردگان	۳۴۷۲/۰	۷۱۱۱۷	مرکزی	۴۸۱۸	لردگان	۳۴۷۲/۰	۴۸۹۴۲	۷۱۱۱۷	لردگان	۴

تقسیمات کشوری

۷۵۰

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	ایلام	۷۷۱۲۸	۴۲۵۶۶	۳۴۸۵	ایلام	۳۲۴۷۶	مرکزی	۴۳۶۵۳	۵۵۷/۰	ایلام	۳۲۴۷۶	ایلام
۲	دهلران	۵۲۲۹۵	۳۵۷۰۸	۸۶۹۰/۰	دهلران	۶۹۸۰	مرکزی	۸۳۸۳	۲۶۵۶/۰	دهلران	۶۹۸۰	دهلران
۲	مهران	۳۳۱۹۸	۱۰۳۵۲	۴۰۲۹/۰	مهران	۶۸۴۷	مرکزی	۶۷۶۵	۲۳۸۶/۰	موسیان	۱۰۳۵	موسیان
۲	مهران	۳۳۱۹۸	۱۰۳۵۲	۴۰۲۹/۰	مهران	۶۸۴۷	زین آباد	۴۳۸۱*	۱۱۸۷/۰	بهره	۲۵۲	زین آباد
۴	بدره	۳۲۵۸۱	۲۶۸۹۲	۱۴۳۵/۰	دوره شهر	۲۲۹۲	مرکزی	۱۸۸۰۳	۷۴۷/۰	دوره شهر	۲۲۹۲	دوره شهر
۵	شیروان ^۵ چرداول	۵۰۸۲۲	۴۱۸۸۹	۱۴۰۵/۰	لومار	۳۷۰	بدره	۹۷۰۵	۶۸۸/۰	آبهریالا	۱۵۹۰	بدره
							مرکزی	۵۰۸۲۲	۱۴۰۵/۰	لومار	۳۷۰	شیروان و چرداول
							آبدانان	۱۴۷۷۲	۲۴۶۱/۰	آبدانان	۴۰۵۸	آبدانان
							مرکزی	۱۸۸۰۳	۷۴۷/۰	دوره شهر	۲۲۹۲	دوره شهر
							زین آباد	۴۳۸۱*	۱۱۸۷/۰	بهره	۲۵۲	زین آباد
							مرکزی	۶۷۶۵	۲۳۸۶/۰	موسیان	۱۰۳۵	موسیان
							مرکزی	۸۳۸۳	۲۶۵۶/۰	دهلران	۶۹۸۰	دهلران
							ایوان	۱۹۱۹۹	۸۲۹/۰	جوار	۲۸۲	جوار
							مرکزی	۴۳۶۵۳	۵۵۷/۰	ایلام	۳۲۴۷۶	ایلام

تقسیمات کشوری

۷۵۲

شماره ردیف	نام شهرستان	جمعیت شهرستان ^{۵۵}	جمعیت شهرستان ^{۴۵}	مساحت شهرستان	نام مرکز شهرستان	جمعیت مرکز شهرستان	نام بخش	جمعیت بخش	مساحت بخش	نام مرکز بخش	جمعیت مرکز بخش	نام نقاط شهری
۱	بوير احمد	۸۱۴۳۵	۵۲۵۲۹	۴۴۵۲/۰	ياسوج	۴۵۲۴	مرکزی	۲۸۰۵۸	۹۷۹	ياسوج	۴۵۲۴	ياسوج
۲	کهیکلویه	۱۰۹۵۳۳	۷۱۹۰۰	۶۱۸۸/۰	دهدشت	۲۹۰۲	مرکزی	۵۳۰۰۸	۳۴۷۳/۰	لوداب	۳۰	-
							لنده	۲۵۷۹۸	-	دهدشت	۲۹۰۲	دهدشت
							لنده	۳۵۴۷۹	-	لنده	۱۰۳۷	-
							بهمنی	۲۰۷۹۰	۱۹۱۴/۰	کت	۱۷۷	-
							جرام	۲۷۴۶۶	-	تلگرد	۲۴۰۹	تلگرد
۳	گجساران	۵۹۱۰۹	۳۶۷۹۰	۳۶۲۱/۰	دوگنبدان	۲۳۴۴۱	مرکزی	۳۸۸۹۳	۲۳۸۵/۰	دوگنبدان	۲۳۴۴۱	دوگنبدان
							باشت	۱۸۰۹۹	۱۲۳۶/۰	باشت	۱۳۶۰	-

آمارهای

گوناگون

در

عصر انقلاب اسلامی ایران

میزان متوسط افزایش سالانه (درصد)	جمعیت (هزار نفر)				استان
	۱۳۶۲	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	
۲/۶۸	۴۱۰۶۸	۳۹۹۰۷	۳۸۷۸۵	۳۷۷۰۰	کل کشور
۴/۲۳	۷۱۹۲	۶۸۹۰	۶۶۰۰	۶۳۲۴	تهران
۲/۲۷	۱۳۰۱	۱۲۶۸	۱۲۳۶	۱۲۰۴	مرکزی
۲/۰۱	۱۸۲۲	۱۷۸۶	۱۷۵۰	۱۷۱۵	گیلان
۲/۵۸	۲۸۶۱	۲۷۸۸	۲۷۱۷	۲۶۴۷	مازندران
۱/۹۳	۳۶۷۹	۳۶۰۵	۳۵۳۳	۳۴۶۳	آذربایجان شرقی
۲/۵۸	۱۶۸۸	۱۶۴۵	۱۶۰۲	۱۵۶۱	آذربایجان غربی
۲/۴۳	۱۲۲۵	۱۱۹۵	۱۱۶۶	۱۱۳۷	باختران
۲/۴۷	۲۶۷۲	۲۵۹۴	۲۵۱۹	۲۴۴۸	خوزستان
۲/۵۱	۲۴۴۲	۲۳۷۹	۲۳۱۷	۲۲۵۸	فارس
۲/۵۹	۱۳۱۷	۱۲۸۲	۱۲۴۷	۱۲۱۴	کرمان
۲/۵۹	۳۹۳۸	۳۸۳۲	۳۷۳۰	۳۶۳۱	خراسان
۳/۲۱	۲۷۷۰	۲۶۷۴	۲۵۸۳	۲۴۹۵	اصفهان
۲/۷۹	۸۲۹	۸۰۲	۷۷۶	۷۵۲	سیستان و بلوچستان
۲/۳۳	۹۲۳	۹۰۱	۸۸۰	۸۶۰	کردستان
۲/۰۱	۱۲۵۳	۱۲۲۸	۱۲۰۳	۱۱۷۹	همدان
۲/۶۹	۴۷۶	۴۶۳	۴۵۱	۴۳۹	چهارمحال و بختیاری
۱/۹۶	۱۰۷۴	۱۰۵۲	۱۰۳۲	۱۰۱۱	لرستان
۰/۹۸	۲۶۶	۲۶۳	۲۶۰	۲۵۷	ایلام
۲/۴۹	۲۹۲	۲۸۵	۲۷۷	۲۷۰	بویراحمد و کهگیلویه
۲/۹۵	۴۲۸	۴۱۵	۴۰۳	۳۹۱	بوشهر
۲/۲۵	۱۳۰۹	۱۲۸۰	۱۲۵۱	۱۲۲۳	زنجان
۱/۴۸	۳۲۲	۳۱۷	۳۱۲	۳۰۸	سمنان
۲/۳۸	۴۲۴	۴۱۳	۴۰۳	۳۹۳	یزد
۲/۷۹	۵۶۸	۵۵۲	۵۳۵	۵۲۰	هرمزگان

(۱) - این برآورد براساس میزان متوسط افزایش سالانه جمعیت که در فاصله سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن مشاهده شده محاسبه گردیده است و لذا برای استانهایی که به علت بروز جنگ تحمیلی، جمعیت آنها دچار جابجائی و مهاجرت بوده اند، باید با احتیاط تلقی شود.
 ماخذ - حسن شمیرودا و دیعقوب آذری، برآورد جمعیت شهرستانهای کشور ۶۲ - ۱۳۵۹، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۱.

استخراج از: نشریات مرکز آمار ایران

استان	ولادت	فوت	اردواج	طلاق
کل کشور	۲۱۰۱۸۹۴	۲۰۰۶۱۴	۳۵۳۹۴۴	۳۱۲۲۱
تهران	۲۸۵۹۲۷	۳۲۸۲۹	۴۵۸۱۸	۸۲۰۰
مرکزی	۶۷۵۰۸	۵۹۶۶	۱۵۲۲۱	۹۰۲
گیلان	۶۵۵۵۹	۸۱۸۳	۱۶۷۲۲	۱۰۲۰
مازندران	۱۲۲۶۳۶	۱۳۴۹۲	۳۲۳۰۶	۱۶۳۳
آذربایجان شرقی	۱۷۵۸۱۸	۲۰۴۲۱	۳۳۲۲۱	۲۷۵۸
آذربایجان غربی	۹۲۲۱۷	۱۰۱۳۷	۱۳۲۰۸	۱۴۰۹
باختران	۶۵۰۷۵	۶۴۱۷	۶۸۱۳	۹۵۳
خوهرستان	۱۳۵۸۲۵	۱۰۰۲۹	۱۴۱۸۹	۱۳۵۶
فارس	۱۴۱۶۸۶	۱۰۵۹۴	۲۰۰۲۸	۱۳۵۴
کرمان	۷۸۸۶۴	۶۸۱۰	۱۱۷۷۵	۹۴۰
خراسان	۲۱۶۴۳۰	۲۳۲۲۰	۴۲۲۶۳	۲۹۴۱
اصفهان	۱۲۰۸۲۳	۱۲۵۱۰	۲۳۷۱۰	۱۱۶۰
سیستان و بلوچستان	۷۷۳۷۵	۲۷۰۷	۲۶۷۷	۲۰۳
کردستان	۵۶۳۵۶	۴۳۵۶	۹۷۶۷	۱۲۰۳
همدان	۶۵۵۷۲	۶۰۵۶	۱۶۱۴۴	۱۴۸۱
چهارمحال و بختیاری	۳۱۹۲۱	۲۴۱۵	۵۵۲۳	۲۴۷
لرستان	۸۰۰۳۱	۴۹۴۴	۹۹۶۴	۱۱۵۴
ایلام	۱۸۷۲۳	۱۴۸۴	۱۹۸۳	۱۳۱
بویراحمد و کهکیلویه	۲۸۷۳۶	۱۴۰۳	۱۳۰۰	۵۹
بوشهر	۲۷۴۲۰	۲۲۴۸	۴۴۷۵	۴۵۹
رنجان	۷۱۵۱۲	۷۶۵۷	۱۵۱۰۰	۱۰۴۰
سمنان	۱۴۱۸۷	۲۳۵۳	۴۲۸۱	۱۹۸
یرد	۲۱۸۷۷	۲۵۷۸	۵۰۲۴	۱۶۸
هرمرگان	۳۹۸۱۶	۱۸۰۵	۲۴۳۲	۲۵۲

ماخذ - سازمان ثبت احوال کشور ، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی .

جمعیت کشور بر حسب گروههای سنی
(هزار نفر)

۷۵۶

سرشماری ۱۳۴۵		سرشماری ۱۳۵۵		برآورد ۱۳۶۰		گروه سنی
جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	
۲۵۷۸۹	۱۰۰/۰	۳۳۷۰۹	۱۰۰/۰	۳۸۷۸۴	۱۰۰/۰	جمع
۴۵۵۷	۱۷/۷	۵۴۳۰	۱۶/۱	۶۳۵۴	۱۶/۵	۰ - ۴ ساله
۴۲۳۳	۱۶/۴	۵۲۷۷	۱۵/۶	۵۴۵۵	۱۴/۱	۵ - ۹ ساله
۳۰۹۸	۱۲/۰	۴۳۰۳	۱۲/۸	۵۰۴۹	۱۳/۰	۱۰ - ۱۴ ساله
۲۱۸۱	۸/۴	۳۶۰۰	۱۰/۷	۴۵۶۹	۱۱/۸	۱۵ - ۱۹ ساله
۱۷۲۳	۶/۷	۲۷۹۲	۸/۳	۳۷۰۴	۹/۵	۲۰ - ۲۴ ساله
۱۶۹۹	۶/۶	۲۱۱۲	۶/۳	۲۸۵۳	۷/۴	۲۵ - ۲۹ ساله
۱۷۲۳	۶/۷	۱۷۰۷	۵/۱	۲۲۹۲	۵/۹	۳۰ - ۳۴ ساله
۱۴۶۱	۵/۷	۱۶۲۷	۴/۸	۱۸۵۹	۴/۸	۳۵ - ۳۹ ساله
۱۳۶۰	۵/۳	۱۶۶۹	۵/۰	۱۵۵۷	۴/۰	۴۰ - ۴۴ ساله
۸۶۶	۳/۳	۱۳۸۹	۴/۱	۱۳۵۸	۳/۵	۴۵ - ۴۹ ساله
۷۶۷	۳/۰	۱۳۲۹	۳/۹	۱۱۳۰	۲/۹	۵۰ - ۵۴ ساله
۴۳۷	۱/۷	۷۰۴	۲/۱	۸۷۱	۲/۲	۵۵ - ۵۹ ساله
۶۹۱	۲/۷	۵۸۴	۱/۷	۶۳۰	۱/۶	۶۰ - ۶۴ ساله
۹۹۳	۳/۸	۱۱۸۶	۳/۵	۱۱۰۳	۲/۸	۶۵ ساله و بالاتر

ماءخذ : مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵.

برآورد جمعیت کشور تا سال ۱۳۶۰
(هزار نفر)

سال	کل جمعیت	جمعیت شهری		جمعیت روستائی و چادر نشین
		تعداد	درصد شهر نشین	
۱۳۰۰	۹۷۰۷	۲۷۱۸	۲۸/۰	۶۹۸۹
۱۳۱۰	۱۱۱۸۵	۳۲۱۰	۲۸/۷	۷۹۷۵
۱۳۲۰	۱۲۸۳۳	۳۷۷۳	۲۹/۴	۹۰۶۰
۱۳۳۰	۱۶۲۳۷	۴۹۳۶	۳۰/۴	۱۱۳۰۱
۱۳۴۰	۲۲۳۷۲	۷۷۱۸	۳۴/۵	۱۴۶۵۴
۱۳۵۰	۳۰۰۲۰	۱۲۳۹۸	۴۱/۳	۱۷۶۲۲
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۱۵۸۵۵	۴۷/۰	۱۷۸۵۴
۱۳۵۶	۳۴۶۵۷	۱۶۶۲۸	۴۸/۰	۱۸۰۲۹
۱۳۵۷	۳۵۶۳۶	۱۷۴۳۳	۴۸/۹	۱۸۲۰۳
۱۳۵۸	۳۶۶۴۹	۱۸۲۶۷	۴۹/۸	۱۸۳۸۲
۱۳۵۹	۳۷۶۹۸	۱۹۱۵۷	۵۰/۸	۱۸۵۴۱
۱۳۶۰	۳۸۷۸۴	۲۰۰۸۵	۵۱/۸	۱۸۶۹۹

ماءخذ : مرکز آمار ایران . محاسبه در مدیریت آمارهای اجتماعی و نفوس .

مناطق روستایی		مناطق شهری		کل کشور			گروه سنی
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	جمع	
۹۹۵۴	۱۰۳۵۰	۹۷۶۷	۱۰۷۰۸	۱۹۷۲۱	۲۱۰۵۸	۴۰۷۷۹	جمع
۱۹۴۱	۲۱۲۴	۱۵۰۵	۱۶۰۵	۳۴۴۶	۳۷۲۹	۷۱۷۵	۰-۴ ساله
۱۴۶۸	۱۶۲۱	۱۲۵۳	۱۳۲۹	۲۷۲۱	۲۹۵۰	۵۶۷۱	۵-۹ ساله
۱۱۲۷	۱۲۱۵	۱۱۹۷	۱۲۶۷	۲۳۲۴	۲۴۸۲	۴۸۰۶	۱۰-۱۴ ساله
۹۱۰	۸۹۲	۱۰۹۳	۱۲۲۸	۲۰۰۳	۲۱۲۰	۴۱۲۳	۱۵-۱۹ ساله
۶۹۶	۶۳۹	۹۹۹	۱۱۶۶	۱۶۹۵	۱۸۰۵	۳۵۰۰	۲۰-۲۴ ساله
۶۱۲	۶۰۲	۸۲۸	۹۳۶	۱۴۴۰	۱۵۳۸	۲۹۷۸	۲۵-۲۹ ساله
۶۱۵	۶۲۲	۶۱۰	۶۹۰	۱۲۲۵	۱۳۱۲	۲۵۳۷	۳۰-۳۴ ساله
۵۸۳	۶۱۶	۴۵۶	۵۰۰	۱۰۳۹	۱۱۱۶	۲۱۵۵	۳۵-۳۹ ساله
۴۸۲	۵۰۸	۳۹۶	۴۳۶	۸۷۸	۹۴۴	۱۸۲۲	۴۰-۴۴ ساله
۳۷۵	۳۶۵	۳۶۳	۴۲۵	۷۳۸	۷۹۰	۱۵۲۸	۴۵-۴۹ ساله
۳۰۳	۳۰۶	۳۰۹	۳۴۶	۶۱۲	۶۵۲	۱۲۶۴	۵۰-۵۴ ساله
۲۲۳	۲۱۵	۲۷۴	۳۰۸	۴۹۷	۵۲۳	۱۰۲۰	۵۵-۵۹ ساله
۲۳۳	۲۲۱	۱۵۸	۱۸۳	۳۹۱	۴۰۴	۷۹۵	۶۰-۶۴ ساله
۱۶۹	۱۷۷	۱۲۲	۱۱۷	۲۹۱	۲۹۴	۵۸۵	۶۵-۶۹ ساله
۱۲۵	۱۳۱	۷۵	۶۲	۲۰۰	۱۹۳	۳۹۳	۷۰-۷۴ ساله
۵۱	۵۳	۷۰	۵۷	۱۲۱	۱۱۰	۲۳۱	۷۵-۷۹ ساله
۳۰	۲۸	۳۵	۳۲	۶۵	۶۱	۱۲۶	۸۰-۸۴ ساله
۱۱	۱۵	۲۴	۲۰	۳۵	۳۵	۷۰	۸۵ ساله و بالاتر

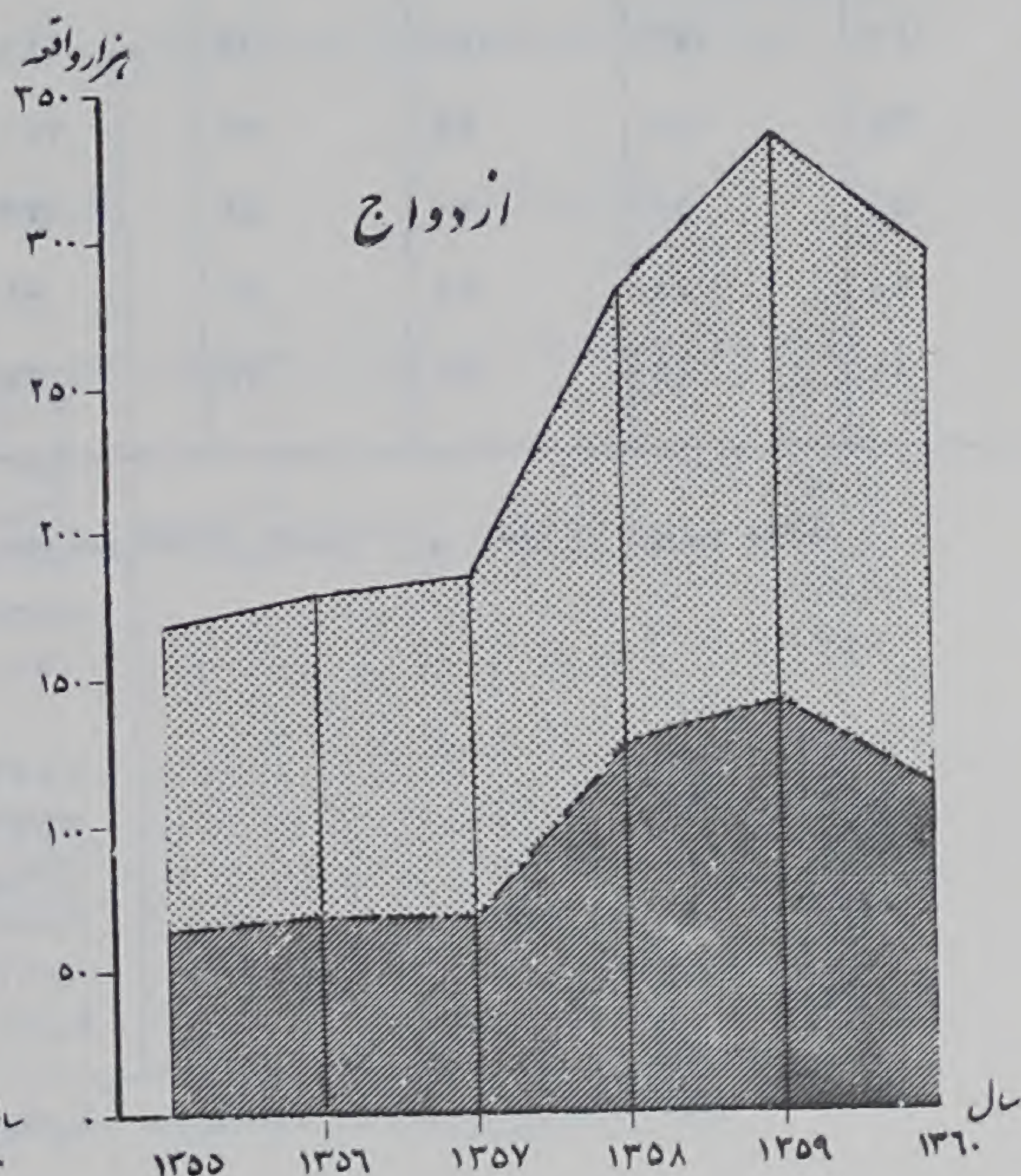
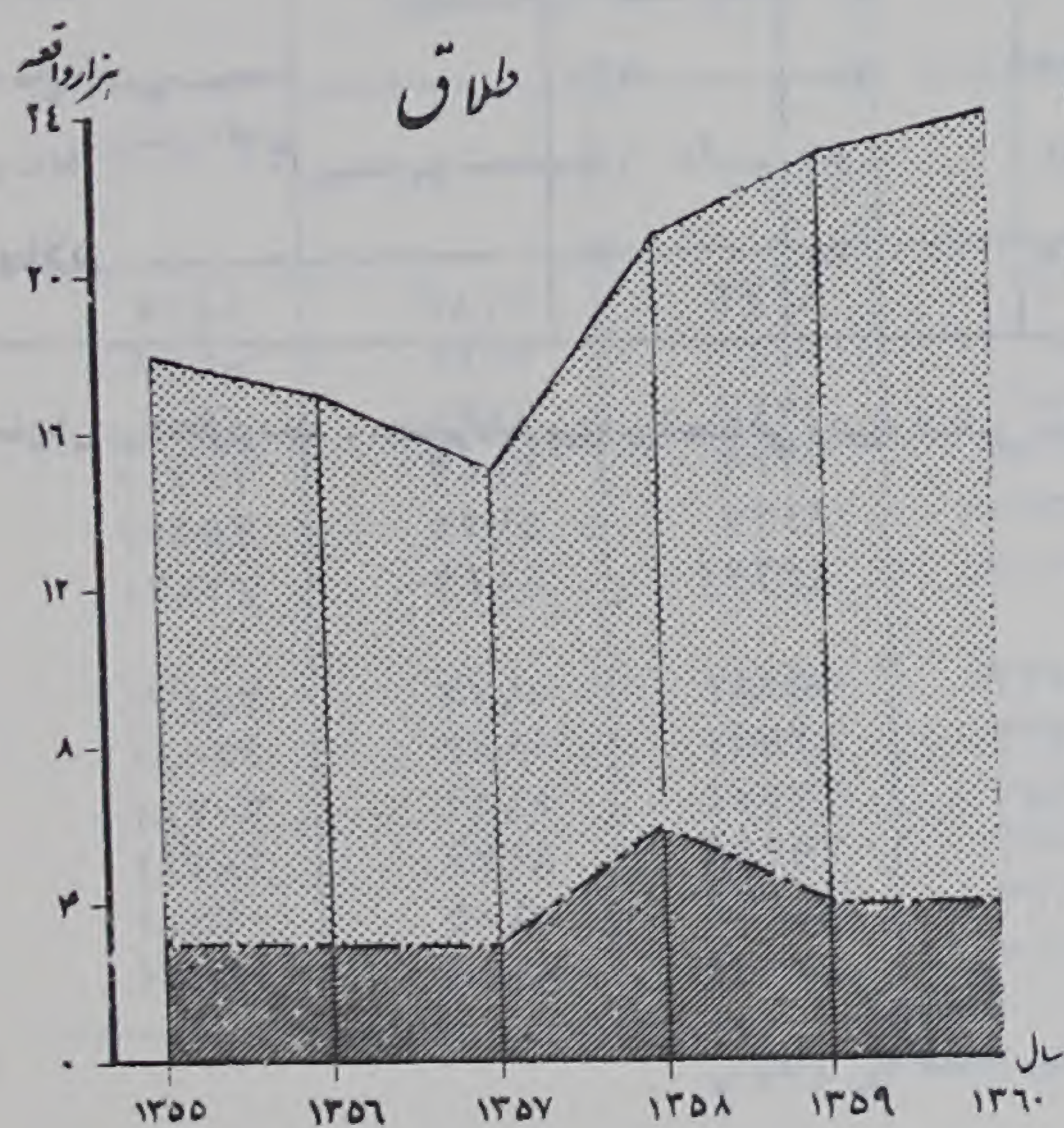
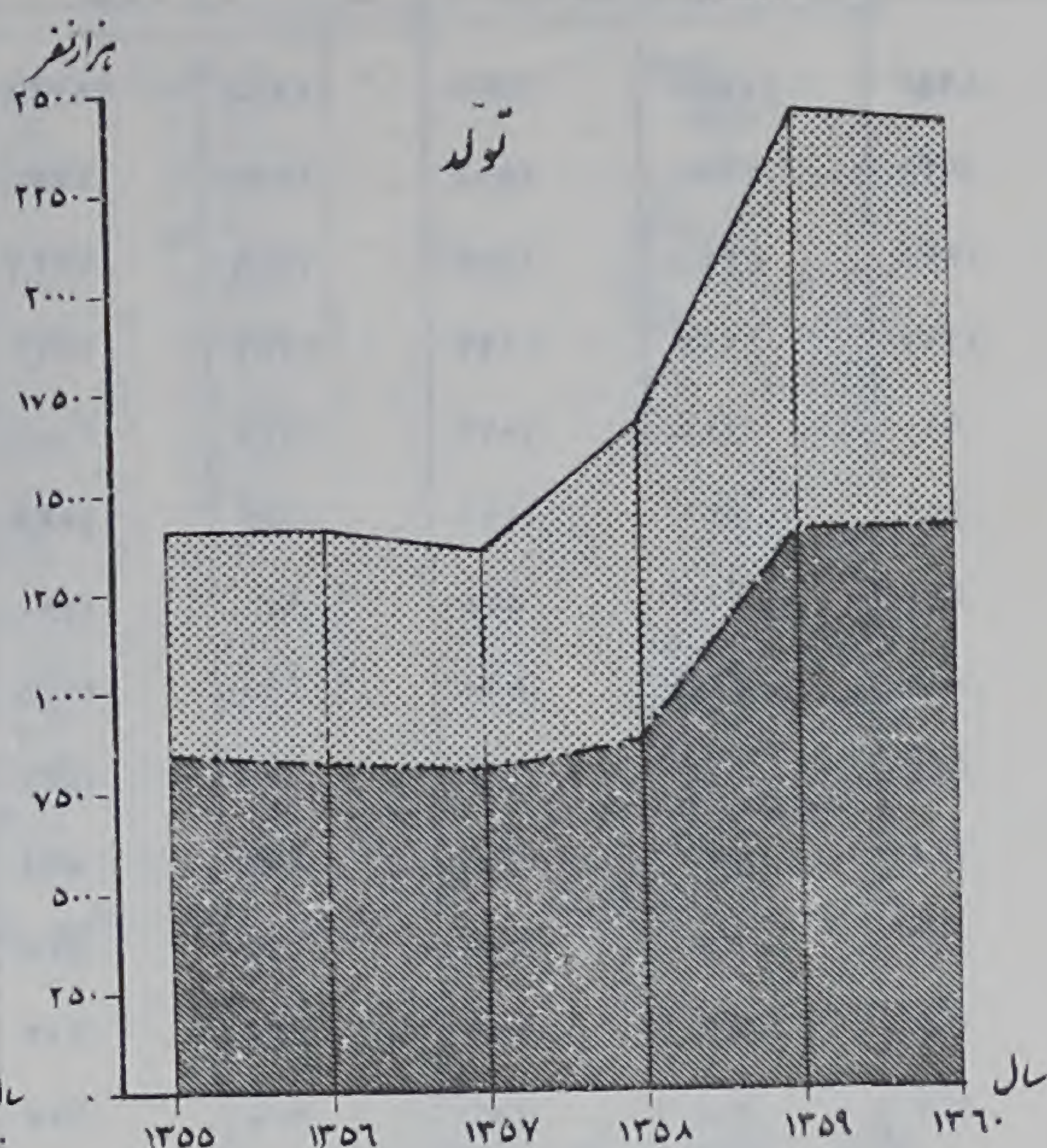
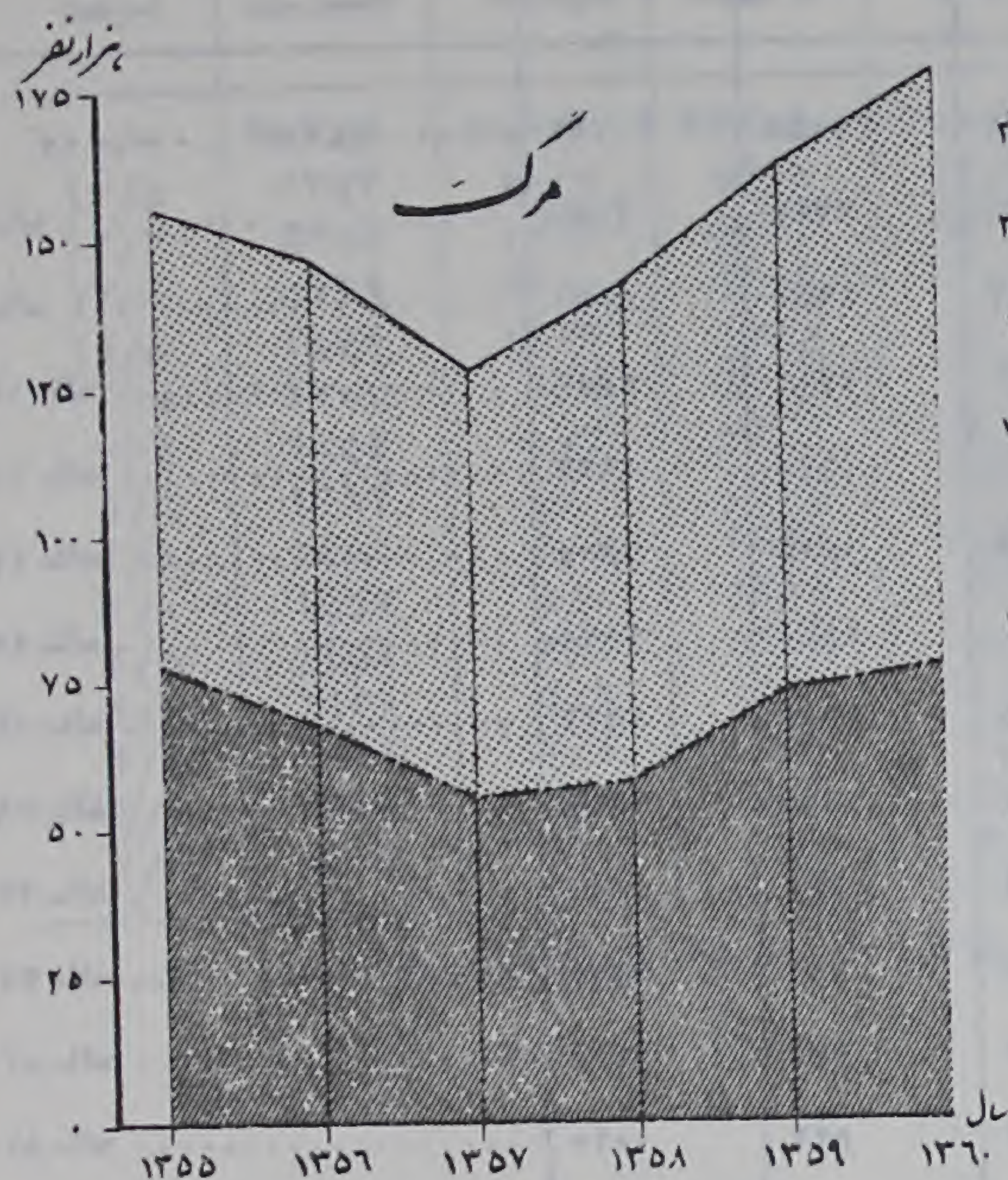
ماخذ - سازمان برنامه و بودجه ، دفتر برنامه ریزی امور اجتماعی و نیروی انسانی ، پیش بینی مقدماتی جمعیت ایران ، تهران : شهریور ۱۳۶۰

وقایع حیاتی ثبت شده کشور

۱۳۵۵-۶۰

شهری
روستائی

۷۵۸



وزارتخانه یا موسسه	جمع	مرد	زن
جمع	۱۱۷۷۴۶۰	۸۴۷۳۰۵	۳۳۰۱۵۵
نخست‌وزیری	۲۶۷۱۳	۱۷۳۶۳	۹۳۵۰
آموزش و پرورش	۵۰۸۰۴۸	۲۹۲۷۳۲	۲۱۵۳۱۶
ارشاد اسلامی	۷۱۹۹	۵۵۲۵	۱۶۷۴
امور اقتصادی و دارائی	۹۹۶۰۴	۸۷۰۶۳	۱۲۵۴۱
امور خارجه	۲۱۱۰	۱۶۸۷	۴۲۳
باررگانی	۱۰۷۳۲	۹۳۸۰	۱۳۵۲
بهداری	۱۲۷۴۸۴	۸۲۰۶۶	۴۵۴۱۸
پست و تلگراف و تلفن	۴۲۷۲۱	۳۷۸۷۸	۴۸۴۳
دادگستری	۱۵۰۴۷	۱۳۸۲۴	۱۲۲۳
راه و ترابری	۴۹۷۶۱	۴۷۹۶۵	۱۷۹۶
صنایع	۱۸۸۸۴	۱۷۷۰۸	۱۱۷۶
فرهنگ و آموزش عالی	۴۷۸۶۶	۳۲۵۷۲	۱۵۲۹۴
کار و امور اجتماعی	۶۷۱۴	۵۶۶۳	۱۰۵۱
کشاورزی و عمران روستائی	۵۳۰۶۱	۴۹۷۸۶	۳۲۷۵
کشور	۲۵۱۰۱	۲۱۶۰۷	۳۴۹۴
مسکن و شهرسازی	۳۹۴۰	۳۲۴۷	۶۹۳
معادن و فلزات	۴۹۳۱۶	۴۷۹۹۹	۱۳۱۷
نیرو	۲۹۵۲۷	۲۷۲۹۱	۲۲۳۶
نفت	۲۵۳۲۹	۲۱۴۵۰	۳۸۷۹
صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران	۹۶۶۹	۸۱۸۱	۱۴۸۸
دفاع	۱۸۶۳۴	۱۶۳۱۸	۲۳۱۶

ماخذ - سازمان امور اداری و استخدامی کشور، دفتر آمار و برنامه ریزی نیروی انسانی.

(۱)			دوره تحصیلی و جنس
۱۳۶۱ - ۶۲	۱۳۶۰ - ۶۱	۱۳۵۹ - ۶۰	
۸۷۰۰۸۵۰	۸۵۷۱۵۷۶	۷۸۸۷۶۱۶	پسر و دختر
۱۷۷۵۲۵	۱۹۵۹۸۹	۱۷۲۰۰۳	کودکستان
۵۵۹۲۸۰۸	۵۲۸۹۵۳۳	۴۷۹۸۵۹۲	ابتدائی
۱۷۱۷۰۹۷	۱۷۵۲۱۷۰	۱۵۷۵۰۶۴	راهنمائی تحصیلی
۸۴۹۰۵۴	۹۲۹۰۳۸	۹۴۱۵۲۸	متوسطه عمومی
۸۰۱۰۸	۹۱۶۱۵	۱۰۵۸۰۳	آموزش فنی
۳۸۲۰	۴۶۲۷	۵۸۵۱	آموزش کشاورزی
۴۳۴۶۱	۶۲۲۴۸	۸۷۷۱۲	آموزش خدمات
۰	۰	۲۵۰۳	آموزشگاه حرفه‌ای
۱۸۵۶۹	۱۷۳۹۰	۶۱۶۶	تربیت معلم
۱۲۷۷۸	۱۰۵۵۸	۸۷۵۹	آموزش کودکان استثنائی
			آموزش بزرگسالان
۱۱۹۱۲۹	۱۱۳۲۶۵	۸۸۱۲۹	دوره عمومی
۸۶۵۰۱	۱۰۵۱۲۳	۹۵۵۰۶	دوره تکمیلی
۵۲۱۵۱۴۵	۵۲۲۰۸۴۶	۴۸۴۲۱۸۵	پسر
۹۲۱۹۶	۱۰۳۴۳۵	۹۰۸۴۰	کودکستان
۳۳۰۸۲۰۸	۳۱۷۳۳۹۳	۲۸۹۹۰۸۶	ابتدائی
۱۰۵۵۴۶۶	۱۰۷۹۷۶۶	۹۷۵۳۵۹	راهنمائی تحصیلی
۴۶۷۰۶۳	۵۳۶۱۸۳	۵۵۶۷۳۷	متوسطه عمومی
۷۹۹۵۷	۹۱۲۸۰	۱۰۵۳۳۶	آموزش فنی
۳۸۲۰	۴۶۲۳	۵۷۳۹	آموزش کشاورزی
۲۵۹۴۱	۴۰۶۱۶	۵۶۶۴۲	آموزش خدمات
۰	۰	۲۴۰۷	آموزشگاه حرفه‌ای
۱۴۴۸۲	۱۲۵۹۶	۴۱۲۴	تربیت معلم
۸۱۵۱	۶۵۹۶	۵۳۴۶	آموزش کودکان استثنائی
			آموزش بزرگسالان
۹۵۱۹۳	۹۰۸۴۴	۶۷۵۸۱	دوره عمومی
۶۴۶۶۸	۸۱۵۱۴	۷۲۹۸۸	دوره تکمیلی
۳۴۸۵۷۰۵	۳۳۵۰۷۳۰	۳۰۴۵۴۳۱	دختر
۸۵۳۲۹	۹۲۵۵۴	۸۱۱۶۳	کودکستان
۲۲۸۴۶۰۰	۲۱۱۶۱۴۰	۱۸۹۹۵۰۶	ابتدائی
۶۶۱۶۳۱	۶۷۲۴۰۴	۵۹۹۷۰۵	راهنمائی تحصیلی
۳۸۱۹۹۱	۳۹۲۸۵۵	۳۸۴۷۹۱	متوسطه عمومی
۱۵۱	۳۳۵	۴۶۷	آموزش فنی
۰	۲۴	۱۱۲	آموزش کشاورزی
۱۷۵۲۰	۲۱۶۳۲	۳۱۰۷۰	آموزش خدمات
۰	۰	۹۶	آموزشگاه حرفه‌ای
۴۰۸۷	۴۷۹۴	۲۰۴۲	تربیت معلم
۴۶۲۷	۳۹۶۲	۳۴۱۳	آموزش کودکان استثنائی
			آموزش بزرگسالان
۲۳۹۳۶	۲۲۴۲۱	۲۰۵۴۸	دوره عمومی
۲۱۸۳۳	۲۳۶۰۹	۲۲۵۱۸	دوره تکمیلی

(۱) - به علت جنگ تحصیلی در استان خوزستان و برخی مناطق غرب کشور آمارگیری آموزشی صورت نگرفته است. ماخذ - وزارت آموزش و پرورش، دفتر کل هماهنگی طرحها و برنامه ریزیهای توسعه، خلاصه آمار آموزش و پرورش - تفکیک دوره‌های مختلف تحصیلی (سالهای تحصیلی ۶۲ - ۱۳۵۹).

تعداد کلاس	تعداد آموزشگاه	دانش آموزان			سطوح تحصیلی
		دختر	پسر	جمع	
۳۲۱۶۵۶	۶۱۹۶۷	۳۴۸۵۷۰۵	۵۲۱۵۱۴۵	۸۷۰۰۸۵۰	کل کشور
۵۹۲۹	۲۴۱۰	۸۵۳۲۹	۹۲۱۹۶	۱۷۷۵۲۵	کودستان
۲۱۸۱۳۱	۴۵۴۹۰	۲۲۸۴۶۰۰	۳۳۰۸۲۰۸	۵۵۹۲۸۰۸	ابتدائی
۵۸۰۵۷	۹۳۱۲	۶۶۱۶۳۱	۱۰۵۵۴۶۶	۱۷۱۷۰۹۷	راهنمایی تحصیلی
۲۶۸۸۳	۲۸۰۷	۳۸۱۹۹۱	۴۶۷۰۶۳	۸۴۹۰۵۴	متوسطه عمومی
۲۹۰۶	۲۷۰	۱۵۱	۷۹۹۵۷	۸۰۱۰۸	آموزش فنی
۱۳۲	۳۶	۰	۳۸۲۰	۳۸۲۰	آموزش کشاورزی
۱۵۲۶	۲۸۹	۱۷۵۲۰	۲۵۹۴۱	۴۳۴۶۱	آموزش خدمات
۵۳۱	۷۸	۴۰۸۷	۱۴۴۸۲	۱۸۵۶۹	تربیت معلم
۱۶۲۸	۲۰۷	۴۶۲۷	۸۱۵۱	۱۲۷۷۸	آموزش کودکان استثنائی
					آموزش بزرگسالان:
۳۴۷۳	۶۷۹	۲۳۹۳۶	۹۵۱۹۳	۱۱۹۱۲۹	دوره عمومی
۲۴۶۰	۳۸۹	۲۱۸۳۳	۶۴۶۶۸	۸۶۵۰۱	دوره تکمیلی
۱۶۴۶۷۷	۱۷۱۶۳	۲۳۰۸۲۲۵	۲۹۴۶۶۵۱	۵۲۵۴۸۷۶	جمع شهری
۴۸۳۲	۱۶۵۵	۷۱۴۸۲	۷۷۱۸۷	۱۴۸۶۶۹	کودستان
۸۶۷۱۹	۷۸۵۱	۱۲۶۹۶۵۵	۱۴۷۴۹۲۱	۲۷۴۴۵۷۶	ابتدائی
۳۷۴۵۱	۳۸۹۲	۵۳۴۱۷۲	۶۹۷۱۶۷	۱۲۳۱۲۳۹	راهنمایی تحصیلی
۲۳۵۹۴	۲۰۱۲	۳۶۲۳۸۶	۴۱۷۹۶۵	۷۸۰۳۵۱	متوسطه عمومی
۲۸۰۵	۲۵۴	۱۵۱	۷۷۷۴۷	۷۷۸۹۸	آموزش فنی
۱۱۹	۲۷	۰	۳۳۶۰	۳۳۶۰	آموزش کشاورزی
۱۵۲۰	۲۸۵	۱۷۴۹۷	۲۵۸۲۳	۴۳۳۲۰	آموزش خدمات
۵۳۱	۷۸	۴۰۸۷	۱۴۴۸۲	۱۸۵۶۹	تربیت معلم
۱۶۲۸	۲۰۷	۴۶۲۷	۸۱۵۱	۱۲۷۷۸	آموزش کودکان استثنائی
					آموزش بزرگسالان:
۳۰۷۹	۵۳۸	۲۲۶۱۸	۸۶۳۵۷	۱۰۸۹۷۵	دوره عمومی
۲۳۹۷	۳۶۴	۲۱۵۵۰	۶۳۴۹۱	۸۵۰۴۱	دوره تکمیلی
۱۵۶۹۷۹	۴۴۸۰۴	۱۱۷۷۴۸۰	۲۲۶۸۴۹۴	۳۴۴۵۹۷۴	جمع روستائی
۱۰۹۵	۷۵۵	۱۳۸۴۷	۱۵۰۰۹	۲۸۸۵۶	کودستان
۱۳۱۴۱۲	۳۷۶۳۹	۱۰۱۴۹۴۵	۱۸۳۳۲۸۷	۲۸۴۸۲۳۲	ابتدائی
۲۰۶۰۶	۵۴۲۰	۱۲۷۴۵۹	۳۵۸۲۹۹	۴۸۵۷۵۸	راهنمایی تحصیلی
۳۲۸۹	۷۹۵	۱۹۶۰۵	۴۹۰۹۸	۶۸۷۰۳	متوسطه عمومی
۱۰۱	۱۶	۰	۲۲۱۰	۲۲۱۰	آموزش فنی
۱۳	۹	۰	۴۶۰	۴۶۰	آموزش کشاورزی
۶	۴	۲۳	۱۱۸	۱۴۱	آموزش خدمات
					آموزش بزرگسالان:
۳۹۴	۱۴۱	۱۳۱۸	۸۸۳۶	۱۰۱۵۴	دوره عمومی
۶۳	۲۵	۲۸۳	۱۱۷۷	۱۴۶۰	دوره تکمیلی

ماخذ - وزارت آموزش و پرورش. دفتر کل هماهنگی طرحها و برنامه ریزیهای توسعه. خلاصه آمار آموزش و پرورش به تفکیک دوره های مختلف تحصیلی در سال ۶۲ - ۱۳۶۱.

استان	جمع	کودکستان	ابتدائی	راهنمای تحصیلی	متوسطه عمومی	آموزش فنی
کل کشور	۸۷۰۰۸۵۰	۱۷۷۵۲۵	۵۵۹۲۸۰۸	۱۷۱۷۰۹۷	۸۴۹۰۵۴	۸۰۱۰۸
تهران	۱۵۹۴۳۴۶	۲۸۴۵۶	۸۶۷۳۸۳	۳۷۶۹۱۵	۲۱۹۴۵۴	۲۱۸۵۱
مرکزی	۳۰۷۴۸۸	۱۴۵۳	۲۱۷۸۹۵	۵۵۳۱۷	۲۴۳۰۷	۲۲۳۰
گیلان	۴۶۹۸۸۲	۹۱۰۹	۲۷۸۸۲۹	۱۰۴۳۱۱	۵۲۴۴۳	۴۸۸۰
مارندران	۷۰۷۴۵۷	۱۶۲۲۱	۴۴۱۶۷۷	۱۴۵۹۲۱	۷۴۴۱۶	۴۶۲۷
آذربایجان شرقی	۶۷۱۱۷۷	۱۳۹۴۶	۴۸۰۳۴۴	۱۰۰۸۸۶	۴۹۶۱۲	۴۱۵۱
آذربایجان غربی	۲۹۸۲۲۲	۹۶۲۰	۱۸۱۲۸۰	۶۳۱۴۸	۳۲۷۸۰	۲۵۶۱
باختران	۲۴۷۹۴۳	۱۱۷۵	۱۵۶۶۱۸	۵۲۸۳۲	۲۷۸۵۷	۱۱۵۶
خوزستان	۴۵۷۹۵۳	۳۵۱۶	۲۹۶۵۵۵	۸۸۹۴۳	۴۷۳۴۲	۴۰۸۰
فارس	۵۸۹۲۴۹	۲۲۶۲۸	۳۷۴۴۱۰	۱۱۶۹۸۹	۵۹۳۶۵	۴۷۲۱
کرمان	۲۹۱۴۳۱	۴۳۳۷	۱۸۹۸۸۲	۵۸۹۷۸	۲۸۴۱۸	۳۵۷۲
خراسان	۷۹۶۱۶۲	۲۰۲۶۱	۵۴۴۷۵۱	۱۴۳۵۵۶	۶۳۰۲۶	۶۸۰۱
اصفهان	۶۳۷۹۴۸	۱۴۶۲۲	۴۱۸۹۸۱	۱۲۴۰۵۲	۵۵۳۴۴	۷۳۱۵
سیستان و بلوچستان	۱۳۳۷۲۵	۴۲۴۹	۸۸۰۳۸	۲۶۹۴۹	۹۳۲۲	۱۴۷۰
کردستان	۱۰۷۶۹۷	۸۳۴	۷۳۷۲۱	۲۰۰۵۲	۸۸۹۳	۷۹۹
همدان	۲۴۸۲۳۵	۶۵۶۱	۱۷۹۳۱۹	۴۰۴۲۸	۱۵۱۰۹	۱۲۹۶
چهارمحال و بختیاری	۱۰۸۰۱۱	۶۷۰	۷۹۱۶۸	۱۸۴۷۷	۶۷۸۸	۸۰۷
لرستان	۲۲۰۹۱۹	۲۷۶۴	۱۵۶۴۸۹	۳۶۵۹۹	۱۶۴۶۴	۱۰۷۱
ایلام	۶۳۱۶۷	۰	۴۲۳۹۲	۱۲۹۳۱	۵۳۹۷	۳۶۰
بویراحمد و کهگیلویه	۶۷۷۵۱	۹۶۰	۴۶۰۴۲	۱۴۰۶۱	۴۵۳۱	۵۸۹
بوشهر	۱۰۹۰۵۵	۳۹۳۰	۷۲۰۶۲	۲۱۱۴۲	۸۵۰۸	۴۴۲
زنجان	۲۶۳۶۴۸	۲۸۸۹	۲۰۰۷۸۲	۳۷۶۶۰	۱۴۳۸۳	۱۸۷۳
سمنان	۸۵۲۱۷	۴۱۸۶	۴۹۸۹۵	۱۸۷۶۰	۸۸۴۵	۱۳۰۷
یزد	۱۰۲۵۵۵	۲۹۹۴	۶۸۳۷۶	۱۸۰۵۷	۸۵۷۷	۱۶۶۶
هرمزگان	۱۱۰۹۴۵	۲۱۴۴	۸۱۱۹۰	۱۷۵۹۳	۶۴۷۵	۴۸۳
مدارس خارج کشور	۱۰۶۶۷	۰	۶۷۲۹	۲۵۴۰	۱۳۹۸	۰

ماخذ - وزارت آموزش و پرورش، دفتر کل هماهنگی طرحها و برنامه ریزیهای توسعه، خلاصه آمار آموزش و پرورش به تفکیک دوره های مختلف تحصیلی در سال ۶۲ - ۱۳۶۱

استان	آموزش کشاورزی	آموزش خدمات	تربیت معلم	آموزش کودکان استثنائی	دوره عمومی آموزش بزرگسالان	دوره تکمیلی آموزش بزرگسالان
کل کشور	۳۸۲۰	۴۳۴۶۱	۱۸۵۶۹	۱۲۷۷۸	۱۱۹۱۲۹	۸۶۵۰۱
تهران	۵۹	۱۱۰۲۱	۴۶۳۴	۵۴۳۷	۳۱۶۴۹	۲۷۴۸۷
مرکزی	۰	۷۲۶	۴۴۹	۳۱۸	۲۱۹۶	۲۵۹۷
گیلان	۲۴۲	۴۶۴۸	۴۹۹	۶۶۲	۹۲۹۱	۴۹۶۸
مازندران	۵۸۲	۴۵۳۱	۱۲۶۳	۸۲۹	۹۳۶۸	۸۰۲۲
آذربایجان شرقی	۷۳۸	۱۷۶۹	۱۴۶۰	۴۳۳	۱۲۷۷۰	۵۰۶۸
آذربایجان غربی	۱۸۱	۱۲۹۱	۵۰۴	۲۳۶	۴۲۰۸	۲۴۱۳
باختران	۰	۷۹۴	۳۳۳	۱۰۱	۳۸۷۶	۳۲۰۱
خوزستان	۱۶۲	۲۴۶۱	۷۳۶	۵۹۸	۷۸۳۱	۵۷۲۹
فارس	۲۵۰	۱۸۵۶	۱۴۳۲	۷۹۶	۳۵۴۱	۳۲۶۱
کرمان	۳۶۶	۱۷۶۸	۵۸۶	۲۲۴	۱۹۰۰	۱۴۰۰
خراسان	۲۲۲	۳۵۹۹	۱۶۳۹	۸۵۰	۷۰۵۵	۴۴۰۲
اصفهان	۴۰۶	۳۲۴۶	۱۲۲۷	۷۹۱	۶۲۱۰	۵۷۵۴
سیستان و بلوچستان	۱۶۴	۱۱۹۷	۱۷۴	۷۹	۱۴۴۴	۶۳۹
کردستان	۰	۲۹۶	۰	۶۰	۲۳۶۳	۶۷۹
همدان	۱۲۰	۶۸۲	۵۱۱	۲۷۲	۲۱۶۹	۱۷۶۸
چهارمحال و بختیاری	۱۳۳	۲۶۸	۵۴۸	۸۰	۷۴۳	۳۲۹
لرستان	۰	۴۷۶	۲۵۲	۱۹۰	۴۴۴۰	۲۱۷۴
ایلام	۰	۱۰۳	۰	۰	۱۲۵۰	۷۳۴
بویراحمد و کهگیلویه	۰	۴۵۴	۲۴۴	۲۸	۵۹۴	۲۴۸
بوشهر	۰	۳۲۶	۲۵۸	۱۴۶	۱۱۳۰	۱۱۱۱
رنگان	۷۰	۷۶۴	۶۷۴	۲۳۵	۲۵۱۹	۱۷۹۹
سمنان	۶۱	۳۳۹	۲۴۱	۲۰۳	۷۷۷	۶۰۳
یزد	۶۴	۴۰۹	۷۰۲	۱۰۶	۷۶۶	۸۳۸
هرمزگان	۰	۴۳۷	۲۰۳	۱۰۴	۱۰۳۹	۱۲۷۷
مدارس خارج از کشور	۰	۰	۰	۰	۰	۰

آموزشیاران مشغول تدریس	کلاسهای تشکیل شده	نواموزان (۱) کارنامه گرفته	نواموزان ثبت نام کرده	استان
۳۶۴۴۱	۵۰۶۹۶	۳۴۴۲۸۵	۹۴۰۵۶۳	جمع
۲۴۰۷	۲۳۳۴	۸۲۳۸	۴۷۵۹۷	تهران
۱۶۷۹	۲۰۴۵	۱۷۰۵۱	۳۹۰۲۲	مرکزی
۲۵۹۹	۳۶۱۳	۲۴۵۵۶	۷۲۶۰۲	گیلان
۲۹۸۳	۳۶۴۵	۳۱۱۸۵	۶۶۷۸۴	مازندران
۳۴۰۲	۴۵۵۹	۳۰۰۳۱	۹۵۲۷۷	آذربایجان شرقی
۱۸۴۰	۲۷۱۶	۱۲۶۰۵	۴۶۸۵۸	آذربایجان غربی
۱۱۴۱	۱۵۹۹	۹۶۸۸	۳۱۱۰۸	باختران
۱۶۳۰	۲۲۷۱	۱۲۵۰۵	۴۰۰۶۷	خوزستان
۲۳۲۸	۲۹۶۰	۱۶۵۳۵	۵۲۲۶۰	فارس
۱۱۶۴	۱۴۶۵	۸۸۰۷	۲۸۹۸۰	کرمان
۲۹۹۰	۴۵۷۷	۵۳۴۲۳	۱۱۱۰۸۲	خراسان
۳۰۳۹	۴۷۲۱	(۲) ۳۳۹۱۲	۹۶۵۵۵	اصفهان
۶۱۰	۷۶۳	۴۲۱۸	۱۰۷۴۴	سیستان و بلوچستان
۴۰۹	۲۳۳۴	۴۱۵۸	۵۱۴۲	کردستان
۹۸۵	(۱) ۱۷۵۷	۱۱۵۶۵	۳۵۳۰۲	همدان
۶۲۶	(۱) ۶۸۱	۵۷۲۵	۱۰۷۸۱	چهارمحال و بختیاری
۱۳۴۲	(۱) ۱۷۱۸	۱۳۴۰۶	۳۳۵۱۹	لرستان
۶۴۶	۸۸۹	۶۳۴۹	۱۶۱۵۳	ایلام
۱۰۶۹	۱۱۵۹	۶۳۲۲	۱۷۳۳۰	بویراحمد و کهگیلویه
۶۶۹	۱۲۹۹	۶۷۷۸	۲۰۳۳۰	بوشهر
۱۲۱۴	(۱) ۱۳۲۸	۱۲۴۴۰	۲۹۹۵۴	زنجان
۴۷۴	۵۸۰	۳۵۸۵	۹۰۹۰	سمنان
۵۷۲	۸۸۷	۶۶۵۳	۱۴۳۵۳	یزد
۶۲۳	۷۹۶	۴۵۵۰	۹۶۷۳	هرمزگان

(۱) - آمار فقط مربوط به نیمه دوم سال ۱۳۶۱ می باشد .

(۲) - به استثناء آمار شهرستان خوانسار .

ماخذ - دفتر مرکزی نهضت سوادآموزی .

دختر		پسر		جمع		دانشگاهها
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰/۰۰	۲۴۶۵۸	۱۰۰/۰۰	۵۳۸۵۰	۱۰۰/۰۰	۷۸۵۰۸	جمع
۱۹/۱۷	۷۴۲۶	۱۸/۵۳	۹۹۷۸	۱۸/۷۳	۱۴۷۰۴	دانشگاه تهران
۱۳/۰۳	۳۲۱۲	۱۰/۲۲	۵۵۰۱	۱۱/۱۰	۸۷۱۳	دانشگاه شهید بهشتی (ملی)
۸/۸۱	۲۱۷۱	۹/۲۰	۴۹۵۶	۹/۰۸	۷۱۲۷	دانشگاه تربیت معلم
۹/۸۵	۲۴۲۹	۷/۸۵	۴۲۲۶	۸/۴۸	۶۶۵۵	دانشگاه اصفهان
۷/۷۵	۱۹۱۲	۸/۰۵	۴۳۳۶	۷/۹۶	۶۲۴۸	دانشگاه فردوسی (مشهد)
۸/۴۶	۲۰۸۵	۶/۶۶	۳۵۸۴	۷/۲۲	۵۶۶۹	دانشگاه شیراز
۵/۳۱	۱۳۱۰	۷/۶۳	۴۱۱۱	۶/۹۱	۵۴۲۱	دانشگاه تبریز
۴/۴۷	۱۱۰۳	۶/۳۵	۳۴۲۱	۵/۷۶	۴۵۲۴	دانشگاه علم و صنعت ایران
۵/۹۱	۱۴۵۶	۴/۵۸	۲۴۶۸	۵/۰۰	۳۹۲۴	دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) ..
۱/۷۹	۴۴۲	۴/۰۴	۲۱۷۴	۳/۳۳	۲۶۱۶	دانشگاه صنعتی تهران
۱/۱۳	۲۷۸	۳/۶۷	۱۹۷۴	۲/۸۷	۲۲۵۲	دانشگاه صنعتی اصفهان
۷/۷۰	۱۸۹۸	۰	۰	۲/۴۲	۱۸۹۸	دانشگاه دختران
۱/۱۶	۲۸۶	۲/۷۵	۱۴۷۹	۲/۲۵	۱۷۶۵	دانشگاه صنعتی امیرکبیر
۱/۶۵	۴۰۷	۲/۲۵	۱۲۱۱	۲/۰۶	۱۶۱۸	دانشگاه رازی
۱/۴۳	۳۵۳	۲/۲۹	۱۲۳۵	۲/۰۲	۱۵۸۸	دانشگاه کرمان
۰/۴۹	۱۲۱	۱/۵۶	۸۴۰	۱/۲۲	۹۶۱	دانشگاه مازندران
۰/۹۸	۲۴۲	۱/۳۰	۶۹۸	۱/۲۰	۹۴۰	دانشگاه ارومیه
۰/۱۶	۴۰	۰/۹۹	۵۳۶	۰/۷۳	۵۷۶	دانشگاه بلوچستان
۰	۰	۱/۰۴	۵۶۱	۰/۷۱	۵۶۱	دانشگاه پلیس
۰/۴۹	۱۲۲	۰/۶۸	۳۶۸	۰/۶۲	۴۹۰	دانشگاه گیلان
۰/۲۶	۶۵	۰/۳۶	۱۹۳	۰/۳۳	۲۵۸	دانشگاه ابوعلی سینا

ماخذ - وزارت فرهنگ و آموزش عالی . مرکز برنامه ریزی آموزشی

مرکز استان			کل استان			استان
پزشکان متخصص	پزشکان عمومی	جمع	پزشکان متخصص	پزشکان عمومی	جمع	
۶۸۳۴	۶۴۰۶	۱۳۲۴۰	۷۵۸۰	۸۳۶۵	۱۵۹۴۵	کل کشور
۴۷۲۸	۴۰۹۹	۸۸۲۷	۴۸۱۸	۴۳۱۱	۹۱۲۹	تهران
۲۰	۵۵	۷۵	۶۴	۱۷۳	۲۳۷	مرکزی
۹۰	۱۰۲	۱۹۲	۱۴۰	۲۲۲	۳۶۲	گیلان
۵۴	۳۴	۸۸	۲۸۰	۳۰۰	۵۸۰	مازندران
۲۹۲	۲۵۶	۵۴۸	۳۳۶	۴۰۲	۷۳۸	آذربایجان شرقی
۷۰	۸۱	۱۵۱	۸۴	۱۵۴	۲۳۸	آذربایجان غربی
۶۴	۸۰	۱۴۴	۶۴	۸۸	۱۵۲	باختران
۹۸	۱۱۲	۲۱۰	۱۳۰	۲۷۰	۴۰۰	خوزستان
۳۴۷	۳۳۱	۶۷۸	۳۷۳	۴۱۷	۷۹۰	فارس
۶۶	۵۵	۱۲۱	۷۵	۱۰۸	۱۸۳	کرمان
۴۰۳	۴۴۶	۸۴۹	۴۴۳	۶۱۰	۱۰۵۳	خراسان
۳۵۱	۳۵۲	۷۰۳	۴۳۷	۶۱۱	۱۰۴۸	اصفهان
۱۷	۲۶	۴۳	۱۹	۵۶	۷۵	سیستان و بلوچستان
۹	۳۵	۴۴	۱۰	۴۲	۵۲	کردستان
۵۰	۷۳	۱۲۳	۵۴	۹۹	۱۵۳	همدان
۱۹	۲۹	۴۸	۲۱	۴۷	۶۸	چهارمحال و بختیاری
۱۷	۳۶	۵۳	۲۴	۷۲	۹۶	لرستان
۳	۱۳	۱۶	۳	۱۴	۱۷	ایلام
۷	۱۰	۱۷	۱۷	۲۲	۳۹	بویراحمد و کهگیلویه
۱۹	۲۷	۴۶	۲۱	۵۰	۷۱	بوشهر
۱۷	۳۸	۵۵	۵۰	۱۰۰	۱۵۰	زنجان
۱۱	۲۳	۳۴	۳۰	۵۱	۸۱	سمنان
۶۲	۵۲	۱۱۴	۶۵	۸۵	۱۵۰	یزد
۲۰	۴۱	۶۱	۲۲	۶۱	۸۳	هرمزگان

ماخذ - نظام پزشکی ایران .

عقونی	ربوی	قلب و عروق	رشته‌های داخلی	جمع کل	استان
۶۲	۴۶	۱۵۸	۸۷۷	۷۵۸۰	کل کشور
۴۴	۴۱	۱۰۶	۵۶۳	۴۸۱۸	تهران
۰	۰	۲	۵	۶۴	مرکزی
۰	۱	۴	۱۹	۱۴۰	گیلان
۴	۱	۴	۲۹	۲۸۰	مازندران
۳	۲	۸	۴۰	۳۳۶	آذربایجان شرقی
۱	۰	۱	۹	۸۴	آذربایجان غربی
۰	۰	۳	۸	۶۴	باختران
۰	۰	۲	۷	۱۳۰	خوزستان
۱	۰	۹	۴۳	۳۷۳	فارس
۰	۰	۳	۷	۷۵	کرمان
۴	۱	۱۳	۴۶	۴۴۳	خراسان
۳	۰	۰	۶۴	۴۳۷	اصفهان
۱	۰	۰	۴	۱۹	سیستان و بلوچستان
۰	۰	۰	۱	۱۰	کردستان
۰	۰	۰	۶	۵۴	همدان
۰	۰	۰	۱	۲۱	چهارمحال و بختیاری
۰	۰	۰	۱	۲۴	لرستان
۰	۰	۰	۰	۳	ایلام
۰	۰	۰	۰	۱۷	بویراحمد و کهگیلویه
۰	۰	۰	۳	۲۱	بوته‌هر
۱	۰	۱	۵	۵۰	رنگان
۰	۰	۰	۳	۳۰	سمنان
۰	۰	۲	۹	۶۵	یرد
۰	۰	۰	۴	۲۲	هرمرگان

استان	خون شناسی	رشته های کودکان	اعصاب و روان	پوست و آ میرشی	بهداشت عمومی و صنعتی	طب فیزیکی و توان بخشی
کل کشور	۲۱	۱۱۹۵	۳۰۲	۱۳۹	۴۳	۲۰
تهران	۱۷	۷۸۴	۲۱۰	۹۵	۲۴	۱۴
مرکری	۰	۱۱	۱	۱	۰	۰
گیلان	۱	۲۰	۶	۱	۰	۰
مازندران	۰	۴۵	۹	۵	۰	۰
آذربایجان شرقی	۰	۵۲	۹	۷	۳	۱
آذربایجان غربی	۰	۱۰	۲	۲	۰	۰
باختران	۰	۱۳	۲	۱	۰	۰
خوزستان	۰	۱۵	۲	۲	۱	۰
فارس	۱	۵۹	۱۵	۵	۹	۳
کرمان	۰	۱۴	۳	۰	۰	۰
خراسان	۲	۴۷	۱۸	۱۰	۲	۲
اصفهان	۰	۵۷	۱۷	۸	۴	۰
سیستان و بلوچستان	۰	۵	۱	۱	۰	۰
کردستان	۰	۳	۰	۰	۰	۰
همدان	۰	۱۲	۲	۰	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۰	۴	۱	۰	۰	۰
لرستان	۰	۹	۰	۰	۰	۰
ایلام	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بویراحمد و کهگیلویه	۰	۴	۰	۰	۰	۰
بوشهر	۰	۳	۱	۰	۰	۰
رنگان	۰	۹	۱	۰	۰	۰
سمنان	۰	۵	۱	۰	۰	۰
یرد	۰	۱۱	۰	۰	۰	۰
هرمزگان	۰	۳	۱	۱	۰	۰

استان	جراحی عمومی	میزراه	ارتوپدی	جراحی قلب و عروق و سینه	جراحی مغزو اعصاب	جراحی پلاستیک فک
کل کشور	۱۴۰۱	۱۵۲	۱۶۴	۳۵	۶۳	۳۰
تهران	۹۱۵	۹۹	۸۰	۳۱	۴۷	۲۹
مرکزی	۱۴	۱	۱	۰	۰	۰
گیلان	۲۴	۱	۶	۰	۱	۰
مازندران	۵۶	۶	۶	۰	۰	۰
آذربایجان شرقی	۵۰	۷	۱۴	۲	۴	۱
آذربایجان غربی	۱۹	۳	۲	۰	۱	۰
باختران	۱۰	۰	۰	۰	۱	۰
خوزستان	۴۵	۲	۴	۰	۲	۰
فارس	۴۹	۷	۱۴	۰	۰	۰
کرمان	۱۲	۰	۳	۰	۰	۰
خراسان	۸۵	۹	۱۶	۱	۲	۰
اصفهان	۷۰	۷	۹	۱	۴	۰
سیستان و بلوچستان	۲	۱	۰	۰	۰	۰
کردستان	۲	۰	۰	۰	۰	۰
همدان	۸	۱	۱	۰	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۳	۱	۱	۰	۰	۰
لرستان	۲	۲	۰	۰	۰	۰
ایلام	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بویراحمد و کهگیلویه	۰	۰	۲	۰	۰	۰
بوشهر	۳	۱	۱	۰	۰	۰
زنجان	۹	۰	۱	۰	۱	۰
سمنان	۶	۱	۰	۰	۰	۰
یزد	۱۳	۲	۲	۰	۰	۰
هرمزگان	۴	۱	۱	۰	۰	۰

استان	گوش و حلق و بینی	چشم پزشکی	زنان و رایمان	بیهوشی	رادیولوژی	پاتولوژی و آرمایشگاهی
کل کشور	۳۳۴	۳۷۰	۹۰۰	۵۳۰	۴۰۷	۳۳۱
تهران	۱۶۱	۱۹۶	۵۶۲	۳۲۴	۲۳۴	۲۴۲
مرکزی	۵	۵	۹	۸	۱	۰
گیلان	۸	۶	۱۸	۱۲	۱۲	۰
مازندران	۱۹	۱۵	۳۸	۲۰	۱۸	۵
آذربایجان شرقی	۲۲	۱۸	۳۵	۲۶	۱۹	۱۳
آذربایجان غربی	۸	۷	۷	۹	۳	۰
باختران	۸	۶	۵	۳	۴	۰
خوزستان	۴	۴	۱۵	۱۱	۸	۶
فارس	۲۵	۲۶	۴۸	۲۱	۲۴	۱۴
کرمان	۴	۴	۱۴	۶	۵	۰
خراسان	۲۱	۲۴	۵۴	۳۶	۲۵	۲۵
اصفهان	۲۳	۳۲	۵۳	۳۳	۳۰	۲۲
سیستان و بلوچستان	۱	۱	۱	۰	۱	۰
کردستان	۱	۱	۱	۰	۱	۰
همدان	۵	۳	۶	۴	۴	۲
چهارمحال و بختیاری	۱	۲	۳	۱	۲	۰
لرستان	۱	۴	۳	۰	۲	۰
ایلام	۱	۱	۱	۰	۰	۰
بویراحمد و کهگیلویه	۳	۲	۳	۲	۱	۰
بوشهر	۱	۳	۳	۱	۱	۰
رنگان	۳	۳	۶	۵	۴	۱
سمنان	۵	۳	۳	۱	۲	۰
یزد	۳	۳	۱۰	۵	۴	۱
هرمزگان	۱	۱	۲	۲	۱	۰

ماخذ - نظام پزشکی ایران.

استان	کل استان	مرکز استان	دیگر نقاط استان
کل کشور	۲۳۴۵	۱۹۳۱	۴۰۹
تهران	۱۳۷۸	۱۳۲۹	۴۹
مرکزی	۲۵	۱۰	۱۵
گیلان	۵۶	۲۸	۲۸
مازندران	۹۸	۱۴	۸۴
آذربایجان شرقی	۷۱	۵۰	۲۱
آذربایجان غربی	۳۸	۲۶	۱۲
باختران	۲۳	۲۲	۱
خوزستان	۴۵	۱۵	۳۰
فارس	۱۰۴	۸۸	۱۶
کرمان	۳۴	۲۳	۱۱
خراسان	۱۶۹	۱۳۳	۳۶
اصفهان	۱۰۷	۸۸	۱۹
سیستان و بلوچستان	۱۷	۸	۹
کردستان	۱۴	۱۲	۲
همدان	۲۹	۱۹	۱۰
چهارمحال و بختیاری	۱۳	۹	۴
لرستان	۲۱	۸	۱۳
ایلام	۷	۷	۰
بویراحمد و کهگیلویه	۸	۳	۵
بوشهر	۱۱	۴	۷
زنجان	۲۲	۷	۱۵
سمنان	۱۹	۶	۱۳
یزد	۱۹	۱۴	۵
هرمزگان	۱۲	۸	۴

سال	جمع	تهران	تبریز	اصفهان	فردوسی (مسجد)	سیرار	شهید چمران (جندی شاپور) (ملی - تهران)	شهید بهشتی
جمع	۱۸۳۰۵	۸۶۵۹	۲۴۲۵	۱۹۱۷	۱۷۵۰	۱۳۷۸	۱۰۰۸	۱۱۶۸
۱۳۴۰ - ۱۳۰۰ ...	۴۹۱۰	۳۷۸۷	۴۸۰	۲۰۰	۲۲۲	۲۲۱	۰	۰
۱۳۴۰	۴۹۱	۲۹۸	۶۸	۵۵	۳۸	۳۲	۰	۰
۱۳۴۱	۵۵۴	۳۳۳	۸۰	۵۶	۵۱	۳۴	۰	۰
۱۳۴۲	۱۹۷	۶۳	۲۸	۷۴	۱۹	۱۳	۰	۰
۱۳۴۳	۵۰۰	۲۷۹	۷۶	۵۴	۳۹	۵۲	۰	۰
۱۳۴۴	۶۵۰	۲۹۳	۸۳	۱۰۵	۵۴	۶۷	۴۸	۰
۱۳۴۵	۶۱۴	۲۹۸	۷۹	۸۹	۶۶	۴۴	۳۸	۰
۱۳۴۶	۵۷۲	۲۵۱	۷۹	۸۲	۷۱	۳۸	۵۱	۰
۱۳۴۷	۶۲۵	۲۸۳	۹۵	۸۲	۸۴	۳۹	۴۲	۰
۱۳۴۸	۶۱۲	۲۹۰	۹۶	۷۸	۸۲	۱۹	۴۷	۰
۱۳۴۹	۵۸۵	۲۴۳	۹۷	۶۹	۷۳	۳۲	۴۴	۲۷
۱۳۵۰	۵۰۷	۱۸۴	۶۳	۵۹	۶۶	۴۱	۳۵	۵۹
۱۳۵۱	۷۰۱	۱۹۸	۱۱۹	۸۵	۱۱۰	۳۴	۵۳	۱۰۲
۱۳۵۲	۷۱۵	۱۸۵	۱۴۴	۷۱	۹۵	۴۸	۵۴	۱۱۸
۱۳۵۳	۷۷۶	۲۰۴	۱۲۴	۸۷	۹۴	۷۳	۶۱	۱۳۳
۱۳۵۴	۶۶۴	۲۰۵	۱۰۲	۶۳	۸۳	۴۶	۶۱	۱۰۴
۱۳۵۵	۶۲۵	۲۰۰	۹۰	۷۴	۷۱	۶۵	۶۳	۶۲
۱۳۵۶	۶۶۸	۱۸۰	۱۰۷	۹۲	۸۴	۸۲	۵۷	۶۶
۱۳۵۷	۵۸۲	۱۹۷	۱۰۴	۸۸	۸	۶۱	۵۸	۶۶
۱۳۵۸	۷۴۲	۱۸۵	۱۱۵	۸۰	۱۴۲	۷۱	۷۰	۷۹
۱۳۵۹	۷۱۱	۲۰۸	۱۱۴	۹۹	۸۷	۷۲	۶۶	۶۵
۱۳۶۰	۷۳۲	۲۳۸	۷۸	۹۵	۸۰	۶۹	۷۲	۱۰۰
۱۳۶۱	۵۷۲	۵۷	۴	۸۰	۳۱	۱۲۵	۸۸	۱۸۷

ماخذ - نظام پزشکی ایران.

استان		جمع		بهداری		خصوصی	
		تخت	بیمارستان	تخت	بیمارستان	تخت	بیمارستان
کل کشور		۶۴۱۱۷	۳۸۹	۴۱۸۰۵	۱۱۷	۸۱۵۹	
تهران		۲۱۱۸۱	۶۲	۱۱۰۱۷	۵۰	۴۴۳۰	
مرکزی		۱۸۲۳	۱۱	۱۴۲۳	۱	۲۵۰	
کیلان		۲۳۴۲	۱۷	۲۰۲۷	۲	۲۰	
مازندران		۲۹۴۸	۲۶	۲۶۰۳	۹	۳۱۵	
آذربایجان شرقی		۵۵۹۹	۲۸	۳۶۸۶	۴	۲۵۵	
آذربایجان غربی		۱۳۹۵	۱۵	۱۱۶۵	۳	۱۳۰	
باختران		۱۴۱۴	۱۴	۱۲۵۴	۳	۱۶۰	
خوزستان		۳۲۱۰	۲۵	۲۰۳۲	۴	۲۳۰	
فارس		۴۰۲۳	۲۷	۲۲۹۶	۱۷	۵۴۸	
کرمان		۱۶۸۵	۱۵	۱۲۵۵	۴	۲۳۰	
خراسان		۵۷۷۳	۳۲	۳۱۷۷	۹	۶۶۱	
اصفهان		۵۱۰۶	۳۱	۳۰۴۹	۷	۵۰۳	
سیستان و بلوچستان		۷۶۱	۱۱	۷۶۱	۰	۰	
کردستان		۶۹۴	۹	۶۹۴	۰	۰	
همدان		۱۲۱۶	۱۳	۱۰۱۶	۱	۱۰۰	
چهارمحال و بختیاری		۳۳۰	۳	۳۳۰	۰	۰	
لرستان		۵۵۶	۶	۵۲۹	۱	۲۷	
ایلام		۱۷۹	۲	۱۴۹	۰	۰	
بویراحمد و کهگیلویه		۲۴۵	۴	۲۱۵	۰	۰	
بوشهر		۳۳۵	۳	۳۲۵	۰	۰	
زنجان		۹۰۸	۱۰	۹۰۸	۰	۰	
سمنان		۴۹۳	۹	۴۹۳	۰	۰	
یزد		۱۳۷۶	۱۰	۸۷۶	۲	۳۰۰	
هرمزگان		۵۲۵	۶	۵۲۵	۰	۰	

سازمانهای خیریه و بنیادها		مؤسسات دولتی		دانشگاه		استان
تخت	بیمارستان	تخت	بیمارستان	تخت	بیمارستان	
۱۳۵۷	۱۳	۲۴۴۸	۱۴	۱۰۳۴۸	۴۲	کل کشور
۳۱۰	۴	۱۱۷۷	۴	۴۲۴۷	۱۸	تهران
۱۵۰	۱	۰	۰	۰	۰	مرکزی
۲۹۵	۱	۰	۰	۰	۰	کیلان
۰	۰	۳۰	۱	۰	۰	مارندران
۰	۰	۱۶۵	۱	۱۴۹۳	۶	آذربایجان شرقی
۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱	آذربایجان غربی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	باحتران
۰	۰	۳۶۸	۴	۵۸۰	۲	خوزستان
۱۵۰	۱	۰	۰	۱۰۲۹	۵	فارس
۰	۰	۰	۰	۲۰۰	۱	کرمان
۱۱۲	۳	۴۵۱	۱	۱۳۷۲	۴	خراسان
۱۱۰	۱	۲۱۷	۱	۱۲۲۷	۴	اصفهان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	سیستان و بلوچستان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	کردستان
۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱	همدان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	چهارمحال و بختیاری
۰	۰	۰	۰	۰	۰	لرستان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	ایلام
۳۰	۱	۰	۰	۰	۰	بویراحمد و کهگیلویه
۰	۰	۳۰	۱	۰	۰	بوشهر
۰	۰	۱۰	۱	۰	۰	زنجان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	سمنان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	یزد
۲۰۰	۱	۰	۰	۰	۰	هرمزگان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	

مراکز درمانی سرپائی (درمانگاه، کلینیک، پلی کلینیک)

استان			جمع			شهری			روستائی		
وزارت بهداری	خصوصی	سایر مراکز درمانی	وزارت بهداری	خصوصی	سایر مراکز درمانی	وزارت بهداری	خصوصی	سایر مراکز درمانی	وزارت بهداری	خصوصی	سایر مراکز درمانی
کل کشور	۲۹۶۹	۱۹۲	۲۴۰	۱۲۷۲	۱۸۹	۲۱۳	۱۶۹۷	۳	۲۷		
تهران	۲۷۵	۱۵۰	۴۵	۲۰۷	۱۵۰	۴۵	۶۸	۰	۰		
مرکزی	۱۰۸	۳	۴	۵۵	۳	۳	۵۳	۰	۱		
گیلان	۱۱۹	۰	۰	۴۶	۰	۰	۷۳	۰	۰		
مازندران	۲۱۳	۰	۱۹	۸۹	۰	۱۷	۱۲۴	۰	۲		
آذربایجان شرقی	۲۴۲	۰	۶	۱۱۸	۰	۶	۱۲۴	۰	۰		
آذربایجان غربی	۱۱۳	۰	۱	۵۱	۰	۱	۶۲	۰	۰		
باختران	۷۵	۰	۵	۲۷	۰	۴	۴۸	۰	۱		
خوزستان	۱۰۲	۲	۳۲	۶۱	۰	۲۹	۴۱	۲	۳		
فارس	۲۵۶	۴	۲۲	۷۳	۴	۱۹	۱۸۳	۰	۳		
کرمان	۱۴۱	۶	۱۶	۴۷	۶	۸	۹۴	۰	۸		
خراسان	۲۶۷	۱۱	۲۹	۸۸	۱۱	۲۸	۱۷۹	۰	۱		
اصفهان	۲۶۶	۸	۲۳	۱۳۷	۸	۲۱	۱۲۹	۰	۲		
سیستان و بلوچستان	۷۸	۱	۳	۲۸	۱	۳	۵۰	۰	۰		
کردستان	۹۰	۱	۳	۳۱	۱	۳	۵۹	۰	۰		
همدان	۸۲	۲	۱	۲۱	۲	۱	۶۱	۰	۰		
چهارمحال و بختیاری	۵۵	۰	۰	۲۷	۰	۰	۲۸	۰	۰		
لرستان	۸۷	۰	۱۱	۲۰	۰	۹	۶۷	۰	۲		
ایلام	۴۱	۰	۰	۱۳	۰	۰	۲۸	۰	۰		
بویرا احمد و کهگیلویه	۴۲	۰	۱	۹	۰	۱	۳۳	۰	۰		
بوشهر	۴۲	۱	۲	۲۱	۰	۲	۲۱	۱	۰		
زنجان	۸۸	۰	۱	۳۹	۰	۱	۴۹	۰	۰		
سمنان	۵۲	۰	۵	۱۵	۰	۱	۳۷	۰	۴		
یزد	۶۳	۲	۶	۳۰	۲	۶	۳۳	۰	۰		
هرمزگان	۷۲	۱	۵	۱۹	۱	۵	۵۳	۰	۰		

ماخذ: وزارت بهداشت، دفتر امور جمعیت و بررسیهای آماری و برنامه ریزی ماشین.

استان	بیمارستان	درمانگاه ، کلینیک و پلی کلینیک	آزمایشگاه	رادیولوژی	فیزیوتراپی	داروخانه	خانه های بهداشت
کل کشور	۵۷۹	۳۴۰۱	۱۳۴۲	۷۳۴	۱۳۴	۳۸۴۵	۳۲۵۹
تهران	۱۴۲	۴۷۰	۳۳۳	۲۶۴	۷۱	۷۳۷	۱۴۹
مرکزی	۱۴	۱۱۵	۲۹	۱۴	۳	۱۴۳	۱۲۳
گیلان	۲۰	۱۱۹	۶۰	۲۲	۵	۲۰۶	۱۶۷
مازندران	۳۶	۲۳۲	۷۹	۴۴	۶	۳۶۹	۱۶۱
آذربایجان شرقی	۳۹	۲۴۸	۷۴	۴۵	۸	۳۵۵	۱۴۱
آذربایجان غربی	۸	۱۱۴	۳۳	۲۲	۲	۱۶۴	۲۱۰
باختران	۱۵	۸۰	۳۳	۱۴	۲	۴۱	۹۴
خوزستان	۳۴	۱۳۶	۴۲	۳۴	۶	۱۹۸	۱۷۹
فارس	۴۸	۲۸۲	۱۳۱	۵۰	۵	۳۷۴	۳۵۲
کرمان	۲۰	۱۶۳	۴۹	۲۷	۳	۳۹	۱۶۴
خراسان	۴۶	۳۰۷	۱۰۲	۵۶	۷	۱۱۶	۲۴۱
اصفهان	۵۳	۲۹۷	۱۲۶	۴۸	۸	۴۵۲	۳۱۳
سیستان و بلوچستان	۱۰	۸۲	۳۳	۱۰	۱	۹۵	۷۵
کردستان	۸	۹۴	۱۳	۷	۰	۴۱	۸۵
همدان	۱۴	۸۵	۲۵	۹	۲	۲۲	۱۱۲
چهارمحال و بختیاری	۳	۵۵	۱۹	۴	۰	۳۰	۱۱۰
لرستان	۸	۹۸	۲۷	۱۱	۰	۱۳۰	۷۴
ایلام	۳	۴۱	۵	۳	۱	۳	۶۶
بویرا احمد و کهگیلویه	۵	۴۳	۱۱	۴	۰	۵۰	۵۷
بوشهر	۴	۴۵	۱۷	۶	۱	۵۵	۶۰
زنجان	۱۱	۸۹	۲۵	۱۰	۲	۱۳۷	۱۲۱
سمنان	۱۱	۵۷	۲۷	۹	۱	۵۶	۷۲
یزد	۱۱	۷۱	۲۹	۱۴	۰	۱۵	۹۴
هرمزگان	۶	۷۸	۲۰	۷	۰	۱۷	۴۰

ماخذ - وزارت بهداشتی، دفتر امور جمعیت و بررسیهای آماری و برنامه ریزی ماشینی.

تعداد کتاب امانت داده شده	تعداد مراجعین	تعداد اعضاء	تعداد کتاب موجود	تعداد کتابخانه	استان
۲۶۰۲۷۰۲	۵۷۶۱۶۳۷	۲۷۷۶۶۳	۲۵۷۱۵۲۲	۵۱۴	کل کشور
۲۳۸۶۴۶	۵۳۸۰۴۴	۲۵۲۴۸	۲۴۲۳۹۳	۱۹	تهران
۵۴۵۵۱	۱۲۴۹۶۹	۶۰۶۳	۵۴۴۸۱	۹	مرکزی
۱۷۲۷۸۶	۳۱۰۴۱۸	۲۴۷۸۵	۱۶۵۰۶۷	۳۴	گیلان
۲۱۶۴۹۴	۴۹۲۶۹۵	۱۷۱۵۵	۱۸۴۵۹۳	۴۲	مازندران
۳۲۷۳۸۱	۷۲۵۶۶۹	۳۱۷۹۶	۲۹۴۶۷۵	۳۳	آذربایجان شرقی
۶۷۶۵۱	۲۰۵۷۹۵	۴۹۸۳	۷۷۷۸۰	۱۸	آذربایجان غربی
۶۷۹۱۲	۱۵۰۳۲۵	۱۵۰۳۵	۴۳۷۳۹	۹	باختران
۳۶۷۹۲	۱۴۱۴۷۱	۱۰۲۰۱	۱۰۵۵۹۴	۳۳	خوزستان
۵۳۹۰۶	۴۰۰۱۴۴	۱۴۴۱۵	۱۶۱۶۵۹	۳۵	فارس
۱۳۵۳۵۴	۱۶۶۱۵۹	۲۲۰۷۱	۱۱۷۶۹۶	۲۰	کرمان
۳۴۸۶۵۹	۶۹۲۶۸۳	۲۳۰۹۲	۳۲۷۲۴۷	۵۸	خراسان
۳۰۲۶۲۰	۶۶۱۵۲۰	۲۶۵۲۰	۲۷۳۲۲۰	۸۰	اصفهان
۱۲۵۹۱۶	۱۳۰۹۸۶	۷۵۴۵	۴۱۲۶۵	۱۰	سیستان و بلوچستان
۲۸۷۴۳	۳۷۴۱۵	۳۰۵۰	۳۶۵۵۲	۹	کردستان
۹۸۵۰۷	۱۶۹۳۹۹	۴۲۸۲	۷۳۳۹۵	۱۲	همدان
۳۴۶۷۱	۵۵۶۸۹	۳۲۲۹	۳۷۶۶۹	۱۵	چهارمحال و بختیاری
۱۵۱۸۶	۵۵۲۲۲	۵۶۶۸	۳۷۱۷۲	۱۰	لرستان
۵۵۰۰	۸۷۰	۸۵۸	۹۲۱۴	۱	ایلام
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	بویراحمد و کهگیلویه
۲۴۷۴۲	۷۷۰۱۵	۲۴۸۹	۳۵۶۷۳	۱۸	بوشهر
۱۲۹۴۷۴	۲۴۰۵۰۰	۶۵۴۳	۶۹۷۰۱	۱۲	زنجان
۶۵۵۳۴	۱۸۶۸۳۴	۸۲۶۹	۷۷۳۸۱	۱۲	سمنان
۱۷۰۰۶	۱۱۳۳۲۸	۷۸۶۳	۶۷۴۱۳	۱۲	یزد
۳۴۶۷۱	۸۴۴۸۷	۶۵۰۳	۳۷۹۴۳	۱۳	هرمزگان

استان	تعداد موزه‌ها	تعداد بازدیدکنندگان
جمع	۳۲	۱۰۶۲۹۳۷
تهران	۱۴	۱۹۶۹۹۰
مرکزی	(۱)	(۱)
گیلان	۱	۱۴۵۲۸
مازندران	۱	•
آذربایجان شرقی	۱	۲۲۸۵۷
آذربایجان غربی	۲	۲۲۲۵
باختران	•	•
خوزستان	۳	•
فارس	۱	۱۴۵۱۸۸
کرمان	۱	۱۹۵۳۱۹
خراسان	۱	۳۳۳۲۵۰
اصفهان	۱	۸۴۱۲۶
سیستان و بلوچستان	•	•
کردستان	۱	•
همدان	•	•
چهارمحال و بختیاری	•	•
لرستان	۱	۲۳۲۵۲
ایلام	•	•
بویرا احمد و کهگیلویه	•	•
بوشهر	•	•
زنجان	۲	۲۵۰۰۰
سمنان	•	•
یزد	•	•
هرمزگان	۱	•

(۱) - آمار مربوط به استان مرکزی در استان تهران منظور شده است .
 ماخذ - وزارت ارشاد اسلامی . دفتر پژوهشها و برنامه ریزی فرهنگی .

استان (۱)	جمع	دادگاه حقوقی	دادگاه صلح	دادگاه مدنی خاص	دادگاه کیفری ۱	دادگاه کیفری ۲	دادگاه بازپرسی	دادگاه صلح مستقل
جمع	۱۰۰۱	۲۰۶	۱۲۴	۹۸	۸۷	۱۵۸	۲۰۳	۱۲۵
تهران	۲۷۳	۵۷	۴۶	۱۹	۲۲	۵۶	۶۳	۱۰
شهر تهران	۲۰۵	۴۰	۴۰	۱۵	۱۵	۴۵	۵۰	۰
سایر نقاط	۶۸	۱۷	۶	۴	۷	۱۱	۱۳	۱۰
مرکزی	۳۵	۸	۴	۳	۳	۷	۸	۲
گیلان	۴۵	۱۰	۴	۵	۴	۹	۹	۴
مازندران	۷۲	۱۳	۱۰	۱۰	۶	۹	۱۱	۱۳
آذربایجان شرقی	۸۰	۱۵	۱۱	۷	۶	۱۳	۱۶	۱۲
آذربایجان غربی	۵۰	۱۰	۸	۳	۳	۸	۱۱	۷
باختران	۴۰	۷	۵	۴	۳	۶	۶	۹
خوزستان	۵۷	۱۲	۵	۷	۶	۶	۱۱	۱۰
فارس	۶۱	۱۴	۷	۶	۵	۹	۱۱	۹
کرمان	۲۶	۵	۱	۲	۱	۵	۵	۷
خراسان	۸۲	۲۰	۷	۹	۹	۱۰	۱۸	۹
اصفهان	۶۰	۱۲	۶	۷	۸	۵	۱۱	۱۱
سیستان و بلوچستان	۱۷	۳	۱	۲	۳	۱	۴	۳
هرمزگان	۱۶	۳	۱	۱	۱	۳	۳	۴
همدان	۲۹	۵	۳	۵	۳	۳	۶	۴
کردستان	۲۴	۶	۲	۳	۱	۴	۴	۴
لرستان	۲۱	۵	۱	۳	۲	۲	۵	۳
یزد	۱۳	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۴

(۱) - در تقسیمات قضائی استان تهران شامل استانهای سمنان و زنجان ؛ استان اصفهان شامل استان چهارمحال و بختیاری ؛ استان فارس شامل استانهای بویرا حمد و کهکیلویه و بو شهر و استان باختران شامل استان ایلام می باشد .
ماخذ - وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران .

تعداد تصادفات منجر به فوت، جرح و خسارت به تفکیک حوزه استحفاظی شهرهای و پلیس راه کشور: ۶۱-۱۳۵۹

جمع			حوزه استحفاظی شهرهای و پلیس راه کشور			حوزه استحفاظی پلیس راه کشور			شرح
۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	
۹۰۴۰۷	۹۲۳۳۷	۹۶۰۰۴	۶۱۶۹۳	۶۲۳۳۹	۶۷۰۶۹	۲۸۷۱۴	۲۹۹۹۸	۲۸۹۳۵	کل تصادفات
۲۸۲۱	۲۵۸۲	۲۳۷۸	۱۱۲۰	۱۰۵۴	۹۴۸	۱۷۰۱	۱۵۲۸	۱۴۳۰	فوت
۳۰۵۱۰	۳۱۵۳۵	۳۳۰۴۱	۱۷۴۷۷	۱۸۸۳۹	۲۱۳۷۳	۱۳۰۲۳	۱۲۶۹۶	۱۱۶۶۸	جرح
۵۷۰۷۶	۵۸۲۲۰	۶۰۵۸۵	۴۳۰۹۶	۴۲۴۴۶	۴۴۷۴۸	۱۳۹۸۰	۱۵۷۷۴	۱۵۸۳۷	خسارت

ماخذ - شهرهای جمهوری اسلامی ایران .
- پلیس راه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران .

کشفیات انواع مواد مخدر توسط شهرهای و پلیس راه کشور: ۶۱-۱۳۵۹
(کیلو گرم)

تغییرات سال ۱۳۶۱ نسبت به سال قبل		۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	مواد مکشوفه
مقدار	درصد				
+۶۲۶/۸	+۸/۳	۸۱۷۶/۱	۷۵۴۹/۳	۶۱۶۰/۰	جمع
-۰/۱	xx	۰	۰/۱	۰/۳	کوکائین
-۱۱۹۴/۷	-۷۲/۸	۴۴۶/۰	۱۶۴۰/۷	۵۹/۷	مرفین
-۶۸۳/۰	-۷۲/۷	۲۵۶/۸	۹۳۹/۷	۲۲۰/۰	هروئین
+۱۴۴۷/۷	+۶۹/۵	۳۵۳۰/۴	۲۰۸۲/۸	۲۲۰۵/۶	تریاک
-۱۰/۵	-۳۱/۱	۲۳/۲	۳۳/۶	۲۱۷/۶	سوخته
-۲۵/۹	-۳۵/۹	۴۶/۴	۷۲/۳	۹۴/۲	شیره
+۷۸۹/۲	+۵۵۰۲/۵	۸۰۳/۶	۱۴/۳	۳۲/۰	مایه شیره
+۲۴۷/۱	+۱۷/۵	۲۳۳۰/۵	۱۹۸۳/۴	۲۵۰۵/۷	حشیش
-۴۳/۰	-۵/۵	۷۳۹/۳	۷۸۲/۳	۸۲۴/۹	سایر مواد مخدر
-۱۳۷۶۸/۰	xx	۰	۱۳۷۶۸/۰	۵۴۲۳	قرصهای مخدر

ماخذ - شهرهای جمهوری اسلامی ایران .

استان	اداره پست وتلگراف	دفتر پست		نمایندگی پست	صندوق شهری	صندوق روستایی
		شهری	روستایی			
کل کشور	۱۹۴	۶۰۹	۷۳۳	۱۶۱۲	۷۲۹۲	۸۱۲۲
تهران	۱۱	۱۶۹	۳	۱۶	۱۲۱۷	۲۸۲
مرکزی	۹	۱۵	۳۵	۷۹	۲۴۵	۳۷۳
گیلان	۱۱	۱۵	۳۵	۳۱	۳۲۰	۴۲۰
مارندران	۱۶	۲۹	۶۶	۴۹	۴۶۷	۶۱۳
آذربایجان شرقی	۱۱	۳۶	۳۰	۱۵۹	۳۷۸	۳۳۱
آذربایجان غربی	۱۰	۲۱	۲۹	۴۰	۱۹۶	۳۳۶
باختران	۶	۲۲	۴۳	۱۹	۱۹۳	۴۰۴
خوزستان	۱۳	۳۹	۲۱	۷۲	۳۴۷	۴۴۶
فارس	۱۴	۲۶	۴۴	۹۹	۵۲۵	۳۲۴
کرمان	۱۰	۱۸	۲۸	۱۰۲	۳۹۷	۴۲۰
خراسان	۱۷	۵۵	۷۹	۳۰۰	۵۶۹	۸۳۸
اصفهان	۱۵	۴۵	۵۳	۱۸۰	۵۷۲	۷۰۷
سیستان و بلوچستان	۶	۶	۴۰	۵۸	۱۵۷	۳۸۱
کردستان	۶	۱۱	۱۸	۲۴	۱۴۷	۲۸۵
همدان	۴	۱۴	۲۹	۳۶	۱۳۱	۴۳۲
چهارمحال و بختیاری	۲	۱۶	۱۱	۵۳	۱۹۰	۱۶۵
لرستان	۴	۵	۱۳	۴۴	۱۱۱	۱۳۰
ایلام	۵	۹	۱۷	۷	۵۵	۶۰
بویرا احمد و کهگیلویه	۳	۳	۱۵	۳۳	۱۲۹	۱۰۷
بوشهر	۴	۵	۲۰	۲۲	۱۱۱	۱۷۶
رنجان	۵	۱۳	۲۱	۳۹	۱۹۸	۲۷۱
سمنان	۴	۱۲	۲۲	۲۷	۱۲۶	۲۲۹
یرد	۵	۱۱	۲۸	۶۰	۲۷۹	۳۳۸
هرمزگان	۳	۱۴	۳۳	۶۳	۲۳۰	۵۴

ماحد - وزارت پست و تلگراف و تلهفون ، مدیریت کل مطالعات و امور طرحهای پست ، اداره آمار ،

داخلی				سال
امانات	نامه			
	سفارشی	غیرسفارشی	جمع	
۷۳۳	۲۷۳۸۶	۳۵۹۲۴۱	۳۸۶۶۲۷ ۱۳۵۶
۴۲۰	۲۰۷۷۹	۲۴۱۹۳۹	۲۶۲۷۱۸ ۱۳۵۷
۳۸۵	۱۱۸۳۸	۲۸۱۹۰۱	۲۹۳۷۳۹ ۱۳۵۸
۴۳۱	۱۰۸۷۸	۱۰۴۱۹۱	۱۱۵۰۶۹ ۱۳۵۹
۳۶۶	۷۰۰۰	۱۰۶۸۴۶	۱۱۳۸۴۶ ۱۳۶۰
۳۷۴	۱۱۹۷۱	۱۵۶۳۲۱	۱۶۸۲۹۲ ۱۳۶۱

تعداد نامه‌ها و امانات ... (دنباله)

خارجی				سال
امانات	نامه			
	سفارشی	غیر سفارشی	جمع	
۲۸۴	۳۰۷۵	۳۸۵۳۲	۴۱۶۰۷ ۱۳۵۶
۷۵	۸۶۵	۴۲۸۷	۵۱۵۱ ۱۳۵۷
۱۱۹	۱۸۰۰	۳۷۰۹۵	۳۸۸۹۶ ۱۳۵۸
۱۶۷	۱۴۹۹	۲۱۶۳۵	۲۳۱۳۴ ۱۳۵۹
۲۱۸	۱۵۴۸	۲۰۴۴۹	۲۱۹۹۷ ۱۳۶۰
۱۹۴	۱۰۱۹	۱۱۳۲۵	۱۲۳۴۴ ۱۳۶۱

ماخذ - وزارت پست و تلگراف و تلفن . مدیریت کل مطالعات و امور طرح‌های پست . اداره آمار .

تلفن گرام	مورس	تله تایپ		جمع	استان
		ارتباط مستقیم بامرکز	ارتباط غیر مستقیم بامرکز		
۲۶۰	۲۷	۱۵۵	۱۱۴	۵۵۶	کل کشور
۰	۰	۰	۲۷	۲۷	تهران
۰	۰	۲	۶	۸	مرکزی
۱۲	۱	۱۰	۶	۲۹	گیلان
۸	۰	۸	۱۴	۳۰	مازندران
۲۶	۱	۱۰	۶	۴۳	آذربایجان شرقی
۱۵	۲	۷	۳	۲۷	آذربایجان غربی
۱۴	۱	۸	۳	۲۶	باختران
۱۲	۱	۱۲	۶	۳۱	خوزستان
۱۹	۱	۲۰	۲	۴۲	فارس
۲۲	۲	۶	۲	۳۲	کرمان
۱۶	۱	۱۰	۸	۳۵	خراسان
۱۲	۲	۱۱	۵	۳۰	اصفهان
۱۰	۱	۷	۴	۲۲	سیستان و بلوچستان
۱۰	۱	۷	۳	۲۱	کردستان
۱۲	۱	۵	۳	۲۱	همدان
۹	۱	۵	۳	۱۸	چهارمحال و بختیاری
۶	۱	۶	۲	۱۵	لرستان
۸	۲	۳	۱	۱۴	ایلام
۵	۱	۱	۲	۹	بویرا احمد و کهگیلویه
۱۰	۲	۵	۱	۱۸	بوشهر
۸	۱	۳	۲	۱۴	زنجان
۱۲	۱	۵	۳	۲۱	سمنان
۵	۱	۲	۱	۹	یزد
۹	۲	۲	۱	۱۴	هرمزگان

ماخذ - شرکت مخابرات ایران . اداره کل واگذاری مدارات شبکه های مخابراتی .

مغناطیسی (۱)			تلفن بین شهری			استان
شماره‌های مشغول بکار	شماره‌های منصوبه	تعداد مراکز	مراکز بی سیم	مراکز کاریر	تعداد شهرهائیکه مجهز به سیستم مایکروویو هستند	
۳۷۳۲۷	۴۲۰۲۰	۱۲۰	۴۷	۵۴۳	۱۲۳	کل کشور
۹۷۳	۱۰۰۰۰	۳	۲	۲۳	۴	تهران
۲۰۶۱	۲۱۳۰	۶	۲	۱۰	۵	مرکزی
۲۷۸۹	۲۸۱۰	۹	۰	۱۵	۷	گیلان
۴۴۶۰	۴۹۴۰	۱۸	۲	۳۱	۱۴	مارندران
۲۴۷۱	۲۶۹۰	۷	۰	۳۹	۸	آذربایجان شرقی
۱۴۰۹	۲۰۵۰	۵	۲	۲۷	۹	آذربایجان غربی
۲۶۵۷	۳۱۳۰	۷	۰	۲۲	۵	باختران
۸۶۹	۸۹۰	۲	۴	۲۶	۷	خوزستان
۳۱۴۰	۳۵۲۰	۶	۹	۵۶	۱۰	فارس
۰	۰	۰	۱	۲۶	۶	کرمان
۴۱۳۸	۴۴۴۰	۱۲	۲	۷۵	۱۴	خراسان
۲۲۲۰	۲۳۱۰	۸	۵	۲۷	۴	اصفهان
۱۶۵	۲۸۰	۱	۴	۷	۴	سیستان و بلوچستان
۱۰۴۵	۲۰۸۰	۴	۰	۱۱	۵	کردستان
۲۴۰	۲۴۰	۳	۰	۱۴	۳	همدان
۴۳۷	۵۸۰	۲	۲	۱۰	۱	چهارمحال و بختیاری
۲۲۰۰	۲۳۱۰	۶	۰	۱۵	۲	لرستان
۰	۰	۰	۴	۹	۱	ایلام
۱۱۴	۲۰۰	۴	۱	۹	۰	بویرا احمد و کهگیلویه
۸۱۲	۸۲۰	۲	۱	۱۴	۲	بوشهر
۱۵۳۰	۱۸۹۰	۷	۱	۱۹	۳	زنجان
۳۹۸	۴۰۰	۱	۰	۲۴	۴	سمنان
۲۱۸۳	۲۲۷۰	۵	۴	۲۲	۱	یزد
۱۰۱۶	۱۰۴۰	۲	۱	۱۲	۴	هرمزگان

(۱) - علت کاهش شماره‌های مغناطیسی نصب و جایگزینی دستگاه‌های خودکار می باشد.

(۲) - شهرهائیکه بیش از یک مرکز تلفن شهری دارند عبارتند از: مشهد، اصفهان، شیراز، اهواز، آبادان، تبریز، یزد، تهران، اراک و رشت.

(۳) - ظرفیت کم بین ۴۰ تا ۶۰ شماره و پر ظرفیت از ۱۰۰ شماره به بالا است.

روستاهای دارای ارتباط تلفنی (۴)	تلفن خودکار شهری									
	همگانی				کم ظرفیت (۳)			پر ظرفیت (۳)		
	راه دور	شهری		تعداد مراکز	شماره‌های مشغول بکار	شماره‌های منصوبه	تعداد (۲) مراکز	شماره‌های مشغول بکار	شماره‌های منصوبه	تعداد (۲) مراکز
		شماره‌های مشغول بکار	شماره‌های منصوبه							
۱۰۳۰	۹۸۰	۵۹۶۴	۱۳۲۹۹	۱۵۴	۱۰۰۶۳	۱۳۵۹۰	۱۳۱	۱۰۰۸۴۸۱	۱۳۹۶۴۰۰	۲۱۷
۵۸	۲۴۹	۲۶۳۰	۴۹۰۱	۳۵	۶۳۹	۶۶۰	۳	۴۳۹۰۷۰	۶۰۲۰۰۰	۵۳
۴۹	۳۲	۱۹۹	۵۰۰	۵	۸۰۳	۸۸۰	۶	۲۱۵۴۱	۳۷۰۰۰	۶
۳۹	۴۱	۲۲۴	۵۵۰	۱۰	۴۶۱	۵۰۰	۲	۳۶۲۲۳	۴۱۷۰۰	۱۰
۶۵	۱۰۹	۳۵۹	۷۲۲	۱۷	۳۷۹	۴۴۰	۶	۵۱۸۸۸	۷۲۰۰۰	۲۵
۱۰۱	۵۶	۳۳۰	۹۵۰	۱۶	۴۸۶	۵۸۰	۸	۶۳۱۰۷	۸۵۳۰۰	۱۶
۱۹	۲۸	۱۰۸	۲۴۵	۴	۲۳۲	۲۴۰	۵	۱۵۹۵۸	۳۲۵۰۰	۵
۸	۲۳	۷۸	۲۰۰	۱	۴۵۸	۵۶۰	۵	۱۴۲۸۲	۲۳۵۰۰	۴
۲۷	۷۷	۲۳۹	۶۵۰	۸	۵۶	۴۶۰	۴	۳۵۲۲۲	۷۹۳۰۰	۱۰
۶۸	۴۲	۱۸۷	۵۹۸	۷	۱۴۰۰	۲۲۴۰	۱۰	۴۲۶۶۹	۶۴۰۰۰	۱۰
۴۲	۲۰	۱۰۱	۱۵۰	۴	۳۱۰	۳۶۰	۸	۱۶۹۱۸	۳۰۰۰۰	۸
۱۲۹	۷۴	۴۰۷	۹۲۵	۱۲	۳۳۷	۶۶۰	۱۱	۷۶۴۷۲	۸۳۸۰۰	۱۴
۱۱۷	۷۴	۴۵۹	۱۲۵۰	۱۳	۳۰۰	۳۹۰	۷	۷۳۸۱۴	۹۴۵۰۰	۱۹
۲۳	۱۴	۶۰	۱۳۰	۲	۶۹۶	۸۰۰	۹	۱۳۲۴۵	۲۰۰۰۰	۵
۱۱	۱۰	۲۸	۲۸	۱	۰	۳۰۰	۲	۹۷۸۸	۱۰۵۰۰	۲
۴۴	۲۰	۸۶	۲۵۰	۳	۲۵۸	۴۴۰	۷	۱۸۰۲۵	۱۸۵۰۰	۴
۳۸	۶	۱۴	۰	۱	۱۱۰۷	۱۱۸۰	۶	۵۸۹۴	۷۰۰۰	۳
۱۸	۲۲	۳۸	۱۵۰	۲	۲۳۱	۳۰۰	۵	۱۴۹۳۱	۱۷۵۰۰	۳
۱۱	۶	۵	۰	۱	۰	۰	۰	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۲
۱۸	۶	۶	۰	۲	۱۱۴	۲۰۰	۴	۱۹۹۳	۲۰۰۰	۲
۱۷	۸	۲۹	۵۰	۱	۴۲۶	۶۸۰	۴	۵۳۹۸	۸۵۰۰	۲
۴۸	۲۰	۱۱۷	۲۰۰	۳	۵۹۵	۶۴۰	۶	۱۶۵۵۴	۲۰۳۰۰	۶
۲۶	۱۹	۱۱۷	۲۰۰	۳	۱۹۷	۲۰۰	۴	۱۲۹۸۶	۱۵۵۰۰	۴
۴۰	۱۸	۱۲۳	۱۵۰	۲	۵۷۸	۷۶۰	۷	۱۶۷۱۴	۱۹۰۰۰	۳
۱۴	۶	۲۰	۵۰۰	۱	۰	۱۲۰	۲	۴۷۸۹	۱۰۰۰۰	۱

(۴) - برای برقراری ارتباط تلفنی پاره‌ای از نقاط روستائی با استفاده از یکی از شماره تلفنهای خودکار شهری یا مغناطیسی شهری ارتباط روستا را با شهر متبوعه و بالطبع با دیگر نقاط برقرار می‌کنند.

- ضمناً "یادآوری می‌شود تا سال ۶۰ وضعیت روستاهای دارای ارتباط تلفنی در همان سال گزارش می‌شد ولی سال ۶۱ وضعیت موجود تا سال ۶۱ گزارش شده است.

ماخذ - شرکت مخابرات ایران. دفتر برنامه ریزی و هماهنگی.

(۱) مشخصات کانالهای تلفنی ماهواره‌ای		تعداد کانالهای ارتباطی								نام کشور
		تلگرافی و تلکس				تلفنی				
		کانالهای خروجی سیستم TG, TX (۳)		(۲) مانوئل	کانالهای یکطرفه خروجی	کانالهای یکطرفه ورودی	کانالهای دوطرفه	جمع		
(۵) TDM	(۴) VFTG									
ارتباط مستقیم	حوزه‌های (۶) ماهواره‌ای	AOR	IOR							
اتوماتیک										
++	o	++	o	۸	۱	۴۹	۴۹	۵۸	۱۶۵	آمریکا
++	++	++	۱	۲	۲	۳۳	۳۳	(۷) ۲۵	۹۶	انگلستان
++	o	++	o	۲	۲	۲۲	۲۲	۶	۵۴	فرانسه
++	o	++	o	۲	۲	۱۳	۱۳	۲۳	۵۳	آلمان غربی ...
++	++	o	o	۱	۲	o	o	۴۱	۴۴	امارات متحده عربی
++	o	++	۱	o	۲	۶	۶	۱۸	۳۳	ایتالیا
++	o	++	۱	o	۱	۳	o	۱۴	۱۹	اسپانیا
++	++	o	o	۱	۱	۶	۴	۴	۱۶	سوئیس
++	o	++	۱	o	۲	o	o	۹	۱۲	اتریش
++	o	++	o	o	۱	۱	۱	۹	۱۲	کویت
++	o	+	o	۱	۱	۵	۴	(۸) o	۱۱	پاکستان
++	o	++	o	۱	o	۵	۵	(۸) o	۱۱	ترکیه
++	o	++	o	o	۱	۳	۳	۴	۱۱	کانادا
++	o	++	o	o	۱	o	o	۱۰	۱۱	دانمارک
++	++	o	o	۱	۱	o	o	(۸) ۸	۱۰	ژاپن
++	o	++	o	o	۱	o	o	۸	۹	بلژیک
++	o	++	o	۱	۱	o	o	(۸) ۶	۸	هلند
o	++	o	o	۱	۲	۱	۱	۳	۸	هندوستان ...
++	o	++	o	۱	۱	o	o	۴	۶	یونان
++	++	o	o	o	۱	o	o	۴	۵	استرالیا
++	o	++	o	o	۱	o	o	۳	۴	عربستان
++	++	o	o	o	۱	۱	۱	o	۳	قطر
o	++	o	o	o	۱	o	o	۲	۳	کره جنوبی ...
o	++	o	o	o	۱	o	o	۲	۳	فیلیپین
o	++	o	o	۱	۱	o	o	(۸) o	۲	بحرین

(۱) - در این ستونها "++" علامت وجود و "o" علامت عدم نوع ارتباط ذکر شده می باشد.

(۲) - کانالهای ارتباطی از طریق اپراتور: (۳) - تلگراف (TG)، تلکس (TX)، (۴) - VFTG تعداد دستگاههای نصب شده ای می باشد که جهت هر دستگاه ۲۴ کانال تلگرافی و تلکس آماده بهره برداری می باشد. (۵) - TDM تعداد

دستگاههای نصب شده ای می باشد که جهت هر دستگاه ۴۶ کانال تلگرافی و تلکس آماده بهره برداری می باشد. (۶) - Indian Ocean Region (IOR)، Atlantic Ocean Region (AOR) - (۷) - علاوه بر کانالهای

فوق ایران دارای ۲۴ کانال اسپید (رزرو) می باشد که در صورت لزوم از آنها استفاده می شود. (۸) - هر کدام از این کشورها دارای یک کانال اجاره ای می باشند.

ماخذ - شرکت مخابرات ایران، اداره کل واگذاری مدارات شبکه های مخابراتی.

سال بهره‌برداری	فرکانس (کیلوهرتز)	طول موج (متر)	نام فرستنده
۱۳۶۱	۱۱۶۰	۲۵۸	آبادان (نفت ملی)
۱۳۵۲	۱۳۱۴	۲۲۸	اردبیل
۱۳۴۸	۹۳۶	۳۲۰	ارومیه
۱۳۶۰	۱۴۶۷	۲۰۴	اصفهان (جدید)
۱۳۶۰	۱۵۹۳	۱۸۸	اصفهان (جدید)
۱۳۳۸	۱۴۶۷	۲۰۴	اصفهان (قدیم)
۱۳۴۵	۱۴۶۷	۲۰۴	اصفهان (قدیم)
۱۳۳۹	۱۳۵۰	۲۳۳	اهواز
۱۳۵۹	۱۰۸۰	۲۷۷	اهواز
۱۳۵۵	۵۳۱	۵۶۴	ایران‌شهر
۱۳۵۱	۹۷۲	۳۰۸	ایلام
۱۳۶۰	۱۲۷۸	۲۳۴	باختران (جدید)
۱۳۶۰	۱۴۲۲	۲۱۰	باختران (جدید)
۱۳۴۱	۱۴۲۲	۲۱۰	باختران قدیم
۱۳۴۶	۱۲۷۸	۲۳۴	باختران قدیم
۱۳۵۹	۱۱۳۴	۲۶۴	بجنورد
۱۳۵۹	۹۲۷	۳۲۳	بجنورد
۱۳۵۲	۱۳۴۱	۲۲۴	بم
۱۳۵۲	۶۳۹	۴۶۹	بناب
۱۳۶۱	۱۴۴۹	۰۰۰	بندر ترکمن
۱۳۶۱	۷۲۹	۰۰۰	بندر ترکمن
۱۳۵۶	۱۵۶۶	۱۹۲	بندر عباس
۱۳۴۸	۶۲۰	۴۸۳	بندر عباس
۱۳۵۲	۱۱۲۵	۲۶۶	بندر لنگه
۱۳۶۱	۱۵۰۳	۱۹۹	بوشهر
۱۳۵۵	۹۶۳	۳۱۱	بیرجند
۱۳۵۵	۶۲۱	۴۸۳	بیرجند
۱۳۵۵	۷۲۰	۴۱۷	تایباد
۱۳۵۵	۱۰۲۶	۲۹۲	تبریز
۱۳۵۵	۱۱۵۲	۲۶۰	تبریز
۱۳۴۶	۵۸۰	۵۱۷	تهران ۲۲ بهمن
۱۳۵۵	۱۳۳۲	۲۲۵	تهران (ساوه)
۱۳۶۱	۹۰۰	۳۳۳	تهران (ساوه)
۱۳۴۹	۵۵۸	۵۳۸	تهران (دشت قزوین)
۱۳۵۹	۱۳۲۳	۲۲۶	جلفا
۱۳۵۶	۹۱۸	۳۲۶	جیرفت
۱۳۶۰	۷۶۵	۳۹۲	چاه‌بهار

سال بهره برداری	فرکانس (کیلو هرتز)	طول موج (متر)	نام فرستنده
۱۳۵۵	۱۵۳۹	۱۹۵	خاش
۱۳۵۵	۷۱۱	۴۲۲	خرم آباد
۱۳۶۱	۱۰۵۳	۲۸۳	خرم آباد
۱۳۵۵	۱۱۷۰	۲۵۶	دامغان
۱۳۵۵	۱۴۸۵	۲۰۲	دامغان
۱۳۶۰	۱۲۴۰	۲۴۲	دزفول
۱۳۴۶	۷۰۲	۴۲۷	رشت
۱۳۵۶	۱۰۹۸	۲۷۳	زابل
۱۳۴۱	۷۷۷	۳۸۶	زاهدان
۱۳۵۶	۱۶۰۲	۱۸۷	زنجان
۱۳۵۲	۶۸۰	۴۴۱	زیباکنار (۱)
۱۳۵۳	۸۱۹	۳۶۶	ساری
۱۳۵۳	۱۳۸۶	۲۱۶	ساری
۱۳۶۰	۱۵۸۴	۱۸۹	سراوان
۱۳۵۵	۱۰۰۸	۲۹۷	سمنان
۲۳۳۷	۱۴۷۶	۲۰۳	سنندج
۱۳۵۵	۱۵۸۴	۱۸۹	سیرجان
۱۳۵۷	۱۴۸۵	۲۰۲	شهرکرد
۱۳۵۷	۸۳۷	۳۵۸	شیراز
۱۳۵۷	۹۹۰	۳۰۳	شیراز
۱۳۵۳	۱۰۶۲	۲۸۲	کرمان
۱۳۳۷	۱۴۲۶	۲۱۰	گرگان
۱۳۶۰	۵۴۰	۵۵۵	مشهد
۱۳۶۰	۶۸۴	۴۳۸	مشهد
۱۳۵۲	۹۴۵	۳۱۷	مریوان
۱۳۶۱	۱۵۴۸	۱۹۳	مریوان
۱۳۶۰	۱۱۹۷	۲۵۰	مغان
۱۳۴۸	۸۸۲	۳۴۰	مهاباد
۱۳۵۲	۱۵۸۴	۱۸۹	همدان
۱۳۵۱	۱۰۳۵	۲۸۹	یزد
۱۳۶۱	۸۹۱	۵۰۰	یاسوج
۱۳۵۱	۱۵۳۰	۱۹۵	یزد
—	—	—	کمال آباد (۲)
—	—	—	کمال آباد (۲)
—	—	—	کمال آباد (۲)
—	—	—	کمال آباد (۲)
—	—	—	کمال آباد (۲)
—	—	—	کمال آباد (۲)

(۱) - رزرو دوم رشت .

(۲) - فرستنده های موج کوتاه فرکانسهای مختلف در فصول و ساعات مختلف برای پوشش خارج از کشور که روزانه از طریق رادیو ، فرکانس و جهت و ساعت پخش آن اعلام می گردد .

ماخذ - صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران . دفتر تحقیقات و پژوهشهای آماری . واحد برنامه ریزی امور مهندسی .

سال بهره برداری	فرکانس (مگاهرتز)	نام فرستنده	مرکز فرستنده
۱۳۵۵	۹۱/۳	شبکه دوم	تهران
۱۳۵۵	۹۳/۹	شبکه اول	تهران
۱۳۵۵	۹۷/۷	صدای اصلی	تهران
۱۳۵۶	۱۴۰/۷	ارتباط رادیو تهران	تهران
۱۳۵۵	۱۰۶/۷	بین‌المللی (عربی - انگلیسی)	تهران
۱۳۵۷	۱۰۰/۷	تهران	تهران
۱۳۵۸	۹۲/۵	برنامه محلی	رشت
۱۳۵۸	۹۸/۷	برنامه اول	رشت
۱۳۵۸	۱۰۵/۱	برنامه دوم	رشت
۱۳۵۴	۸۸/۳۳۶	برنامه دوم	مشهد
۱۳۵۳	۹۳/۴۶	برنامه محلی	مشهد
۱۳۵۸	۸۹/۹	برنامه اول	تبریز
۱۳۵۸	۹۶/۳	برنامه دوم	تبریز
۱۳۵۸	۱۰۴/۳	برنامه محلی	تبریز
۱۳۵۸	۸۸/۳	برنامه اول	شیراز
۱۳۵۸	۹۴/۷	برنامه دوم	شیراز
۱۳۵۸	۱۰۱/۱	برنامه محلی	شیراز
۱۳۵۸	۹۳/۷	برنامه اول	شاهرود
۱۳۵۹	۱۰۰/۱	برنامه اول	دزفول
۱۳۵۹	۹۳/۷	برنامه اول	اهواز
۱۳۵۹	۱۰۳/۱	برنامه دوم	اهواز
۱۳۵۹	۹۳/۵	برنامه اول	سراوان
۱۳۵۹	۹۸/۵	برنامه اول	قزوین (مراد تپه)
۱۳۵۹	۱۰۶/۹	برنامه محلی	بوشهر
۱۳۶۰	۸۹/۵	برنامه اول	زاهدان
۱۳۶۰	۱۰۲/۳	برنامه دوم	زاهدان
۱۳۶۰	۹۳/۷	برنامه اول	بهبهان
۱۳۶۰	۹۰/۸	برنامه اول	ایذه
۱۳۶۰	۹۴/۷	برنامه اول	گرگان
۱۳۶۰	۱۰۱/۱	برنامه دوم	گرگان
۱۳۶۰	۹۰/۵	برنامه اول	کوهپناه (اراک)
۱۳۶۰	۹۶/۹	برنامه دوم	کوهپناه (اراک)
۱۳۶۰	۹۰/۲	برنامه اول	ارومیه
۱۳۶۰	۱۰۳/۷	برنامه دوم	ارومیه
۱۳۶۰	۹۰/۱	برنامه اول	بندر عباس (گنو)
۱۳۶۰	۱۰۲/۹	برنامه دوم	بندر عباس (گنو)
۱۳۶۰	۱۰۲/۹	برنامه اول	چاه بهار
۱۳۶۱	۹۷/۱	برنامه اول	یزد
۱۳۶۱	۹۱/۱	برنامه اول	اصفهان
۱۳۶۱	۹۴/۹	برنامه دوم	اصفهان
۱۳۶۱	۹۳/۹	برنامه اول	یاسوج
۱۳۶۱	۹۴/۱	برنامه اول	مهاباد
۱۳۶۱	۱۰۰/۵	برنامه محلی	مهاباد

سال بهره‌برداری	فرکانس (مگاهرتز)	نام فرستنده	مرکز فرستنده
۱۳۶۱	۱۰۱/۳	برنامه اول	کوه موند
۱۳۶۱	۹۲/۹	برنامه اول	باختران
۱۳۶۱	۹۹/۵	برنامه دوم	باختران
۱۳۶۱	۸۸/۳	برنامه اول	زنجان
۱۳۶۱	۱۰۲/۱	برنامه محلی	زنجان

(۱) - اف ام دارای مشخصات جدائی از رادیو و تلویزیون است به نحوی که کیفیت صدا را بیشتر و تفکیک شده به گوش می‌رساند.

ماخذ - صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. دفتر تحقیقات و پژوهش‌های آماری. واحد برنامه ریزی امور مهندسی.

تعداد فرستنده‌ها ورله‌های تلویزیون کشور به تفکیک استان: ۱۳۶۱

مورد بهره‌برداری				نصب شده				نام استان
بین‌المللی	شبکه دوم	شبکه اول	جمع	بین‌المللی	شبکه دوم	شبکه اول	جمع	
۰	۳۷	۴۰۵	۴۴۲	۴	۴۶	۴۶۰	۵۱۰	کل کشور
۰	۶	۲۷	۳۳	۲	۸	۲۹	۳۹	تهران
۰	۱	۱۱	۱۲	۰	۱	۱۱	۱۲	مرکزی
۰	۱	۳	۴	۰	۱	۳	۴	گیلان
۰	۲	۱۵	۱۷	۰	۳	۱۷	۲۰	مازندران ...
۰	۳	۳۷	۴۰	۰	۴	۴۵	۴۹	آذربایجان شرقی
۰	۱	۲۳	۲۴	۰	۱	۲۹	۳۰	آذربایجان غربی
۰	۱	۲۳	۲۴	۰	۱	۲۵	۲۶	باختران
۰	۶	۱۹	۲۵	۰	۸	۲۷	۳۵	خوزستان ...
۰	۵	۴۰	۴۵	۱	۶	۴۲	۴۹	فارس
۰	۰	۲۵	۲۵	۰	۰	۲۸	۲۸	کرمان
۰	۱	۴۷	۴۸	۰	۱	۴۹	۵۰	خراسان
۰	۴	۲۶	۳۰	۱	۵	۲۸	۳۴	اصفهان
۰	۰	۱۲	۱۲	۰	۰	۱۴	۱۴	سیستان و بلوچستان
۰	۰	۱۰	۱۰	۰	۰	۱۱	۱۱	کردستان ...
۰	۱	۱۰	۱۱	۰	۲	۱۲	۱۴	همدان
۰	۰	۱۳	۱۳	۰	۰	۱۵	۱۵	چهارمحال و بختیاری
۰	۳	۱۷	۲۰	۰	۳	۱۹	۲۲	لرستان
۰	۰	۴	۴	۰	۰	۶	۶	ایلام
۰	۰	۵	۵	۰	۰	۵	۵	بویرا احمد و کهگیلویه
۰	۰	۴	۴	۰	۰	۷	۷	بوشهر
۰	۲	۷	۹	۰	۲	۱۰	۱۲	زنجان
۰	۰	۱۲	۱۲	۰	۰	۱۳	۱۳	سمنان
۰	۰	۹	۹	۰	۰	۹	۹	یزد
۰	۰	۶	۶	۰	۰	۶	۶	هرمزگان

ماخذ - صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. دفتر تحقیقات و پژوهش‌های آماری. واحد برنامه ریزی امور مهندسی.

اطلاعات آماری درباره بانک، پول و بورس کشور

استخراج از : سالنامه آماری کشور (سال ۱۳۶۱) ،

از نشریات مرکز آمار ایران

از زمان تأسیس بانک ملی ایران در سال ۱۳۰۷ ، ارقام و آمارهایی در زمینه بانک و پول در کشور توسط بانک مزبور تهیه و منتشر می شد . با تأسیس بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۳۹ و نقشی که این بانک از لحاظ نظارت بر سیستم بانکی و پولی مملکت دارد تهیه آمارهای بانکی به این بانک واگذار گردید . بانک مرکزی ایران آمارهای بانکی و پولی کشور را تهیه و در نشریات ماهانه و سالانه خود انتشار می دهد .

تحولات بانکداری در کشور بعد از انقلاب :

گسترش بی رویه شبکه بانکی در دوران قبل از انقلاب که بر اساس هدفهای سود - جویانه سرمایه گذاران خصوصی و خارجی پایه گذاری شده بود ، نمی توانست جوابگوی نیازهای جدید اقتصاد ایران باشد ، به همین خاطر برای حفظ منافع ملی و بازگردانیدن اعتماد عمومی به سیستم بانکی در هفدهم خردادماه سال ۱۳۵۸ لایحه قانونی ملی شدن بانکهای خصوصی کشور از تصویب شورای انقلاب گذشت .

در زمان ملی شدن بانکها سیستم بانکی در ایران شامل ۳۶ بانک بود . از این میان ۷ بانک فعالیتهای تخصصی ، ۲۶ بانک فعالیتهای تجارتي و سه بانک دیگر فعالیتهای گسترش ناحیه ای را بر عهده داشتند . از نظر سرمایه ۱۳ بانک بصورت مختلط خصوصی فعالیت می کردند که سرمایه خارجی آنها بین ۱۵ تا ۴۰ درصد بود . مسئله ادغام بانکها پس از انتقال مالکیت بانکهای خصوصی به دولت ضرورت داشت تا با توجه به اصل مهم تمرکز بانکی ، هماهنگی بیشتر و وحدت تصمیمات چه از نظر قبول سپرده و چه از نظر اعطای اعتبار ، گردش سپرده ها و اعتبارات در مسیر توسعه پیشرفت فعالیتهای تولیدی و بازرگانی قرار گیرد . طرح ادغام بانکها در مهر ماه همان سال (۱۳۵۸) به تصویب رسید و به بانکهای کشور ابلاغ گردید . طبق این طرح بانکهای تخصصی بشرح زیر در هم ادغام شدند :

۱ - بانک صنعت و معدن : این بانک از ادغام بانکهای اعتبارات صنعتی ،

توسعه صنعتی و معدنی ایران ، توسعه و سرمایه گذاری ایران ، شرکت سرمایه گذاری بانکهای ایران ، صندوق ضمانت صنعتی و صندوق معادن ایجاد شد .

۲- بانک مسکن: شامل بانکهای رهنی ایران، ساختمان، شرکت سرمایه گذاری ساختمانی بانکهای ایران و کلیه شرکتهای پس انداز و وام مسکن کشور (۱۶ شرکت) می باشد.

۳- بانک کشاورزی: از ادغام بانکهای تعاون کشاورزی، توسعه کشاورزی و کلیه مؤسسات اعتباری وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستائی ایجاد شد. ادغام بانکهای تجاری کشور به شرح زیر صورت گرفته است.

۱- بانک تجارت که شامل بانکهای ایران و انگلیس، اعتبارات ایران، ایران و خاورمیانه، تجارتی ایران و هلند، بازرگانی ایران، ایرانشهر، صنایع ایران، شهریار، ایرانیان، کار، بین المللی ایران و ژاپن و روس و ایران (۱) می باشد.

۲- بانک ملت: شامل بانکهای تهران، داریوش، پارس، اعتبارات تعاونی و توزیع، ایران، ایران و عرب، بین المللی ایران، عمران، بیمه ایران، تجارت خارجی ایران و فرهنگیان است.

۳- بانکهای ملی ایران، سپه و رفاه کارگران نیز بصورت بانکهای تجارتی به فعالیت خود ادامه می دهند.

بانک صادرات همراه با بانکهای گسترش خزر، خوزستان و آذربایجان نیز بصورت بانکهای استانی فعالیت می نمایند.

از تحولات دیگر بانکی طی سال ۱۳۵۸ بنسبه شدن نمایندگیها و شعب بانکهای خارجی در ایران بود که در بهمن ماه بوقوع پیوست جداول بانک و پول و بورس با استفاده از نشریات بانک مرکزی ایران و اداره بررسیهای اقتصادی بانک مزبور پنج قسمت و ۱۴ جدول بشرح زیر تهیه و تنظیم گردیده است:

قسمت ۱- آمار و ترازنامه بانکها: این قسمت شامل تعداد واحدهای بانکی، خلاصه داراییها و بدهیهای سیستم بانکی کشور و بانک مرکزی و بانکهای تخصصی و تجارتی می باشد.

قسمت ۲- پول: در این قسمت حجم پول، اسکناس و مسکوک منتشره و نقدینگی بخش خصوصی بر حسب اجزاء تشکیل دهنده آن درج گردیده است.

قسمت ۳- سپرده: سپردههای بخش دولتی نزد سیستم بانکی، روابط بانک مرکزی ایران با سایر بانکها در زمینه سپرده و اعتبار در سالهای مختلف در این قسمت آمده است.

قسمت ۴ - اعتبارات : اعتبارات سیستم بانکی به بخش دولتی و خصوصی بر حسب سازمان دریافت کننده در این قسمت درج گردیده است .
قسمت ۵ - بورس : جداول مربوط به معاملات تالار بورس .

تعاریف

بانک : به موسسه‌ای اطلاق می‌شود که به صورت شرکت سهامی و مطابق قانون تجارت به عملیات بانکی بپردازد .
عملیات بانکی : عبارت است از قبول سپرده ، افتتاح حساب جاری ، اعطای اعتبار ، معاملات بروات و سفته ، معاملات ارزی ، عملیات مربوط به سهام و اسناد و اوراق بهادار ، نقل و انتقال وجوه در داخل کشور و نظائر آن .
واحد بانکی : شامل شعبه ، نمایندگی و باجه می‌باشد .
سیستم بانکی : به مجموعه بانکهای تجارتي و تخصصی و بانک مرکزی اطلاق می‌شود .

بانکهای تخصصی و تجارتي : بانکهای صنعت و معدن ، مسکن و کشاورزی تخصصی و بقیه بانکها تجارتي می‌باشند .
دارائیهای خارجی : شامل طلا و ارز پشتوانه ، سهام ایران در موسسات بین المللی و طلا و ارز آزاد می‌باشد .

اعتبارات : عبارت از قدرت خریدی است که بانکها در اختیار افراد و مؤسسات قرار می‌دهند .

اعتبارات بخش دولتی : اعتباراتی است که سیستم بانکی از طریق خرید اوراق بهادار دولتی (اسناد خزانه ، اوراق قرضه و قبوض اصلاحات ارضی) و یا مستقیماً " در اجرای مصوبات بودجه به دولت اعطا می‌نماید .

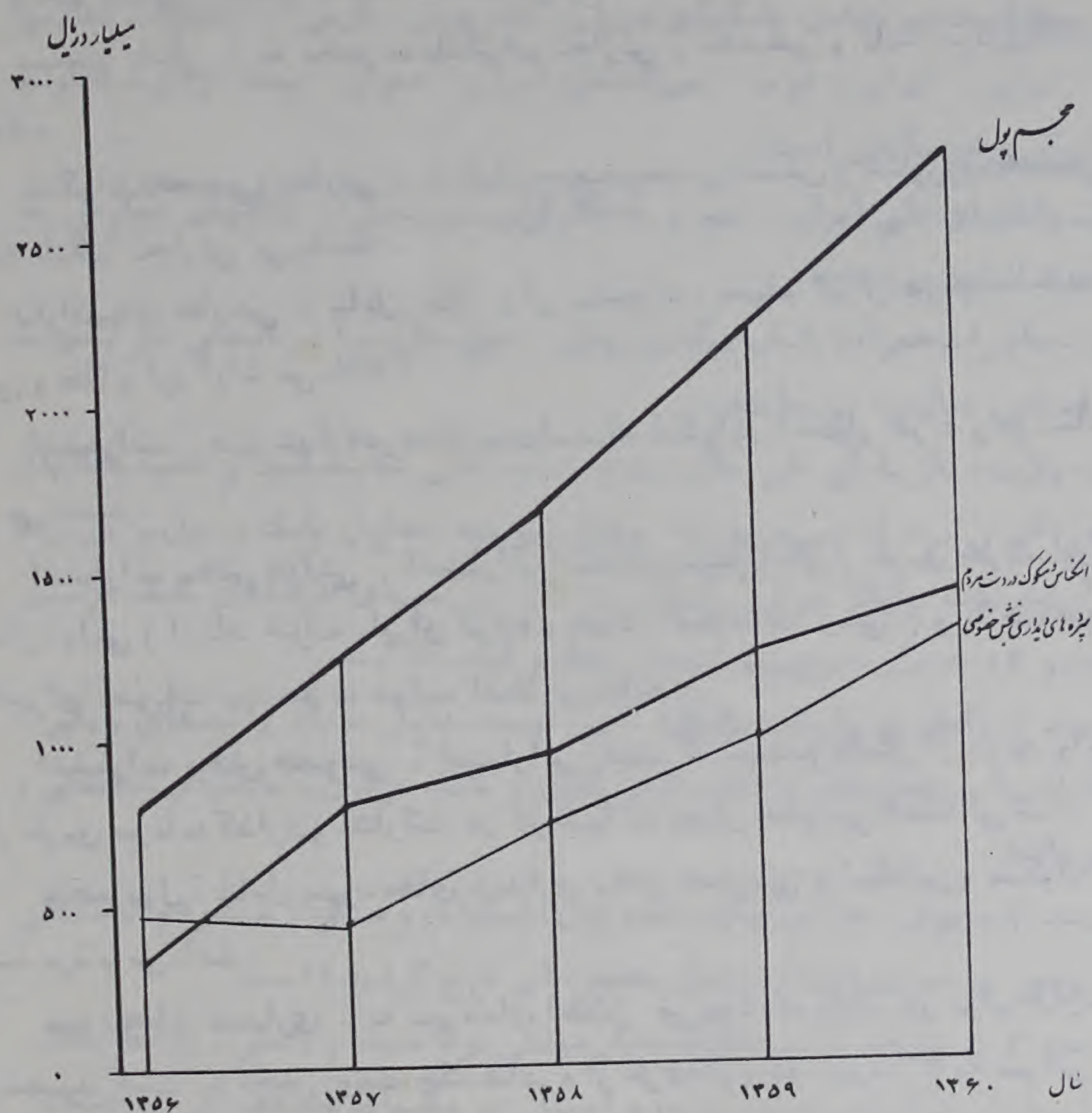
اعتبارات بخش خصوصی : اعتباراتی است که سیستم بانکی از طریق وام و یا از طریق سرمایه گذاری و مشارکت در شرکتها به بخش خصوصی اعطا می‌کند .
حجم پول : شامل سپرده‌های دیداری بخش خصوصی و اسکناس و مسکوک در دست مردم می‌باشد .

سپرده‌های دیداری : به سپرده‌ای اطلاق می‌شود که بانک در برابر دارنده آن متعهد است به محض رویت چک صادره از طرف او وجه سپرده را به میزانی که در چک قید شده است بپردازد .

سپرده‌های غیر دیداری : شامل سپرده‌های مدت دار و پس‌انداز می‌باشد .
سپرده‌های بخش دولتی : شامل سپرده‌هایی است که بوسیله مؤسسات دولتی

طبق ضوابطی به سیستم بانکی سپرده می شود .
 سپرده های بخش خصوصی : شامل سپرده هایی است که بوسیله افراد و موسسات خصوصی طبق ضوابطی به سیستم بانکی سپرده می شود .
 نقدینگی بخش خصوصی : شامل اسکناس و مسکوک در دست مردم و سپرده های دیداری و غیر دیداری بخش خصوصی می باشد .
 شبه پول : به سپرده های غیر دیداری (پس انداز و مدت دار) بخش خصوصی اطلاق می گردد .

حجم پول



سال	مشخصات کلی			تغییرات سالانه		
	تعداد شرکت	عضو (هزار نفر)	سرمایه (میلیون ریال)	تعداد شرکت	عضو (هزار نفر)	سرمایه (میلیون ریال)
۱۳۵۶	۲۹۲۵	۲۹۸۴	۸۳۸۵	۳۹	۱۱۶	۱۴۲۳
۱۳۵۷ (۱) -	۲۹۴۲	۳۰۱۴	۹۳۵۳	۱۷	۳۰	۹۶۸
۱۳۵۸	۲۹۶۴	۳۱۳۵	۹۹۴۱	۲۲	۱۲۱	۵۸۸
۱۳۵۹	۲۹۸۹	۳۲۷۳	۱۰۳۴۳	۲۵	۱۳۸	۴۰۲
۱۳۶۰	۳۰۳۲	۳۴۰۵	۱۳۱۰۲	۴۳	۱۳۲	۲۷۵۹
۱۳۶۱	۳۰۵۸	۳۶۱۶	۱۷۳۵۱	۲۶	۲۱۰	۴۲۴۹

شرکتهای تعاونی روستایی ... (دنباله)

سال	متوسط سرمایه هر عضو (ریال)	وام پرداختی			مانده وام (میلیون ریال)	ذخیره قانونی (میلیون ریال)
		تعداد (هزار فقره)	مبلغ (میلیون ریال)	متوسط وام (ریال)		
۱۳۵۶	۲۸۰۹	۱۴۱۴	۳۰۱۰۹	۲۱۲۹۳	۲۳۵۱۶	۲۳۹۲
۱۳۵۷ (۱) -	۳۱۰۳	۷۵۲	۲۰۲۱۶	۲۶۸۸۳	۳۳۹۴۷	۲۷۲۲
۱۳۵۸	۳۱۷۱	۱۲۰۸	۳۶۵۹۵	۳۰۲۹۴	۵۱۵۲۵	۲۹۲۳
۱۳۵۹	۳۱۶۰	۱۰۹۳	۴۴۷۹۰	۴۰۹۷۸	۶۴۳۴۱	۳۳۰۸
۱۳۶۰	۳۸۴۹	۱۰۹۹	۵۱۸۲۰	۴۷۱۶۹	۶۳۶۰۹	۳۷۹۷
۱۳۶۱	۴۷۹۹	۱۱۰۰	۵۵۹۶۵	۵۰۸۷۸	۷۰۲۶۱	۴۹۸۷

(۱) - آمار سال ۱۳۵۷ به علت وقوع انقلاب اسلامی ایران فقط تا پایان مهرماه سال مذکور را در بر می گیرد .
 مأخذ - سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران - دفتر آمار .

واحدهای بانکی کشور ونسبت جمعیت به واحدهای بانکی : ۶۱ - ۱۳۵۶

۷۹۶

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
واحدهای بانکی	۷۸۲۸	۸۲۷۵	-	۶۵۳۰	-	۶۵۰۳
نسبت جمعیت بواحدهای بانکی (نفر) ..	۴۴۲۴	۴۳۰۷	-	۵۷۷۳	-	۶۱۳۷

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . گزارش اقتصادی و ترازنامه (سالهای ۶۱ - ۱۳۵۷) .
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . اداره بررسیهای اقتصادی . دایره پولی .

خلاصه دارائیهها و بدهیهای سیستم بانکی کشور : ۶۰ - ۱۳۵۶
(میلیارد ریال)

دارائی و بدهی	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
جمع دارائی	۶۲۰۲/۷	۷۰۸۶/۷	۸۸۰۷/۳	۱۰۴۶۸/۰	۱۲۱۶۸/۱
۱ - دارائیههای خارجی	۸۹۸/۸	۸۸۲/۵	۱۲۱۲/۸	۹۰۵/۶	۱۲۱۱/۷
۲ - اعتبارات بخش دولتی	۱۰۳۸/۸	۱۴۳۵/۵	۳۰۶۹/۳	۲۹۴۴/۸	۳۹۳۴/۶
دولت	۶۵۳/۰	۹۲۷/۷	۱۴۳۰/۸	۲۳۵۷/۹	۳۳۰۱/۸
سایر موسسات و شرکتهای دولتی .	۳۸۵/۸	۵۰۷/۸	۶۳۸/۵	۵۸۶/۹	۶۳۲/۸
۳ - اعتبارات بخش خصوصی	۱۸۶۸/۸	۲۱۹۹/۰	۲۵۷۷/۴	۳۰۶۰/۴	۳۲۱۹/۵
۴ - تعهدات مشتریان بابت اعتبارات گشایش یافته، ضمانتنامهها و پذیرشها	۱۲۶۲/۲	۱۲۰۸/۳	۱۳۰۰/۶	۱۳۸۵/۴	۱۲۵۹/۵
۵ - سایر دارائیهها	۱۱۳۴/۱	۱۳۶۱/۴	۱۶۴۷/۲	۲۱۷۱/۸	۲۵۴۲/۸
جمع بدهی	۶۲۰۲/۷	۷۰۸۶/۷	۸۸۰۷/۳	۱۰۴۶۸/۰	۱۲۱۶۸/۱
۱ - نقدینگی بخش خصوصی	۲۰۹۷/۰	۲۵۷۸/۶	۳۵۵۰/۰	۴۳۳۷/۸	۵۱۱۱/۷
پول	۷۹۰/۵	۱۲۳۶/۵	۱۶۶۵/۸	۲۲۰۳/۳	۲۷۰۷/۵
شبه پول	۱۳۰۶/۵	۱۳۴۲/۱	۱۸۸۴/۲	۲۱۳۴/۵	۲۴۰۴/۲
۲ - سپردههای بخش دولتی	۷۰۰/۹	۷۸۱/۵	۱۰۸۲/۰	۱۰۷۸/۹	۱۲۳۸/۰
دولت	۵۰۵/۱	۵۴۵/۲	۷۸۵/۵	۷۶۹/۰	۹۳۲/۵
سایر موسسات و شرکتهای دولتی .	۱۹۵/۸	۲۳۶/۳	۲۹۶/۵	۳۰۹/۹	۳۰۵/۵
۳ - حساب سرمایه	۳۳۲/۰	۳۹۱/۹	(۱) ۰۰۰	(۱) ۰۰۰	(۱) ۰۰۰
۴ - وامها و اعتبارات دریافتی از خارج و سپردههای ارزی	۲۶۷/۶	۲۹۲/۱	۲۲۴/۵	۲۱۸/۷	۲۰۳/۸
۵ - ودیعه ثبت سفارش کالای بخش خصوصی ..	۳۴/۳	۳۰/۱	۲۹/۲	۲۶/۰	۱۸/۸
۶ - پیش پرداخت اعتبارات اسنادی بخش دولتی	۱۶۹/۵	۱۷۳/۲	۱۶۶/۹	۲۰۳/۷	۲۰۸/۸
۷ - اعتبارات گشایش یافته، ضمانتنامهها و پذیرشها	۱۲۶۲/۲	۱۲۰۸/۳	۱۳۰۰/۶	۱۳۸۵/۴	۱۲۵۹/۵
۸ - سایر بدهیها	۱۳۳۹/۲	۱۶۳۱/۰	۲۴۵۴/۱	۳۲۱۷/۵	۴۱۲۷/۵

(۱) - مانده سایر بدهیها شامل حساب سرمایه سیستم بانکی است و این حساب بعلت مقدماتی بودن حسابهای سود و زیان کلیه بانکها گزارش نشده است .

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . گزارش اقتصادی و ترازنامه (سالهای ۶۰ - ۱۳۵۶) .
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . اداره بررسیهای اقتصادی . دایره پولی .

اسکناس و مسکوک منتشره				سال
جمع	نزد بانک مرکزی	نزد سایر بانکها	در دست مردم	
۴۰۶/۶	۸/۰	۷۳/۱	۳۲۵/۵	۱۳۵۶
۹۱۹/۲	۱۲/۰	۱۰۴/۵	۸۰۲/۷	۱۳۵۷
۱۰۳۲/۹	۸/۰	۹۷/۰	۹۲۷/۹	۱۳۵۸
۱۳۶۸/۱	۲۳/۱	۱۱۳/۸	۱۲۳۱/۲	۱۳۵۹
۱۵۰۳/۱	۱۹/۷	۷۶/۲	۱۴۰۷/۲	۱۳۶۰

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه (سالهای ۶۰ - ۱۳۵۶).
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. اداره بررسیهای اقتصادی. دایره پولی.

نقدینگی بخش خصوصی : ۶۰ - ۱۳۵۶
(میلیارد ریال)

سال	نقدینگی	حجم پول			شبه پول	
		جمع	اسکناس و مسکوک در دست مردم	سپردههای دیداری بخش خصوصی	جمع	سپردههای پس انداز مدت دار (۱)
۱۳۵۶	۲۰۹۷/۰	۷۹۰/۵	۳۲۵/۵	۴۶۵/۰	۱۳۰۶/۵	۶۰۳/۱
۱۳۵۷	۲۵۷۸/۶	۱۲۳۶/۵	۸۰۲/۷	۴۳۳/۸	۱۳۴۲/۱	۶۷۹/۶
۱۳۵۸	۳۵۵۰/۰	۱۶۶۵/۸	۹۲۷/۹	۷۳۷/۹	۱۸۸۴/۲	۱۲۹۳/۳
۱۳۵۹	۴۳۳۷/۸	۲۲۰۳/۳	۱۲۳۱/۲	۹۷۲/۱	۲۱۳۴/۵	۱۵۱۳/۶
۱۳۶۰	۵۱۱۱/۷	۲۷۰۷/۵	۱۴۰۷/۲	۱۳۰۰/۳	۲۴۰۴/۲	۱۸۷۵/۸

(۱) - شامل حق بیمه و بازنشستگی کارکنان بانکها نیز می باشد.
ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه (سالهای ۶۰ - ۱۳۵۶).
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. اداره بررسیهای اقتصادی. دایره پولی.
اعتبارات و وامهای اعطاء شده بانکهای تخصصی به بخشهای مهم اقتصادی کشور : ۶۰ - ۱۳۵۶
(میلیارد ریال)

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
کشاورزی	۷۷/۱	۵۸/۳	۹۶/۵	۱۲۱/۳	۱۴۹/۶
صنعت و معدن	۶۲/۰	۳۷/۵	۷/۴	۹/۴	۱۷/۳
ساختمان	۹۹/۷	۵۲/۸	۱۱۳/۴	۱۳۶/۹	۱۲۴/۸

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه (سالهای ۶۰ - ۱۳۵۶).
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. اداره بررسیهای اقتصادی. دایره کشاورزی، صنعت و ساختمان.

اطلاعات آماری دربارهٔ بازرگانی خارجی کشور

استخراج از : سالنامه آماری کشور (سال ۱۳۶۱) ،

از نشریات مرکز آمار ایران

آمار بازرگانی خارجی ایران از سال ۱۳۷۹ شمسی از طرف گمرک ایران بطور مرتب منتشر شده است . اساس تهیه آمار مزبور ، اظهار نامه‌های ورودی و خروجی مربوط به کالاهای ترخیص شده قطعی از گمرکات کشور می باشد . طبقه بندی آماری کالاها بر مبنای شماره‌ها و تعاریف مندرج در جدول تعرفه گمرکی بروکسل^(۱) مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ و تقسیماتی که طبق مقررات عمومی صادرات و واردات در آن بعمل آمده می باشد که بصورت نشریات ماهانه ، فصلی و سالانه منتشر می شود و مآخذ تهیه آمارهای فصل بازرگانی خارجی است .

توجه : پاورقی‌های اطلاعات آماری بازرگانی در آخر مطلب ارائه شده است .

تعاریف :

واردات :

جداول آمار واردات شامل کلیه کالاهائی است که مستقیماً " برای مصرف قطعی یا تغییر شکل بمنظور صدور یا مصرف قطعی به کشور وارد و ترخیص می گردد . کالاهائی در جداول آمار واردات کشور منظور می گردد که نحوه ورود آنها بیکی از طرق ارزی و غیرارزی ، مبادلات مرزی ، پایاپای مرزی ، پایاپای قرار دادی ، مسافری (که برای آن اظهار نامه تنظیم شده است) و معافیتها باشد .

واردات مشروحه زیر جزء آمار واردات منظور نشده اند :

الف - معافیت‌های قانونی سیاسی مندرج در ماده ۳۷ قانون امور گمرکی مصوب سی ام خرداد ماه ۱۳۵۰ .

ب - کالاهای ترانزیت خارجی ، مرجوعی به کشور ، انتقالی ، کابوتاژ ، آواردات موقت مندرج در ماده مذکور .

ج - اسباب و لوازم شخصی مستعمل که مشمول پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی نباشد .

د - هدایا و سوغاتی که برای اشخاص وارد می شود بشرطی که برای آنها پروانه سبز گمرکی صادر نشده باشد و همچنین اشیاء همراه مسافر که برای آنها اظهار نامه تنظیم نشده است .

ه - ظروف عادی کالا

و - سوخت و سائل نقلیه زمینی و هوایی

ز - کالاهائی که قبلاً "با استفاده از معافیت از گمرک ترخیص و بدیگران واگذار گردیده است بشرطی که هنگام ورود جزو آمار بازرگانی منظور شده باشد .

ح - کالاهائی که جمع ارزش واردات آن در یکماه آماری از مبلغ پانصد ریال کمتر باشد .

صادرات :

آمار صادرات شامل صدور قطعی کلیه کالاهائی است که در داخل کشور تهیه شده و یا بصورت مواد اولیه و یا کالاهای نیمه ساخته یا قطعات جداگانه به کشور وارد و پس از تغییر شکل بطور قطعی صادر شده باشد . کالاهائی در جداول آمار صادرات کشور منظور می گردد که نحوه صدور آن به یکی از طرق ارزی ، مبادلات مرزی ، پایاپای - مرزی ، پایاپای قراردادی و مسافری (که برای آن اظهار نامه گمرکی تنظیم گردیده است) باشد .

صادرات مشروحه زیر جزء آمار صادرات منظور نشده اند :

الف - کالاهای مرجوعی از کشور

ب - صادرات موقت

ج - کابوتاژ (۲)

د - سوخت و سائل نقلیه زمینی و هوایی

ه - هدایا و سوغاتی کم برای اشخاص به خارج از کشور فرستاده می شود به شرط

این که حداکثر ارزش آن ده هزار ریال باشد .

بازارهای مهم اقتصادی :

کشورهای پیشرفته با اقتصاد باز . (۳)

استرالیا ، زلاندنو ، ژاپن ، اسرائیل ، آفریقای جنوبی ، ایالات متحده آمریکا ، کانادا ، اتریش ، بلژیک ، دانمارک ، فنلاند ، فرانسه ، جمهوری فدرال آلمان ، یونان ، ایسلند ، ایرلند ، ایتالیا ، لوکزامبورگ ، هلند ، نروژ ، پرتغال ، اسپانیا ، سوئد ، سوئیس ، انگلستان و سایر کشورهای اروپای غربی .

کشورهای با اقتصاد برنامه ای متمرکز (۴)

آلبانی ، بلغارستان ، چکسلواکی ، جمهوری دموکراتیک آلمان ، مجارستان ، لهستان ، رومانی ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، یوگسلاوی ، جمهوری دموکراتیک خلق کره ، جمهوری سوسیالیستی ویتنام ، جمهوری خلق چین ، مغولستان و جمهوری کوبا .

اوپک (سازمان کشورهای صادر کننده نفت خام) : (۵)

جمهوری اسلامی ایران ، اندونزی ، عراق ، کویت ، قطر ، عربستان سعودی ، امارات متحده عربی ، جمهوری دموکراتیک خلق الجزائر ، گابون ، جماهیر عربی لیبی ، نیجریه ، اکوادور و ونزوئلا .

کشورهای بازار مشترک :

ایتالیا ، بلژیک ، فرانسه ، جمهوری فدرال آلمان ، هلند ، لوکزامبورگ ، ایرلند ، انگلستان و دانمارک .

کشورهای منطقه آزاد بازرگانی .

پرتغال ، سوئد ، نروژ ، اتریش ، فنلاند و سوئیس .

کشورهای سوسیالیستی اروپا :

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، بلغارستان ، چکسلواکی ، لهستان ، رومانی ، مجارستان ، آلبانی ، جمهوری دموکراتیک آلمان و یوگسلاوی .

توضیحات :

— ارزش کالا در واردات براساس ارزش سیف C.I.F قیمت کالا با اضافه هزینه بیمه و حمل آن تا مقصد و در صادرات بر مبنای ارزش فوب "F.O.B" (۷) (تحويل کالا روی کشتی در نقطه بارگیری) تعیین شده است .

— اعداد در مأخذ اصلی بصورت کیلو و ریال بوده و در این جداول بضرورت به میلیون گرد شده اند .

— در جداول ۱ و ۲ و ۳ و ۴ موازنه ارزش برابر است با ارزش کل صادرات بدون مواد نفتی منهای ارزش کل واردات .

— آمار جداول ۵ و ۸ براساس طبقه بندی بین المللی کالاها S.I.T.C. (۸) تنظیم گشته است .

— در جداول ۶ آمار تا سال ۱۳۵۵ بر اساس نتایج حاصل از طبقه بندی خاصی از اجزاء جدول ۵ در مرکز آمار ایران تهیه شده ولی برای سالهای ۱۳۵۶ و بعد مستقیماً " از سالنامه های آمار بازرگانی خارجی ایران استفاده شده است . مفاهیم بکار رفته در این جدول عبارتند از :

کالاهای واسطه : کالاهایی که در جریان تولید سایر کالاها و خدمات مصرف می شوند .

کالاهای مصرفی : کالاهای نهائی که مستقیماً " توسط مصرف کنندگان نهائی مصرف می شوند .

کالاهای سرمایه‌ای : کالاهاییکه عمر اقتصادی آنها بیش از یکسال است و برای تولید کالا و خدمات جدید بکار می‌روند .

Brussels Tariff Nomenclature (B.T.N.).

-(۱)

(۲) - کابوتاژ Cabotage حمل کالا از یک نقطه به نقطه دیگر کشور است از طریق دریا و رودخانه‌های مرزی و یا احیاناً " خاک کشور دیگر .

Developed Market Economies.

-(۳)

Centrally Planned Economies

-(۴)

Organization of Petroleum Exporting Countries

-(۵)

Cost, Insurance, and Freight (C.I.F.).

-(۶)

Free on Board (F.O.B.).

-(۷)

Standard International Trade Classification (S.I.T.C.).

-(۸)

(۱)
 سرمایه شرکت‌های داخلی ثبت شده و منحل شده بر حسب فعالیت در شهرهای مورد بررسی کشور: ۱۳۵۸-۶۱ (میلیون ریال)

۸۰۲

۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۸	فعالیت
۴۲۰۱۲	۳۹۰۲۱	۳۲۸۱۸	۱۵۹۲۷	جمع شرکت‌های ثبت شده
۲۴۴۱	۱۸۷۹	۳۰۶۳	۱۴۵۵	کشاورزی
۵۱۷	۱۰۷۸	۳۲۴	۱۱۲	معدن
۲۳۶۳۳	۱۲۹۵۲	۷۹۱۳	۲۴۳۶	صنعت
۸۱	۲۰۴	۱۰۱	۶۲	برق، گاز و آب
۳۳۶۴	۹۰۷۳	۷۴۴۳	۳۷۳۰	ساختمان
۷۱۳۲	۸۳۵۴	۹۴۹۳	۴۷۰۸	بازرگانی، رستوران‌ها و هتل‌ها
۳۲۳	۳۷۰	۲۷۵	۱۵۶	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۴۳۰۳	۴۸۸۸	۴۰۹۳	۳۰۳۸	موسسات اعتباری، بیمه و دلالتی و خدمات بازرگانی ...
۲۱۸	۲۲۴	۱۱۲	۲۳۱	خدمات دولتی، خصوصی و اجتماعی
۸۵۸۴	۸۶۳۲	۸۳۴۹	۱۳۸۸۱	جمع شرکت‌های منحل شده
۳۸۶	۲۸۳	۶۲۹	۶۹۰	کشاورزی
۱۲۰	۴۸	۶۲	۹۷	معدن
۱۸۷۳	۱۸۶۷	۲۴۶۲	۲۱۰۴	صنعت
۱۹	۱۷	۲	۳	برق، گاز و آب
۲۵۲۰	۱۹۱۶	۲۲۰۹	۲۱۹۶	ساختمان
۳۱۸۹	۲۹۱۳	۲۳۳۱	۴۰۷۲	بازرگانی، رستوران‌ها و هتل‌ها
۴۱	۱۰۸۶	۳۲۶	۵۱	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۳۲۲	۳۶۷	۲۴۵	۴۳۴۲	موسسات اعتباری، بیمه و دلالتی و خدمات بازرگانی ...
۱۱۳	۱۳۵	۸۳	۳۲۵	خدمات دولتی، خصوصی و اجتماعی

(۱) - شهرهای مورد بررسی علاوه بر تهران در سال ۱۳۵۸ شامل ۱۸ شهر بزرگ و در سال ۱۳۵۹ شامل ۱۶ شهر بزرگ و ۴۸ شهر کوچک، در سال ۱۳۶۰ شامل ۱۶ شهر بزرگ و ۴۹ شهر کوچک و در سال ۱۳۶۱ شامل ۱۷ شهر بزرگ و ۴۶ شهر کوچک بوده است.
 ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. اداره آمار اقتصادی. آمار ثبت و انحلال شرکتها.

(۱) سرمایه شرکت‌های خارجی ثبت شده بر حسب کشور مبدأ: ۶۱ - ۱۳۵۸
(میلیون ریال)

۸۰۳

کشور	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
جمع	۵۲۸۱۴۰	۲۲۰۰	۳۰۴۰	۳۷۹۸۸
اسپانیا	۵۰۰۰	۰	۰	۰
آلمان غربی	۳۶۴	۲۲۰۰	۰	۹۴۸۲
انگلستان	۵۱۰۱۹۰	۰	۰	+
ایتالیا	۵۶۴	۰	۰	۹۰۹۰
بلژیک	۱	۰	۰	۰
پاکستان	۰	۰	۱۲۶	۴
پاناما	۰	۰	+	۰
سوریه	۱۰۰۰۰	۰	۰	۰
سوئیس	۰	۰	۰	۶۰۱۴
عراق	۱۲۵۰	۰	۰	۰
عربستان	۱	۰	۰	۰
فرانسه	۲	۰	۰	۰
کره جنوبی	۷۲۵	۰	۰	۰
لهستان (۲)	۰	۰	۰	۱۹۹
هند	۴۴	۰	۰	۰
آلمان شرقی (۲)	۰	۰	۱۸۷۵	۸۷۵
دوبی	۰	۰	۱۷۱	۰
یوگسلاوی -	۰	۰	۸۶۷	۱۱۰۴۸
ترکیه	۰	۰	۰	۱۱۰
شوروی (۲)	۰	۰	۰	۱۰۸۷
مجارستان (۲)	۰	۰	۰	۷۹

(۱) - شرکت‌های خارجی، شرکت‌هایی است که مرکز اصلی آنها در خارج از ایران می باشد.
(۲) - نوع مالکیت این شرکت‌ها دولتی است.
ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره آمار اقتصادی، آمار ثبت و انحلال شرکت‌ها.

۱۳۶۰		۱۳۵۹		۱۳۵۸		انواع اتومبیل
مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	
۹۴۰۸۵/۰	۱۱۰۲۸۱	۶۹۶۲۳/۴	۹۷۳۲۳	۶۰۵۲۹/۹	۱۰۷۹۰۲	جمع
۳۸۶۲۳/۲	۶۵۱۵۷	۳۵۳۵۹/۷	۷۲۳۸۲	۳۴۶۳۱/۷	۷۸۰۵۱	سواری
۷۱۲۵/۰	۱۳۸۳	۴۳۹۹/۹	۱۰۸۳	۳۸۶۷/۶	۹۸۹	اتوبوس
۴۲۷۳/۸	۲۴۸۹	۳۴۲۳/۹	۲۰۸۵	۲۳۶۷/۰	۱۹۷۸	مینی بوس
۲۱۵۴۸/۲	۶۸۹۷	۱۶۰۴۲/۹	۶۰۷۲	۸۱۳۴/۴	۴۲۰۳	کامیون و تانکر
۷۵۰۳/۳	۶۸۲۱	۳۰۹۹/۹	۳۱۶۵	۳۶۷۸/۸	۵۵۴۰	جیب و استیشن
۱۵۰۱۱/۵	۲۷۵۳۴	۷۲۹۷/۱	۱۲۵۳۶	۷۸۵۰/۳	۱۷۱۴۱	وانت و بارکشهای کوچک ...

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . اداره آمار اقتصادی و بررسی آماری فروش انواع اتومبیل در کشور
سالهای ۱۳۵۸-۶۰ .

(۱)
فروش فروشگاههای بزرگ مورد بررسی : ۱۳۵۶-۶۱
(میلیون ریال)

سال	مبلغ	شاخص (۱۳۵۳=۱۰۰)	درصد تغییرات نسبت به سال قبل
۱۳۵۶	۱۲۸۷۷/۸	۲۱۵/۰	۵۳/۱
۱۳۵۷	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۵۸	۸۷۴۵/۸	۱۴۸/۳	++
۱۳۵۹	۱۳۳۷۷/۳	۲۲۶/۸	۵۲/۹
۱۳۶۰	۱۹۰۷۲/۸	۳۲۳/۳	۴۲/۵
۱۳۶۱	۱۹۷۰۹/۷	۳۳۴/۱	۳/۳

(۱) - فروشگاههای مورد بررسی عبارتند از : سپه ، شهرور و ستا و قدس .
- تعدادی از فروشگاههای مورد بررسی در سالهای ۱۳۵۶-۶۱ ، در حال حاضر بعلل مختلف از فهرست
فروشگاههای مورد بررسی خارج شده اند مانند قصر نور ، شعله ، جنرال مدولیران سوپرو ...
ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . اداره آمار اقتصادی . شاخصهای ماهانه اقتصادی .

(۱) موازنه ارزش	صادرات				واردات	سال
	نسبت صادرات مواد نفتی به کل صادرات (%)	مواد نفتی	بدون مواد نفتی	کل		
-۹۹۰۱۵۹	۹۳/۵	۶۲۹۱۶۵	۴۴۰۵۲	۶۷۳۲۱۷	۱۰۳۴۲۱۱ ۱۳۵۶
-۶۹۴۱۰۷	۸۳/۴	۱۹۱۲۷۱	۳۸۱۸۶	۲۲۹۴۵۷	۷۳۲۲۹۳ ۱۳۵۷
-۶۲۷۳۸۲	۳۹/۰	۳۶۴۸۵	۵۷۱۰۹	۹۳۵۹۴	۶۸۴۴۹۱ ۱۳۵۸
-۷۳۰۸۹۱	۵۱/۵	۴۸۷۳۶	۴۵۹۵۰	۹۴۶۸۶	۷۷۶۸۴۱ ۱۳۵۹
-۱۰۵۴۹۲۲	۰۰۰	۰۰۰	۲۷۰۲۹	۰۰۰	۱۰۸۱۹۵۱ ۱۳۶۰

(۱) - موازنه ارزش بدون احتساب مواد نفتی بدست آمده است .
 ماخذ - گمرک ایران . آماربازرگانی خارجی ایران . سالنامه (سالهای ۶۰-۱۳۵۱) .

ترکیب کالاهای وارداتی کشور بر حسب مقدار و ارزش : ۱۳۵۹-۶۰
 (هزار تن - میلیون ریال)

۱۳۶۰			۱۳۵۹			ترکیب کالا
درصد ارزش	ارزش	مقدار	درصد ارزش	ارزش	مقدار	
۱۰۰/۰	۱۰۸۱۹۵۱	۱۳۹۵۲	۱۰۰/۰	۷۷۶۸۴۱	۹۷۳۴ جمع
۶۰/۹	۶۵۸۴۲۸	۱۱۳۷۵	۵۶/۴	۴۳۸۲۵۶	۷۸۰۳ کالاهای واسطه
۲۳/۲	۲۵۱۴۸۶	۲۱۷۳	۲۶/۸	۲۰۷۹۶۸	۱۴۷۹ کالاهای مصرفی
۱۵/۹	۱۷۲۰۳۷	۴۰۴	۱۶/۸	۱۳۰۶۱۷	۴۵۲ کالاهای سرمایهای

ماخذ - گمرک ایران . آماربازرگانی خارجی ایران . سالنامه (سالهای ۶۰-۱۳۵۶) .

۱۳۵۷		۱۳۵۶		نوع کالا
ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	
۷۳۲۲۹۳	۱۲۴۳۸	۱۰۳۴۲۱۱	۱۷۱۳۹	جمع
۹۰۱۳۳	۳۵۱۳	۱۰۲۷۸۵	۴۲۹۶	آهن و فولاد
۱۷۷۶۲۱	۴۶۳	۲۵۴۰۳۲	۷۹۱	ماشین آلات و دستگاههای مکانیکی
۲۵۵۷۲	۱۵۹	۴۴۵۷۸	۱۶۴	وسائط نقلیه موتوری (زمینی)
۲۹۶۷۲	۸۷	۳۸۷۱۰	۱۲۵	شاسی، بدنه و قسمتهای منفصله وسائط نقلیه موتوری (زمینی)
۴۵۸۱	۲۹	۶۳۱۷	۴۴	لاستیک وسائط نقلیه
۷۰۹۳۳	۱۵۵	۸۸۱۶۴	۲۱۲	ماشین آلات و دستگاههای برقی
۲۷۰۳۳	۵۸۶	۳۲۶۷۰	۵۸۵	مواد شیمیائی و داروئی
۹۵۸۰	۲۲۷	۱۶۷۴۸	۴۴۰	کاغذ و مقوا
۳۹۳۰	۲۴۷	۱۱۳۹۲	۴۴۹	قند و شکر
۱۰۷۹۰	۲۲۹	۱۳۱۳۶	۲۵۹	مواد چرب، چربی، روغن و مشتقات آن
۵۲۵۹	۳۵	۶۵۸۳	۴۸	عصاره های دباغی و پرنگری، انواع رنگها و ورنی
۵۹۶۶	۹۷	۵۵۰۰	۱۰۱	شیشه و شیشه آلات
۳۰۴۱	۱۳	۳۵۰۵	۱۸	چای سیاه
۱۱۱۶۹	۹۳	۱۳۳۶۰	۱۱۱	گوشت و فرآورده های آن
۱۱۰۳۴	۱۰۲	۱۲۵۴۲	۱۲۹	لبنیات و تخم مرغ
۲۷۷۰۰	۲۰۰۹	۳۹۹۲۹	۲۶۸۱	غلات و فرآورده های آن
۲۶۰۶	۹۱	۶۶۱۰	۲۵۱	میوه، سبزی و فرآورده های آن
۱۰۰۴۳	۲۱۳۶	۱۷۱۸۹	۳۰۵۴	سیمان، گچ، آهک و مصالح ساختمانی
۱۵۲۴۹	۲۱۳	۲۲۱۴۳	۲۶۷	مواد پلاستیکی، سلولز احیاء شده و صمغهای مصنوعی ...
۱۹۰۳۸۰	۱۹۵۴	۲۹۸۳۱۸	۳۱۱۴	سایر

ماخذ - گمرک ایران . آمار بازرگانی خارجی ایران سالنامه (سالهای ۶۰ - ۱۳۵۶) .

۱۳۶۰		۱۳۵۹		۱۳۵۸		نوع کالا
ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	
۱۰۸۱۹۵۱	۱۳۹۵۲	۷۷۶۸۴۱	۹۷۳۴	۶۸۴۴۹۱	۱۰۳۷۰	جمع
۱۱۳۸۰۲	۳۱۴۵	۷۳۹۰۶	۱۹۴۹	۸۶۳۸۸	۲۸۹۱	آهن و فولاد
۱۳۵۶۴۰	۲۷۲	۱۰۵۷۶۷	۲۷۵	۱۰۹۷۳۸	۲۸۶	ماشین آلات و دستگاههای مکانیکی ..
۹۳۵۹	۲۷	۷۳۷۶	۲۵	۶۳۵۸	۳۱	وسائط نقلیه موتوری (زمینی)
۴۳۱۳۱	۹۷	۳۲۱۶۷	۷۱	۲۴۲۹۳	۷۰	ناسی، بدنه و قسمتهای منفصله وسائط نقلیه موتوری (زمینی)
۲۶۳۷۰	۱۰۹	۱۴۱۲۶	۷۵	۱۰۹۳۲	۷۸	لاستیک و وسائط نقلیه
۷۵۲۲۲	۱۶۷	۶۰۲۱۴	۱۱۹	۵۴۵۱۹	۱۱۴	ماشین آلات و دستگاههای برقی ..
۶۵۳۰۶	۴۶۳	۴۵۱۲۸	۲۳۴	۳۴۷۴۱	۲۱۱	مواد شیمیائی و داروئی
۲۸۶۵۴	۴۲۶	۲۰۶۵۸	۴۳۱	۱۲۳۴۳	۲۳۶	کاعد و مقوا
۲۵۱۴	۱۱۱	۹۸۷۲	۳۷۹	۲۰۱۷۰	۱۲۶۹	قند و شکر
۲۴۶۰۱	۳۵۷	۸۲۷۳	۸۴	۱۸۹۴۰	۳۱۶	مواد چرب، چربی، روغن و مشتقات آن
۱۰۱۱۰	۴۹	۶۵۲۲	۲۷	۵۸۳۰	۳۱	عصاره های دباغی و رنگریزی، انواع رنگها و روغن
۵۳۹۹	۶۸	۵۶۲۷	۶۴	۴۹۸۵	۶۲	شیشه و شیشه آلات
۴۱۵۳	۱۷	۱۶۳۸	۷	۴۷۶۳	۲۲	چای سیاه
۳۱۵۳۹	۱۹۵	۱۳۸۷۸	۱۰۲	۱۰۰۲۸	۷۹	گوشت و فرآورده های آن
۳۷۶۶۹	۲۳۴	۲۵۵۱۲	۱۸۹	۱۸۲۶۳	۱۵۳	لبنیات و تخم مرغ
۷۲۳۱۷	۳۵۵۶	۳۹۳۸۳	۲۳۵۰	۳۱۸۲۶	۱۸۵۰	غلات و فرآورده های آن
۹۲۴	۱۲	۴۴۲	۶	۱۷۱۹	۳۲	میوه، سبزی و فرآورده های آن
۳۰۲۵	۱۹۶	۸۱۳۷	۲۳۸	۲۲۵۱	۲۴۵	سیمان، کج، آهک و مصالح ساختمانی
۳۷۵۱۹	۲۶۶	۳۲۰۰۱	۲۸۸	۱۸۱۸۴	۱۸۰	مواد پلاستیکی، سلولز احیاء شده و صمغهای مصنوعی
۳۵۴۶۹۷	۴۰۸۵	۲۶۶۱۱۴	۲۸۲۱	۲۰۸۲۲۰	۲۲۱۴	سایر

۱۳۵۷		۱۳۵۶		نوع کالا
ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	
۲۲۹۴۵۷	۶۹۸۳۰	۶۷۳۲۱۷	۸۲۳۰۲	جمع
۱۹۱۲۷۱	۶۶۴۹۴	۶۲۹۱۶۵	۸۱۱۶۴	مواد نفتی و حلالهای هیدروکربن حاصل از نفت ...
۳۸۱۸۶	۳۳۳۶	۴۴۰۵۲	۱۱۳۸	صادرات بدون مواد نفتی و حلالهای هیدروکربن حاصل از نفت
۵۱۹۴	۵	۵۷۵۱	۶	قالی و قالیچه پشمی دستیاف
۷۲۴۸	۶۸	۶۷۸۲	۷۰	پنبه
۵۵۵۷	۱۲۳	۸۸۳۶	۱۷۳	میوه، سبزی و فراوردههای آنها
۲۷۴۸	۲۵	۲۸۱۵	۲۳	انواع پوست و چرم
۷۷۰	۱۰۹	۳۲۸۳	۲۷۹	کلوخههای کانی و فلزی
۴۹۳	+	۶۸۷	+	خاویار
۲۴۱	+	۵۳۴	۱	انواع کتیرا
۵۳۴	۶	۴۷۰	۷	انواع ریره
۷۷۸	۱	۷۴۶	۱	انواع روده
۶۷	۳	۱۳۱	۶	دانه و گیاههای دارویی و صنعتی
۲۷۳	۲	۲۴۷	۴	ماهی
۶۴۱	۱۱	۱۱۳۵	۲۰	پودر لباسشویی و صابون
۲۶۹	۱	۵۷۱	۲	انواع کفش
۳	+	۱	+	روغنهای گیاهی و حیوانی
۴۸۸	۲	۷۰۱	۱	وسائط نقلیه موتوری (زمینی)
۴۳۸	۱۲	۹۷۰	۱	البسه
۲۱۲	۶۵	۱۲۷۷	۲۶۰	انواع گوگرد
۱۲۲۳۳	۲۹۰۲	۹۱۱۵	۲۸۴	سایر کالاها

۱۳۶۰		۱۳۵۹		۱۳۵۸		نوع کالا
ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	
۰۰۰	۰۰۰	۹۴۶۸۶	۶۳۰۲	۹۳۵۹۴	۵۱۷۵	جمع
۰۰۰	۰۰۰	۴۸۷۳۶	۶۱۷۳	۳۶۴۸۵	۴۵۹۶	مواد نفتی و حلالهای هیدروکربن حاصل از نفت
۲۷۰۲۹	۱۵۴	۴۵۹۵۰	۱۲۹	۵۷۱۰۹	۵۷۹	صادرات بدون مواد نفتی و حلالهای هیدروکربن حاصل از نفت
۱۱۸۱۰	۲	۳۰۰۷۳	۵	۲۸۱۰۱	۸	قالی و قالیچه پشمی دستباف
۰	۰	۳۷۷	۴	۵۴۱۵	۶۶	پنبه
۴۷۴۷	۳۷	۴۴۴۸	۳۰	۸۴۶۵	۱۴۱	میوه، سبزی و فراوردههای آنها
۴۲۴۸	۱۶	۳۵۲۴	۱۴	۳۴۶۷	۲۲	انواع پوست و چرم
۳۹۷	۱۸	۱۳۸۹	۴۰	۱۴۵۱	۹۳	کلوخههای کانی فلزی
۱۲۱۹	+	۱۰۸۸	+	۷۷۱	+	خاویر
۹۰	+	۳۳	+	۲۰۲	+	انواع کتیرا
۳۰	+	۱۱۶	۱	۳۰۰	۳	انواع ریره
۱۵۸۰	۱	۱۷۱۵	۱	۱۱۰۴	۱	انواع روده
۹۶	۲	۵۴	۱	۵۴	۲	دانه و گیاههای دارویی و صنعتی
۱۶۳	۱	۲۰۹	۱	۲۷۴	۲	ماهی
+	+	+	+	۶۴	۱	پودر لباسشویی و صابون
۳۶	+	۱۹۸	۱	۳۲۲	۱	انواع کفش
+	+	+	+	۲	+	روغنهای گیاهی و حیوانی ..
۱۹	+	۱۰	+	۱۶۷	۱	وسایط نقلیه موتوری (زمینی)
۳۸۰	+	۳۳۲	+	۴۶۶	+	البسه
+	+	+	+	۷۵	۲۲	انواع گوگرد
۲۲۱۴	۷۷	۲۳۸۴	۳۱	۶۴۰۹	۲۱۵	سایر کالاها

مسافران خارجی وارد شده به کشور: ۶۱ - ۱۳۵۶

۸۱۰

سال	جمع	جهانگرد	غیرجهانگرد
۱۳۵۶	۷۰۶۸۶۳	۶۷۸۱۵۷	۲۸۷۰۶
۱۳۵۷	۵۱۵۲۲۱	۵۰۲۲۷۸	۱۲۹۴۳
۱۳۵۸	۱۵۵۸۶۱	۱۴۷۵۳۲	۸۳۲۹
۱۳۵۹	۱۶۷۲۱۱	۱۵۳۶۱۲	۱۳۵۹۹
۱۳۶۰	۲۲۱۱۹۲	۱۶۷۴۷۳	۵۳۷۱۹
۱۳۶۱	۳۱۲۶۱۲	۶۸۵۹۵ (۱)	۲۴۴۰۱۷

(۱) - کاهش تعداد جهانگردان در سال ۶۱ به علت تفکیک رانندگان شرکت‌های حمل و نقل زمینی می باشد که جزء جهانگردان منظور شده بودند.

ماخذ - وزارت ارشاد اسلامی. دفتر جهانگردی. گزارش جهانگردی خارجی ایران: ۱۳۶۱.

خروج اتباع ایران از کشور به تفکیک نوع گذرنامه: ۶۱ - ۱۳۵۶

سال	جمع	نوع گذرنامه			
		عادی	تحصیلی	خدمتی و سیاسی	سایر
۱۳۵۶	۷۱۶۲۸۲	۶۶۱۱۴۳	۱۵۸۵	۱۹۰۵۹	۳۴۴۹۵
۱۳۵۷	۶۵۶۲۶۹	۵۸۸۹۵۷	۲۲۲	۱۲۹۷۵	۵۴۱۱۵
۱۳۵۸	۵۹۹۷۹۲	۵۲۶۰۶۳	۰	۴۴۱۱	۶۹۳۱۸
۱۳۵۹	۲۹۹۵۱۹	۲۹۷۶۵۲	۰	۱۷۱۵	۱۵۲
۱۳۶۰	۱۴۷۶۸۳	۱۳۳۴۱۹	۱۰۰۰۸	۲۱۰۳	۱۱۱۵۳
۱۳۶۱	۲۱۱۵۷۳	۱۳۳۶۸۶	۵۴۱	۶۴۴۷	(۱) ۷۰۸۹۹

(۱) - منظور گذرنامه‌هایی است که برای زیارت صادر شده است.

ماخذ - وزارت ارشاد اسلامی. دفتر جهانگردی. گزارش جهانگردی خارجی ایران: ۱۳۶۱.

تغییرات سالانه درآمد ارزی حاصل از ورود جهانگردان به کشور: ۶۱ - ۱۳۵۶
(میلیون ریال)

سال	درآمد ارزی (ریال)	تغییرات نسبت به سال قبل	درصد تغییرات نسبت به سال قبل	شاخص درآمد
۱۳۵۶	۱۱۷۷۱	+۲۱۹	+۱/۹	۱۰۰
۱۳۵۷	۱۵۴۱۰	+۳۹۳۸	+۳۳/۵	۱۳۴
۱۳۵۸	۴۲۴۸	-۱۱۴۶۱	-۷۳/۰	۳۶
۱۳۵۹	۴۱۱۳	-۱۳۵	-۳/۲	۳۵
۱۳۶۰	۴۷۹۰	+۶۷۶	+۱۶/۴	۴۱
۱۳۶۱	۱۷۷۷	-۳۰۱۲	-۶۲/۹	۱۵

ماخذ - وزارت ارشاد اسلامی. دفتر جهانگردی. گزارش جهانگردی خارجی ایران: ۱۳۶۱.

شاخص‌های گروه‌های عمده کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور: ۶۱ - ۱۳۵۶
(۱۳۵۳=۱۰۰)

۸۱۱

شرح کالا و خدمات	۱۳۵۶	(۱) ۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	ضریب اهمیت
شاخص کل	۱۶۰/۲	۱۷۶/۲	۱۹۶/۳	۲۴۲/۵	۲۷۹/۹	۳۵۵/۲	۱۰۰/۰۰
خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات .	۱۴۲/۲	۱۶۸/۸	۲۰۶/۵	۲۷۲/۵	۳۴۲/۴	۴۰۴/۴	۳۷/۵۸
پوشاک	۱۴۶/۷	۱۶۳/۶	۱۸۷/۲	۲۳۲/۱	۲۸۲/۱	۳۵۱/۸	۱۲/۹۴
مسکن و سوخت	۲۱۷/۰	۲۱۶/۷	۲۰۵/۵	۲۲۰/۴	۲۴۱/۹	۲۷۱/۳	۲۲/۸۳
اثاثه و کالاها و خدمات مورد استفاده در خانه	۱۴۶/۵	۱۵۶/۷	۱۷۵/۳	۲۲۹/۷	۳۲۱/۱	۴۰۹/۰	۸/۷۱
حمل و نقل و ارتباطات	۱۶۲/۲	۱۷۶/۶	۱۹۳/۴	۲۴۹/۱	۳۲۸/۷	۴۲۲/۷	۷/۷۸
درمان و بهداشت	۱۴۷/۰	۱۷۰/۰	۱۸۶/۵	۱۹۳/۲	۱۸۹/۹	۲۰۵/۶	۳/۵۶
تفریح، تحصیل و مطالعه	۸۹/۲	۹۹/۷	۱۱۳/۴	۱۲۷/۰	۱۴۴/۷	۱۷۲/۴	۳/۳۱
کالاها و خدمات متفرقه	۱۴۰/۷	۱۶۵/۰	۲۰۵/۱	۲۷۶/۶	۳۶۰/۶	۴۲۵/۰	۳/۳۹

(۱) - در محاسبه میانگین سالیانه شاخصها در سال ۱۳۵۷ ارقام دی و بهمن ماه به علت عدم دسترسی به قیمت‌ها تخمینی است.

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره آمار اقتصادی، گزارش شاخص‌های کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، سال ۱۳۶۱ (گزارش‌های ماهانه).

شاخص ماهانه‌های کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور: ۶۱ - ۱۳۵۶
(۱۳۵۳=۱۰۰)

ماه	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
متوسط سال	۱۶۰/۲	۱۷۶/۲	۱۹۶/۳	۲۴۲/۵	۲۹۷/۹	۳۵۵/۲
فروردین	۱۵۰/۸	۱۷۳/۹	۱۹۳/۱	۲۲۴/۶	۲۸۷/۳	۳۳۵/۱
اردیبهشت	۱۵۴/۷	۱۷۳/۳	۱۹۳/۴	۲۲۶/۹	۲۹۳/۰	۳۳۶/۵
خرداد	۱۵۷/۱	۱۷۳/۱	۱۹۴/۷	۲۳۴/۶	۲۹۵/۸	۳۳۸/۲
تیر	۱۵۸/۲	۱۷۱/۰	۱۸۸/۲	۲۳۱/۷	۲۸۶/۷	۳۳۱/۱
مرداد	۱۵۸/۱	۱۷۰/۴	۱۸۹/۵	۲۳۱/۸	۲۸۳/۷	۳۳۰/۵
شهریور	۱۵۹/۰	۱۷۱/۰	۱۸۷/۵	۲۳۳/۲	۲۸۴/۲	۳۳۸/۲
مهر	۱۶۰/۱	۱۷۲/۷	۱۸۷/۳	۲۳۷/۶	۲۸۹/۷	۳۵۰/۸
آبان	۱۶۱/۳	۱۷۵/۳	۱۹۰/۲	۲۴۳/۶	۲۹۵/۳	۳۶۱/۱
آذر	۱۶۲/۲	۱۷۹/۱	۱۹۷/۴	۲۴۸/۳	۲۹۸/۶	۳۶۷/۶
دی	۱۶۳/۰	(۱) ۱۸۲/۰	۲۰۴/۰	۲۵۵/۱	۳۰۸/۵	۳۸۰/۵
بهمن	۱۶۷/۰	(۱) ۱۸۴/۷	۲۱۳/۳	۲۶۶/۰	۳۱۹/۹	۳۹۴/۶
اسفند	۱۷۰/۸	۱۸۸/۵	۲۱۸/۲	۲۷۶/۱	۳۳۱/۶	۳۹۷/۹

(۱) - به علت اعتصابات و وقوع انقلاب اسلامی، شاخص ماه‌های دی و بهمن برآورد شده است.
ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره آمار اقتصادی، گزارش شاخص‌های کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، سال ۱۳۶۱ (گزارش‌های ماهانه).

شاخص بهای عمده فروشی کالاها بر حسب گروههای اصلی منتخب: ۶۱ - ۱۳۵۶
(۱۳۵۳=۱۰۰)

۸۱۲

گروههای اصلی منتخب	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	ضریب اهمیت (۱)
شاخص کل	۱۳۶/۹	۱۴۹/۹	۱۷۹/۶	۲۳۴/۳	۲۷۹/۷	۳۱۸/۱	۱۰۰/۰۰
خوراک	۱۳۹/۱	۱۵۸/۸	۲۰۳/۲	۲۷۲/۳	۲۳۳/۸	۳۸۱/۸	۳۵/۰۰
مواد خام صنعتی	۱۳۶/۵	۱۵۶/۸	۱۸۳/۷	۲۵۷/۷	۳۱۸/۳	۳۶۱/۹	۳/۶۹
سوختهای معدنی	۱۰۹/۷	۱۱۸/۴	۱۲۴/۰	۱۵۹/۲	۲۰۶/۱	۲۱۲/۶	۴/۳۵
مواد معدنی	۲۲۳/۳	۲۱۲/۶	۲۱۴/۱	۲۶۲/۳	۲۹۹/۴	۳۳۶/۱	۴/۲۰
منسوجات و پوشاک	۱۳۸/۷	۱۴۴/۵	۱۷۷/۲	۲۴۸/۱	۳۱۲/۵	۳۸۱/۱	۱۰/۸۶
فلزات اساسی	۱۱۳/۳	۱۲۶/۵	۱۴۳/۵	۱۸۴/۷	۲۰۴/۹	۱۸۹/۰	۶/۹۶
ماشینآلات و وسائط حمل و نقل ...	۱۴۰/۶	۱۵۳/۳	۱۶۹/۹	۲۰۱/۷	۲۲۰/۴	۲۴۶/۱	۱۲/۹۷

(۱) - مابه التفاوت مجموع ضرایب اهمیت با رقم شاخص کل مربوط به سایر اقلام گروههای اصلی می باشد.
ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره آمار اقتصادی، گزارش شاخص بهای عمده فروشی کالاها، سال ۱۳۶۱ (گزارشهای ماهانه).

شاخص ماهانه بهای عمده فروشی کالاها: ۶۱ - ۱۳۵۶
(۱۳۵۳=۱۰۰)

ماه	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
متوسط سال	۱۳۶/۹	۱۴۹/۹	۱۷۹/۶	۲۳۴/۳	۲۷۹/۷	۳۱۸/۱
فروردین	۱۳۳/۳	۱۵۰/۰	۱۶۵/۱	۲۱۳/۰	۲۷۳/۷	۳۰۴/۵
اردیبهشت	۱۳۵/۸	۱۵۰/۶	۱۶۶/۹	۲۲۰/۲	۲۸۵/۸	۳۰۳/۴
خرداد	۱۳۶/۰	۱۴۸/۷	۱۶۴/۷	۲۲۶/۳	۲۸۳/۴	۳۰۸/۶
تیر	۱۳۴/۲	۱۴۵/۶	۱۶۷/۳	۲۲۴/۵	۲۷۳/۸	۳۰۴/۹
مرداد	۱۳۳/۳	۱۴۳/۸	۱۶۹/۱	۲۲۰/۵	۲۶۸/۸	۳۰۲/۰
شهریور	۱۳۲/۸	۱۴۳/۴	۱۶۸/۴	۲۲۱/۳	۲۶۸/۶	۳۰۷/۲
مهر	۱۳۳/۵	۱۴۵/۷	۱۷۳/۷	۲۲۵/۰	۲۶۹/۴	۳۱۲/۱
آبان	۱۳۶/۱	۱۴۹/۸	۱۷۹/۴	۲۳۲/۶	۲۷۲/۳	۳۲۰/۵
آذر	۱۳۶/۶	۱۵۲/۵	۱۸۷/۲	۲۴۱/۹	۲۷۷/۸	۳۲۷/۵
دی	۱۳۸/۳	۱۵۳/۸	۱۹۶/۱	۲۵۳/۳	۲۸۵/۵	۳۳۴/۴
بهمن	۱۴۴/۰	۱۵۷/۲	۲۰۶/۸	۲۶۴/۱	۲۹۵/۳	۳۴۵/۱
اسفند	۱۴۸/۶	۱۵۷/۹	۲۱۱/۰	۲۶۸/۵	۳۰۱/۸	۳۴۷/۰

(۱) - بعثت اعتصابات و وقوع انقلاب اسلامی، شاخص ماههای دی و بهمن ۱۳۵۷ برآورد شده است.
ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره آمار اقتصادی، گزارش شاخص بهای عمده فروشی کالاها، سال ۱۳۶۱ (گزارشهای ماهانه).

سال و ماه	شاخص کل	کالاهاى تولید و مصرف شده در کشور ^(۱)	کالاهاى وارداتى ^(۱)	کالاهاى صادراتى
۱۳۵۶	۱۳۶/۹	۱۴۲/۲	۱۲۴/۱	۱۴۰/۵
۱۳۵۷	۱۴۹/۹	۱۵۵/۴	۱۳۷/۱	۱۴۵/۸
۱۳۵۸	۱۷۹/۶	۱۸۸/۴	۱۵۷/۷	۱۸۱/۶
۱۳۵۹	۲۳۴/۳	۲۵۱/۴	۱۹۱/۸	۲۳۳/۹
۱۳۶۰	۲۷۹/۷	۳۰۷/۱	۲۱۱/۹	۲۷۸/۱
۱۳۶۱	۳۱۸/۱	۳۵۱/۶	۲۳۴/۶	۳۲۴/۳

(۱) - در مهرماه ۱۳۶۰ در طبقه بندى میوه هاى تازه اصلاحاتى انجام شد که در نتیجه ترکیب گروه کالاها (تولید و مصرف شده در کشور و کالاهاى وارداتى) تغییر نمود و بر این اساس در اعداد شاخص این دو گروه طى سه سال گذشته تجدید نظر بعمل آمد.

ماخذ - بانک مرکزى جمهورى اسلامى ایران. اداره آمار اقتصادى، گزارش شاخص بهای عمده فروشی کالاها. سال ۱۳۶۱ (گزارش ماهانه).

شاخص مزد و حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان کارگاههای بزرگ صنعتی کشور برحسب سرگروههای فعالیت: ۶۰ - ۱۳۵۶
(۱۳۵۳=۱۰۰)

نام صنعت	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
شاخص کل	۲۵۱/۴	۳۲۵/۷	۵۲۷/۲	۶۲۴/۶	۶۸۲/۱
تولید مواد غذایی، نوشابه ها و توتون (!)	۲۳۲/۹	۳۱۱/۸	۴۸۰/۹	۵۳۲/۴	۵۱۸/۴
تولید منسوجات، پوشاک و چرم	۲۰۰/۱	۲۵۸/۴	۴۹۵/۹	۶۲۰/۶	۶۸۶/۸
تولید چوب و محصولات چوبی	۲۳۰/۶	۵۵۰/۵	۹۰۴/۶	۱۱۸۹/۰	۱۱۸۵/۲
تولید کاغذ، مقوا و محصولات کاغذی و مقوایی	۲۷۹/۲	۳۷۳/۹	۵۷۶/۴	۶۴۶/۳	۷۲۶/۰
تولید مواد و محصولات شیمیایی	۳۶۵/۳	۳۳۴/۸	۵۱۲/۰	۶۰۶/۲	۶۴۳/۹
تولید محصولات معدنی غیر فلزی (غیر از نفت و ذغال سنگ)	۳۰۳/۸	۳۸۶/۶	۶۸۳/۶	۸۲۹/۳	۹۵۵/۰
تولید فلزات اساسی	۲۰۹/۳	۲۶۰/۸	۳۹۴/۶	۴۶۰/۵	۴۷۹/۱
تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی	۳۱۱/۸	۴۰۳/۱	۵۹۰/۳	۶۷۷/۰	۷۷۸/۱
سایر صنایع تولیدی	۱۶۹/۶	۱۸۸/۵	۳۰۷/۲	۳۱۱/۷	۳۳۳/۷

(۱) - شامل مزد و حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان کشتارگاههای دام کشور نمی باشد.
ماخذ - بانک مرکزى جمهورى اسلامى ایران. اداره آمار اقتصادى. دایره آمار صنعتى. نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور. سال ۱۳۶۰ (آبان ماه ۱۳۶۱).

فرآورده	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰ (۶ ماهه اول)
جمع	۲۸۷۵۳	۲۹۱۰۰	۳۰۹۲۵	۲۹۴۳۳	۱۳۹۳۳
بنزین موتور (سوپر)	۷۰۳	۶۲۸	۷۱۱	۴۷۶	۶۳
بنزین موتور (معمولی)	۳۹۱۷	۴۴۰۰	۴۹۹۳	۴۳۲۰	۲۰۸۸
بنزینهای هواپیما	۵	۵	۱	۱	۱
بنزین جت G.P.4	۵۳۵	۴۳۲	۱۴۴	۳۲۰	۱۴۹
نفت جت A.T.K.	۷۸۱	۶۲۶	۴۳۵	۲۵۹	۹۰
نفت سفید	۵۹۳۶	۵۹۲۵	۷۳۳۴	۵۶۹۲	۱۹۷۹
نفت گاز	۹۰۴۶	۹۴۴۵	۹۴۰۵	۹۲۵۷	۴۷۵۰
نفت کوره	۶۳۳۸	۶۱۶۸	۶۵۱۰	۷۶۷۵	۴۲۳۱
روغن	۲۲۱	۲۳۰	۲۶۷	۲۰۶	۸۱
قیح (هزارتن)	۱۰۲۱	۱۰۱۵	۸۷۲	۹۹۵	۳۷۱
سایر فرآورده های نفتی	۲۵۰	۲۲۶	۲۵۳	۲۳۲	۱۳۰

ماخذ - وزارت نفت . گزارش عملیات سال ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ارقام دریافتی ارامورپخش شرکت ملی نفت ایران .

واردات انواع فرآورده های نفتی : ۵۸ - ۱۳۵۷
(میلیون لیتر)

فرآورده	۱۳۵۷	۱۳۵۸
جمع	۶۳۹	۵۶۹
نفت سفید	۲۶۲	۳۵۲
نفت گاز	۳۷۲	۲۱۴
سایر فرآورده ها	۳	۳

ماخذ - وزارت نفت . گزارش عملیات پخش در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ .

کشور	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱
جمع	۳۱۲۷۸/۰	۲۹۸۰۵/۲	۳۰۹۲۸/۸	۲۶۸۷۸/۴	۲۲۴۹۰/۸
الجزایر	۱۱۵۲/۳	۱۱۶۱/۲	۱۱۵۳/۸	۱۰۱۹/۹	۸۰۷/۸
اکوادور	۱۸۳/۴	۲۰۱/۸	۲۱۴/۲	۲۰۴/۱	۲۱۰/۶
گابن	۲۲۲/۰	۲۰۸/۷	۲۰۳/۴	۱۷۴/۵	۱۵۱/۰
اندونزی	۱۶۸۶/۱	۱۶۳۵/۲	۱۵۹۰/۸	۱۵۷۵/۷	۱۶۰۳/۷
جمهوری اسلامی ایران	۵۶۶۲/۸	۵۲۴۱/۷	۳۱۶۷/۹	* ۱۴۶۷/۳	۱۳۱۵/۹
عراق	۲۳۴۸/۲	۲۵۶۲/۰	۳۴۷۶/۹	* ۲۶۴۶/۴	۸۹۷/۴
کویت	۱۹۶۹/۰	۲۱۳۱/۴	۲۵۰۰/۳	۱۶۶۳/۷	۱۱۲۴/۷
لیبی	۲۰۶۳/۴	۱۹۸۲/۵	۲۰۹۱/۷	۱۸۳۰/۰	۱۱۱۷/۴
نیجریه	۲۰۸۵/۱	۱۸۹۷/۰	۲۳۰۲/۰	۲۰۵۸/۰	۱۴۴۴/۶
قطر	۴۴۴/۶	۴۸۶/۷	۵۰۸/۱	۴۷۱/۴	۴۰۴/۹
عربستان سعودی	۹۲۲۴/۵	۸۳۰۱/۰	۹۵۳۲/۶	۹۹۰۰/۵	۹۸۱۱/۲
امارات متحده عربی	۱۹۹۸/۷	۱۸۳۰/۵	۱۸۳۰/۷	۱۷۰۱/۹	۱۵۰۰/۶
ونزوئلا	۲۲۳۷/۹	۲۱۶۵/۵	۲۳۵۶/۴	۲۱۶۵/۰	۲۱۰۱/۰

ماخذ - وزارت نفت . اداره آمار و بررسی گزارشهای نفتی بین المللی .

درصد سهم تولید هریک از کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) : ۸۱ - ۱۹۷۷

کشور	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
الجزایر	۳/۷	۳/۹	۳/۷	۳/۸	۳/۶
اکوادور	۰/۶	۱/۰	۰/۷	۰/۸	۰/۹
گابن	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷
اندونزی	۵/۴	۵/۵	۵/۱	۵/۹	۷/۱
جمهوری اسلامی ایران	۱۸/۱	۱۷/۶	۱۰/۲	* ۵/۵	۵/۹
عراق	۷/۵	۸/۶	۱۱/۲	* ۹/۹	۴/۰
کویت	۶/۳	۷/۲	۸/۱	۶/۲	۵/۰
لیبی	۶/۶	۶/۷	۶/۸	۶/۸	۵/۰
نیجریه	۶/۷	۶/۴	۷/۴	۷/۷	۶/۴
قطر	۱/۴	۱/۶	۱/۶	۱/۸	۱/۸
عربستان سعودی	۲۹/۵	۲۷/۸	۳۰/۸	۳۶/۸	۴۳/۶
امارات متحده عربی	۶/۴	۶/۹	۵/۹	۶/۳	۶/۷
ونزوئلا	۷/۲	۷/۳	۷/۶	۸/۰	۹/۳

ماخذ - محاسبات بر مبنای جدول بالا در مرکز آمار ایران انجام گرفته است .

درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار بودجه عمومی کشور: ۶۲ - ۱۳۵۸

(میلیون ریال)

۸۱۶

عنوان	۱۳۵۸ قطعی	۱۳۵۹ قطعی	۱۳۶۰ قطعی	۱۳۶۱ مصوب	۱۳۶۲ برآورد
جمع کل	۲۲۵۷۵۴۸	۲۴۰۵۹۳۵	۲۹۲۴۳۶۵	۳۳۴۴۶۲۷	۳۷۲۷۹۴۳
۱ - درآمدهای مالیاتی	۳۶۸۳۴۲	۳۴۰۴۲۹	۵۵۴۱۰۲	۶۶۶۳۷۴	۷۲۰۷۰۲
مالیات بر شرکتها	۱۴۲۹۷۷	۴۵۹۷۵	۲۲۷۶۰۷	۱۹۰۰۶۶	۲۴۷۴۰۸
مالیات بر درآمد	۷۲۳۲۷	۶۵۸۶۷	۷۸۲۴۹	۱۰۸۴۱۷	۱۰۹۹۱۴
مالیات بر ثروت	۱۲۷۹۹	۱۷۳۲۶	۱۶۰۲۰	۲۸۵۸۲	۳۲۱۲۲
مالیات بر واردات	۱۰۰۹۴۲	۱۶۱۲۹۷	۱۶۹۷۴۲	۲۳۶۷۸۱	۲۲۰۲۵۵
مالیات بر مصرف و فروش	۳۹۲۹۷	۴۹۹۶۴	۶۲۴۸۴	۱۰۲۵۲۸	۱۱۱۰۰۴
۲ - درآمد نفت و گاز	۱۲۱۹۷۱۶	۸۸۸۸۳۰	۹۳۷۹۰۲	۱۴۸۹۲۰۰	۱۹۹۶۰۰۰
۳ - درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت	۳۵۷۹۰	۹۹	۵۶۲۱۷	۲۳۳۹۰۳	۶۹۹۳۷
۴ - درآمد حاصل از خدمات و فروش کالا	۲۳۸۷۹	۳۰۸۶۱	۳۹۴۶۶	۷۹۴۰۳	۱۹۰۶۹۲
۵ - حق بیمه، کمکهای دریافتی، درآمدهای انتقالی و متفرقه	۱۰۸۴۴۹	۱۴۵۵۳۲	۲۰۶۴۱۷	۱۶۷۳۴۷	۲۴۰۱۱۷
۶ - اصل و بهره وامهای دولت در خارج از کشور	۱۱۷۷۶۹	۴۸۳۸۲	۶۲۸۷۰	۳۷۶۰۰	۲۵۰۰۰
۷ - سایر منابع تامین اعتبار	۳۸۳۶۰۳	۹۵۱۸۰۲	۱۰۶۷۳۹۲	۶۷۰۸۰۰	۴۸۵۴۹۶
استفاده از وامهای داخلی	۳۵۰۰۰۰	۶۸۸۶۰۵	۷۷۹۰۷۰	۵۶۷۲۰۰	۳۲۵۴۹۶
استفاده از وامهای خارجی	۲۴۰۳	۰	۰	۳۶۰۰	۰
استفاده از سایر حسابها (۱)	۳۱۲۰۰	۲۶۳۱۹۷	۲۸۸۳۲۲	۱۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰

(۱) - شامل اقلای از قبیل استفاده از سایر حسابها و برگشتی از پرداختهای سالهای قبل و پیش دریافت فروش نفت.
ماخذ - قانون بودجه، سالهای ۶۲ - ۱۳۵۹.

انواع پرداختهای بودجه عمومی کشور: ۶۲ - ۱۳۵۸
(میلیون ریال)

انواع پرداختها	۱۳۵۸ قطعی	۱۳۵۹ قطعی	۱۳۶۰ قطعی	۱۳۶۱ مصوب	۱۳۶۲ برآورد
جمع کل	۲۱۴۳۱۲۰	۲۳۵۷۲۳۱	۲۸۶۱۱۵۲	۳۴۳۸۹۹۴	۳۷۲۷۹۴۳
امور عمومی	۱۸۵۸۰۰	۲۷۶۹۵۸	۲۹۰۷۴۲	۳۹۲۷۴۹	۳۹۳۴۵۷
امور دفاع ملی	۳۱۴۵۵۷	۳۷۴۹۹۲	۳۲۵۸۲۸	۳۵۱۲۶۶	۳۵۵۶۰۴
امور اجتماعی	۶۴۴۳۸۳	۸۷۵۹۸۴	۹۵۳۷۸۵	۱۰۲۳۸۲۳	۱۲۷۲۱۴۵
امور اقتصادی	۵۶۳۲۸۸	۵۵۹۸۹۷	۶۲۶۳۲۶	۹۱۸۹۵۵	۹۵۶۹۶۸
اعتبارات جهاد سازندگی و سایر اعتبارات جاری و عمرانی استانیها	۳۷۲۰	۵۴۴۱۷	۷۰۱۷۱	۱۲۸۲۶۲	۱۱۴۵۰۰
هزینههای متفرقه	(۱) ۳۴۱۳۴۰	۹۸۳۴۷	۴۸۳۴۸۳	۶۶۰۷۵۷	۷۵۹۷۱۰
کار مزد و سود تضمین شده و امها	۳۷۰۰۰	۳۵۳۴۴	۲۰۹۲۸	۲۳۸۶۴	۱۸۰۰۸
بازپرداخت وامها و پرداخت دیون	۴۶۰۳۳	۷۸۸۱۰	۸۹۸۸۹	۱۱۱۱۴۲	۹۷۵۵۱
سرمایه گذاری در خارج از کشور، پرداخت وام و کمک به کشورهای و موسسات خارجی و بین المللی	۶۹۹۹	۲۴۸۲	۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰
کسر می شود:	۰	۰	۰	۰	۰
صرفه جویی ضمن اجرای بودجه	۰	۰	۰	۱۷۶۸۲۵	۲۵۰۰۰۰

(۱) - شامل سایر پرداختها بموجب مجوزهای خاص نیز می باشد.
ماخذ - قانون بودجه، سالهای ۶۲ - ۱۳۵۹.

اعتبارات امورات اجتماعی بر حسب فصل: ۶۲ - ۱۳۵۸
(میلیون ریال)

۸۱۷

عنوان	۱۳۵۸ قطعی	۱۳۵۹ قطعی	۱۳۶۰ قطعی	۱۳۶۱ مصوب	۱۳۶۲ برآورد
جمع کل	۶۴۴۳۸۳	۸۷۵۹۸۴	۹۵۳۷۸۵	۱۰۲۳۸۲۳	۱۲۷۲۱۴۵
فصل اول - آموزش و پرورش	۳۱۲۲۵۵	۴۴۷۱۶۱	۴۴۵۲۰۶	۴۷۵۲۸۱	۴۴۱۴۰۱
فصل دوم - فرهنگ و هنر	۷۱۲۹	۷۴۹۰	۶۹۲۸	۷۴۶۳	۱۲۳۹۷
فصل سوم - بهداشت، درمان و تغذیه ...	۹۲۲۰۲	۱۴۸۶۷۷	۱۵۳۲۹۱	۱۸۷۰۲۵	۲۰۵۱۵۵
فصل چهارم - تامین اجتماعی و بهداشتی .	۱۵۰۶۵۰	۱۷۸۹۵۳	۲۵۳۴۴۸	۲۴۰۹۰۶	۳۵۶۷۷۶
فصل پنجم - تربیت بدنی، پیشاهنگی و امور جوانان	۸۰۳۸	۱۱۱۵۳	۹۸۵۶	۹۲۶۹	۱۱۱۲۳
فصل ششم - عمران شهرها	۲۰۶۴۳	۱۹۱۹۴	۲۲۲۳۳	۲۰۶۶۵	۱۸۷۰۰
فصل هفتم - عمران و نوسازی روستاها ...	۱۲۴۱۵	۵۸۰۶	۵۵۳۲	۶۹۰۱	۸۶۲۳
فصل هشتم - تامین مسکن	۳۸۶۹۵	۵۴۲۹۴	۵۳۸۲۹	۶۷۰۲۴	۸۳۸۸۱
فصل نهم - حفاظت محیط زیست	۱۶۷۳	۲۱۵۴	۱۹۵۹	۲۳۳۱	۳۰۷۹
فصل دهم - عملیات چند منظوره توسعه نواحی فصل یازدهم - آموزش فنی و حرفه‌ای	۶۸۳	۱۱۰۲	۱۵۰۴	۶۹۵۹	۶۱۳۲
فصل دوازدهم - آموزش عالی و تحقیقات .	۰	۰	۰	۰	۵۴۹۲۸
	۰	۰	۰	۰	۶۹۹۵۰

ماخذ - قانون بودجه . سالهای ۶۲ - ۱۳۵۹ .

اعتبارات امورات اقتصادی بر حسب فصل: ۶۲ - ۱۳۵۸
(میلیون ریال)

عنوان	۱۳۵۸ قطعی	۱۳۵۹ قطعی	۱۳۶۰ قطعی	۱۳۶۱ مصوب	۱۳۶۲ برآورد
جمع کل	۵۶۳۲۸۸	۵۵۹۸۹۷	۶۲۶۳۲۶	۹۱۸۹۵۵	۹۵۶۹۶۸
فصل اول - کشاورزی و منابع طبیعی	۹۵۲۰۹	۷۲۰۰۹	۷۴۱۷۴	۹۶۹۶۲	۱۳۹۳۰۷
فصل دوم - منابع آب	۵۳۴۹۱	۴۹۶۰۰	۵۵۰۰۶	۷۶۰۱۸	۹۲۵۷۵
فصل سوم - برق	۹۸۳۶۱	۷۲۵۸۰	۸۳۶۱۸	۱۳۱۶۶۲	۱۴۷۲۱۹
فصل چهارم - صنایع	۹۸۲۵۱	۸۷۱۱۷	۹۷۴۵۴	۱۶۲۱۸۱	۱۶۸۶۸۰
فصل پنجم - نفت	۰۰۰	۸۵۲۷۰	۳۵۲۱۷	۷۸۷۸۰	۵۹۹۶۶
فصل ششم - گاز	۱۱۲۵۰	۷۲۳۰	۶۶۳۵	۵۶۵۰۰	۴۰۰۰۰
فصل هفتم - معادن	۱۹۶۵۲	۲۱۷۲۰	۲۴۹۸۹	۲۹۱۲۱	۳۴۲۰۷
فصل هشتم - بازرگانی	۸۲۳۲۲	۲۸۸۲۹	۹۷۶۱۰	۱۰۶۸۲۸	۷۶۰۸۰
فصل نهم - حمل و نقل و ارتباطات	۸۶۵۷۵	۱۱۴۲۲۰	۱۳۳۹۷۳	۱۵۵۰۹۴	۱۶۷۹۵۸
فصل دهم - پست و مخابرات	۱۵۷۰۹	۱۹۵۴۶	۱۶۳۴۸	۲۵۲۰۷	۲۹۲۵۳
فصل یازدهم - جهانگردی	۲۴۶۸	۱۷۷۵	۱۳۰۰	۶۰۲	۱۷۲۲

ماخذ - قانون بودجه . سالهای ۶۲ - ۱۳۵۹ .

۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	فعالیتهای عمده اقتصادی
۱۴۸۰/۳	۱۰۵۴/۲	۷۶۷/۵	۵۴۳/۲	۴۵۹/۳	کشاورزی
۸۸۰/۳	۸۳۶/۸	۱۶۷۶/۰	۱۲۲۵/۵	۱۷۵۵/۰	نفت
۱۲۳۱/۹	۱۰۶۵/۵	۹۵۷/۶	۹۴۰/۷	۱۰۰۵/۹	صنایع و معادن
۱۳۸/۲	۹۵/۱	۶۸/۱	۶۷/۴	۷۷/۵	معدن
۴۹۰/۱	۴۰۷/۱	۳۸۶/۰	۳۷۰/۰	۴۱۵/۸	صنعت
۷۷/۸	۵۸/۴	۶۲/۶	۵۴/۰	۵۸/۸	آب و برق و گاز
۵۲۵/۸	۵۰۴/۹	۴۴۰/۹	۴۴۹/۳	۴۵۳/۸	ساختمان
۳۸۸۶/۸	۳۴۸۵/۷	۲۹۰۸/۶	۲۵۳۲/۵	۲۴۶۶/۴	خدمات
۵۶۸/۴	۳۸۰/۲	۳۲۰/۸	۲۹۸/۷	۳۶۷/۷	باررگانی، رستوران و هتلداری
۶۲۰/۶	۵۴۶/۴	۴۴۸/۵	۳۵۹/۶	۳۲۴/۵	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات ...
۲۹۱/۹	۴۱۴/۷	۲۸۸/۴	۳۲۵/۶	۳۷۵/۵	خدمات موسسات پولی و مالی
۷۹۹/۱	۶۲۳/۷	۵۰۳/۵	۵۷۵/۴	۶۰۴/۷	خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و نحصری
۸۴۲/۶	۸۴۶/۵	۹۲۱/۸	۶۳۴/۴	۵۰۱/۵	خدمات عمومی
۷۶۴/۲	۶۷۴/۲	۴۲۵/۶	۳۳۸/۸	۲۹۲/۵	خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی ... کسرمی شود :
۳۱۲/۴	۲۹۳/۴	۲۵۶/۴	۳۲۴/۵	۲۹۰/۵	کارمرد احتسابی
۷۱۶۶/۹	۶۱۴۸/۸	۶۰۵۳/۳	۴۹۱۷/۴	۵۳۹۶/۱	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل ...
۶۲۸۶/۶	۵۳۱۲/۰	۴۳۷۷/۳	۳۶۹۱/۹	۳۶۴۱/۱	تولید ناخالص داخلی بدون نفت
۳۲/۹	۶/۴	۵۵/۵	-۱۸۵/۸	-۹۸/۰	خالص درآمد عوامل تولید از خارج
۱۰۴/۴	۱۵۰/۱	۵۳/۰	۱۸۶/۰	۱۸۵/۱	خالص مالیاتهای غیرمستقیم
۷۳۰۴/۲	۶۳۰۵/۳	۶۱۶۱/۸	۴۹۱۷/۶	۵۴۸۳/۲	تولید ناخالص ملی = درآمد ناخالص ملی به قیمت بارار
۲۸۹/۱	۲۸۲/۹	۲۵۸/۱	۲۷۷/۲	۲۸۳/۱	کسرمی شود : استهلاک سرمایه ثابت
۱۰۴/۴	۱۵۰/۱	۵۳/۰	۱۸۶/۰	۱۸۵/۱	خالص مالیاتهای غیرمستقیم
۶۹۱۰/۷	۵۸۷۲/۳	۵۸۵۰/۷	۴۴۵۴/۴	۵۰۱۵/۰	درآمد ملی
۱۶۳۰/۶	۱۴۴۴/۹	۲۰۷۷/۹	۷۸۸/۵	۱۶۴۰/۵	پس ارندار ملی

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . حسابهای ملی ایران . ۵۶ - ۱۳۳۸ . تهران : ۱۳۶۰

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . تولید، هزینه و درآمد ملی : ۱۳۶۲ .

- ارقام اخذ شده از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران .

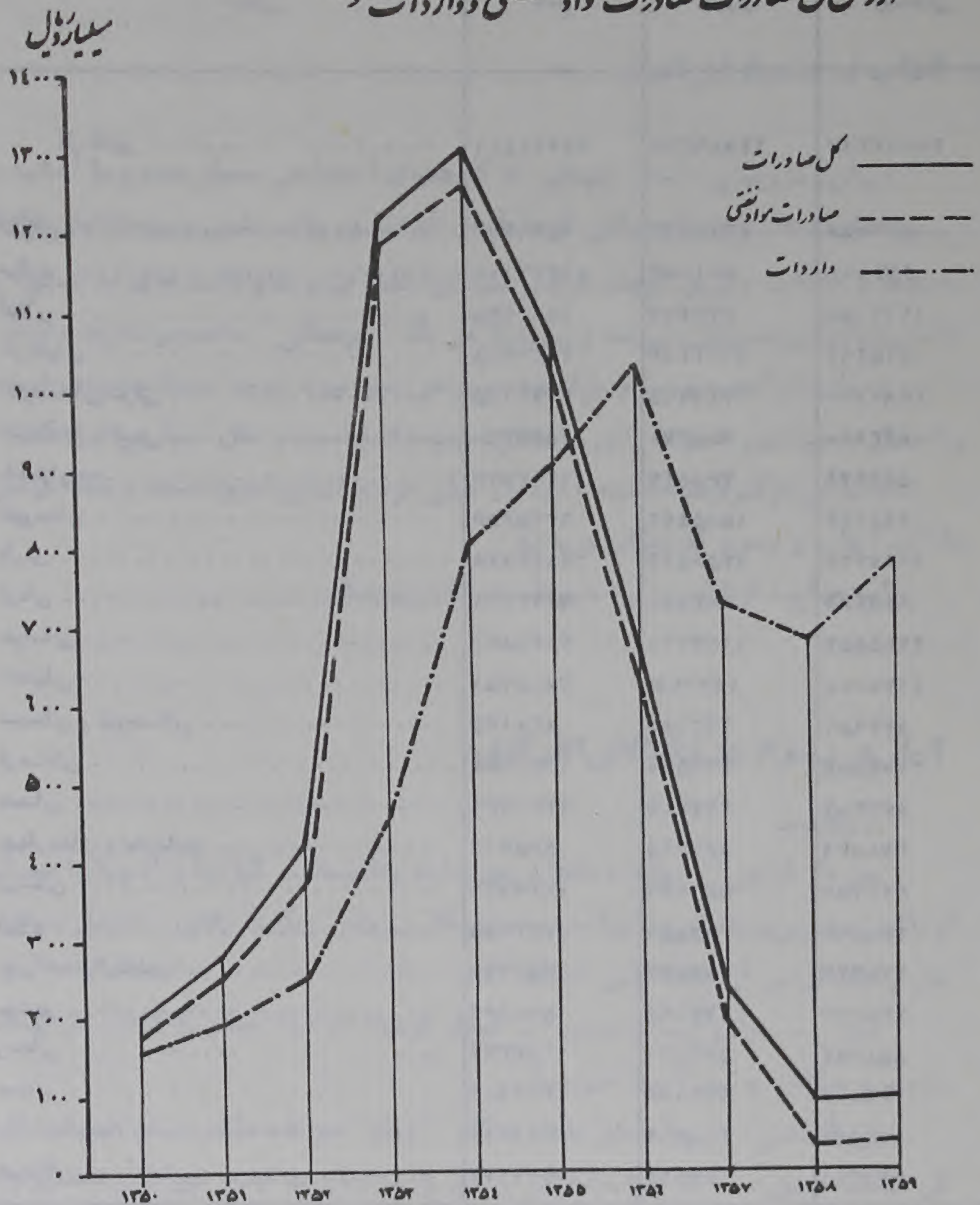
۱۳۶۰	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	فعالیت‌های عمده اقتصادی
۳۹۲/۹	۳۵۶/۶	۳۵۶/۴	۳۳۲/۴	۳۲۷/۳	کشاورزی
۲۱۱/۲	۲۰۷/۱	۷۵۴/۲	۹۸۹/۸	۱۳۶۲/۷	نفت
۴۱۰/۸	۴۵۴/۶	۴۵۵/۴	۵۰۱/۸	۵۹۱/۶	صنایع و معادن
۲۴/۳	۲۵/۱	۲۵/۵	۳۰/۷	۳۵/۵	معدن
۲۲۸/۹	۲۱۷/۲	۲۵۱/۸	۲۸۱/۶	۳۲۳/۹	صنعت
۵۶/۶	۴۶/۳	۵۵/۰	۴۷/۹	۵۲/۹	آب و برق و گاز
۱۰۱/۰	۱۱۶/۰	۱۲۳/۱	۱۴۱/۶	۱۷۹/۳	ساختمان
۱۷۱۰/۰	۱۷۱۶/۱	۱۶۳۴/۱	۱۵۵۸/۶	۱۶۴۲/۴	خدمات
۱۸۹/۴	۱۵۹/۴	۱۷۰/۴	۱۹۰/۸	۲۵۹/۱	باررگانی، رستوران و هتلداری ...
۲۵۳/۶	۲۹۶/۲	۳۴۰/۸	۲۸۶/۸	۲۶۰/۴	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات .
۹۸/۰	۱۷۱/۰	۱۴۶/۹	۱۸۴/۸	۲۳۴/۴	خدمات موسسات پولی و مالی
۳۱۴/۴	۲۶۶/۲	۲۲۸/۴	۲۹۱/۷	۳۶۶/۹	خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی
۴۸۸/۷	۴۹۱/۰	۵۳۴/۷	۴۰۸/۸	۳۴۳/۲	خدمات عمومی
۳۶۵/۹	۳۳۲/۳	۲۱۲/۹	۱۹۵/۷	۱۷۸/۴	خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی .
					کسرمی شود :
۱۰۵/۰	۱۲۱/۰	۱۳۰/۶	۱۸۴/۱	۱۸۱/۴	کارمزد احتسابی
۲۶۱۹/۹	۲۵۶۳/۴	۳۰۶۹/۵	۳۱۹۸/۵	۳۷۴۲/۶	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل
۲۴۰۸/۷	۲۳۵۶/۲	۲۳۱۵/۳	۲۲۰۸/۷	۲۳۷۹/۹	تولید ناخالص داخلی بدون نفت ...
۴۹/۴	۱۳/۹	۵۷/۳	-۷۳/۴	-۳۷/۷	خالص درآمد عوامل تولید از خارج .
۴۰/۶	۷۰/۵	۲۸/۵	۱۱۲/۷	۱۲۱/۰	خالص مالیات‌های غیرمستقیم
۲۷۰۹/۹	۲۶۴۷/۸	۳۱۵۵/۳	۳۲۳۷/۸	۳۸۲۵/۹	تولید ناخالص ملی به قیمت بازار ...
۲۱۲/۲	۲۱۴/۸	۲۱۹/۶	-۳۵/۴	۱۰۷/۷	نتیجه رابطه مبادله بازرگانی ...
۲۹۲۴/۱	۲۸۶۲/۶	۳۳۷۴/۹	۳۲۰۲/۴	۳۹۳۳/۶	درآمد ناخالص ملی به قیمت بازار .
					کسرمی شود :
۱۰۵/۹	۱۱۶/۷	۱۴۱/۷	۱۷۱/۵	۱۷۱/۸	استهلاک سرمایه ثابت
۴۰/۶	۷۰/۵	۲۸/۵	۱۱۲/۷	۱۲۱/۰	خالص مالیات‌های غیرمستقیم
۲۷۷۵/۶	۲۶۷۵/۴	۳۲۰۴/۷	۲۹۱۸/۲	۳۶۴۰/۸	درآمد ملی
۵۷۲/۰	۵۸۰/۸	۱۰۷۸/۰	۴۲۴/۶	۱۰۳۰/۸	پس انداز ملی

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . حساب‌های ملی ایران ۵۶ - ۱۳۳۸ . تهران : ۱۳۶۰ .
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . تولید ، هزینه و درآمد ملی : ۱۳۶۲ .
- ارقام اخذ شده از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران .

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
به قیمت جاری					
هزینه مصرفی خصوصی	۲۴۳۷/۵	۲۹۳۲/۵	۲۹۴۲/۳	۳۳۶۹/۶	۳۹۴۰/۷
هزینه مصرفی دولتی	۱۱۳۳/۷	۱۲۵۵/۰	۱۲۲۳/۱	۱۳۸۱/۲	۱۶۷۱/۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	۱۷۸۴/۶	۱۵۵۶/۸	۱۲۵۲/۸	۱۴۷۶/۲	۱۵۴۵/۹
تغییر در موجودیها	-۳۰۵/۵	-۶۶۸/۳	-۷۰/۱	۱۷۱/۱	۵۵۵/۷
خالص صادرات کالاها و خدمات	۲۵۹/۴	۸۵/۸	۸۳۹/۷	-۲۰۸/۸	-۵۰۳/۹
اشتباهات آماری	۲۷۱/۵	-۵۸/۴	-۸۱/۵	۱۰۹/۶	۶۱/۷
هزینه ناخالص داخلی = تولید ناخالص داخلی	۵۵۸۱/۲	۵۱۰۳/۴	۶۱۰۶/۳	۶۲۹۸/۹	۷۲۷۱/۳
خالص درآمد عوامل تولید از خارج	-۹۸/۰	-۱۸۵/۸	۵۵/۵	۶/۴	۳۲/۹
هزینه ناخالص ملی = تولید ناخالص ملی	۵۴۸۳/۲	۴۹۱۷/۶	۶۱۶۱/۸	۶۳۰۵/۳	۷۳۰۴/۲
به قیمت ثابت ۱۳۵۳					
هزینه مصرفی خصوصی	۱۶۸۴/۰	۱۷۹۸/۰	۱۵۳۰/۶	۱۳۸۳/۲	۱۲۸۷/۸
هزینه مصرفی دولتی	۸۳۶/۹	۸۵۶/۴	۷۱۱/۵	۷۷۰/۵	۹۰۵/۳
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	۱۰۸۳/۱	۸۵۸/۳	۶۲۳/۲	۶۰۸/۸	۵۶۶/۵
تغییر در موجودیها	-۲۱۷/۰	-۴۲۷/۸	-۳۷/۳	۷۱/۹	۱۸۵/۳
خالص صادرات کالاها و خدمات	۹۴/۷	۱۰۲/۹	۲۱۵/۲	-۳۲۸/۶	-۴۴۱/۴
اشتباهات آماری	۳۸۱/۹	۱۲۳/۴	۵۴/۸	۱۲۸/۱	۱۵۷/۰
هزینه ناخالص داخلی = تولید ناخالص داخلی	۳۸۶۳/۶	۳۳۱۱/۲	۳۰۹۸/۰	۲۶۳۳/۹	۲۶۶۰/۵
خالص درآمد عوامل تولید از خارج	-۳۷/۷	-۷۳/۴	۵۷/۳	۱۳/۹	۴۹/۴
نتیجه رابطه مبادله بازرگانی	۱۰۷/۷	-۳۵/۴	۲۱۹/۶	۲۱۴/۸	۲۱۲/۲
هزینه ناخالص ملی = تولید ناخالص ملی	۳۹۳۳/۶	۳۲۰۲/۴	۳۳۷۴/۹	۲۸۶۲/۶	۲۹۲۲/۱

ماخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، حسابهای ملی ایران ، ۵۶ - ۱۳۳۸ ، تهران : ۱۴۶۰
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، تولید ، هزینه و درآمد ملی : ۱۳۶۲ .
- ارقام احاد شده از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران .

ارزش کل صادرات، صادرات مواد نفتی و واردات کشور



تعداد کوپن نفرتوزیع شده توسط ستاد بسیج اقتصادی به تفکیک مناطق شهری و روستائی در بهار ۱۳۶۱ ۸۲۲

روستائی	شهری	جمع	استان
۲۰۰۸۳۳۸۷	۲۳۸۸۹۴۲۴	۴۳۹۷۲۸۱۱	کل کشور
۵۶۷۰۸۰	۶۹۷۲۵۹۳	۷۵۳۹۶۷۳	تهران
۶۷۶۱۰۰	۸۰۱۰۰۰۶	۱۴۷۷۱۰۶	مرکزی
۱۲۱۲۰۵۸	۶۷۲۲۰۷	۱۸۸۴۲۶۵	گیلان
۱۸۱۵۲۹۴	۱۱۲۴۴۱۴	۲۹۳۹۷۰۸	مازندران
۲۳۸۰۰۰۰	۱۷۱۲۱۲۵	۴۰۹۲۱۲۵	آذربایجان شرقی
۸۲۳۹۸۰	۷۵۵۳۷۰	۱۵۷۹۳۵۰	آذربایجان غربی
۵۵۲۹۷۹	۷۶۰۵۴۷	۱۳۱۳۵۲۶	باختران
۸۹۰۱۶۴	۱۵۰۵۲۹۲	۲۳۹۵۴۵۶	خوزستان
۱۳۶۷۳۳۶	۱۴۵۶۵۱۲	۲۸۲۳۸۴۸	فارس
۸۶۵۴۸۱	۶۰۶۸۹۰	۱۴۷۲۳۷۱	کرمان
۲۲۰۵۵۵۷	۱۹۶۳۳۱۰	۴۱۶۸۸۶۷	خراسان
۱۱۳۸۰۰۰	۱۸۷۰۳۵۱	۳۰۰۸۳۵۱	اصفهان
۵۴۴۹۵۲	۲۹۳۱۸۳	۸۳۸۱۳۵	سیستان و بلوچستان
۷۰۸۵۸۸	۴۲۱۵۰۰	۱۱۳۰۰۸۸	کردستان
۸۶۳۳۸۲	۴۹۷۳۸۷	۱۳۶۰۷۶۹	همدان
۳۷۸۰۶۹	۱۸۷۳۴۵	۵۶۵۴۱۴	چهارمحال و بختیاری
۶۷۷۷۵۰	۵۵۱۹۷۹	۱۲۲۹۷۲۹	لرستان
۲۴۰۵۹۶	۸۱۸۵۹	۳۲۲۴۵۵	ایلام
۲۷۵۲۴۶	۷۷۰۲۴	۳۵۲۲۷۰	بویراحمد و کهگیلویه
۲۳۵۶۷۴	۲۷۳۱۹۵	۵۰۸۸۶۹	بوشهر
۸۵۸۶۵۳	۵۲۴۷۲۱	۱۳۸۳۳۷۴	زنجان
۱۶۲۸۰۳	۲۰۲۱۰۶	۳۶۴۹۰۹	سمنان
۱۷۲۳۹۴	۳۰۸۷۸۲	۴۸۱۱۷۶	یزد
۴۷۱۲۵۱	۲۶۹۷۲۶	۷۴۰۹۷۷	هرمزگان

ماخذ- ستاد بسیج اقتصادی کشور، آمار توزیع کوپنهای مرحله سوم، بهار ۱۳۶۱.

آداب و رسوم ایرانیان :

ایران سرزمینی است پهناور که گروههای اجتماعی بسیار متنوع با آداب و رسوم و عقاید متفاوتی در آن سکنی گزیده‌اند. از قبایل چادرنشین و روستائیان حافظ سنت‌ها و عادات دیرین گرفته تا شهرنشینان مقلد غربی‌ها و اقلیت‌های مذهبی و نژادی (مانند زردشتیان، ارامنه و یهود) هر یک "فرهنگی" مخصوص بخود دارند. بسیاری از آداب و رسوم ترک شده و برخی نیز مورد توجه عده معدودی است و اعتبار نخستین خود را در جامعه از دست داده است و نقل آنها در این کتاب دلیل بر کارگیری همه‌جانبه آنها در میان مردم ایران امروزیست، بلکه برخی یادآور آداب و رسوم گذشتگان می‌باشد.

استخراج: از کتاب ایران‌شهر از نشریات یونسکو.

آداب و رسوم در زندگانی انفرادی

— ولادت

چاره نازائی: انواع دعاها و تعویذات و طلسمات، گیاه‌ها و ادویه و اعمال گوناگون مذهبی و جادویی برای آبستن شدن بکار میرفته: زیارت رفتن، دخیل بستن، نذر و نیاز کردن از جمله این اعمال است.

مثال — برای آبستن شدن آب چهار گوشه خزانه حمام را گرفته در پوست تخم مرغ می‌کنند و بسر آن زن میریزند.

زن آبستن: زن آبستن باید هنگام "ویار" هر چه دلش می‌خواهد و لو خاک و گل باشد بخورد. اگر خواسته‌های آن زن را بر نیاورند چشم نوزادش سبز و زاغ خواهد شد. از بعضی علایم جنس طفل را پیش از ولادت میتوان حدس زد. خود زن هم میتواند در تعیین جنس سهمی داشته باشد.

مثال — زن آبستن اگر زیاد سیب بخورد بچه‌اش پسر میشود.

زن آبستن که زیاد کار بکند و راه برود پسر می‌آورد اما زنی که در دوره آبستنی زیاد بخورد و بخوابد دختر خواهد زاید.

برای آسان کردن زایمان آدابی خاص چون ذکر او را در اذان گفتن بر بام ، مالیدن تربت کربلا بر شکم زن ، توزیع خرما بین رهگذران کوچه و مانند آن نیز معمول بوده و می باشد .

وضع حمل : در مواقع وضع حمل زن را پاک و طاهر محسوب نمیدارند ، معذک آدم بی نماز و ناپاک یا فاسد الاخلاق نباید در هنگام وضع حمل حاضر باشد . در وقت وضع حمل زن را بسوی قبله می خوابانند و هر پای او را روی سه آجر یا خشت قرار میدهند و زیر او سینی مسی خاک آلوده ای میگذارند و مراد این است که نوزاد از همان آغاز با خاک که سرانجام آدمی است تماس پیدا کند ، همین که طفل بدنیا آمد زن ماما با چاقو خطوطی اسرار آمیز در فضا رسم میکند و ناف را میچیند و با نخ می بندد . بچه را در قنداق سفید سخت پیچیده در " ننو " می خوابانند برای اینکه موجود و همی " آل " که قصد بردن و خوردن جگر زن تازه را دارد باو آسیب نرساند ، سه تا پنج پیاز بسیخ میکشند و در گوشه اطاق میگذارند و معتقدند که آل از بوی بد آن پرهیز دارد .

بزن تازه زاروغن زیاد میدهند و کاجی (حلوی آرد) برای او و سایرین میبرند . زن تازه را باید مدت ده روز در بستر بخوابد و بعد با تشریفات مخصوص بحمام (حمام زایمان) برود . روز حمام زایمان سیخ پیاز را هم به همراه میبرند و با جام " چهل کلید " آب بسر زائو میریزند تا دیگر آل نتواند او را بیازارد .

نخستین روزهای کودک : در بسیاری از مناطق ایران پسر زائیدن خیلی پیش از دختر آوردن مایه شعف خانواده و عزت مادر میشود ، همین که طفل بدنیا آمد روز و ساعت این واقعه را پشت نسخه قرآن می نویسند و طالع کودک را از روی آن وقت معلوم میدارند . میگویند با ولادت طفل جنی هم بدنیا میآید که همیشه همراه او خواهد بود و " همزاد نام دارد " . در روزهای اول بنوزاد قند داغ (آب گرم مخلوط بشکر) نبات و حتی حلوا (آرد و شکر سرخ کرده در کره) میخورانند .

نامگذاری : شب هفت بچه را نام گذاری میکنند در گذشته بیشتر اسامی ائمه را بروی نوزادان مینهادند بتفال آنکه همان امام در روز محشر از او شفاعت و حمایت کند .

آویختن دعای تعویذ به بازو و گردن کودک برای دفع هر گونه بلا نیز مرسوم است . زبان گشودن طفل : اگر کودک دیر زبان باز کند به او تخم گنجشک یا کبوتر می خوراند یا مثلاً " پدر طفل نان از دست کسی می قاپد و به کودک می دهد .

ختان: در ایران گوش دختران را برای گوشواره سوراخ میکنند و در مقابل، پسران "ختنه" میشوند و این ختنه از آداب اسلامی است. امروزه غالباً "ختنه هنگام ولادت انجام میشود اما در گذشته بیشتر در هفت هشت سالگی و گاه تا حدود سن بلوغ عملی میشد. ختنه در قدیم بدست سلمانی انجام می‌پذیرفت، پوستی را در موقع ختنه می‌بردند و چند روز نخ کرده بگردن طفل می‌آویزند و بعد نزد خروس می‌اندازند، بیماری طفل: در طبقات پائین مردم گاه بیماری را نتیجه چشم زخم و آسیب ارواح شریر میدانند و بجای طبیب بدعانوئیس متوسل میشوند، برای دفع چشم زخم و رفع بیماری، گذشته از اسفند دود کردن مرسوم است که تخم مرغی را با زغال خط میکشند و بعد با ذکر نام یکایک اشخاصی که بچه را دیده‌اند دو سر تخم مرغ را با انگشت یاپول می‌فشارند، باسم هر کس شکست او طفل را چشم زده - کمی از زرده آن تخم را بسروپای بچه میمالند و آن پول را به‌گدا میبخشند.

برای سلامت طفل نذرهایی میکنند، شب زیر بالش طفل چند سکه پول می‌گذارند و فردا آن سکه‌ها را بین فقرا تقسیم میکنند.

نباید بدون گفتن کلمه "ما شاء الله" از طفلی ستایش کرد زیرا چنین طفل "نظر" می‌خورد و مریض میشود. دانه‌های خرمهره یا فیروزه‌بی با چشم گوسفند قربانی که بروی کلاه طفل میدوزند، طلسم و دعائی که بگردن او می‌آویزند یا بصورت بازو - بند بر بازویش می‌گذارند برای همین دفع نظر شور است.

تربیت در مدرسه و مکتب: تا قرن پیش تعلیم و تربیت در دوره ابتدائی مختص بمکتب خانه‌ها بود که آخوند یا ملا در آن قرآن و خط و سواد می‌آموخت اما اشراف و ثروتمندان مربیان را سرخانه می‌آوردند و مرد معموری را هم بعنوان "لله" بتعلیم آداب زندگی بکودکان خود می‌گماشتند.

در مکتب خانه‌ها شاگردان دوزانو در کمال ادب و سکوت نزد معلم می‌نشستند و به‌آواز بلند درس او را تکرار و حفظ میکردند، فلک بستن و چوب زدن اطفال در این مکتب خانه‌ها متداول بود و هنگامی که یک دوره تمام قرآن خوانده می‌شد شاگردان هدایائی از جمله کله‌قند و خلعت برای معلم می‌آوردند (از زمان مظفرالدین شاه "۱۳۱۸ ه.ق" دبستانهای جدیدی در ایران تأسیس شد و پیش از آنهم در دوره ناصرالدین شاه مدرسه متوسطه و عالی دارالفنون "۱۲۶۸" بوجود آمده بود).

حوادث زندگی کودک: برای پایداری سلامت کودکان در خانواده نذرهایی میشود، مثلاً "مادر هر سال در موعد مقرر شمع در آمازاده‌ها روشن میکند یا "نذری" (حلوا، آش، شیربرنج) می‌پزد و بین فقرا توزیع میکند، مادری که خرده‌های نان

را در کوچه جمع کند طفلش از آسیب مرگ محفوظ میماند .

وقتیکه طفل بزمین میخورد مادرش میخی در محل سقوط فرو میکند که ارواح خبیثه را بکشد اگر در مقابل طفل چیزی بخورند و او طلب کند و بوی ندهند "مشغول- ذمه" یعنی مسئول هر بدی که باو رسد خواهند بود . بچه اگر شرارت کند میگویند "شیطان بجلدش رفته" و تنها با ضرب تازیانه بیرون میآید ، بچه اگر انگشت در بینی کند کچل میشود ، اگر چپق بکشد قدش کوتاه می ماند ، اگر برنج خام بخورد کوسه میشود ، اگر آتش بازی کند شب رختخوابش را خیس میکند (از این گونه اعتقادات خرافی بسیار میتوان باز شمرد) .

بلوغ : نوجوانی که "محتلم" شود میگویند "ملائک پرده از پیش چشمش برداشتند" یا میگویند "خاک نفرینش کرد" .

در گذشته بسیاری از کودکان را پیش از بلوغ وارد زندگی زناشویی میکردند . در خانواده های اشراف برای نوجوانان " صیغه " میآوردند . امروزه زناشویی پیشرس برای پسران و ازدواجهای موقت کمیاب است .

ازدواج و آداب و رسوم آن:

سن زناشویی : در ایران تا این اواخر سن زناشویی خصوصا " برای دختران در دهات و میان ایلات بسیار پائین بوده و گذشته از این که گاهی ناف نوزادان را بنام یکدیگر می بریده اند و بدین ترتیب آنان را از بدو ولادت بهم نامزد میکردند ، در مواردی نیز طفل را پیش از بلوغ بخانه همسر می برده اند . امروز عوامل متعدد سن ازدواج را بالا برده است معذک متوسط این سن در ایران کمتر از حد متوسط سن ازدواج در ممالک مغرب زمین است (حدود ۱۸ سال برای دختران و ۲۳ سال برای پسران) .
اختیار همسر : در گذشته جز در طبقات ممتاز شهرنشین غالبا " اختیار همسر بجای انتخاب شخصی و تراضی طرفین زناشویی ، از راه پسند اولیاء دختر و پسر و خواستگاری خود ایشان انجام می گرفت ، حتی گاهی دختر و پسر قبل از شب زفاف یکدیگر را ندیده بودند . باز ماندهء رسم کهنه و باستانی " خریداری زن " را در قاعدهء پرداخت " باشلق " یا " شیربها " بپدر و مادر دختر ، رسمی که خصوصا " نزد ایلات متداول است ، می توان یافت . در مراسم خاص زناشویی در ایلات که داماد از پی عروس اسب می تازد و او را ظاهرا " اسیر می کند ، هنوز بقایایی از رسم دیرین اقوام بدوی را بر بودن زن می توان دید .

صور زناشویی : در میان مردم شیعه علاوه بر نکاح دائم ، نکاح منقطع یا " صیغه " کردن پذیرفته است . مرد میتواند علاوه بر چهار زن که بعقد دائم در می آورد هر-

قدرمیل دارد صیغه‌ها " متعه منقطه " اختیار نماید . اما عملاً " تعدد زوجات سریعاً " در ایران روبه‌گاهش بوده و اصل وحدت از دواج معمول شده و فقط در بعضی از طبقات اجتماعی بمردان " دوزنه " برخورد میشود . گاه تعدد زوجات و کثرت اولاد وسیله نمایش ثروت و جلب احترام بوده و همیشه بمنظور کامرانی جنسی تنها نبوده است . روءسای ایلات و خوانین و عشایر با خواستن زن از اقوام مختلف پایگاه خود را تحکیم و روابط خویش را با دیگران تشدید میکرده‌اند .

بخت گشایی : دختری که زود بخانه شوهر نمی‌رفته بدیده تحقیر نظر میشده است و او را " ترشیده " میخواندند و برای بخت گشایی او اعمالی بجا می‌آورده‌اند . گذشته از دعا و نذر کردن رسم بوده که چنین دختری آیاتی از قرآن نوشته " سوره بقره : آیات ۹ - ۹۶ " و بخود می‌آویخته یا بعضی سنگهای متبرک دست می‌مالیده است . گره زدن سبزه‌ها در سیزدهم نوروز (آغاز سال شمسی) هنوز معمول است .

مقدمات زناشویی : زناشویی مقدمات مفصلی داشته نخست اولیا جوان دختری را در نظر می‌گرفتند (ممکن است این دختر را خانم باجی که زنی بود ، لاله و بهمه خانه‌ها رفت و آمد داشت معرفی کرده باشد) وقتی که جوان با دیدن یا شنیدن اوصاف دختر با زناشویی او موافقت نمود مادر و خواهر و زنان بزرگتر خانواده خود را برای مذاکرات اولیه و خواستگاری و جلب موافقت خانواده عروس میفرستد ، و این مذاکرات را " بله بران " می‌نامند . در این گفتگوها راجع بمیزان مهر و صداق که غالباً " پس از طلاق یا مرگ شوهر بزن تادیه میشود و نوعی تأمین معاش برای آینده اوست و مبلغ " باشلق " که باید نقداً و فوری پرداخت شود بین طرفین توافق حاصل میگردد . غالباً " باشلق را خانواده عروس صرف تهیه جهیزیه‌ی او میکنند . وقتی که پس از مدتی " چانه‌زنی " مبالغ مذکور تعیین شد روزی را برای نامزدی و یا باصطلاح " شیرینی خوران " و فرستادن شال و انگشتر برای عروس معلوم میدارند . فرستادن هدایایی چون آینه (آینه بخت) پارچه یا لباس و کفش و سابقاً " چادر و چاقچور (شلوار مخصوص زنان) میوه و شیرینی و مانند آن از طرف داماد برای همسر آینده او مرسوم است .

نامزدی : روز نامزدی را از روزهای سعد انتخاب میکنند و این قبیل روزها را منجمین و ستاره‌شناسان در تقویم‌های قدیم تعیین میکردند . معمولاً " مراسم جشن نامزدی در خانه دختر در برابر خانواده و نزدیکان طرفین انجام میشود . دختران در بعضی از طبقات تنها از آن روز بعد حق پیرایش موی و آرایش صورت را دارند .

دوره نامزدی گاهی چند سال طول میکشد بدون اینکه روابط صمیمی میان دو نامزد بتواند برقرار شود. برای دختران نابالغ این دوره طولانی که در خانه پدری میگذرد فرصتی برای رسیدن به سن بلوغ و آمادگی برای رفتن بخانه شوهر است.

آداب عقد: آداب عقد در اطاقی که زیرش پر باشد انجام میشود. تنها زنان "سفیدبخت" و یک بخته یعنی آنان که مطلقه و در مرحله زناشویی ثانوی نباشند حق حضور در آن اطاق را دارند. در برابر عروس آینه‌ای را که داماد فرستاده و بنام آینه بخت خوانده میشود بالای سفره سفیدی که رو بقبله پهن شده است قرار میدهند و در دو سوی آن دو جار با دوشمع روشن بنام زن و شوهر آینه میگذارند. چند ساعت پیش از عقد داماد خوانچه‌ای حاوی اشیاء لازم برای آن مراسم از قبیل اسفند، یک نان سنگک بزرگ، نان قندی، و کیسه حنا فرستاده است.

خانواده عروس، گردو، نان و پنیر و سبزی و کاسه آبیکه برویش برگ سبزی باشد بر آن می‌افزایند و همه را با قرآن و جانماز بر سفره عقد می‌چینند. یک‌یادو ملا (روحانی) را برای اجرای خطبه عقد دعوت میکنند. و او در اطاق مجاور محل عروس مینشیند. عروس جامه‌ای سپید پوشیده و خود را به جواهر آراسته است، در لباس او هیچ گرهی نباید باشد والا درکارش گره میافتد. هنگام عقد باید درآینه نگاه کند و در آن وقت دو کله قند بالای سرش بهم میسایند. با مراسم خاص جادویی چون گره زدن نخ هفت‌رنگ یا بزمین میخکوب کردن پارچه پنبه‌ای سرخ، زبان شوهر و مادر و خواهر او را می‌بندند تا بر سر عروس دراز نباشد. بر فرش زیر پای عروس نمک میپاشند. تا عروس "با نمک جلوه‌کند".

وقتی که عاقد خطبه عقد را میخواند چراغی فتیله‌ای روشن میکنند و زنی قفلی را پیایی می‌بندد و می‌گشاید، سرانجام آن قفل باید تا شب زفاف بسته بماند تا داماد بازن دیگری پیمان نبندد. در آن هنگام هیچکس نباید دست‌ها یا انگلستان خود را بهم بند کند زیرا بخت عروس بسته خواهد شد. وقتی عاقد از عروس میپرسد که آیابه ازدواج رضامیده دخترنباید فوراً "جواب دهد و فقط پس از چند بار سؤال با حجب و حیا باید "بلی" بگوید. گاهی هم یکی از همراهان او بجای وی پاسخ میدهد و عروس باید موافقت خود را با میزان مهر نیز اظهار کند آنگاه خطبه عقد عربی خوانده میشود و با جمله "مبارک باد" عاقد غریو شادی زنان برمیخیزد. در پایان مراسم آب کاسه را بر سر عروس میریزند و با کفش وی شمع‌ها را خاموش میکنند. عروس باید چشم خود را ببندد و وقتی باز میکند نگاهش بروی پسری بیفتد تا خدا با او اولاد ذکور بدهد. مهمانان را با طاق شیرینی و میوه و خوراک هدایت

میکنند و بقیه خورده‌نی‌ها را خدمتکاران برای بخت‌گشایی میبرند .

زفاف: تا چندی پیش، داماد و عروس نخستین بار یکدیگر را در روز عقد میدیدند، پس از ادای خطبه داماد رانزد عروس مینشانند و او در آینه روبرو صورت همسر خود را میدید، در همان حال اسفند دود میکردند که عروس "نظر نخورد" و بر روی سر هر دو نقل و پول سفید میریختند و مهمانان زن برای جمع‌آوری آنها ازدحام میکردند. داماد هدیه‌ای بنام "رونما" میدهد تا چهره زن خود را تماشا کند. عروسی و زفاف ممکن است همان شب یا چندی بعد صورت گیرد، هنگامیکه عروس را بخانه داماد میبرند داماد به پیشباز میرود و نارنجی بسوی عروس میاندازد که اگر او گرفت بر شوهرش مسلط خواهد شد. گاهی هم در ایلات داماد از پی عروس اسب میتازد و او را که تظاهر بفرار میکند سرانجام بچنگ میآورد. وقتی که عروس وارد خانه میشود گوسفندی پیش قدم او قربانی میکنند و داماد بالای‌بام میرود تا عروس، از زیر پای او رد شود و همیشه تابع اراده او بماند، بعکس هنگام ورود باطاق عروس، داماد باید از زیر کفشهای عروس بگذرد. با آمدن عروس و داماد آوای موسیقی و فریاد و هلهله "مبارک بادا" بلند میشود. عروس و داماد را پیش از هدایت به حجله دست‌بده‌ست میدهند و هر یک میکوشد که در آن هنگام زودتر شصت پای خود را روی پای دیگری بگذارد تا همیشه بروی مسلط گردد بعد عروس و داماد نقل و شیرینی در دهان هم میگذارند و اندکی بعد به "حجله میروند"، در آن اطاق یا پشت در آن زنی مجرب از خانواده عروس تا صبح میماند در ایران بمساله بکارت عروس بسیار اهمیت میدهند و دستمال بخون‌آلوده را روز بعد از زفاف با شادی بخانواده عروس مینمایند. روز بعد داماد را به‌مراهی یکنفر "ساقدوش" بحمام میبرند و برای عروس

کاچی مخصوصی میفرستند.

روزهای بعد از زفاف: گاه داماد و عروس تا سه روز از خانه بیرون نمیآیند و مراسم مخصوص "پاتختی" روز سوم انجام میگیرد. روز بعد از عروسی خویشان وندان هدایای خود را "چشم‌روشنی" با آدابی مخصوص بخانه داماد و عروس میفرستند و پس از آن ایام اولیه، برای زن و شوهر تازه‌مهمانی خاصی ترتیب داده می‌شود که "پاگشا" مینامند.

کار و تامین معاش.

مشکل بزرگ کشاورزی ایران کم‌آبی است، برای آنکه باران به‌نگام ببارد تدابیر جادویی می‌اندیشند مثلاً "در خراسان کله خری را بسر چوبی کرده از خانه‌ها

هیزم جمع میآورند و کلهء خر را بر بالای کوهی در آتش میسوزانند. در همدان آب بروی الاغ خاکستری میریزند. در مشهد "آش خدا" میپزند و بفقرا می دهند.

مهمترین محصول کشاورزی در ایران گندم است و نان غذای اساسی ایرانیان را تشکیل میدهد از این رو گندم و نان را نباید لگدمال کرد، اگر قطعهء نانی بر زمین افتاده باشد باید آنرا برداشت و بوسید و در سوراخ دیواری گذاشت و الاقحطی خواهد آمد. حرمت برنج هم لازم است و اگر دانه هایی از آن بر زمین یافت شود باید بدقت جمع آوری کرده و در آب ریخت یا در باغ انداخت که پرندگان بخورند. کسیکه "نان و نمک" کسی را خورده است همیشه مدیون او میماند و هنگام سوگند بر سر سفره تکه نانی بدست گرفته می گویند "باین برکت خدا قسم"

ایرانیان از ادوار باستانی درختکاری را گرامی میداشته و آنرا عمل خیر مذهبی می شمرده اند، هنوز هم نگهداری و پرورش درخت مایهء طول عمر محسوب میگردد، از این رو بدرخت ادرار کردن یا سنگ زدن گناه است. کسیکه درخت میوه ای را برکند همان سال یکی از اعضای خانوادهء خود را از دست خواهد داد.

صنعتگران قدیم و اهل حرف و کسب که غالباً "ساکن شهرها هستند بیشتر در بازارها تجمع کرده اند. بازار مرکب از یکعده دالانهای سرپوشیده و "تیمچه ها" و حجره ها است، در سقف برآمدهء بازار روزنه هایی هست که معبر رهگذران را روشن میکند. هر دالانی محل اجتماع صاحبان حرفه و پیشه یا تجارت مشخصی است مثلاً "کفاشان بازار مخصوصی بنام خود دارند و همچنین دیگر اصناف و هنوز پاره ای از دالان های بازار با اسم مشاغلی خوانده می شود که دیگر از اعتبار افتاده اند مانند بازار پالان دوزها، در حجره های تجارتي و دکه های قدیم معمولاً "شخصی بنسبام" "میرزا" بعنوان منشی و محاسب و کارمند خدمت میکرد، لوازم کار او عبارت بود از لولهء کاغذی که در "پرشال" خود فرو برده بود و قلمدانی که در جیب قبای خود می گذاشت و محاسبات را با "چرتکه" انجام میداد و ارقام را بخط مخصوص (سیاق) که تقلیدی از اعداد عربی است مینوشت.

بعضی از کسبه در گذشته و حال بصورت متحرک (طوافی) بکار خود مشغول بوده و هستند مانند پیلهورانی که پارچه و قند و شکر و مانند آن را بدهات دور دست برده می فروشنند یا کاسبانی که در شهر سبزی و میوه و مانند آنرا بروی "چرخ" یا الاغ برای فروش حمل میکنند، حتی اولین صورت سینما در ایران که به "شهر فرنگ" معروف است و عبارت از جعبه ای بود که در پس ذره بین تصاویری رنگین را از برابر چشم

بیننده رد می‌کرد ، بصورت سیار بود. هنر چاقوتیز کردن و مانند این صناعات نیز بشکل کسبه‌های طوافی دیده می‌شود .

سلامت جسم و روح، بازی، ورزش و تفریح:

تندرستی و بیماری: برای حفظ تندرستی و شفا از بیماری هنوز در میان عوام الناس هزار گونه عقاید قدیمی و تدابیر جادویی دیده می‌شود و بعضی از این اعتقادات و رسوم نیز پایه مذهبی دارد از جمله اینکه مردم لیالی جمعه بزیارت قبور مقدسه می‌روند و از آنها شفا می‌طلبند ، تربت مقابر متبرکه را به بیماری خوراند ، انواع نذر ها و خیرات میکنند و بسادات و مشایخ یا فقرا و مساکین می‌دهند ، بدعا نویس و دراویش متوسل میشوند و بالاخره گیاهها و ادویه عجیب را بخورد بیمار می‌دهند .

رسم رایج دیگر قربانی کردن و صدقه دادن است مثلاً "مرسوم است که بشقابی پراز پول و غذا را چند دفعه بر گرد سر بیماری میگردانند و دعا میخوانند و پس از آن ظرف را بفقیری میبخشند . قربانی کردن گوسفند با آداب مخصوص انجام می‌شود و در حقیقت حیوان را فدای سلامت انسان می‌کنند . " آتش ابودردا " همین خاصیت را داراست : دیگ بزرگی در مقابل در خانه در کوچه میگذارند و رهگذران و همسایگان هر کس مقداری سبزی و بقولات در آن می‌ریزند ، آشی که از آن تهیه می‌شود ابتدا اندکی به بیماری چشانند و بعد بقیه را بفقرا و احیانا " مرضای دیگر می‌بخشند و این عمل سبب شفاى مریض محسوب می‌شود .

در قدیم جهت معالجه بیماریها کارهای عجیب می‌کردند مثلاً " سرگین ماده الاغ (عنبرنسارا) را برای علاج ناخوشیها خصوصاً " آنچه عوام آنرا " باد - ورم " میگویند دود میکنند ، تنیدهء عنکبوت را برای بند آوردن خون بکار میبرند ، خضاب را برای سرمازدگی و بعضی اختلالات جلدی استعمال میکنند ، جوشاندن انواع گیاهها و خوراندن آن به بیمار بسیار رایج است .

بزعم عوام الناس میوه‌ها اثر مهمی در معالجه امراض دارند : هنگام تب و زکام و سرما خوردگی لیمو تجویز می‌شود ، آلو و شاه‌توت را برای قطع صفرا می‌خورند ، خوردن سیر برای دفع مالاریا مفید شمرده می‌شود ، البته این امر پایه علمی و تجربی هم دارد .

کسیکه شب چلهء زمستان میوهء سردی خصوصاً " هندوانه " بخورد تمام سال از آفت بیماری محفوظ خواهد ماند .

برای شیر هر یک از انواع حیوانات ماده خواصی ادعا می‌شود : شیرمادیان

(یا الاغ) بچه را از سیاه سرفه حفظ می کنند شیر شتر را برای علاج (استسقاء) توصیه میکنند .

شیر مادری که نوزادی دختر دارد برای علاج کسیکه تبش قطع نمی شود مفید است و باید چند قطره از آن در بینی بیمار چکانده شود .

هنگام بیماری بعضی احتیاطات شرط است : در خانه آدم تب دار چیزهایی " بودار " نباید تهیه کنند ، آدم سرما خورده نباید ترشی بخورد . بعضی احتیاطات رانیز باید کرد تا بیماری نیاید . کسیکه ناخن خود را بجود مرض (جوع) میگیرد . موی سر را اگر در راه بریزند صاحب مو سرگیجه پیدا میکند . کسی که شب زیر درخت بخوابد غش باو دست می دهد .

برای تقویت و تحریک قوا خوردنی های گوناگون بکار میرود : زرده تخم مرغ برای قوت چانه (پر حرفی) خوب است . گوشت مار آدم را نیرومند میکند . از پنیر باید پرهیز کرد که شخص را کند ذهن میگرداند .

بازیها : آن را بسه دسته تقسیم میتوان کرد : بازیهای بزرگسالان ، بازیهای نوجوانان و بازیهای کودکان ، باید بگوییم که انواع بازیهای بزرگسالان اکثرا " رو بفرا موشی " است از جمله رایجترین این بازیها که هنوز در پاره ای نقاط ایران دیده می شود بجنگ انداختن پاره ای از حیوانات است ، در نواحی شمالی جنگ خروس فراوان مشاهده میشود . جنگهای حیوانات بزرگتر مانند قوچ امروزه ممنوع شده است . بعضی از انواع شرط بندی ها را هم نزد ایشان می توان یافت . از آن جمله " استخوان جناق مرغ " شکستن است ، دونفر که با هم جناق شکسته اند هر وقت یکی بدیگری چیزی بدهد آن دیگری باید بگوید " مرا یاد است " والا شرط را باخته است . در میان نوجوانان و کودکان ، بازیهای جمعی که از دیرباز متداول شده بسیار است ، فقط بعضی از آنها اشاره می شود .

۱ - " قایم موشک " (باشک) و " گرگم بهوا " که در آنها یکی بنام گرگ دنبال دیگران می دود و بلند میخواند (گرگم و گله میبرم) بقیه بازیکنان خود را باید پنهان کنند یا بدونند تا بچنگ اونیفتند .

۲ - آفتاب مهتاب : بدین صورت که دو طفل پشت پشت هم میدهند و بادستها از عقب یکدیگر را محکم میگیرند و هر لحظه یکی بر پشت دیگری سوار میشود و یکی از دیگری می پرسد : آفتاب مهتاب چه رنگه ؟ آن دیگری جواب میدهد " سرخ و سفید دو رنگه " .

۳- "اتل متل": بازی مطلوبی برای آرام کردن بچه‌هاست، اطفال پشت بدیوار پاها را دراز میکنند و یکی شعری میخواند و پاهای دیگران را در همان اثنا می‌شمرد و دست میزند: "اتل متل توتوله" گاو حسن چه جوره، نه شیر داره نه پستان، شیر شو بردن هندستان، یکزن کردی بستان، اسمش بزار عمقزی، دور کلاش قرمزی! هاچین و واچین، یه پاتو ورچین" باگفتن آخرین جمله او همه باید پای خود جمع کنند و آن کسی که تند نجنبند و پای خود را بزیـر تنه نکشیده باشد بازی را باخته است، باخت را ممکن است بصور مختلفی بمجازات برسانند. یکی از انواع بسیار معمول مجازات باختگان میان بچه‌ها این است که باخته باید روی زمین زانو زده صورت خود را روی زمین گذارد، بچه‌ها بر پشت او می‌کوبند و شعری می‌خوانند که آخرش این است "دست کی بالا؟" باید او بگوید که کدام یک از اطفال در آن لحظه دست بالا کرده است و الا باز او را خم میکنند و بر پشتش می‌زنند. مجازات‌ها معمولاً "بنابنوع بازی فرق می‌کند، به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم: روی یک پا دویدن "لی لی"، دیگران را بر پشت سوار کردن "کولی دادن" فریاد یک نفس و بلا انقطاع کشیدن "زو".

۴- "الک دولک": دو نیمه آجر با قدری فاصله می‌گذارند و چوب کوتاهی که "الک" می‌گویند بر آن قرار میدهند و با چوب بلندی که آنرا دولک می‌گویند اولی را محکم می‌کوبند و هر چه دورتر پرتاب میکنند، اگر یکی از بازی کنندگان چوب پرتاب شده را از هوا بگیرد برده است و نوبت بازی با اوست والا باید چوب کوچک را هر چه نزدیکتر بسوی آن دو آجر پرت کند و اگر با آجرها خورد باز برنده اوست. این بازی بسیار قدیمی است و در تمام ممالک خاورمیانه حتی هندوستان رواج داشته و در هر شهری از ایران نام دیگری دارد.

۵- "اکردوکر": مطلوبترین بازی بچه‌ها بین هفت هشت تا دوازده سیزده سالگی است. روی زمین با گچ مستطیل بزرگی در شش خانه رسم میکنند و "تیلهی" (قطعه سنگی) بخانه اول می‌اندازند و طفل باید بروی یک پا "لی لی کنان" بیک دویاسه ضربه تیله را از هر خانه‌ای بخانه بعدی براند بدون اینکه پایش روی خطهای گچ برود.

۶- "هر کسی کار خودش - بار خودش": یک طفل وسط حلقه‌ای از بچه‌ها می‌ایستد، هر کسی باید با ادا و حرکات تقلید کاری را بکند، مثلاً "کار خیاط"، نجار، یا آهنگر و غیره. طفل وسطی هم که "استاد" خوانده می‌شود بکاری تظاهر میکند ناگهان او باید آن کار را متوقف کند و مانند یکی از بچه‌ها تقلید کاری را بنماید،

اگر آن طفل فوراً " ادای کار استاد را در نیاورد بازی را باخته و با صطلاح " سوخته " است و از حلقه بیرون می شود .

۷- " طاق و جفت " : چند عدد سنگ ریزه یا دانه در مشت های خود پنهان می کنند و باید طرف بگوید آن دانه ها جفت است یا طاق ، اگر ببازد معادل تعداد ش ها یا دانه ها باید باو بدهد .

۸- " استاد بدوش " : بچه ها حلقه ای می زنند و دور هم می نشینند و یکی بنام استاد انگشت بلند خود را روی زمین می گذارد و دیگران هم باو تاسی میکنند وقتی استاد می گوید " اوستا بدوش " انگشت خود را از زمین بر می دارد همه بچه ها هم باید چنین کنند اما اگر ناگهان بگوید " زن اوستا بدوش " و انگشت خود را بلند کند هیچ طفلی نباید تقلید حرکت او را بکند و اگر انگشت خود را بلند کند باخته است .
بازی هایی که نام بردیم نمونه هایی بود از آنچه میان اطفال و نوجوانان بسیار رایج است . بازی های عدیده دیگری رانیز میتوان نام برد که پاره ای در بعضی از نقاط ایران دیده می شود ، برعایت اختصار به همین اکتفا شد .

ورزش ها : امروزه انواع ورزش های اروپایی مانند : (فوتبال ، بیسبال ، والیبال ، تنیس و غیره) در ایران رواج پیدا کرده است اما از ورزش های قدیم ایرانی تنها عده قلیلی باقی است .

چنانکه کشتی گیری هنوز میان پهلوانان رایج است و نزد عامه قدر و اعتباری مخصوص دارد . در زورخانه که جایگاه ورزش های باستانی است و آداب و رسوم خاصی دارد که پاره ای از آنها یادآور مراسم صوفیان است . بنوای سرودهای حماسی و آوای طبلک در گود مخصوصی در وسط مانند حوض و چالی بتمرین و ممارست می پردازند . پهلوانان و اهل زورخانه در بین خود سلسله مراتبی دارند و شاگرد یا " نوچه " احترام و انقیاد زیادی نسبت بمراد و مرشد (پیشکسوت) ، که پهلوان بزرگ باشد نشان میدهد . از جمله ورزش های با اسباب ، معمول در زورخانه : بدست گرفتن میل های سنگین و چوبی و گرداندن آنها بدور سر ، دوش است ، دیگر " کباد کشیدن " و آن زنجیر بسیار سنگینی است که به آن زنگها و جرسها آویخته اند و آنرا افقی از یمین به یسار بالای سر میکشند .

از ورزش های بدون اسباب : شنا رفتن و چرخ زدن را باید نام برد . این ورزشها عضلات بازو و شانه و سینه را تقویت میکند اما سایر اعضا بهمان تناسب رشد پیدا نمی کند و این امر را با دیدن هیات ورزشکاران پهلوان ایرانی خوب میتوان احساس کرد . مراجعه فرماید آخر همین فصل به موضوع ورزش زورخانه ای در ایران .

از جمله ورزشهای پهلوانی قدیم اسب تازی و چوگان بازی خصوصاً " در میان جوانان اشراف و اعیان از یکطرف و در میان ایلات و عشایر از طرف دیگر متداول بوده اما امروزه ایندو خصوصاً " چوگان بازی چندان رواجی ندارد .

هنر عامه: چون کشیدن تصویر آدمی و پیکرتراشی حرام بوده است قریحه ایرانی بطراحی و رسمهای هندسی در کاشی کاری و تذهیب کتب و جداول سازی و " اسلیمی " در پارچه بافی و گچ بری و منبت کاری و قالی بافی و هنرهای دیگری که در آن خطوط هندسی و شاخ و برگ درخت و گلها است روی آورده و در این زمینه ها شاهکارهای ممتاز پدیدار کرده است .

در اواخر عهد قاجاریه استاید نقاشی به سبک مکتبهای ایتالیا در این فن کار کردند که یکی از آنها میرزا محمد خان غفاری ملقب به (کمال الملک) است که مؤسس مدرسه جدید نقاشی ایران شمرده میشود .

تأثیر نقاشی اروپائی خصوصاً " در بیست سال اخیر آشکارا در هنر تصویر ایرانی دیده میشود ، هنرمینیا تورو تذهیب و خوشنویسی که امروز هنوز چند نماینده ممتاز در ایران دارد تا حدی رو با انحطاط نهاده ولی نقاشی گسترش یافته است .

اغذیه و مشروبات ایرانی:

مهمترین غذاهای مخصوص ایران که کم و بیش رنگ ملی دارد عبارت است از : پلو ، آبگوشت ، کباب و آش " انواع پلو و چلو " . چلو که برنج خالص سفید است اگر آبکش نشود بنام " دمی " یا " کته " خوانده میشود . برنج سفید (چلو) را با خورش که آن هم ترکیبی از سبزی و یا حبوبات با گوشت است مصرف میکنند ، خورش انواع متعدد دارد مثلاً " (قیمه) که مرکب از لپه و سیب زمینی و گوشت قطعه قطعه شده است و " فسنجان " که از رب انار و مغز گردو و گوشت (احیاناً " گوشت مرغابی) مرکب میباشد . آبگوشت مرکب است از گوشت (خصوصاً " گوشت گوسفند) و سیب زمینی و گوجه - فرنگی و حبوبات که غذای گوارا و سالمی است گوشت روی زغال بریان کرده که بنام (کباب) خوانده میشود نیز از قدیم الایام معمول و رواج مخصوص دارد . بر رویهم مصرف گوشت گاو و گوساله در ایران کم است و بیشتر گوشت بره و گوسفند مصرف میشود . از جمله طيور مرغ خانگی و کبک و قرقاول و مرغابی ترجیح داده میشود اما مصرف آنها کمابیش مخصوص اغنیاست . از انواع ماهیها و حیوانات دریائی تنها ماهیهای که فلس دارند و بموجب مذهب اسلام حرام گوشت شمرده نمیشوند خورده میشوند ، فقط در نواحی ساحلی چون اطراف بحر خزر است که ماهی غذای معمول

همه روزی است اما در بعضی موارد مخصوص مانند شب سال نو (عید نوروز) ماهی خصوصا " ماهی (دودی) و (سفید) بر سر سفره همگان دیده میشود .

ایرانیان صبحانه ساده‌ای بنام (ناشتا) صرف میکنند که عبارت است از چای

و نان و پنیرولی ناهار و شام نزد ایشان مفصل تر است و تهیه آنها وقت دراز میگیرد و با آداب مخصوص خورده میشود و میتوان گفت که ایرانیان بفن طبخ و خوراک اهمیت مخصوص میدهند .

در ایران خوردن میوه‌های لذیذ و انواع تره‌بار مانند خربزه و هندوانه و خیار خصوصا " پس از صرف غذا معمول است . مشروب رایج ایرانیان در تابستان آب یخ و دوغ (ماست با آب) و در زمستان چای است .

(تنقلات) چون (آجیل) و میوه‌های خشک نیز در ایران بسیار معمول است و وقت مشخص ندارد .

گاه در پاره‌ای از روزهای سال و جشن‌ها یا مراسم عزاداری خوراکی مخصوص تهیه میشود مانند شیرین پلوی روزهای عروسی که از خراشه پوست پرتقال و زعفران و احیاناً " پسته و کشمش و گوشت با پلو درست میشود ، و حلوائیایام سوگواری که آرد در روغن سرخ شده است و " حلیم " از گندم با ادویه و گوشت و روغن که مخصوص روزوفات ائمه میباشد . " شله‌زرد " که مخلوطی از برنج و زعفران و شکر و مانند آش غلیظ است روزهای مقدس بعنوان " نذری " تهیه میشود و این زردی یادآور رنگ ناگوار سوانح است .

آرایش ، پیرایش و پوشش :

در قرن بیستم بحکم سیر زمان و تحول اوضاع اجتماعی و تماس با ممالک اروپائی در طرز پوشاک و آرایش ایرانیان تغییری بزرگ روی داد و کم کم لباس و کلاه و کفش و سبک و شیوه خود آرایشی غربی معمول شد ، معذک هنوز در میان روستائیان و خصوصا " مردم ایلات طرزهای قدیم پوشش و آرایش مشاهده میشود و نمونه‌هایی از آن را در تصاویر این کتاب میتوان دید .

تا اوایل این قرن تمام زنان در حجاب بودند یعنی چادر سیاه بصرمی کردند و صورت خود را با برقی که به (پیچه) یا (روبند) موسوم بود — میپوشاندند و شلوار گشادی بنام " چاقچور " که تامچ را محفوظ میداشت — بپا میکردند .

در گذشته زنان صورت را بسفیداب رنگ روشن میدادند و بمرگان سرمه و به ابروان و سمه سیاه که مطبوخی از نیل بود میکشیدند و بر روی هم هفت قلم آرایش: (حنا، و سمه، سرخی، سفیداب، سرمه، زرورق بروی پیشانی و قلیا) در چهره خود بکار میبردند، از این رو است که گفته میشود فلان زن (هفت قلم) آرایش کرده یا (هر هفت) کرده.

اصولا " حمام رفتن و تن شستن آداب خاصی داشته که امروز تدریجا " تغییر کرده گرمابه ایرانی از یک (رخت کن) عمومی و اطاق وسیع بسیار گرم و پر بخار در کنار یک یادو (خزانه) آب تشکیل میشده است، دالانی کوتاه واردین را از رخت کن بگرمخانه و خزانه هدایت میکرد. واردین پس از شست و شوی نخستین در خزانه مدتی بر زمین داغ و در هوای بخار آلود حمام می نشستند تا (عرق) کنند آنگاه تن شوئی بنام " دلاک " می آمد و پس از اندکی مالش بدن مشتری با پارچه ضخیم درشتی بنام " کیسه " از بدن او چرک میگرفت و در حقیقت قشری از پوست خارجی بدن او را برمیداشت و بعد با " سدر " سروتن وی را شستشو میداده است. دلاکان وظایف دیگری نیز داشته اند و از جمله آنکه با تیغ موی سر مشتری را میتراشیدند و نیزگاهی از او خون میگرفتند (با اصطلاح " حمامت " میکردند) مشتری پس از کیسه کشی و صابون زنی مجدداً " بهمان " خزانه " میرفت و برمی آمد و با (لنگ و قطیفه) که غالباً از حمامی بعاریه گرفته بود بدن را خشک میکرد و از دالان برخت کن باز میگشت، آنجا در حوضچه کوچکی که بزبانی کاشیکاری شده بود با آب سرد پاها را می شست و بروی سکوی مخصوصی کنار دیوار می نشست و لباس خود را بتن میکرد. روزهای حمام گرفتن مردان و زنان از هم جدا بود و معمولا " جمعه ها با سحمام مردان اختصاص داشت و روزهای دیگر زنان حمام را (قرق) میکردند و ساعت های طولانی در آن بسر میبردند و حتی - میوه (خصوصا " انار) و آجیل و شیرینی و ناهار را در آنجا صرف میکردند و بسا (دختر دیدن) و خواستگاری در همان حمام سر میگرفت.

در قدیم مردان متعلق به هر طبقه اجتماع لباسی مخصوصی داشتند ولی امروزه طرز پوشاک کمابیش یکنواخت شده است، بجای قبا و لباده و سرداری که حکم (مانتوی) بلند را داشت امروزه کت و شلوار متداول گردیده است اما مردان روستایی و ایل نشین از این حکم مستثنی هستند و غالباً " لباس قدیم خود را نگه داشته اند. در انتخاب رنگهای لباس نیز تحولی آشکار شده است: زنان دهقانی و ایل نشین معمولا " رنگهای شفاف پر جلا را می پسندند اما شهریان بر رنگهای تیره تر رغبت

دارند و رنگ مشکی عموماً "لباس تجملی و مخصوص مهمانی است. جامهٔ عروس باید سفید و لباس عزا سیاه رنگ باشد. رنگ زرد تا این اواخر مطلوب نبود و یک چند نیز رنگهای تند مانند سرخ مورد اعتنای زنان متجدد شهرنشین واقع نمیشد. در مورد زینت آلات باید علاقهٔ مخصوص زنان ایرانی را با استعمال انواع جواهر یادآور شد. بعضی آرایشهای نوع زنان عرب چون "حلقهٔ بینی" و "پای برنجن" و "خلخال" امروز متروک شده است بعکس گوشواره، سینه‌بند، گلوبند، انگشتر و دستبند رواج زیاد دارد و لوح فلز و سنگی که در آن بکار میرود نسبت بطبقهٔ اجتماعی و بنیهٔ اقتصادی افراد تفاوت میکند، همین علاقه به جواهر سبب ترقی فن زرگری و جواهر سازی در ایران شده است.

کفش ایرانیان امروز نظیر پاپوش اروپائیان است اما در گذشته چنین نبود. مردم ایلی و روستایی در شمال غالباً "چکمه‌های بلند یا کفشهای پوستی ساده که به (چارخ) معروف است بپا میکردند، در جاهای دیگر "گیوه" یا "ملکی" که از نخ‌های پنبه‌ای سپید یارنگین بافته میشود و پاپوش سبک و زنی است دیده می‌شد.

آداب معاشرت، میزبانی و مهمانی:

ایرانیان همواره به مهمان نوازی شهرهٔ آفاق بوده‌اند و گرچه تجدد و شهرنشینی قوت و صمیمت روابط قدیم را درون جامعه کاسته است اما هنوز دید و بازدید و میزبانی و مهمانی بیشتر اوقات فراغت ایرانیان را مشغول میدارد.

وقتی که شخصی بخانهٔ دوستی می‌رسد بکمال ادب و خوشرویی با او رفتار میکنند "تعارف" کردن و احترامات زبانی میان دوستان بسیار معمول است، فرمول‌های ادبی پیچیده برای بیان ساده‌ترین مطالب بکار می‌رود. مثلاً "بجای لفظ - متشکرم" غالباً "جملاتی چون" سایه شما از سرما کم نشود" یا "مرحمت عالی زیاد" و مانند آن گفته می‌شود. این زبان آوری قدر و اهمیت خاصی دارد و مهمانی که این عبارات معلق خوش آیند را نشنود بماندن یا از پذیرایی میزبان بهره‌بردن رغبت نمی‌کند و ممکن است مثلاً "مدتی بر سر سفره بنشیند و با قاشق و چنگال بازی کند و تا باو "تعارف نکنند" دست بطعام نخواهد گشود.

مهمان را حتماً "در صدر اطاق که دورترین نقطه نسبت بمداخل و آراسته‌ترین قسمت خانه است باید نشانید، اندکی پس از تبادل عباراتی در خیر مقدم و احوالپرسی چای و شیرینی و در تابستان شربت خنک پذیرایی می‌شود.

از عادات جالب توجه ایرانیان این است که هر شخص محترمی از در درآید همه در پیش پای او قیام می‌کنند.

برای اشخاصی که در یک ردیف و یا در یک طبقه از اجتماع واقع باشند هر دیدی "بازدید" از پی دارد عبارت دیگر بهر منظوری که بملاقات شخصی بروند چه برای تهنیت باشد و چه برای تعزیت، چه برای احوالپرسی چه برای مقصد دیگر

آن شخص موظف است که "بازدید" پس بدهد که اگر ندهد رنجش در خاطر دوست خود ایجاد می‌کند. وقتی کسی بسفری میرود باید خانه همه خویشان و دوستان برای تودیع شخصاً "برود و با همه آنان" خدا حافظی "کند و هنگامی که باز می‌گردد همه باید بدیدن او بروند و خیر مقدم بگویند و او هم موظف است که برای همه دوستان "سوقاتی" بیاورد.

اگر کسی را دوست میدارند و مایلند که زود از سفر باز گردد بهنگام عزیمت یکی از اشیاء او را از جامه دانش می‌ربایند یا توشه راهش را می‌دزدند یا بدنبال او قدری جویا آب بروی زمین می‌پاشند. اگر سه روز پس از عزیمت مسافر "آشپشت‌پا" بپزند مراجعت او را تسریع می‌کند در این آش علاوه بر گندم و جو و بقولات معمولاً "آردی را که مسافر بهنگام عزیمت (وقتی که از زیر آینه و قرآن او را رد می‌کرده‌اند) با دست لمس کرده است بصورت رشته بریده "ماکارانی" داخل می‌کنند.

بعکس اگر مسافر محبوب نیست و نمی‌خواهند باز گردد در پشت سراو کوزه سفالی مستعمل یا دیگ کهنه یا سنگ سیاهی می‌افکنند.

شوق مهمان داری ایرانیان در فالهایی که در باب آمدن مهمان می‌زنند متجلی می‌گردد: تفاله چای که در استکان راست بایستد می‌گویند مهمان می‌آید، همین فال را بمشاهده گربه‌ای که دست و روی بلیسد میتوان زد، افتادن لقمه از دهان نیز بشارت ورود نزدیک مهمان است و اگر لقمه بیخ گلو بجهد خبر خوشتری میدهد و آن این است که مسافر سوقاتی خواهد آورد.

اگر مهمان ظرفی چینی یا بلوری را بشکند نباید دلتنگ شد چون "قضاوبلا" بوده است و شکستن آن دفع بلایی را که مقدر بود کرده است. با همه ظرافتی که در معاشرت ایرانیان دیده میشود بعضی آداب غریب و خشن هم بچشم می‌خورد مثلاً "گفته میشود که اگر از آدم خسیسی چیز خوراکی بدزدند و بخورند هرگز مریض نخواهند شد و اگر از او پول بگیرند و مایه کیسه کنند بزودی متمول خواهند شد و همیشه چنین خواهند ماند.

آداب و رسوم اجتماعی :

زمان و تقویم :

در ایران دوگونه تقویم معمول است یکی آنکه بر سال قمری مبتنی است و دیگر آنکه بر اساس شمسی قرار دارد . مبدأ سال قمری هجرت حضرت محمد بن عبدالله (ص) پیغمبر اسلام از مکه به مدینه است (۶۲۲ م .) . سال قمری هجری تا سنه ۱۳۴۴ مبنای تاریخ رسمی دولتی در ایران بود ، در این سال که بر حسب تاریخ ۱۳۵۴ سال شمسی از هجرت رسول الله میگذشت تاریخ شمسی برای امور دولتی انتخاب شد و بموجب قانون رسمیت یافت ، امروزه اوقات آداب و مراسم و همچنین حوادث مذهبی با تقویم قمری تعیین میشود و زمان جشنهای رسمی و روزهای سالگرد ملی را تقویم شمسی معلوم میدارد و چون سال قمری ده روز و شش ساعت و یازده ثانیه کوتاهتر از سال شمسی است بسا که عیدی ملی با ماتی مذهبی مصادف میشود و یا مثلاً " ماه روزه داری (رمضان) در گرمترین فصل سال میافتد .

آغاز سال شمسی نخستین روز بهار است (اول فروردین مطابق ۲۱ یا ۲۲ مارس از سال مسیحی) و آن را نوروز می خوانند و بنام جمشید پادشاه افسانه ای که بنیاد گذار بسیاری از آداب و رسوم ایرانیان پنداشته میشود جشن می گیرند . شش ماه نخستین سال راسی و یک روز می شمردند و ماههای بعد را با ستثنای اسفند که گاه ۲۹ - روز می شود سی روز به حساب می آوردند . روز جمعه (آدینه) بیپروای اسلام روز - تعطیل عمومی مقرر شده است .

ماههای قمری نام عربی دارد و این نام ها از عهد جاهلیت (قبل از اسلام) باز مانده است .

آغاز ماه بارویت نخستین هلال ماه تعیین میشود و آن را (غره ماه) مینامند . ماههای قمری بر حسب مواضع قمر ، گاه سی روز و گاه بیست و نه روز میشود و روز سی ام را " سلخ " میگویند ، در آیین اسلام عبادات بهیچ روزی اختصاص ندارد و ادای هفده رکعت نماز در پنج نوبت همه روز از فرائض مسلمانی است اما در روز جمعه ایفای وظائف مذهبی اهمیت بیشتری حاصل میکند ، مرد مسلمان معمولاً " سحرگاه آدینه بحمام میرود و بعد در مسجد جامع حاضر میشود و با مسلمانان دیگر نماز جمعه را با آداب مقرر در شریعت انجام میدهد .

اولین ماه سال قمری محرم است ، نزد عرب جاهلی محاربه میان قبایل در این

ماه تحریم شده بود پس از اسلام نیز محرم بجهاتی محترم گردید . میگویند که در سومین روز محرم یوسف را از چاه بیرون کشیده‌اند ، در پنجمین روز آن ماه موسی به کوه طور سینا رفته است ، درروز نهم یونس از دهان ماهی برآمده و در دهمین روز امام حسین (ع) بشهادت رسیده است .

ماه دوم قمری ماه صفر است ، صفر در عهد جاهلی برای شروع مجدد جنگها و مخاصمات بوده بهمین جهت از همان روز ماهی نامبارک شمرده میشد . نزد مسلمین نحسی ماه صفر بیشتر از آن جهت است که وفات پیغمبر اسلام در روز بیست و نهم آن ماه وقوع یافته است . نحس‌ترین روزهای سال روز سیزدهم ماه صفر است و نه فقط در این روز بلکه در آن ماه غالبا " جشن عروسی بر پا نمیدارند .

ماه سوم را ربیع الاول خوانند و چون عمر خلیفه دوم در روز نهم آن ماه کشته شده است سابقا " شیعیان متعصب در آن روز جشن‌هایی بر پا میکردند ولی فعلا " این امور منسوخ گردیده است .

ماه چهارم تا هفتم اهمیت خاصی ندارند ، ماه اخیر که ماه رجب نام دارد نیز از ماههای مبارک محسوب میشود خاصه که در سیزدهم آن ماه امیرالمؤمنین علی - بن ابیطالب (ع) متولد گردیده و شیعیان در آن روز بیاد مولای خود جشن‌ها میگیرند . ماه هشتم ماه شعبان است ، درروز پانزدهم آن ماه شیعیان جشن ولادت حضرت حجت مهدی (ع) دوازدهمین ائمه اثنی عشر را بپا میدارند و معتقدند که آن حضرت در کودکی بسال ۲۶۰ هجری از انظار غایب شد و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد فرمود .

ماه مهم دیگر رمضان است که ماه نهم سال قمری باشد ، این ماه بهروزه‌داری اختصاص دارد .

ماه رمضان را ماه مبارک خوانند و یکی از آخرین شب‌های آن ماه را (شب قدر) نامند و می‌گویند شبی است که بمناسبت نزول قرآن بر پیغمبر بر هزار ماه فضیلت دارد و در آن شب فرشتگان بیرون از شمار بر زمین فرود می‌آیند و هر کس هر چه تمنی کند باوداده می‌شود . روز بیست هفتم رمضان و همچنین آخرین جمعه آن ماه را (جمعة الوداع) میگویند و در خانواده‌ها جشن میگیرند و حلوای نذری می‌پزند . جشن انتهای صوم را (عید فطر) می‌خوانند و آن روز غره شوال است که در آن روز ادای (فطریه) بموجب قواعد فقه بر مسلمانان مقرر است .

آخرین ماه سال قمری (ذیحجه) برای زیارت خانه خدا در کعبه (حج) اختصاص دارد و روز نهم آن ماه را " عرفه " گویند و بهروز دهم " عیداضحی " یا (قربان)

پا میدارند و آن روز مخصوص اجرای مناسک حج و قربانی کردن شتر یا گاو و گوسفند برای رفع گناه‌ها و دفع بلاها و شرور است.

اعیاد و ماتمهای مذهبی:

گفتیم که ماه محرم مهمترین ماهها برای اجرای آداب مذهبی و خصوصا " عزاداری است، معمولا "خانواده‌های شیعه" مؤمن از اول تا دهم محرم در خانه خود مجالس " روضه خوانی" و سوگواری بر پا میدارند، در این مجالس مصائب شهیدان کربلا نقل میشود و مستمعین بگریه و ناله میپردازند.

بالای در مساجد یا خانه‌هایی که در آن روضه خوانی دایر است بیرق سیاهی زده میشود که بر روی آن اشعاری از دوازده بند مرثیه^۱ محتشم کاشانی در رثاء حسین (ع) نقش شده است، پیر و جوان و فقیر و غنی باین مجالس روی می‌آورند و به عزاداری می‌پردازند. در قدیم رسم بود که تکیه‌ها (حیاط یا میدان) را برای روضه خوانی یا نمایش مذهبی که (تعزیه) خوانده میشود آماده میکردند و یا چادرهای بزرگ برپا میداشتند و در آن آداب عزاداری امام حسین (ع) صورت میگرفت. در روز نهم و دهم محرم که (تاسوعا) و (عاشورا) خوانده میشود. دسته‌های عزاداران براه میافتند، عزاداران جامه سیاه یا احیانا " کفنی پوشیده و گل و خاک بر سر و لباس زده‌اند، بعضی برسینه میکوبند و نوحه میخوانند و جمعی دیگر قمه بر سر تراشیده خود میزنند (امروزه بندرت این نوع عزاداری مرسوم است) و بالاخره عده‌ای نیز زنجیر سنگین بر پشت و تن خود میکوبند و باین ترتیب در مصیبت ابو عبد الله الحسین شرکت میجویند.

اربعین که بیستمین روز ماه صفر و چهلیم شهادت امام است نیز روز عزاداری عمومی است. رحلت حضرت رسول (ص) در بیست و هشتم صفر است. روز سالگرد شهادت یا وفات هریک از ائمه هم فرصت تازه‌ای بتشکیل مجالس روضه خوانی و عزاداری میدهد. از جمله این روزها روز ۲۹ صفر که یادآور شهادت امام رضا علیه السلام است و همچنین روزهای ۱۹ و ۲۱ رمضان که روز ضربت خوردن و شهادت حضرت علی امیرالمؤمنین (ع) است خصوصا " تعطیل عمومی و مراسم عزاداری مفصل اجرا می‌شود.

در این روزها در مساجد و تکایا و منازل مراسم عزاداری انجام مییابد. هرکسی در این سوگواری‌ها بگریه ثواب مخصوص خواهد برد. اعتقاد بر این است که فرشته‌ای موظف بجمع آوری قطرات اشک عزاداران است و آنها را در روز محشر بعنوان

گواه ایمان این کسان ارائه خواهد کرد.

شمارهٔ اعیاد مذهبی از ایام سوگواری کمتر است مهمترین آنها عید مبعث حضرت رسول و روز ولادت آن حضرت و ائمه اطهار است که بعضی جزو ایام تعطیل رسمی در ایران بحساب می‌آید، بمناسبت این اعیاد ادارات و دکانین تعطیل میکنند و بازار را به بیرقهای رنگین و لاله و چهلچراغ و گلدانها می‌آرایند.

از آن جمله روز پانزده شعبان مذکور است که گذشته از ولادت دوازدهمین

امام شیعه، روز زناشویی حضرت علی و حضرت فاطمه را نیز بیاد می‌آورد.

عید غدیر که بمناسبت انتصاب حضرت علی (ع) به مقام ولادت پیغمبر در روز

۱۸ ذی الحجه هر سال برپا میشود از جمله اعیاد پر شکوه مسلمانان در ایران است.

در آن روز رسول خدا در محلی بنام غدیر خم در ضمن خطبهٔ مفصل امیرالمومنین (ع)

را بجاننشینی خود تعیین فرمود. سابقاً " بمناسبت چنین روزی، بسیاری از مردم پیمان

دوستی ابدی با هم می‌بستند و باصطلاح صیغهٔ برادری و خواهری جاری میکردند و

متعهد میشدند که همه عمر وحتى بروز قیامت یار و یاور یکدیگر باشند و هر کس در

اجرای چنین تعهدی کوتاهی نماید باعتقاد عامه بدوزخ خواهد رفت بعکس دعای

شخص در حق برادریا خواهر خواندهٔ او رفع بدبختی و گرفتاری از وی خواهد کرد.

عید مهم دیگر عید فطر است که میان شیعیان و اهل سنت مشترک میباشد، چنان

که گفتیم در تمام مدت یکماههٔ مبارک رمضان مسلمانان همه روزه از سحرگاه تا هنگام

مغرب روزه‌داری میکنند. و همینکه پایان ماه فرا رسید در غرهٔ شوال عیدی بنام (عید

فطر) برپا میدارند، در آن روز روزه گرفتن حرام است و بموجب قانون اسلام باید

زکوة بفقرا داد. هر کس باید بخویشان خود احسانی کند و "فطریه" بدهد.

عید قربان یا عید "اضحی" عید بزرگ دیگر مسلمانان است، در آن روز در

مکه جزو آداب و مناسک حج قربانی کردن بر تمام حاجیان واجب است، در سایر بلاد

اسلامی نیز گوسفند یا شتر قربانی میکنند. در آن روز بود که باعتقاد مسلمین به

حضرت ابراهیم امر شد فرزند خود اسماعیل را قربانی کند ولی بعد جبرئیل او را از

اینکار بازداشت و ندا از غیب آمد که باید بجای اسماعیل گوسفندی به ذبح فرستاده

شود روز پیش از عید قربان را یوم (عرفه) خوانند.

جشن و سوگواریهای ملی:

نوشتیم که جشن‌ها و سوگواری‌های ملی را تقویم شمسی تعیین میکند. آخرین

چهارشنبهٔ سال را بنام "چهارشنبه سوری" مینامند و جشن میگیرند و این جشن

از مراسم باستانی قبل از اسلام است. در قدیم رسم بر این بود که در آن شب کوزه گلی تازه ای بر میداشتند و یک سکه پول خرد (پول سیاه) و قطعه ای ذغال و مقداری اسپند و سنگ نمک در آن میریختند و هنگام غروب بر پشت بام میبردند و بکوچه می انداختند و معتقد بودند که همه غمها و تیره بختی ها که ممکن بود با سال جدید پیش آید باین ترتیب از بین خواهد رفت.

در آن شب مردم بوته هایی از خار گرد می آوردند و توده میکنند و آتش میزنند و پیرو جوان و خرد و بزرگ بشادی خاتمه زمستان از روی شعله ها می جهند و میگویند: "زردی من از تو - سرخی تو از من." در آذربایجان شبهای چهارشنبه سوری برای خرید به "چهارشنبه بازار" میروند و کوزه و آئینه خریداری میکنند و شیرینی و آجیل مخصوصی تهیه می بینند و لباس تازه میپوشند، بازارها را در آن شب چراغانی میکنند و بزیورها می آرایند با پیروزی انقلاب اسلامی برخی از جشن های ملی از رونق افتاده است.

پیش از تجدید سال، گذشته از ترتیب چهارشنبه سوری آدابی دیگر متداول است: بمناسبت نو شدن سال باید همه چیز را تازه کرد، لباس تازه دوخت و خانه را رفت و روب کامل کرد، فرش و پرده را شست یا تکانید و با اصطلاح "خانه تکانی" نمود.

شب سال نو تشریفات مخصوصی دارد. معمولاً "در آن شب سبزی پلو و ماهی و کوکو (تخم مرغ یا سبزی) می خورند.

در هنگام تحویل سال سفره ای گسترده میشود که در آن هفت ماده که با حرف "س" آغاز میشود قرار می دهند از قبیل: (سیب، سنجد، سنبل، سبزی، سیر،

سرکه، سمنو) و آن را "هفت سین" میخوانند. در کنار سفره آینه و قرآنی نهاده شده است و در شیشه آب چند ماهی قرمز گذاشته اند و عقیده دارند که سر تحویل سال آن ماهیان بی حرکت بر جای خود خواهند ایستاد، بعکس برگ سبز یا نارنجی که در آب نهاده شده باعتقاد عامه در آن هنگام تکان خواهد خورد، عوام میگویند علت این حرکت آن است که زمین بر روی شاخ گاوی جای دارد و در وقت تحویل سال آن گاو زمین را از شاخی بشاخ دیگر می غلطاند. بر سفره هفت سین شمع ها روشن میکنند و بعضی حبوبات و سبزه گندم یا عدس که درون بشقاب یا بر پشت کوزه گلی رویانده اند نیز می چینند.

تحویل سال قدیم "با اذان و بعدا" با شلیک توپ و اخیراً "بوسیله رادیو

اعلام میشود، در آن لحظه مؤمنین بتلاوت "سوره یس" یا دعای مخصوص عید سرگرم هستند.

بعضی سکهء طلا در دست میگیرند و امیدوار هستند که آنقدر توانگر شود که بتوانند همیشه "با پول بازی کنند".

آداب نوروز با مراسم روز نخست پایان نمیگیرد، در طی دوازده روز خانواده‌ها بدید و بازدید میپردازند نخست کوچکتران نزد بزرگتران میروند و پول نقره یا طلا یا هدیه‌ای دیگر بعنوان "عیدی" میگیرند و بعداً "بزرگتران" بازدید "پس می‌دهند". در هفتهء نخستین عید همهء ادارات و دکانین بسته است و مردم بکاری جز معاشرت و رفت و آمد نمی‌پردازند، پایان مراسم نوروز سیزدهمین روز سال است که بنام "سیزده-بدر" خوانده میشود و رسم است که در آن روز همهء مردم از شهر خارج شوند و بباغ و صحرا بروند.

در قدیم که شهرها چند دروازه داشت روز سیزده می‌بایست هر کسی از دروازه‌ای بیرون رود و از دروازهء دیگر مراجعت کند تا باین تدبیر دیوشیریری که به‌مراه او از دروازهء اول خارج شده بود پشت دیوار شهر بماند و باز نگردد.

در روز سیزده نوروز سبزه‌هایی را که از حبوبات رویانده‌اند در کوچه یا بیابان می‌اندازند و برآنند که باین ترتیب نحوست بدور افکنده میشود. بعکس دختران در صحرا سبزه‌ها را گره میزنند و برآنند که بختشان باز خواهد شد و سال دیگر بخانهء شوهر خواهند رفت.

دیگر جشن‌های ملی کمتر اهمیت دارد و بسیاری از آنها امروزه متروک شده است. رسم ایرانیان قدیم این بود که هرگاه نام روز با نام ماه موافق می‌شد جشن بر پا میکردند مثلاً "روز مهر از ماه مهر را بنام مهرگان میخوانده‌اند.

روز دهم از ماه بهمن بنام جشن سده خوانده میشد و در آن روز آتشیهای بلند بر می‌افروختند، این را سده از آن رو میگویند که پنجاه شب و پنجاه روز تا عید نوروز باقی است.

این جشن بنام "سده سوزی" هنوز میان زردشتیان معمول است. جشن‌های مهرگان و سده در بعضی از ایلات و نقاط ایران دیده شده است.

از جمله جشن‌های ایران باستان که هنوز میان زردشتیان و پارسیان متداول است جشن تیرگان (روز تیر از ماه تیر) است که در آن بهم آب می‌پاشند.

از دیگر جشن‌ها مراسم شب یلدا را که بلندترین شب زمستان است می‌توان نام برد در آن شب میوه‌های مُبرّد مخصوصاً "هندوانه" می‌خورند و گردهم می‌آیند و فال

حافظ می‌زنند. جهانگردان از جشنهای گل سرخ در پاره‌ای از نقاط ایران (مثلاً اصفهان) یاد کرده‌اند. نشاء کردن برنج در شمال ایران هم با بعضی آداب مخصوص انجام میشود، زنان چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارند.

ورزش وزورخانه در ایران (۱)

در دنباله مطلب آداب و رسوم ایرانیان بی‌مناسبت نیست که نگاهی هرچند گذرا به ورزش باستانی ایران (ورزش زورخانه‌ای) داشته باشیم.

سابقه تاریخی:

قدمت تاریخ ورزش باستانی بنا بر شواهدی که در کتابهای قدیمی یاد شده، تقریباً "به اوایل قرن هفتم هجری میرسد که البته به عنوان زورخانه، عبادت‌خانه، بیت، حزب، کنگرگاه، پاتوق و زورخانه می‌گفته‌اند. گذشت زمان و تحولات فکری و دینی مردم گذشته، آنرا به زورخانه یعنی مکان اجتماع جوانمردان و طالب حق و حقیقت و مدافعان ملک و ملت بر بنیاد تعالیم دینی تبدیل کرده‌است. چون در این اماکن آداب و رسوم مذهبی جدا "رعایت میشد، بنابراین زورخانه صرفاً "مخصوص ایرانیان مسلمان بوده و افراد غیر مسلمان، فقط در موارد استثنائی برای تماشا حق ورود داشتند. این ورزش خانه‌ها برای افراد هر محله جایگاه تمرین و تکرار عملیات

(۱) - استخراج از نشریه مجموعه مقالات مردم‌شناسی از انتشارات مرکز مردم -

شناسی (۱۳۶۲) اثر مصطفی صدیق ایمانی

و گهگاه سرشاخ شدن و انجام کشتی‌های ناتمام "قدر (۱)" بوده است. چون نتیجه غائی در این ورزش علاوه بر سلامتی و تندرستی، دست یازیدن به مقام پهلوانی و رسیدن بمقام والای انسانی بوده است، از اینرو ورزش زورخانه‌ای و میل به پهلوان شدن، در ایران رونق یافت. پهلوانانی که در زورخانه تربیت شده‌اند، بسیار بوده‌اند که هر یک توانسته‌اند در طول سالهای عمر خود نام نیک بیادگار بگذارند. اینان مردانی بوده‌اند، با امیال انسانی و روحیه جوانمردی و نیز برخوردار از فضایل و کلمات معنوی.

پهلوانانیکه در گود زورخانه بمقام والای انسانی رسیده‌اند: عبارتند از: پهلوان فیله همدانی در سده نهم هجری.

پهلوان محمد بن ولی الدین خوارزمی مقلب به پوریای ولی اواخر سده هفتم و اوایل قرن هشتم هجری.

پهلوان محمد ابوسعید، در سده نهم هجری.

پهلوان نداقی عراقی اصفهانی در سده دهم هجری.

پهلوان بیک قمری در سده دهم هجری.

پهلوان میرزا بیک کاشی در سده یازدهم هجری.

پهلوان کبیر اصفهانی در سده دوازدهم هجری.

پهلوان لندره دوز در سده سیزدهم هجری.

پهلوان عسگر یزدی بعد از سده سیزدهم هجری.

پهلوان مازار بعد از سده سیزدهم هجری.

پهلوان ابراهیم یزدی (یزدی بزرگ) بعد از سده سیزدهم هجری.

پهلوان شعبان سیاه، پهلوان حسن بدافت، پهلوان حاج نایب رضا قلی، پهلوان

حسین گلزار کرمانشاهی، پهلوان اکبر خراسانی، پهلوان یزدی کوچک (عبدل)،

پهلوان سید هاشم خاتم زاده، پهلوان اصغر نجار، پهلوان میرزا باقر در اندرونی،

پهلوان علی میرزای همدانی، پهلوان مهدی خان سیف الممالک، پهلوان صادق قمی،

پهلوان سید حسن شجاعت (رزاز)، پهلوان حاج محمد صادق بلور فروش، پهلوان

تقی قمی، را نام برد، که به اواخر قرن چهاردهم هجری می‌رسد.

ساختمان زورخانه :

می‌گویند نخستین کسی که طرح زورخانه را ریخت (پوریای ولی) بود. زورخانه بمکانی می‌گویند که مردان در آن ورزش میکنند. بیشترین زورخانه‌ها در کوچه پس کوچه‌های شهر ساخته شده است. بام آن بشکل گنبد و کف آن گودتر از کف کوچه است. در آن کوتاه و یک لختی است و هر که بخواهد از آن بگذرد و داخل زورخانه بشود باید خم شود. در گذشته این در به یک راهروی باریک با سقف کوتاه باز میشد و آن راهرو به "سردم" زورخانه می‌رسید اما امروزه برخی از در ورودی زورخانه‌ها بصورت دولختی و با فاصله یک پله نزدیک به سردم باز میشود.

سردم - سردم محل دم برآوردن و شعر خواندن مرشد است که معمولاً "در یکی از غرفه‌های چسبیده به راهرو و یا نزدیک پله‌کان ورودی زورخانه ساخته میشود، و آن صفا نیست نیم گرد که کف آن از کف زورخانه یک متر تا یکمتر و نیم بلندتر است. در جلوی سردم چوب بستنی است که به آن زنگ و پر قو آویخته‌اند. بر روی سکو زیر چوب بست، اجاقی کنده شده که در آن آتش می‌ریزند و سرگاز اجاقی گذاشته باشند منقل فلزی الکتریکی زیر چوب بست می‌گذارند، و مرشد ضرب خود را با حرارت آتش اجاق یا منقل گرم میکند تا صدای آن رساتر آید. علت وجودی سردم در زورخانه‌ها ظاهراً "از یادگارهای زمان رواج تصوف است. ورزشکاران صوفی مسلک در آن زمان با استفاده از شیوه تصوف، محل ضرب‌گیری مرشد و سکویی را که مرشد در آن می‌نشسته (سردم) نامیده‌اند. برخی نیز بر این باورند که مرشد با نشستن در چنین جایی میتواند براحتی رسم تشریفات و آداب و تعارفات زورخانه را در حق واردین و خارج شوندگان ادا کند.

گود:

در میان زورخانه گودالی است هشت پهلو به درازی ۴ یا ۵ متر و پهنای ۴ متر و به عمق سه چارک تا یکمتر که در اصطلاح زورخانه "گود" نامیده میشود. در گذشته کف گود را چند لایه بوته و خاشاک گذاشته و روی آن خاک رس ریخته و هموار میکردند. بوته و خاشاک را بمنظور نرمی و حالت فنری کف گود می‌ریختند و هر روز روی این کف را پیش از آنکه ورزش آغاز شود با آب، گل نم می‌زدند تا از آن غبار برنخیزد، این عمل باعث میشد تا رطوبت هوا بیشتر شود و چه بسا که باستانی‌کاران در سنین پیری به پادرد مبتلا بشوند. امروزه ساختن این چنین گودها از میان رفته است و سطح گودها را با کف پوشهای پلاستیکی هموار میکنند. سراسر دیواره گود ساروج -

اندود شده و لبه هزاره آجری آنرا با چوب می پوشانند تا اگر ورزشکاران هنگام ورزش به لب گود بخورند تنشانشان زخمی نشود.

گود زورخانه محلی است که ورزشکاران در آن عملیات ورزش باستانی و کشتی پهلوانی را انجام میدهند. از دیدگاه باستانیکاران گود محلی مقدس و جای پاکان و نیکان است. چنانکه ورزشکاران وقتی وارد گود میشوند حالت کسانی را دارند که با خلوص نیت به یک مکان مقدس وارد شده اند. ورزشکاران ضمن عملیات ورزش باستانی دائماً "با ذکر مذهبی و گفتار اخلاقی خود را مشغول مینمایند. خوشبختانه یکی از دست آوردهای انقلاب اسلامی ایران، بازگشت مجدد سنتهای مقدس دیرین به زورخانه ها است که در قرن اخیر سعی در نابودی اساس آن شده و توجه به جنبه های تشریفاتی آن افزون تر گشته بود. جای شک و شبهه ای نیست بزرگترین گامی که نهاد زورخانه در جهت بقای خود برداشته همان پاسداری از آداب و سنت وابسته به آن است که هر یک از این آداب و سنن کاربردی دارند و هیچکدام خالی از علت نمی باشند. در بالای گود و گرداگرد آن غرفه های ساخته شده که جای نشستن تماشاچیان و گذاشتن جامه ورزشکاران و لنگ بستن و تنکه پوشیدن آنان است، یکی دو غرفه از این غرفه ها نیز جایگاه افزارهای ورزشی است.

جامه های ورزش باستانی:

تنکه - شلوار کوتاهی است که کمر را تا زیر ساق پا می پوشانند، و آنرا هنگام ورزش کردن و کشتی گرفتن می پوشند. تنبان را از یک رویه چرمی یا پارچه سبتر و با لایه آستر کرباسی می دوزند. رویه آن بیشتر برنگ آبی است، کمر و نشیمنگاه و سر دو زانوی تنکه از چرم است روی رانهای تنکه گل و بوته های بزرگی بیشتر بوته جقه سر کج قلابدوزی شده است. در فن های کشتی پهلوانی محل بالای تنکه را "برج" و پیش روی تنکه را که زیر شکم می افتد "پیش قبض" و روی زانو را "پیش کاسه" و یا "سر کاسه" و پشت زانو را "پس کاسه" می نامند.

لنگ - لنگی که ورزشکاران در زورخانه استفاده میکنند، همان لنگی است که امروزه در گرمابه بکار میرود. باستانیکاران لنگی روی زیر شلوار خود می بندند و در گود میروند. روش بستن آن چنین است:

دوسر از پهنای لنگ را در کمرگاه بر روی ناف گره میزنند و پائین لنگ را که آویزان است از پشت پا میگیرند و از میان دو پا بالا میبرند و در پشت گره زیر ناف فرو میکنند.

افزارهای ورزش زورخانه‌ای:

۱ - افزارهای مربوط به مرشد:

ضرب: ضرب زورخانه‌تنیکی است بزرگ، که بدنه آن از خاک رس، درکارگاههای سفالگری ساخته میشود و پوست آن معمولا "از پوست آهو میباشد.

زنگ:

یکی از ابزارهای مرشد است که برای علامت اخطار به احترام واردین و خارج شوندگان، بکار میرود، شکل آن کاسه‌ایست که بطور وارونه به زنجیری آویخته شده است، و در میان آن منگوله فلزی قرار دارد. جنس زنگ در گذشته از پولاد آبدیده ساخته میشد ولی امروزه اکثرا "از آلیاژ هفت جوش یا برنج می‌سازند.

منقل:

یکی دیگر از ابزارهای مرشد منقل است، که در اشکال و اندازه‌های گوناگون از حلبی ساخته میشود. (۱) درون آن آتش گذاخته‌ایست که با حرارت آن پوست ضرب را گرم میکنند تا کشیده شود و صدایش رساتر درآید. معمولا "این منقل زیرپای مرشد و جلوی ضرب قرار میگیرد.

۲ - افزارهای مربوط به ورزشکاران:

این افزارها را به ترتیبی که ورزشکاران باستانی‌کار از آن استفاده میکنند در زیر می‌آوریم:

سنگ:

سنگ: امروزه از تخته الوار جنگلی می‌سازند و یک بُر آن هلالی است. درازای سنگ یکمتر و پهنای آن هفتاد سانتی‌متر است. در میان سنگ سوراخی است که در آن دستگیره‌ای گذاشته‌اند و روی آنرا با نمد پوشانیده‌اند تا دست سنگ‌گیرنده را زخم نکند، وزن هر دو سنگ تقریبا "از چهل کیلو تا صد کیلوگرم است. سنگی که در زورخانه‌ها مرسوم بوده است در آغاز از سنگ ساخته میشد، سنگ را در قدیم "سنگ زور" و "سنگ نعل" هم می‌نامیدند.

(۱) - اخیرا "از منقل‌های الکتریکی برای گرم کردن ضرب نیز استفاده می‌شود.

در فرهنگ‌های فارسی وضع ساختمان " سنگ زور " و " سنگ نعل " یکسان و جنس هر دو را از چوب نوشته‌اند .

تخته شنا: چوبی است هموار به درازای هفتاد و پهنای هفت و ستبری دو سانتیمتر و گاهی در اندازه‌های کوچکتر و بزرگتر هم ساخته میشود . به زیر تخته شنا نزدیک به دو سر آن دوپایهء ذوزنقه‌ای به بلندی چهار سانتیمتر میخکوب شده است .

میل ورزش: افزاری است چوبی و کله‌قندی شکل و توپر ، ته آن گرد و هموار است ، در بالای آن دسته‌ای به درازای پانزده سانتیمتر فروبرده‌اند . وزن هر میل از پنج کیلو تا چهل کیلوگرم است .

میل بازی: بسان میل ورزش است ولی دسته‌اش بلندتر از دستهء میل ورزش و وزنش کمتر از آن است تا در هنگام بازی و پرتاب کردنش بهوا ، گرفتنش آسان باشد ، وزن هر میل بازی از چهار تا شش کیلوگرم بیشتر نیست .

کباده: افزاریست آهنی ، مانند کمان و سراسر تنه آن از آهن است و درمیانش " جادستی " دارد . درازای آن نزدیک به ۱۱۰ تا ۱۳۰ سانتیمتر است . چله‌کباده از زنجیر و تعداد حلقه‌های آن معمولاً " شانزده عدد است . در هر حلقه زنجیر شش پولک آهنی وجود دارد . در میان این چله یک میلهء آهنی کوتاه به منظور " جادستی " ، دو قسمت حلقه‌ها را به هم متصل کرده است . وزن کباده معمولاً " از ده کیلو تا چهل کیلوگرم میباشد ، گاهی نیز کباده‌های سنگینتر و سبکتر هم می‌سازند و به کار می‌برند . کباده‌های سبک اصولاً " برای تازه‌کارها و سنگین برای باستانیکاران سابقه‌دار و پیشکسوتها ساخته میشود .

گردانندگان زورخانه:

مرشد — امروزه در زورخانه به کسی می‌گویند که آوازی خوش دارد و راوی اندیشه‌های حماسی و انقلابی برای ورزشکاران و مشوق آنان به مردی و مردانگی و پهلوانی است . هنگام ورزش باستانی مرشد در محل سردم می‌نشیند و با خواندن شعرهای عرفانی و رزمی ، ورزشکاران را به مبارزه با بدخواهان و دشمنان میهن و دین تشویق می‌کند و آنها را به حرکت و امیدارد . او با آهنگهای گوناگون ، که هر کدام ویژهء یکی از حرکات ورزشی است ، ضرب می‌گیرد ، و صدای ضرب و آواز خود را با حرکات ورزشکاران هم‌آهنگ می‌کند ، در قدیم مرشد یا " کهنه‌سوار " کسی بود که کار آموزش پهلوانان با

او بود، کهنه‌سوار در هنگام ورزش لنگی به دوش می‌انداخت و چوبی هم که به آن "تعلیمی" می‌گفتند در دست می‌گرفت و در کنار گود می‌نشست و باستانیکاران یا کشتی‌گیران را در کارهای ورزشی و کشتی‌گیری راهنمایی می‌کرد. انتخاب کهنه‌سوار از میان پهلوانان کهنسال و آزموده صورت می‌گرفت.

زورخانه‌دار: به کسی گفته می‌شود که صاحب زورخانه است و در پاره‌ای موارد، سرپرستی ورزشکاران را نیز به عهده می‌گیرد.

مشت مالچی: کسی است که پیش از ورزش به ورزشکاران و پهلوانان لنگ و شلوار کشتی می‌دهد، و گاهی پس از ورزش برخی از آنها را مشت و مال می‌کند تا خستگی از تنشان به در رود. در ضمن پادوئی زورخانه نیز با مشت مالچی است.

مقام ورزشکاران در زورخانه:

نوچه - به جوان ورزشکاری گفته می‌شود که زیر نظر پهلوانی، فن‌های کشتی را می‌آموزد و شاگرد او به‌شمار می‌رود و او از نظر تردستی و چابکی برگزیده‌ترین شاگردان آن پهلوان است.

نوخاسته: جوان نوچه‌ایست که آزمودگی و پهنه‌کارهای ورزشی خود را گسترش داده و برای کشتی‌گرفتن و ورزش‌های "توگودی" به زورخانه‌های دیگر می‌رود.

ساخته: وقتی در این دوره هم با رموز زورخانه و هنر فنون کشتی کاملاً آشنا شد و بدن قوی و نیرومندی یافت به مرحله ساخته نائل می‌گردد.

پهلوان: عنوان پهلوانی یا پهلوان به کسی گفته می‌شود که بسیار آزموده و - چابک و کارکرده باشد و تمام مراحل باستانی را از نوچگی، و ساختگی پشت سر گذاشته و در تمام فنون کشتی و ورزش باستانی هم‌اوردی نداشته باشد تا به مرتبه کمال پهلوانی و پیشکسوتی برسد.

میاندار. ورزشکاری است که در گود روبروی مرشد و میان ورزشکاران می‌ایستد و گرداندن ورزش و پیش و پس انداختن عملیات ورزشی را به عهده می‌گیرد. ورزشکاران به‌اونگاه و از حرکات ورزشی او پیروی می‌کنند. میاندار باید مانند پیشکسوت آزموده و آگاه از همه گونه ریزه‌کاری‌های یکایک آنها باشد، معمولاً "پیشکسوت هر زورخانه میاندار آنجا می‌شود.

پیشکسوت: و بالاخره والاترین مقامی که در زورخانه وجود دارد مقام پیشکسوت است. پیشکسوت در زورخانه به کسی می‌گویند که سالمندتر و آزموده‌تر از ورزشکاران دیگر باشد. پیشکسوت از همه گونه ورزش‌های باستانی و ریزه‌کاری‌های یکایک آنها

آگاه است و می‌تواند بهتر و سنگین‌تر از دیگران ورزش‌های باستانی را انجام دهد و در جوانمردی و فروتنی در میان مردم به حسن اخلاق معروف باشد.

شیوه عملیات ورزش باستانی: سنگ گرفتن

سنگ‌گیر در بالای گود، در جایی که لنگ یا زیلو انداخته‌اند، به پشت می‌خوابد و دو دست خود را چنان می‌گیرد که سرهای هلالی آندوبه‌سوی سرش باشد، سنگ‌گیر وقتی سنگ‌ها را از جادستی گرفت، نخست محل جادستی را می‌بوسد و شروع به حرکت می‌کند و هر بار روی پهلوی چپ و راست می‌غلطد. هنگامی که بر پهلوی چپ است سنگی را که در دست راست دارد مستقیم چنان بالا می‌برد که بازوی خمیده‌اش راست شود و به همان شیوه، زمانی که بر پهلوی راست می‌غلطد سنگی را که در دست چپ دارد، مستقیم به بالا می‌برد. اینگونه سنگ گرفتن را "غلطان" یا "تکی" می‌گویند. گونه دیگر سنگ گرفتن آنست که ورزشکار به پشت می‌خوابد و پاهایش را دراز می‌کند و دو سنگ را با هم پی‌درپی روی سینه بالا و پائین می‌برد به طوری که بازوها به ساعد به چسبد، این سنگ گرفتن را "جفتی" می‌نامند.

مرشد، سنگ گرفتن ورزشکار را تا ۱۱۴ یا ۱۱۷ بار می‌شمارد، و اگر سرگرم ورزشکاران درون گود باشد، یکی از دوستان سنگ گیرنده و یا پهلوانی که از شمارش سنگ‌ها آگاهی دارد، سنگ‌های او را می‌شمارد، شماره ۱۱۷ و ۱۱۴ میان باستانی کاران مقدس است و مرشد یا پهلوان از این دو شماره بیشتر نمی‌شمارد.

جای ایستادن ورزشکاران در گود:

در گود زروخانه هر یک از باستانی‌کاران به فراخور مقام خود در جایی می‌ایستند، کارکشته‌ترین و آزموده‌ترین و سالمندترین آنها که "پیشکسوت" دیگران خواهد بود. "میاندار" می‌شود و میان گود روبروی مرشد می‌ایستد، ورزشکاری که پس از او از ورزشکاران دیگر سالمندتر است پای "سردم" می‌ایستد. اگر در میان ورزشکاران "سید"ی باشد و در ورزش باستانی پختگی چندان هم نداشته باشد پای سردم می‌ایستد و اگر شایستگی میانداری داشت در میان گود می‌رود و میانداری می‌کند. در این صورت پیشینه‌ترین ورزشکار روبروی او پای "سردم" یا پشت او می‌ایستد. ورزشکاری که از دیگران ناآزموده‌تر و ناپخته‌تر است و به او "تازه‌کار" می‌گویند، جایش در گود پشت سرمیاندار است. دیگر ورزشکاران از بزرگ تا کوچک (از نظر آزمودگی) به ترتیب کنار گود دورادور میاندار می‌ایستند.

انواع شنا :

شنای کرسی : با گفتن یا الله مرشد که به دنبال خواندن سرنوازی است شنای کرسی شروع می شود در این حالت بدن روی تخته شنا با چند سانتیمتر فاصله ، نزدیک زمین قرار می گیرد و زاویه ساعدها و بازوها به حداقل می رسد و در جواب " میاندار " همه میگویند : یا الله - و بدن خود را بالا آورده و از روی تخته شنا به عقب می کشند و بحالت نخست برمی گردند و گردن را به پائین و بالا و راست و چپ حرکت می دهند ، آنقدر این حرکت ادامه دارد تا میاندار بگوید : " آری مرشد جان " و یا دستش را از روی تخته شنا بلند می کند و مرشد به زنگ می زند و با صدای ضرب و با خواندن اشعار مذهبی و حماسی شنای " دو شلاقه " آغاز می شود .

شنای دو شلاقه : همان شنای کرسی است با این تفاوت که دوبار پیایی شنا می روند و پس از لحظه ای درنگ ، خستگی در می کنند و سپس دوبار دیگر پیایی شنا می روند . این گونه شنا تا پایان ادامه دارد .

شنای پیچ : برای انجام این حرکت نخست دستها را روی تخته شنا کمی باز می گذارند ، و پاها را در عقب و برابر آن جفت می کنند ، و سینه روی تخته شنا پائین می آید و در فاصله دو سانتیمتر بالای آن قرار می گیرد . و زاویه بازوها تنگتر می شود . در این هنگام مرشد به زنگ زده و در ضمن شمارش شنا ، ضرب می گیرد و چنین می گوید : یکی و دوتا ، سه تا و چهار تا ، پنج تا و شش تا ، هفت تا و هشت تا ، نه تا و ده تا ورزشکاران با آهنگ ضرب و به شماره یک روی شانه چپ فرود می آیند ، و سمت چپ سینه تا حد تماس به تخته شنا نزدیک می شوند تا جایی که زاویه دست چپ به ده درجه برسد و شانه راست و سینه سمت آن بالا رفته و زاویه دست راست تا ده درجه باز می شود و سر در میان آن قرار می گیرد و تمام بدن با پاها جفت بهم ، به سمت چپ روی پهلوی می غلتد و به شماره دو ، همین حرکت با شرحی که داده شد بسوی راست گشتن بدن انجام می گیرد .

نرمش : ورزشکاران پس از پایان شنا بر می خیزند و بی آنکه تخته شنا را از کف گود بردارند برای در کردن خستگی ، نرم و آرام بدن خود را تکان می دهند و این حرکت را نرمش می نامند .

میل بازی و میل گرفتن :

مقدمه : میل گرفتن ، میل بازی است که به طور انفرادی وسیله یکی از ورزشکاران انجام می پذیرد . هر ورزشکاری یک جفت میل در خور توانائی و قدرت بدنش برمی دارد و در گرداگرد گود می ایستد . " میل باز " قدم بمیان گود می گذارد و با بوسیدن خاک

گودو با رخصت گرفتن از حاضرین و مرشد و میاندار، میل‌های مخصوص بازی را که وزنش تقریباً ۳ کیلوگرم است بر می‌دارد. روبه سردم و مرشد می‌ایستد و میل‌ها را با لنگر به حرکت در می‌آورد.

میل گرفتن سه گونه است:

۱- میل سنگین: ورزشکاران با آهنگ و آواز مرشد آرام و سنگین یکبار میل دست راست را روی شانه و پشت و پهلوی و سینه راست می‌چرخانند و میل دیگر را پیش سینه چپ رو به بالا نگه می‌دارند، و بار دیگر میل دست چپ را روی شانه و پشت و پهلوی و سینه چپ می‌چرخانند و میل دیگر را پیش سینه راست رو به بالا نگه‌میدارند، اینکار به این روش ادامه می‌یابد.

۲- میل چکشی - ورزشکاران با آهنگ ضرب مرشد که تند و با شتاب است میل را بر روی شانه‌ها و پشت و پهلوی و سینه به تندی می‌چرخانند، بدون آنکه آنها را به شانه تکیه دهند.

۳- میل جفتی - نخست دومیل را در برابر هم روی سینه نگه‌میدارند، سپس پی‌درپی با هم به پس می‌برند و باز می‌گردانند.

خم‌گیری: ورزشکاران پس از میل گرفتن برای در کردن خستگی، دسته میل‌ها را در دست می‌گیرند و ته آنرا بر کف‌گود می‌گذارند و میل‌ها را تکتک پیش و پس می‌برند و می‌نشینند و بلند می‌شوند. اینگونه نرمش و میل گرفتن را "خم‌گیری" می‌گویند.

پازدن: میاندار در میان گود می‌ایستد و ورزشکاران پیرامون او گرد می‌آیند، و به ترتیب زیر عمل می‌کنند:

پازدن به خاطر پیچیده بودن و دقیق و دشوار بودنش در صورت آشنائی به فنون آن در واقع یک هنر است. باستانی‌کاران در زورخانه، میان گود ۵ نوع پا می‌زنند.

۱- پای نرم - که در واقع مقدمه پازدن است، ورزشکار پنجه یک پا را اندکی از زمین بلند می‌کند و بر روی پنجه پای دیگر خود را تکان می‌دهد و به آرامی پیش و پس می‌رود.

۲- پای اول - ورزشکار روی پنجه پای می‌ایستد و پاها را پی‌درپی به چپ و راست می‌گذارد. بدینگونه که یکبار پای راست را در کناره بیرونی پای چپ می‌گذارد و اینکار را تند و پی‌درپی ادامه می‌دهد و در همین حال تن خود را نرم و آرام می‌جنباند.

۳- پای جنگلی: ورزشکار روی پنجه‌های پا می‌ایستد و با آواز ر صدای ضرب

مرشد یکبار سنگینی بدن خود را روی پنجه پای چپ می اندازد و پای راست را به پیش پرتاب می کند. و بار دیگر روی پنجه پای راست می ایستد و پای چپ را به پیش پرتاب می کند اینکار تند و پی در پی انجام می گیرد.

۴- پای تبریزی: الف - پای اول: ورزشکار هماهنگ با ضرب مرشد، هر بار بریکی از دو پای خود تکیه و پای دیگر را به پیش پرتاب می کند، در این حرکات دستها نیز به آرامی می جنبند.

ب - پای دوم: پس از پای اول، میاندار از میان گود با دست به مرشد اشاره می کند و مرشد بی درنگ آهنگ ضرب را تند می کند و میاندار بشرح زیر (دوپا) می زند، یکبار پای راست و بار دیگر پای چپ را به پیش پرتاب می کند و آنگاه پاها را یکی یکی کمی از زمین برمی دارد و می گذارد و در این حال تمام بدن خود را نیز به نرمی تکان می دهد.

ج - پای سوم: پس از پای دوم میاندار باز با دست به مرشد اشاره می کند و مرشد آهنگ ضرب را عوض می کند. در این هنگام میاندار "سه پا" می زند و دیگران از او پیروی می کنند، سه پا زدن مانند دو پا زدن است با این فرق که ورزشکار سه پا را پشت سر هم یکی پس از دیگر به جلو یا به پهلو پرتاب می کند و آنگاه کمی درنگ کرده و دوباره به همین روش پا می زند.

۵- پای آخر: ورزشکار روی پنجه های دوپا می ایستد و با آواز و ضرب مرشد تند و پشت سر هم پاها را بلند می کند و یکی پس از دیگری به عقب می برد و باز می گرداند گویی دهنده ایست که در جای خود ایستاده و پیش نمی رود.

چرخ زدن:

چرخ زدن ۵ گونه است:

۱- چرخ جنگلی: ورزشکار در میان گود می آید و دستها را در امتداد شانه نگه میدارد و به نرمی خود را تکان می دهد و آرام و هماهنگ با صدای ضرب مرشد، دور گود می چرخد.

۲- چرخ تیز: ورزشکار در میان گود یا دور گود بسیار تند و سریع به دور خود می چرخد، گاهی سرعت چرخ آنقدر زیاد می شود که هیکل چرخنده را نمی توان تشخیص داد.

۳- چرخ سبک و چمنی: ورزشکار در چرخ سبک و چمنی نه تند و نه آرام بلکه سنگین و زیبا به دور خود می چرخد و با چرخ، دورگود را هم می پیماید.

۴- چرخ تک پر: ورزشکار پس از یکبار به دور خود چرخیدن، یکبار بهوای جهد و در هوا چرخشی به دور خود می‌زند. گاهی هم چرخنده دو دست خود را رویهم بر سینه می‌گذارد و چرخ می‌زند. معمولاً "ورزشکار" تک‌پر "ها را در هوا و در گوشه‌های گود انجام می‌دهد.

۵- سه تک پر: ورزشکار سه بار به دور خود می‌چرخد آنگاه یک "تک‌پر" در هوا می‌زند، مرشد برای هر یک از چرخها آهنگ ویژه‌ای بر ضرب می‌گیرد.

کباد کشیدن:

کباد را همه ورزشکاران نمی‌کشند و کسانی که بخواهند کباد بکشند، پس از چرخ زدن دوتا، دوتا و یا تک‌تک از مرشد یا پیشکسوت "رخصت" می‌گیرند و هر کدام کبادهای بر می‌دارند و پس از بوسه زدن بر محل جای دستی، با دو دست در بالای سر نگه می‌دارند. کباد کشیدن بدینگونه است که ورزشکار کمان کباد را با دست راست و زنجیر آنرا با دست چپ می‌گیرد، (برخی هم از ورزشکاران برعکس) و بالای سر، در حالی که دو بازوی او کمی تا شده است نگه می‌دارد، و با ضرب و آواز مرشد، یکبار دست راست را در امتداد شانه نگه می‌دارد و دست چپ را بر روی سر خم می‌کند و می‌خواهاند و بدینگونه ورزشکار کباد کشیدن را ادامه می‌دهد، او باید به روی پنجه‌های دو پا به ایستد و با حرکت آهسته و نرم پا به پا بشود و پیش و پس برود.

مراسم گل‌ریزان:

در صورت بروز مشکلی برای یک ورزشکار یا پهلوانی که ریشه عمیق در نهاد زورخانه دوانده است، این نهاد از نظر تشکیلاتی، خود را موظف می‌داند که در حل آن بکوشد، چون در گذشته برای اصناف و گروه‌ها و قشرها تأمین اجتماعی و امید به آینده وجود نداشت، و قشرهای زورخانه رو هم از این قاعده مستثنی نبودند، لذا اگر پهلوانی دچار مشکلی می‌شد و شیرازه زندگیش از هم گسیخته می‌گشت، موضوع تعاون در زورخانه کار کرد خود را در قالب رسم "گل‌ریزان" بروز می‌داد.

گردانندگان زورخانه تصمیم به برپائی یک جشن در زورخانه می‌گرفتند، و چون همیشه مذهب تسلط عمیق در زورخانه داشت و زورخانه در سایه مذهب و فتوت و جوانمردی رشد می‌کرد و به اهداف خود جامه عمل می‌پوشانید، لذا برای این جشن نیز یکی از شبهای ماه مبارک رمضان را در نظر می‌گرفتند، مسئولین زورخانه برای

تمام ورزشکاران صاحب نام و نشان و برای کلیه سرشناسان و بزرگان محل دعوتنامه می فرستادند و علت جشن را نیز ذکر می کردند و کلمه " همت عالی " نیز گویای کمک نقدی بود .

دعوت شدگان با خود دسته گلهایی می آوردند ، و در و دیوار زورخانه را با گل آذین می بستند ، با شیرینی و میوه از میهمانان پذیرائی می شد ، پس از یک دور ورزش باستانی و چند کشتی میان پهلوانان بنام ، پیشکسوت ورزشکاران زورخانه ، درباره سجایای انسانی و ایمان مذهبی و قدرت ورزشی پهلوان مورد نظر داد سخن می داد ، نظرا احترام آمیز همگان رانسبت به او جلب می کرد . پس از آن وجهی که در این مراسم گردآوری می شد ، اختصاص به آن ورزشکار داشت که سرمایه ای برایش باشد و زندگی را از سر نو شروع کند .

فهرست مطالب و فصول کتاب

صفحه	عنوان
	فصل اول: آغاز تمدن و پیشرفت
۴۳	فرهنگ در ایران
	آغاز سخن
	بخش یکم: آغاز زندگی و سابقه
۵۷	تمدن در ایران
۵۷	جدول زمانی دوره‌های تمدن ایران
۶۷	بخش دوم: سیر اندیشه در ایران
۷۴	عصر ودایی
۷۷	دین آریاها در عصر ودایی
۷۸	زروانیان
۸۳	مهرپرستی
	آئین مانی
	آئین مزدک
	اندیشه دینی پس از اسلام
	۱ - عرب و اسلام
۹۷	۲ - اسلام در ایران
	مذهب شیعه
	فرقه‌های شیعه
	اثنی عشری
	فقه شیعه
	بخش سوم: میراث فرهنگی و علمی
	ایرانیان
	بخش چهارم: خدمات ایرانیان به
	اسلام
	۱ - در قرائت و تفسیر قرآن
	۲ - در فن حدیث
	۳ - در فن فقه
	۴ - در ادبیات
	۵ - در کلام و فلسفه
	۶ - در ذوق و صنعت
	بخش پنجم: آثار هنری ایران
	شرح حال، تنی چند از نام‌آوران
	فرهنگ و تمدن ایران اسلامی
	فصل دوم: اوضاع طبیعی ایران
	بخش یکم: مشخصات طبیعی و
	اکولوژی فلات ایران
	بخش دوم: مشخصات کلی جغرافیای
	طبیعی ایران
	بخش سوم: آب و هوا و تقسیم بندی
	مشخصات اقلیمی

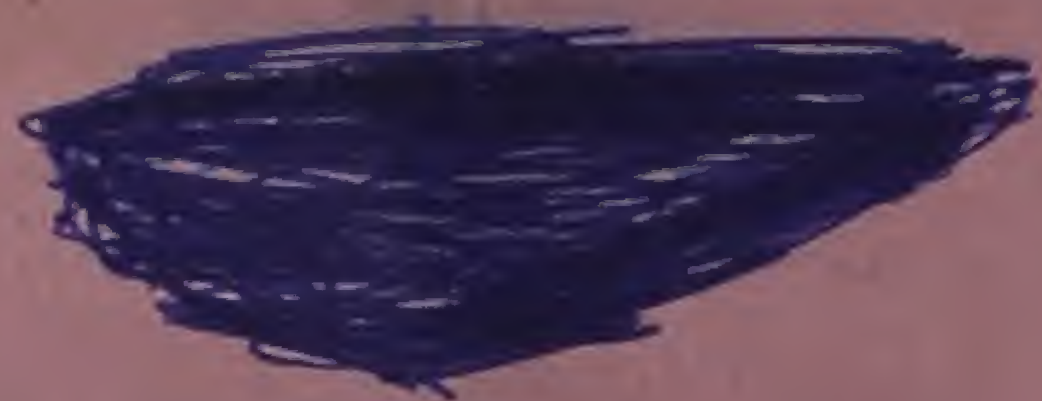
صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۵۷	چشمه‌های معدنی و آب‌های عمقی	۱۴۴	بخش چهارم : کوهها ، آب‌ها و رودخانه‌ها
۲۶۷	بخش ششم : رستنی‌ها :	۱۴۴	الف - کوهها و دشت‌ها
۲۷۱	رستنی‌های برگ‌پهن جنگلی	۱۵۸	جدول کوههای معروف ایران
۲۷۵	رستنی‌های استپ کوهستانی	۱۶۱	ب - آب‌ها و جزایر ایران
۲۷۵	رستنی‌های فلاتی	۱۶۱	۱ - خلیج فارس و دریای عمان
۲۷۶	رستنی‌های بیابانی فلات ایران	۱۶۳	مشخصات جزیره‌های ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز
۲۷۸	ساحلی جنوب ایران	۱۶۵	ابعاد و مشخصات خلیج فارس
	رستنی‌های ساحل جنوب	۱۶۵	۲ - بخش جنوبی دریای خزر
۲۸۰	دریای خزر	۱۶۹	۳ - آب‌های داخلی
۲۹۰	جداول تولیدات کشاورزی	۱۷۰	آبگیرهای ایران
۳۴۰	بخش هفتم : حیوانات ایران :	۱۷۲	الف - آبگیرهای کناری دریایی
۳۵۱	اطلاعات آماری درباره شیلات ایران	۱۷۸	ب - آبگیرهای مسدود کناری
۳۶۳	مهمترین دام‌های خانگی ایران	۱۸۰	پ - آبگیرهای بسته درونی
۳۶۶	بخش هشتم : راهها و حمل و نقل ایران	۱۸۸	جدول رودهای بزرگ ایران
	اطلاعات آماری درباره راهها	۱۹۴	دشت‌ها و کویرهای ایران
	و وسایل حمل و نقل زمینی ،	۱۹۵	دریاچه‌های بزرگ ایران
۳۷۲	دریایی و هوایی	۱۹۸	اطلاعات آماری درباره برق ایران
۳۹۴	مسافات راه‌های کشور	۲۱۲	مشخصات سدهای ایران
	فصل سوم : اوضاع سیاسی ایران	۲۱۸	بخش پنجم : زمین شناسی و معادن ایران
۴۵۲	بخش یکم : مرزهای سیاسی ایران		وضعیت کنونی معادن ایران :
۴۶۴	مرزهای کنونی ایران	۲۴۰	۱ - نفت و گاز
	بخش دوم : رویدادهای مهم		اطلاعات آماری درباره نفت و گاز کشور
۴۷۰	تاریخ ایران	۲۴۲	۲ - سایر معادن
۴۷۰	الف - رویدادهای سلسله ماد	۲۴۹	
۴۷۱	ب - رویدادهای سلسله هخامنشی		
۴۷۳	حمله اسکندر و انقراض هخامنشی		

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
پ - رویدادهای سلسله اشکانی	۴۷۵	عشایر منطقه کردستان و اطراف آن	۵۸۷
ت - فراز و نشیب سلسله ساسانی	۴۷۶	مختصری از آداب و رسوم طوایف	
ث - قیام ایرانیان و حمله مغول	۴۷۸	کردستان	۵۸۹
حکومت‌های مختلف بعد از		عشایر باختران	۵۹۲
اسلام تا صفویه	۴۸۰	آداب و رسوم عشایر باختران	۵۹۵
ج - تشکیل سلسله صفوی	۴۸۱	عشایر لرستان	۶۰۱
چ - سلسله افشاریه	۴۸۳	عشایر اصفهان	۶۰۵
ح - جنگهای ایران و روس	۴۸۴	رسوم ایلات و عشایر اصفهان	۶۰۸
جدول‌های تاریخی	۴۸۶	عشایر فارس	۶۱۲
بخش سوم: ترکیب نژادی جمعیت ایران	۵۱۰	رسوم عشایر فارس	۶۲۱
گروه‌های ایلاتی	۵۱۲	عشایر کرمان	۶۳۳
گروه‌های نژادی دیگر	۵۱۶	رسوم عشایر کرمان	۶۳۶
کوچ‌نشینی در ایران	۵۱۸	پراکندگی عشایر ایران	۶۴۹
قلمروهای عمده کوچ‌نشینی در ایران	۵۲۰	بخش چهارم: جمعیت ایران و	
عشایر ایران	۵۲۳	سرشماری آن	۶۶۳
تاریخچه ایلات و عشایر ایران	۵۲۸	بررسی نتایج سرشماری عمومی	
تقسیم کار در میان عشایر ایران	۵۳۳	نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۵۵ ایران	۶۷۴
صنایع دستی در عشایر ایران	۵۳۸	جدول تقسیمات استانها	۶۹۲
وضعیت عشایر ایران	۵۴۵	آمارهای گوناگون در عصر انقلاب	
ترکمن‌های ساکن ایران	۵۴۶	اسلامی	۷۵۳
خانواده در میان ترکمن‌ها	۵۵۱	اطلاعات آماری درباره بانک،	
نقش زن در جامعه ترکمن	۵۵۵	پول و بورس کشور	۷۹۱
قالی و ترکمن	۵۵۶	اطلاعات آماری درباره بازرگانی	
قالی ایران	۵۶۴	خارجی کشور	۷۹۸
عشایر آذربایجان	۵۷۳	بخش پنجم: آداب و رسوم ایرانیان	۸۲۳
آداب و رسوم ایلات و عشایر عمده		آداب و رسوم در زندگانی انفرادی	۸۲۳
آذربایجان	۵۷۹	ازدواج و آداب و رسوم آن	۸۲۶

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۸۴۰	آداب و رسوم اجتماعی	۸۲۹	کار و تامین معاش
۸۴۰	زمان و تقویم		سلامت جسم و روح
۸۴۲	اعیاد و ماتمهای مذهبی	۸۳۱	بازی، ورزش و تفریح
۸۴۳	جشن و سوگواریهای ملی	۸۳۵	اغذیه و مشروبات ایرانی
۸۴۶	ورزش و زورخانه در ایران	۸۳۶	آرایش، پیرایش و پوشش
		۸۳۸	آداب معاشرت، میزبانی و میهمانی

فهرست منابع و مآخذ عمده کتاب :

نام	مؤلف یا ناشر
امثال و حکم	علامه علی اکبر دهخدا
ایران شهر (۲ جلدی)	کمیسیون ملی یونسکو
خدمات متقابل ایران و اسلام	استاد شهید مرتضی مطهری
سالنامه های آماری ایران (سالهای ۶۱ - ۱۳۵۹)	مرکز آمار ایران
سهم فرهنگ ایران در پیشرفت بشریت	سید محمد باقر حجتی
سیر اندیشه های دینی ایران	دکتر جواد مشکور
شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران	مؤسسه گیتاشناسی
علل و زمینه های پیروزیها و شکست های ایرانیان	عزیزالله بیات
فرهنگ جغرافیائی ایران	اداره جغرافیائی ارتش
فرهنگ جغرافیایی کوههای ایران	اداره جغرافیائی ارتش
فصلنامه کوچ (بهار ۱۳۶۲)	
مجموعه کوچ (شماره اول - پاییز ۱۳۶۱)	
مرزهای ایران در دوران تاریخ	دره میرحیدر
مسافات راه های کشور (۱۳۶۲)	وزارت راه و ترابری
مقدمه بر جغرافیای انسانی	دکتر کاظم ودیعی



JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar



JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

منتشر شده است :

منشآت قائم مقام

بخط زیبای نستعلیق

با تصحیح و مقدمه محمد عباسی

دستور نامه در صرف و نحو زبان

فارسی

تألیف دکتر محمد جواد مشکور

تاریخ طبیرستان و رویان

و مازندران

تألیف: سید ظهیرالدین مرعشی

سفر نامه ابن فضلان

ترجمه: سید ابوالفضل طباطبائی

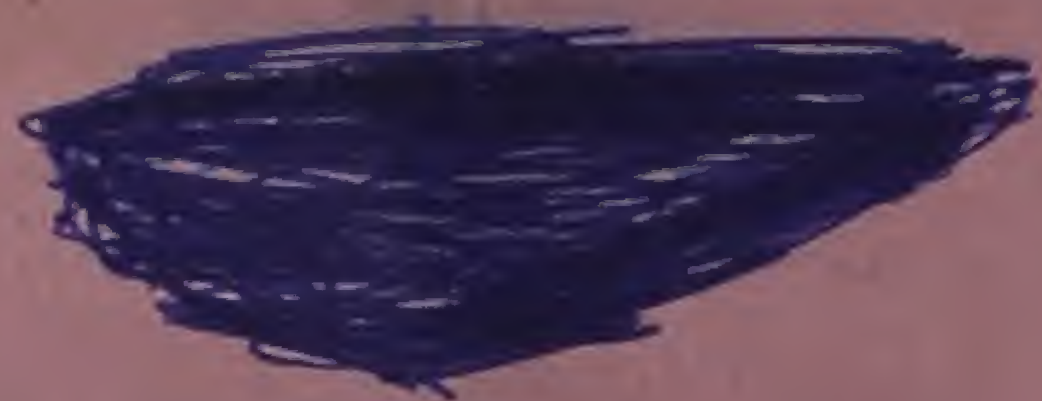
فرهنگ جامع آلمانی بفارسی

تألیف: محمد عباسی

خاطراتی از مأموریت های من

در آذربایجان

بقلم: سرلشگر احمد زنگنه



JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar